



پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
پژوهشکده الهیات و خانواده



فصلنامه مطالعات اخلاق کاربردی

فصلنامه علمی - پژوهشی (ب)

سال پانزدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۴

۸۱

صاحب امتیاز: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

مدیر مسئول: عبدالرسول احمدیان

سر دبیر: اصغر هادی

دبیر تحریریه: سعید خانی

با دآوری می‌شود فصلنامه اخلاق با تغییر عنوان به مطالعات اخلاق کاربردی، با استناد به مصوبه شماره ۵۷۳ مورخ ۱۳۸۷/۰۴/۱۶ شورای عالی حوزه‌های علمیه و با توجه به ارزیابی کمیسیون نشریات علمی حوزه، شورای اعطای مجوزها و امتیازات علمی در جلسه مورخ ۱۴۰۱/۰۲/۱۲ رتبه علمی - پژوهشی (ب) را دریافت کرده است. مقالات منتشر شده از شماره ۴۳ به بعد دارای رتبه علمی پژوهشی است.

فصلنامه مطالعات اخلاق کاربردی به استناد ماده واحده مصوبه جلسه ۶۲۵ مورخ ۱۳۸۷/۰۳/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی «مصوب شورای عالی حوزه علمیه قم» درخصوص اعطای امتیاز علمی، تأسیس انجمن‌های علمی، قطب‌های علمی و واحدهای پژوهشی و همچنین امتیازات آزاداندیشی در حوزه، دارای اعتبار رسمی بوده و موجد امتیازات قانونی در دانشگاه و حوزه علمیه می‌باشد.

فصلنامه مطالعات اخلاق کاربردی در پایگاه استنادی فایل متنی فصلنامه از طریق سایت «Morsalat.ir»، پایگاه استنادی علوم جهان اسلام «ISC»، بانک اطلاعات نشریات کشور «Magiran»، مرجع دانش «Civilica»، مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی «SID»، پرتال جامع علوم انسانی «Ensani»، پایگاه مجلات تخصصی نور «Noormags» و کتاب‌خوان همراه پژوهان «pajooahaan» و پرتال دفتر تبلیغات اسلامی «http://journals.ete.ir» بارگذاری می‌شود. هیئت تحریریه در اصلاح و ویرایش مقاله‌ها آزاد است. دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقالات صرفاً نظر نویسندگان محترم آن‌هاست. نشانی: اصفهان، خیابان حافظ، دفتر تبلیغات اسلامی اصفهان، فصلنامه علمی - پژوهشی (ب) اخلاق کاربردی.

تارنما: akhlagh.morsalat.ir * پست الکترونیک: akhlagh@dte.ir

تلفن: (۷۳۲۱ داخلی) ۴ - ۳۲۲۰۸۰۰۱ (۰۳۱) * صندوق پستی: ۶۹۷-۸۱۴۶۵

دورنگار: ۳۲۲۰۸۰۰۵ (۰۳۱) کد پستی: ۸۱۴۶۹۵۷۵۷۱

چاپ: مؤسسه بوستان کتاب قیمت: ۸۰۰۰۰ تومان



هیئت تحریریه

(به ترتیب حروف الفبا):

مسعود آذربایجانی

استاد تمام پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

مهدی حبیب الهی

استادیار دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

حسین دیا

استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

محمد رضا سالاری فر

دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

محمد مهدی صفورایی پاریزی

دانشیار مجتمع آموزش عالی علوم انسانی اسلامی جامعة المصطفی العالمیة

مهدی علیزاده

استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

اصغر هادی

استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

داوران این شماره:

سید حسن اسلامی اردکانی، سید محمد کاظمی قهفرخی، محمد فولادی وندا،
سعید خانی، حسن سراج زاده، علی شیروانی شیر، محسن رضائی آدریانی، حسین
دیا، فائزه تقی پور، زینب رستمی، اصغر هادی

راهنمای تنظیم مقاله

ویژگی‌های شکلی مقاله

حتماً با الگوی فصلنامه (مندرج در صفحه اول سامانه نشریه) تنظیم شده باشد؛

۱. حجم مقاله تایپ شده همراه با چکیده و کتابنامه (حداکثر ۷۵۰۰ کلمه) به آدرس سامانه نشریه ارسال شود.

۲. مقاله در محیط Word با پسوند DOCX (با قلم Noorzar نازک ۱۳ برای متن و Times New Roman نازک ۱۰ برای انگلیسی) حروف چینی گردد.

۳. شیوه‌های استناد بایستی به صورت درون‌متنی بین پرانتز به شرح ذیل باشد:

❖ **قرآن:** آیات (همراه با ترجمه) داخل گیومه درج شده و سپس نام سوره و شماره آیه (داخل پرانتز) آورده شود. **نمونه:** «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است» (حمد، ۱).

❖ **کتاب:** (نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار اثر، شماره جلد: شماره صفحه، مثال: منبع فارسی با صفحات متناوب (مطهری، ۱۳۶۰، ج ۱: ص ۲۰۰-۲۲۰) و با صفحات متفاوت (امینی، ۱۳۸۷، ج ۱: صص ۲۰۰ و ۲۰۷)؛ **نکته:** درج (حرف ق) برای تاریخ قمری لازم است. منبع انگلیسی با صفحات متناوب (Kant, 1788: p. 224-288) و با صفحات متفاوت (Kant, 1788: pp. 44, 288).

❖ **مقاله:** (نام خانوادگی، سال انتشار اثر: شماره صفحه. مثال: یاسری، ۱۳۸۵: ص ۷۵).

تذکر:

✓ اگر از یک نویسنده، بیش از یک اثر در مقاله استفاده شود، در صورت اشتراک زمان انتشار آنان، پس از سال انتشار، با ذکر حروف الفبا در گیومه از یکدیگر متمایز شوند. مانند: (مطهری، ۱۳۶۰ «الف»، ص ۲۰۰) یا (مطهری، ۱۳۶۰ «ب»، ص ۱۴۵).

✓ اگر مؤلفان یک اثر بیش از سه نفر باشند، تنها نام خانوادگی یک نفر می‌آید و با واژه «دیگران» به دیگر مؤلفان اشاره می‌شود.

✓ اگر به دو اثر از یک نویسنده، بدون فاصله ارجاع داده شود، به جای تکرار نام نویسنده، از واژه «همو» استفاده می‌شود و به جای تکرار منبع و سال «همان» درج شود. در ارجاع به **منابع لاتین** در

متن به جای واژه «همان» از «ibid»، «همو» از «Idem» و «پیشین» از «op.cit» استفاده شود.
۴. معادل لاتین کلمات غیرفارسی و تلفظ واژگان و اصطلاحات مهجور، داخل متن و پرانتز بیاید.

۵. **عبارات تکریمی:** از کلیشه به جای عبارات تکریمی استفاده شود. مانند: صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به جای (ص)؛ عَلَيْهِ السَّلَام به جای (ع)؛ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ به جای (ره) و عَلَيْهِمُ السَّلَام به جای (علیهم السلام) و... .

۶. فهرست منابع و مآخذ (کتابنامه) در پایان مقاله به ترتیب حروف الفبا و به روش زیر تدوین و درج شود:

- ❖ **کتابها:** نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، *عنوان کتاب (ایرانیک)*، مترجم، جلد، نوبت چاپ، محل نشر: ناشر.
- ❖ **مقالات:** نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، «عنوان مقاله»، نام نشریه (*ایرانیک*)، دوره و شماره نشریه، شماره صفحات مقاله.
- ❖ **منابع الکترونیکی:** نام خانوادگی، نام (تاریخ مشاهده منبع در سایت یا وبلاگ)، «عنوان مقاله یا نوشته»، آدرس دقیق اینترنتی یا دسترسی (CD و...) .
- ❖ **پایان نامه ها:** نام خانوادگی، نام (سال دفاع از رساله)، *عنوان رساله*، مقطع تحصیلی، گروه، نام دانشکده، دانشگاه.

ویژگی های محتوایی مقاله

- الف) صفحه اول شامل:** ۱. عنوان کامل مقاله، نام و نام خانوادگی، مرتبه علمی دانشگاهی و پست الکترونیکی سازمانی نویسنده یا نویسندگان؛ ۲. چکیده فارسی (حداقل ۱۵۰ و حداکثر ۲۵۰ کلمه)؛ ۳. کلیدواژه ها (۳ تا ۷ کلمه) (**ترجمه و ارسال تمامی موارد به لاتین الزامی است**).
- ❖ در صورتی که مقاله برگرفته از پایان نامه باشد یا سازمان و نهادی هزینه مالی پروژه را پرداخت کرده و یا تشکری لازم داشته باشد، باید در پاورقی صفحه اول (چکیده) درج شود.
- ❖ مقاله پیش تر یا هم زمان به مجله های دیگر ارائه نشده باشد و نویسنده به نشر آن در جای دیگر متعهد نباشد.
- ❖ اعضای هیئت علمی، اساتید و محققان مراکز آموزشی و پژوهشی موظف اند در مقاله خود پست الکترونیکی سازمانی خود را وارد کنند.
- ❖ در صورتی که مقاله مشترک است، عنوان (نویسنده مسئول) در پاورقی و در مقابل اسم

او درج شود.

ب) صفحات دوم تا آخر شامل: ۱. مقدمه و طرح مسئله، پیشینه تحقیق، روش تحقیق و گردآوری اطلاعات؛ ۲. تبیین ابعاد مسئله به صورت منطقی شده با رعایت انسجام و هماهنگی مطالب در زیرمجموعه سازی استاندارد (پیگیری از الگوی عددی یا حرف و عدد)؛ ۳. نتیجه گیری؛ ۴. پی نوشت ها (در صورت لزوم)؛ ۵. کتابنامه.

اهداف

تولید و توسعه دانش در حوزه مطالعات اخلاق کاربردی و حرفه ای، با اولویت اخلاق اسلامی؛

تبیین اخلاق کاربردی و حرفه ای همه رشته های تحصیلی و حرفه های شغلی، با اولویت اخلاق اسلامی؛

تبیین اخلاق کاربردی همه شاغلان در همه مشاغل معتبر موجود و کارهای حرفه ای، با اولویت اخلاق اسلامی؛

احیاء تراث در زمینه اخلاق کاربردی و حرفه ای؛

احیاء مروت نامه ها و اخلاق کاربردی در زمان های گذشته؛

مطالعات اخلاق کاربردی و حرفه ای بین رشته ای، با اولویت اخلاق اسلامی؛

توسعه اخلاق کاربردی و حرفه ای، متناسب با نیازهای پژوهشی جهان معاصر.

یادآوری

۱. با توجه به اینکه رویکرد فصلنامه، ناظر به مباحث اخلاق کاربردی است، مقالات پیمایشی در اولویت پذیرش نیستند.

۲. مقاله ارسالی باید گویای نوآوری در مسائل اخلاق و حوزه های مرتبط به ویژه اخلاق کاربردی باشد.

۳. هیئت تحریریه در رد یا قبول و نیز اصلاح مقالات آزاد است.

۴. دیدگاه های مطرح شده در مقالات صرفاً نشانگر نظر نویسندگان آنهاست.

فهرست مطالب

تحلیل گفتمان اخلاقی کارآمدی خانواده در مطبوعات (مطالعه موردی: نشریه خانه خوبان)	
مجید جعفریان	۹
نقش روایت تعاملی در انتقال ارزش های مسئولانه؛ مطالعه موردی بازی رایانه ای من تنها نیستم	
علی رازی زاده	۵۱
تبیین نیازهای اخلاقی معنوی نوجوانان مبتلا به بیماری های سخت درمان؛ تحلیل کاربردی مبتنی بر چهار اصل اخلاق پزشکی	
سعیده حمله داری، احمد فاضلی، روح الله موسوی زاده	۸۹
شناسایی مسائل هوش مصنوعی مولد در سازمان ها با تأکید بر ابعاد اخلاقی و پایدار	
ساناز شفیعی	۱۱۹
کاربست مراسم سوگ و سرور اهل بیت (علیهم السلام) برای تقویت ارزش های اخلاقی خانواده	
اسماعیل ملکوتی خواه، مریم مظاهری	۱۵۷
الگوی اخلاق حرفه ای حسابداری؛ برگرفته از آراء خواجه نصیرالدین طوسی	
یاسر صادقی، مژگان صفا، رضا غلامی جمکرانی، سیدعباس برهانی	۱۸۹



Discourse Analysis of Family Ethical Efficiency in the Press (A Case Study of *Khaneh-ye Khoban* Magazine)*

Majid Jafarian¹ 

1- Assistant Professor of the Institute of Islamic Sciences and Culture, Qom, Iran.
m.jafarian@isca.ac.ir



Abstract

A significant portion of human behavior is shaped by moral values rooted in religious teachings or socially derived traditions. If we accept that the family is the most fundamental institution built upon moral values, and that the press serves as a means to evoke these values within families, then it becomes pertinent to ask: based on the content published in *Khaneh-ye Khoban* magazine during the years 2016 to 2021, what discursive formation of ethics, with a view toward family efficiency, can be identified? This qualitative study employs Norman Fairclough's discourse analysis method to examine ten representative samples. The findings indicate that in addition to drawing upon psychological perspectives on ethics, as well as literature, poetry, and frequent references to Qur'anic verses and traditions, the magazine interprets and promotes moral concepts that play a decisive role in the daily lives of spouses. Within this analytical

*Cite this article: Jafarian; M, (2025). Discourse Analysis of Family Ethical Efficiency in the Press (A Case Study of *Khaneh-ye Khoban* Magazine), *Journal in Applied Ethics Studies*, 3(81), 9-50.

<https://doi.org/1022081/jf.2025.71289.2022>

■ **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Isfahan, Iran). ***Type of article:** Research Article

■ **Received:**2025/03/04 ■ **Revised:**2025/05/23 ■ **Accepted:**2025/08/06 ■ **Publishedonline:**2025/12/05

framework, the magazine's aim is to establish an ethical order in the family and to strengthen every moral element that contributes to the development of such an order. Moreover, based on Ralph Potter's theory of moral discourse, this analysis presents a synthesis of a four-part ethical system comprising principles, rules, ideals, and interconnected, reasonable values, which collectively help shape a general perspective on what ought to happen morally within the family context.

Keywords

Discourse analysis, Discourse formulation, ethics, efficiency, family, *Khaneh Khooban* magazine.





تحليل خطاب الكفاءة الأخلاقية للأسرة في الصحافة (دراسة حالة مجلة خانه خوبان)*



مجيد جعفریان

۱- أستاذ مساعد في معهد العلوم والثقافة الإسلامية، قم - إيران

m.jafarian@isca.ac.ir

ملخص

يتشكل جزء كبير من السلوك البشري من خلال القيم الأخلاقية المتجذرة في التعاليم الدينية أو التقاليد الاجتماعية. إذا سلمنا بأن الأسرة هي المؤسسة الأساسية التي تقوم على القيم الأخلاقية، وأن الصحافة هي أداة لغرس هذه القيم في الأسرة، فمن المناسب أن نتساءل: بناءً على المواد المقدمة في مجلة خانه خوبان، في الفترة من ۲۰۱۶ إلى ۲۰۲۱، أي صيغة خطابية للأخلاق يمكن استخراجها بالنظر إلى كفاءة الأسرة؟ تستخدم هذه الدراسة النوعية منهج تحليل الخطاب لنورمان فيركلوف لدراسة عشر عينات تمثيلية. تشير النتائج إلى أن هذا المنشور، بالإضافة إلى استنادها إلى وجهات نظر نفسية حول الأخلاق والأدب والشعر،

***الاستناد إلى هذه المقالة:** جعفریان، مجيد (۲۰۲۵). تحليل خطاب الكفاءة الأخلاقية للأسرة في الصحافة (دراسة حالة مجلة خانه خوبان). دراسات في الأخلاق التطبيقية، ۳ (۸۱)، صص ۹-۵۰.

<https://doi.org/1022081/jf.2025.71289.2022>

□ نوع المقال: بحثي؛ الناشر: مركز الدعوة الإسلامية في حوزة قم (معهد العلوم والثقافة الإسلامية، أصفهان، إيران) © المؤلف

□ تاريخ الاستلام: ۲۰۲۵/۰۳/۰۴ • تاريخ التعديل: ۲۰۲۵/۰۵/۲۳ • تاريخ القبول: ۲۰۲۵/۰۸/۰۶ • تاريخ الإصدار: ۲۰۲۵/۱۲/۰۵

واعتماده على الآيات والروايات، يتناول تصميم وتفسير تلك المفاهيم الأخلاقية التي تلعب دوراً حاسماً في الحياة اليومية للأزواج. وفي إطار هذا التحليل، يهدف هذه المجلة إلى إرساء النظام الأخلاقي في الأسرة وتعزيز كل عنصر أخلاقي يساهم في تطوير هذا النظام. كما أن هذا التحليل يعتمد على نظرية الخطاب الأخلاقي لـ رالف بوتر، والتي تقدم توليفة من نظام أخلاقي مكون من أربعة أجزاء تتضمن المبادئ، والقواعد، والمثل العليا، والقيم المتناسكة والمعقولة التي ساعدت في تشكيل نظرة عامة لما يجب أن يحدث أخلاقياً في الأسرة.

الكلمات المفتاحية

تحليل الخطاب، الصياغة الخطابية، الأخلاق، الكفاءة، الأسرة، مجلة خانه خوبان.





تحلیل گفتمان اخلاقی کارآمدی خانواده در مطبوعات (مطالعه موردی: نشریه خانه خوبان)*

مجید جعفریان^۱

۱- استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

m.jafarian@isca.ac.ir

چکیده

بخش مهمی از رفتارهای انسانی را ارزش‌های اخلاقی متکی به آموزه‌های دینی یا سنت‌های برگرفته از اجتماع شکل می‌دهند. در صورتی که بپذیریم خانواده ابتدایی‌ترین نهادی است که بر ارزش‌های اخلاقی بنا شده و مطبوعات ابزاری برای تداعی این ارزش‌ها در خانواده‌اند، این پرسش قابل طرح است که براساس مطالب ارائه‌شده در نشریه خانه خوبان، در بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰، چه صورت‌بندی گفتمانی از اخلاق با نگاه به کارآمدی خانواده قابل استخراج است؟ رویکرد در این پژوهش کیفی بوده و از روش تحلیل گفتمان نورمن فرکلاف برای بررسی ده نمونه معرف استفاده شده است. یافته‌ها

* **استناد به این مقاله:** جعفریان، مجید (۱۴۰۴). تحلیل گفتمان اخلاقی کارآمدی خانواده در مطبوعات (مطالعه موردی: نشریه خانه خوبان). مطالعات اخلاق کاربردی، ۳ (۸۱)، صص ۵۰-۹.

<https://doi.org/10.22081/jf.2025.71289.2022>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اصفهان، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۴ □ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۳/۰۲ □ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۵ □ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۹/۰۵



نشان می‌دهد این نشریه، افزون بر استفاده از دیدگاه‌های روان‌شناختی اخلاق، ادبیات و شعر و تکیه بر آیات و روایات، به طرح و تفسیر آن دسته از مفاهیم اخلاقی می‌پردازد که در زندگی روزمره همسران نقش تعیین‌کننده دارند. در چهارچوب این تحلیل، هدف نشریه ایجاد نظم اخلاقی در خانواده و تقویت هر عنصر اخلاقی است که موجب توسعه چنین نظامی می‌شود. همچنین، این تحلیل براساس نظریه گفتمان اخلاقی رالف پاتر، ارائه‌دهنده ترکیبی از یک نظام اخلاقی چهارجزئی شامل اصول، قواعد، آرمان‌ها و ارزش‌های هم‌بسته و معقولی است که به شکل‌گیری دیدگاه کلی درباره آنچه در خانواده باید به لحاظ اخلاقی اتفاق بیفتد، کمک کرده است.

کلیدواژه‌ها

تحلیل گفتمان، صورت‌بندی گفتمانی، اخلاق، کارآمدی، خانواده، نشریه خانه خوبان.



مقدمه

یکی از مهم‌ترین سیاست‌ها برای تقویت خانواده، تأکید بر برجسته‌سازی بنیان‌های اخلاقی از طریق ابزار رسانه بوده است؛ ابزاری که «موجب افزایش سطح آگاهی اعضای خانواده، معرفی الگوهای صحیح رفتاری برای تربیت فرزندان و تقویت باورهای دینی در جامعه شده است» (رشکیانی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۷)؛ از این رو، تولید مجلات عمومی، ساخت فیلم و سریال و برنامه‌های مناسبی تلویزیونی با موضوع خانواده به‌طور جدی در دستور کار برخی از مؤسسات خصوصی و سازمان‌ها و نهادهای مسئول خانواده قرار گرفت؛ اصلی‌ترین هدف آن‌ها برای استفاده از این ابزار، ساخت و ارائه محتوایی متناسب با فرهنگ ایرانی اسلامی و به‌کارگیری شیوه‌ای غیرمستقیم برای حل مسائل مربوط به خانواده و کارآمد کردن آن در ایران و به تبع، پیشگیری از گسست و جدایی خانواده‌ها طی سال‌های اخیر بوده است.

با این حال، پژوهش‌ها نشان می‌دهد مطبوعات عمومی در حوزه خانواده، سهم نسبتاً قابل توجهی در ارائه این محتوا داشته و از این قالب برای ترویج فرهنگ خانواده مطلوب به‌طور جدی‌تری استفاده کرده است. تقریباً بیش از چهل درصد محتوای این سنخ مجلات، اخلاقی است (رستگار خالد و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۱۱۰-۱۱۱) و بر درست و غلط، خوب و بد و چگونگی زیست اخلاقی در خانواده تأکید کرده‌اند.

مطبوعات می‌توانند به‌نحو بارزی بر افکار و احساسات مردم تأثیر بگذارند و در بیشتر موارد، صحنه‌ها، شخصیت‌ها، حوادث و عبارات و جملات درج یا منعکس شده در مطبوعات به‌صورت زنده و روشن، حتی پس از سال‌ها، به‌عنوان جزئی از خاطره‌ها در یادها باقی می‌مانند. نشریات خانواده، به‌عنوان بخش مهمی از این مطبوعات، این توان را دارند که مخاطبان خود در خانواده‌ها را با طرح ایده‌ها و مطالب اخلاقی به میزانی از کارآمدی برسانند که نتیجه اصلی آن، پیشگیری از گسست خانواده باشد؛ از این رو، درک گفتمانی از اخلاقیات به‌کارگرفته شده در این نشریات، علاوه بر دست یافتن به موضع‌گیری‌ها و تعیین مرزبندی‌ها در مواجهه با ایده کاربست اخلاق در خانواده، می‌تواند در برون‌رفت از





معضلاتی که گریبان گیر خانواده شده است نیز راهبر باشد. پژوهش حاضر، با رویکردی کیفی از نوع تحلیل گفتمان، در پی بررسی این مسئله است که نشریه *خانه خوبان*، به عنوان یکی از نشریات خانواده، چه صورت‌بندی گفتمانی از اخلاق با نگاه به کارآمدی خانواده ارائه می‌دهد؟

در اینجا طرح دو نکته لازم است: نکته اول، آنچه از اخلاق در این نوشتار مدنظر است، مباحث اخلاق نظری و اخلاق عملی و به‌طور کلی، اخلاق هنجاری نیست؛ چرا که «در اخلاق نظری، از پسند و ناپسند بودن صفات و افعالی بحث می‌شود که ذیل علم اخلاق است و فلسفه اخلاق نیز به بررسی مبانی نظری موضوعات اخلاقی» (حیاتی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۹) می‌پردازد، در حالی که در نگاه جامعه‌شناختی گفتمانی به اخلاق، رابطه زبان و اخلاق، اخلاق و قدرت و اخلاق و ایدئولوژی، موضوع نسبتاً مهم و مستقلاً تلقی می‌شود که به درک و شناخت زبان اخلاقی موجود در یک میدان منجر می‌شود. بنابراین، در رویکرد گفتمانی، اخلاق ماهیتاً مورد نظر نیست، بلکه کنش و کردارهای اخلاقی در جامعه مطالعه می‌شود (Brunkhorst et al., 2017, p. 133-142).

نکته دوم، تحلیل گفتمان اخلاقی، دو کارکرد اساسی در این پژوهش به همراه دارد؛ کارکرد نخست، نشان دادن مسیرهای نفوذ اخلاق به درون لایه‌های خانواده و ورود نوعی نظم اخلاقی به آن و درونی کردن ارزش‌ها در اعضاست. در صورتی که گفتمان‌های اخلاقی وجود نداشته باشند، هویت اعضا در ارتباط با وظایفشان و تعلقاتی که به ایجاد خانواده مطلوب دارند، تأمین و تضمین نمی‌شود.

علاوه بر این، گفتمان‌های اخلاقی به تصمیم‌گیری‌های اخلاقی در خانواده کمک می‌کنند و نسبت به دیگر گفتمان‌ها نظیر گفتمان‌های فمینیستی، لیبرال و فردگرایانه برای رساندن اعضا به مسیر رشد و شکوفایی، بُرد بیشتری دارند. کارکرد دوم این است که گفتمان اخلاقی دربردارنده مفاهیمی همچون عدالت، تعهدات اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، حقوق بین‌فردی، ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی است. این مفاهیم که شکل‌دهنده



کنش‌های اخلاقی انسانی هستند، بر پایه اصل «خیر عمومی»^۱ مفصل‌بندی می‌شوند. اصل خیر عمومی نشان‌دهنده این است که اخلاق براساس چه ایدئولوژی و سیاستی می‌تواند به کارآمدی خانواده کمک کند.

پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه مطالعات مربوط به گفتمان و خانواده در ایران نشان می‌دهد دست کم در خصوص تحلیل گفتمان اخلاقی با تکیه بر مجلات، پژوهشی در ایران انجام نشده است؛ همچنین، در خصوص گفتمان و مسئله کارآمدی خانواده نیز کاری صورت نگرفته است. با این حال، پژوهش‌هایی که در حوزه خانواده با رویکرد و روش تحلیل گفتمان انجام شده، بیش از هر چیز به منظور بساخت گفتمان‌های موجود در این نهاد بوده است.

صادقی فسایی و عرفان‌منش (۱۳۹۱) در مقاله «وضع‌شناسی و تحلیل گفتمان نظریه‌پردازی‌های اجتماعی از الگوی خانواده مطلوب در ایران» به دنبال بساخت کردن الگوهای برآمده از نگاه گفتمانی خاص در خانواده، به بازنمایی دو الگوی خانواده مدرن مدنی و ایرانی اسلامی که محصول دو طیف غالب از نظریه‌پردازی‌های مطالعات اجتماعی خانواده در ایران هستند، پرداخته‌اند.

کرمی قهی (۱۳۹۱) در مقاله «تحلیل گفتمان سه برنامه توسعه با رویکردی به مسائل زنان و خانواده» به تحلیل گفتمان برنامه‌های سوم، چهارم و پنجم توسعه در خصوص خانواده پرداخته و نشان می‌دهد با اینکه گفتمان اصلاح طلب با تکیه بر نشانه‌هایی همچون اصلاحات و توسعه و جامعه مدنی، به دنبال توسعه جنسیتی بوده، گفتمان اصول‌گرا بر قانون اساسی، توسعه اقتصادی، عدالت، ارزش‌های دینی و اخلاقی و استقلال تأکید کرده و نظریه‌پردازی بومی را در حوزه مسائل زنان و خانواده با رویکرد خانواده‌گرایی در دستور

1. The Common Good.



کار داشته است. بشیر و اسکندری (۱۳۹۲) در مقاله «بازنمایی خانواده در فیلم سینمایی "به حبه قند"» تحلیل کرده‌اند که کارگردان با برشمردن تأثیر عناصر مثبت تجدد و سنت بر خانواده ایرانی، نگاه‌های صرفاً انتقادی به این دو مقوله را رد کرده و در نهایت، آرمانی‌ترین شکل خانواده را همراهی عناصر مثبت سنت و مدرنیته معرفی می‌کند.

عرفان‌منش (۱۳۹۴) در مقاله «بازنمایی و تحلیل الگوی خانواده اسلامی ایرانی در گفتمان انقلاب اسلامی» براساس مدل تحلیلی ترکیبی فرکلاف، لاکلاو و موفه، به این نتیجه دست یافته است که الگوی خانواده اسلامی ایرانی بر محور مفاهیم «عدالت‌محوری»، «اصالت فرد و جمع»، «ارزش‌های اسلامی» و «فرهنگ ایرانی» مفصل‌بندی شده و دال مرکزی آن «اسلام و فرهنگ ایرانی» است که به نظر او این الگو با ارکان هویتی جامعه ایران سازگار بوده و تناسب دارد. ساروخانی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله «تحلیل گفتمان الگوهای خانواده در جامعه کنونی» با تأکید بر مناسبات همسرگزینی به بازخوانی و طبقه‌بندی متون برآمده از مصاحبه‌های عمیق با دختران شهر قم پرداخته و با تکیه بر نظریه گفتمانی و نظریه سازه‌گرایی اجتماعی دیوید چیل، الگوهای پنج‌گانه را که محصول گفتمان‌های متناظر با آن‌ها در جامعه کنونی ایران است، بازنمایی کرده است. رستگار خالد و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله «بازنمایی گفتمان‌های خانواده در مجلات عامه‌پسند ایرانی» نشان می‌دهند مؤلفه‌ها و عناصر گفتمان خانواده‌گرا که با محوریت جمع‌گرایی و دال مرکزی سازش در فضای نظری کشور صورت‌بندی می‌گردد، در مجلات عامه‌پسند به صورت پررنگ‌تری وجود دارد و در مقابل، عناصر و مؤلفه‌های گفتمان فمینیستی با محوریت فردگرایی و دال مرکزی «حقوق»، حضور کم‌رنگ‌تری در مطالب این مجلات دارد.

از میان پژوهش‌های خارجی، کارل شنایدر^۱ (۱۹۸۵م)، در مقاله «گفتمان اخلاقی و تغییر حقوق خانواده در آمریکا» معتقد است تحولاتی که در «حقوق خانواده» در آمریکا

1. Carl E. Schneider.



رخ داده، از نظر گفتمان اخلاقی موجب افول «قانون در خانواده» شده است. شنایدر با تمرکز بر مسئله سقط جنین، سنت قانونی عدم مداخله در امور خانواده، ایدئولوژی فردگرایی لیبرال، تغییر باورهای اخلاقی و ظهور ایده‌ای به نام انسان روان‌شناختی را چهار عامل تغییر در گفتمان اخلاقی در آمریکا می‌داند.

نانسی رولینز آهلندر^۱ و کاتلین اسلاو باهر^۲ (۱۹۹۵م) در مقاله «فراتر از سخت‌گیری، قدرت و برابری: به‌سوی گفتمانی گسترده درباره ابعاد اخلاقی کار-خانه در خانواده‌ها» بر این باورند که در خصوص ابعاد اخلاقی کار-خانه یا به عبارت دیگر، «اشتغال زنان در بیرون از خانه» که از بافت خانوادگی و روابط اساسی زوجین ناشی می‌شود، نظریه پردازی جدی صورت نگرفته است. آن‌ها پیشنهاد می‌کنند کار-خانه را به‌عنوان یک مسئله جدی در خانواده و البته بر مبنای «تعهد اخلاقی» می‌توان مجدداً مفهوم‌سازی و درباره آن نظریه پردازی کرد.

لورا سانچز^۳ (۱۹۹۶م) در مقاله «فمینیسم، کار-خانواده و گفتمان اخلاقی: دیدگاهی فراتر از سخت‌گیری و قدرت و برابری» به نقد دیدگاه‌های آهلندر و باهر پرداخته و معتقد است برخی از کمک‌های اساسی که پژوهش‌های فمینیستی می‌تواند به نظریه کار-خانه بکند و آهلندر و باهر نادیده گرفته یا بد فهمیده‌اند، مجدداً باید مورد مطالعه قرار گیرند؛ همچنین، وی واژه اخلاق را که آهلندر و باهر بر مبنای تعهد اخلاقی مفهوم‌سازی کرده‌اند، زیر سؤال برده و توضیح می‌دهد که چگونه پژوهش‌های فمینیستی مسیر متفاوت با آنچه آن‌ها برای تحلیل گفتمان اخلاقی کار-خانه به کار می‌برند، به دست می‌دهند. پامل رایلی^۴ و گری کیگرا^۵ (۱۹۹۹م) در مقاله «گفتمان اخلاقی درباره کار-خانه: جنسیت، قدرت و هویت در خانواده‌ها» با تکیه بر پژوهش‌هایی که با تمرکز بر معانی اخلاقی به روابط کار-خانه در خانواده‌ها پرداخته‌اند، می‌کوشند نشان دهند بررسی مفاهیم مهم‌تر

- 1.N. R. Ahlander.
- 2.K. S. Bahr.
- 3.Laura Sanchez.
- 4.Pamela J. Riley.
- 5.Gary Kiger.



بین فردی، متقابل و عرفی نظیر عشق و مسئولیت که معانی اخلاقی را به همراه دارند و می‌توان آن‌ها را در مطالعه کار-خانه به کار گرفت، بسیار مهم بوده که پیش از این درباره آن‌ها غفلت شده است. در نهایت، آلن آکسفلد^۱ (۲۰۱۵م) در کتاب *گفتمان اخلاقی*، کنش *اخلاقی و خانواده روستایی در چین مدرن*، به دگرگونی‌ها و تداوم در گفتمان‌های اخلاقی و اعمالی می‌پردازد که به عنوان بنیانی برای خانواده‌های روستایی چینی، به ویژه ایده «تعهد اخلاقی» در خانواده، قلمداد می‌شود. آکسفلد در بررسی گفتمان‌ها و شیوه‌های اخلاقی در خانواده‌های روستایی چینی به نقش روابط بین‌نسلی، برگزاری مراسم سوگ و گرامیداشت یاد اجداد و گذشتگان و مبادله غذا در خانواده‌ها به عنوان نمادی برای بیان تعهد اخلاقی پرداخته است.

همان‌طور که مشخص است، در بین دسته نخست پژوهش‌هایی که به زبان فارسی انجام شده، پژوهشی که به مطالعه گفتمان اخلاقی ناظر به کارآمدی خانواده بپردازد، وجود ندارد. شاید دلیل اصلی، نبود ادبیاتی با عنوان گفتمان اخلاقی در ایران است.

در پژوهش‌های غیرایرانی، آنچه به عنوان پیشینه احصا شده، حاکی از دو نکته اساسی است: ۱) گستردگی پژوهش‌ها آن هم به روش تحلیل گفتمان و گاهی به روش اسنادی و مطالعات موردی توانسته معنایی نسبتاً عمومی از گفتمان اخلاقی در اذهان ایجاد کند. علاوه بر این، در این مسیر، دیدگاه‌هایی نقد شده که توانسته پایه‌های اصلی چنین رویکردی را آن هم در عرصه خانواده تقویت کند. این رویه نه تنها پژوهشگر را در عرصه مخاطراتی که حوزه روش‌شناختی او را تهدید می‌کند، قرار نمی‌دهد، بلکه موجب گستردگی معنایی در مفهوم، رویکرد یا اصطلاحاتی می‌شود که عملاً در یک حوزه مطالعاتی وجود نداشته یا کم‌رنگ بوده‌اند. این شیوه و کارسازی آن در پژوهش‌های ناظر به خانواده و اخلاق می‌تواند در آینده مفید باشد؛ ۲) در این پژوهش‌ها، گفتمان اخلاقی یا شیوه و روشی برای تحلیل مؤلفه‌های ناظر به خانواده بوده یا به دنبال کشف عناصر و مؤلفه‌هایی است که در

1. Ellen Oxfeld.



نهایت به شکل گیری نوعی گفتمان اخلاقی در خانواده منجر شده است. در حقیقت، هر دو شیوه در این پژوهش ها حاکی از نوعی پذیرش انعطاف و سامان بخشیدن به نظریه های جدید در نگاه گفتمانی به اخلاق است.

وجه تمایز پژوهش حاضر با پژوهش های انجام شده، کشف و بر ساخت گفتمان اخلاقی با تمرکز بر محتویات اخلاقی ناظر به تقویت کارآمدی خانواده در مجله خانه خوبان است؛ از این رو، پیش فرض سازی از گفتمان های بر ساخت شده پژوهشگران دیگر نمی تواند به صورت بندی ما در کشف و بر ساخت گفتمان اخلاقی کمک کند.

۱. مبانی نظری

به نظر می رسد آنچه در رویکردهای گفتمانی مهم بوده و بسیاری به سمت آن رفته اند، تمرکز بر یک نظریه اجتماعی مسلط است که علاوه بر دربر گرفتن تحلیل های فلسفی، ما را به نتیجه ای قابل مقایسه و حتی برتر در ارائه مدلی بهتر از گفتمان اخلاقی برساند. این برتری را می توان با تحلیل دقیق نقشی که نظریه اجتماعی در فرایند کلی توجیه یک گفتمان اخلاقی ایفا می کند، نشان داد. رالف پاتر^۱، اخلاق شناس معروف، چند دهه پیش در آثارش به این نظریه اجتماعی اشاره کرده است. اگرچه رنگ و بوی رویکردی که پاتر آن را مطرح می کند، فلسفی است، اهمیت نظریه اجتماعی را در مدل ارائه شده نشان می دهد. کار پاتر، دو هدف متضاد را دنبال می کند که هر دوی آنها برای گفتمان اخلاقی ضروری هستند و هیچ کدام را نمی توان نادیده گرفت؛ نخستین هدف، تمایل او به روشی قوی، منطقی و علمی برای تحلیل اخلاقی است که در «پیدا کردن منابع اختلاف و آشکار ساختن آنها به وضوح» قدرتمند است. هدف دیگر این است که «اخلاق باید وسیله ای مؤثر برای هدایت رفتار و آشتی دادن تعارض ها باشد» (Potter, 1972, p. 114). برای تحقق این هدف، به روشی جامع برای درک عناصر مهم در استدلال درباره احکام اخلاقی واقعی نیاز است.

1. Ralph Potter



این نکته در رویکرد نظام‌مند چهاربُعدی پاتر (استدلال اخلاقی^۱، الهیاتی^۲، بُعد تجربی^۳، وفاداری^۴) کاملاً مشهود است.

بُعد اول: «شیوه استدلال اخلاقی» است که به محکم یا خوب بودن یک تصمیم خاص اشاره دارد. پاتر در این باره معتقد است: «همان‌طور که بین استدلال خوب و بد درباره مسائل واقعی تفاوت وجود دارد، بین استدلال اخلاقی معتبر و نامعتبر نیز همین تفاوت قابل مشاهده است» (Rawls, 1951, p. 573). پاتر، برای نشان دادن عناصر اصلی در شیوه استدلال اخلاقی به چهار سطح از گفتمان اخلاقی آیکن^۵ که ناظر به عناصر اصلی در استدلال اخلاقی است، اشاره کرده و از آن پیروی می‌کند:

سطح اول: گفتمان اخلاقی، تداعی‌کننده معنای اخلاقی است؛ به این معنا که متن، گفتار، مصاحبه، داستان و... به گونه‌ای به کار برده می‌شوند که تداعی‌کننده یک معنای خاص اخلاقی است و برگرفته از جو عمومی حاکم یا برخلاف هنجارهای اجتماعی حاکم نیست. در حقیقت، این گفتار اخلاقی، اگرچه تداعی‌کننده معنای اخلاقی در جامعه است، ارائه‌دهنده یا پیشنهاددهنده یک قانون یا قاعده خاص اخلاقی برای جامعه یا طبقه خاصی از جامعه نیست.

سطح دوم: گفتمان اخلاقی ناظر به استدلالات اخلاقی و بیان‌کننده «قواعد اخلاقی» است. به عقیده آیکن، «این اولین سطحی است که براساس آن سؤالات مطرح و از نظر اخلاقی، پاسخ‌های جدی به آن‌ها داده می‌شود. در این سطح، دو شرط برای توجیه قواعد اخلاقی وجود دارد: الف) ارزیابی واقعی ابزارها و پیامدهای مربوط به این قواعد؛ ب) قواعد یا رویه‌هایی که به تنهایی ارتباط اخلاقی چنین ارزیابی‌هایی را می‌توان در رابطه با آن‌ها تعیین کرد» (Aiken, 1962, p. 70).

1.moral reasoning.
2.theological.
3.empirical.
4.loyalties.
5.Henry David Aiken.



سطح سوم: گفتمان اخلاقی در پیوند با اصول کلی اخلاقی شامل نظریهٔ هنجاری یا استدلال هنجاری دربارهٔ قوانین و نهادهاست. در همین راستا، پاتر بر این باور است که «منابع عمدهٔ استدلال اخلاقی به چهار دسته تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از: الف) دستورات وحیانی-آمرانه^۱ یا الهی قوانین یا سیاست‌های اخلاقی به این دلیل موجه هستند که خدادادی هستند یا به خلق برگزیده خدا کمک می‌کنند؛ ب) قاعده یا قانون‌شناختی^۲ قوانین یا سیاست‌های اخلاقی با توسل به قواعد معقول رفتار درست مشروعیت می‌یابند؛ ج) موقعیت یا کنش‌شناختی-فایده‌گرا، به این معنا که کنش‌های خاص، زمانی توجیه می‌شوند که با حس اخلاقی شهودی در یک موقعیت خاص مطابقت داشته باشند؛ د) غایت‌شناختی، به این معنا که سیاست‌ها در صورتی توجیه می‌شوند که به نتایج خوبی ختم شوند (Potter, 1968, p. 368).

سطح چهارم: این سطح را می‌توان سطح زمینهٔ معنا یا سطح کلامی نامید. همان‌طور که پاتر توضیح می‌دهد، «حتی زمانی که مقوله‌های اخلاقی با دقت فلسفی توضیح داده شده‌اند، ممکن است کسی پرسد چرا باید اخلاقی باشم؟ یا چرا باید بیان قضاوت اخلاقی و الگوی استدلال اخلاقی شما را قانع‌کننده بدانم؟ بنابراین، پرسش‌هایی که فرد مطرح می‌کند، او را در نهایت به تفکر در بنیادی‌ترین ایده‌های خود دربارهٔ خدا، انسان، تاریخ و هر آنچه در پس آن است، سوق داده و او را به فراتر از تاریخ موجود می‌برد» (Potter, 1968, p. 404-405).

بعد دوم: منظور از این بعد، زمینه‌های الهیاتی است که به سه صورت درک می‌شوند؛ نخست، در معنای عام که باید توجه داشت چندین فرض یا سؤال وجودی به‌طور منطقی ناشی از تفکر اخلاقی است؛ خاستگاه آن خواه چهارچوبی دینی باشد خواه غیردینی. دوم، اخلاق مستلزم محتوایی از تعهد و راهی برای رسیدگی به اختلاف بین اقتدار الزامات اخلاقی و خواسته‌های قدرت‌های دنیوی است.

1.Revelational-authoritativ.

2.Regular or rule-deontological.



در این صورت، پرسش‌هایی که در ساحت وجودی معنا مطرح می‌شود با مفاهیمی همچون عشق، عدالت و پرسش مرتبط است. سوم، اخلاق منبع قدرت و انگیزه است. در این صورت این سؤالات وجود خواهد داشت که: چگونه می‌توانم آنچه بر من واجب است، اراده کنم؟ ما باید از چه چیز نجات پیدا کنیم؟ و به چه نوع خوبی می‌توانیم امیدوار باشیم؟ بدون تردید، قدرت و نیرویی که محرک خوبی‌هاست در مواجهه با تضاد، تغییر و امید مؤثر می‌شود. به تعبیر پاتر، «هیچ بخشی از پارادایم الهیات، مهم‌تر از بخشی نیست که به آموزه‌های دینی می‌پردازد. مفهوم مأموریت کلیسا خود از درک آنچه خدا در جهان از طریق خلقت و حکومت مشیتی خود انجام می‌دهد، مکاشفه خاص او در عیسی مسیح و شهادت او از طریق روح القدس سرچشمه می‌گیرد» (Potter, 1965, p. 422).

بعد سوم: شناخت موقعیت یا بُعد تجربی شرایط است که در توجیه حکم اخلاقی به کار می‌آید. بدون تردید، یکی از سردرگمی‌ها در گفتار معمولی ما این است که به «واقعیت‌ها» یا «تعریف موقعیت» به گونه‌ای اشاره می‌کنیم که گویی این‌ها مجموعه‌ای ساده و همگن از ادراک هستند، درحالی‌که این گونه نیست و ما نمی‌توانیم در حال یادگیری برای شیوه استدلال اخلاقی، آن‌ها را در سطوح منطقی از یکدیگر متمایز کنیم؛ در نتیجه، بُعد تجربی برای فرد اخلاقی، غیر متمایز و مبهم و غیر قابل مدیریت به نظر می‌رسد؛ اگرچه برخی برای شناخت حقایق و داشتن تعریفی درست از وضعیت موجود به دنبال پذیرش شهودی و قلبی این دست از حقایق‌اند.

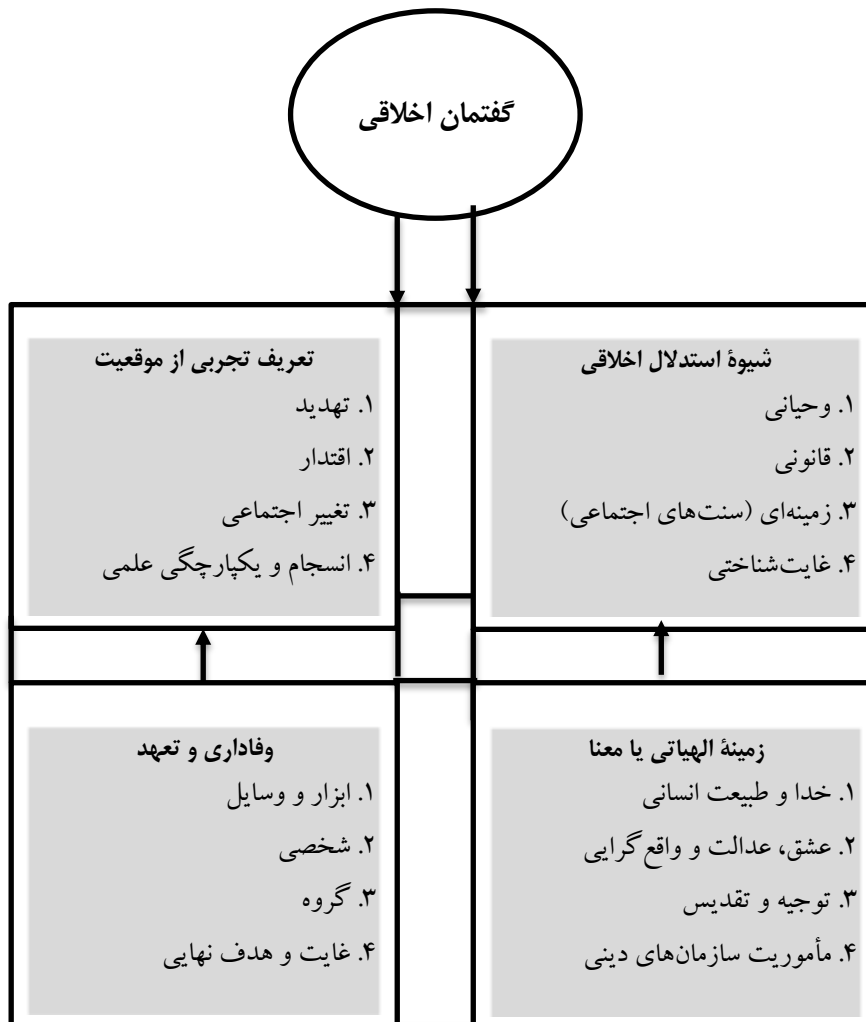
با این حال در سطح اول، تعریف موقعیت، ترکیبی از قضاوت‌های خاص درباره «واقعیت‌ها» به همراه پیش‌بینی‌هایی در مورد نتیجه اقدامات جایگزین است. این سطح اساساً بر سطح دوم یعنی قوانین منتخب، ترکیب و تفسیر حقایق و روندها در دوره‌های زمانی کوتاه، میانی یا بلندمدت مبتنا یافته است. مجموعه این قوانین، یک مدل تحقیق یا الگوی ادراک را تشکیل می‌دهند (Deiitsch, 1971, p. 20).



بعد چهارم: گفتمان اخلاقی در خدمت توجیه منطق ارزش یعنی تعهد و وفاداری است. پاتر در تعریف منطق ارزش به مقاله نیبور^۱ درباره «کانون ارزش» اشاره می‌کند. به عقیده پاتر، «نیبور کانون ارزش را علاقه، درجه اهمیت یک چیز، غایت وفاداری و آزمون نهایی می‌داند. در این صورت، هدف می‌تواند یک خط‌مشی خاص، مجموعه خاصی از باورهای تجربی، نظامی از مفاهیم الهیاتی، یک شخص [یا شخصیت اخلاقی]، یک شیوه رفتار معین، یک گروه، ساختار یک جامعه یا یک نظم ایدئالی در یک طبقه اجتماعی باشد» (Potter, 1968, p. 320). در پایین‌ترین سطح، ممکن است فرد به ابزاری مانند پول یا مهارت شدیداً گرایش نشان دهد که برای دستیابی به اهدافش مفید بوده و در بالاترین سطح، برای هدف یا شخص دیگری که می‌خواهد شخصاً به او وابسته شود، ارزش زیادی قائل است و اتفاقاً برایش سرمایه‌گذاری گسترده‌ای می‌کند. باین حال، پاتر بر سطح سومی - یعنی «تحلیل‌های اخلاقی درباره تعهد و وفاداری فرد به گروهی که به آن تعلق دارد» (Potter, 1965, p. 205) - تمرکز می‌کند و این متداول‌ترین ارزشی است که ممکن است در یک جامعه رواج داشته باشد.

1. Richard Niebuhr.

شکل (۱). مؤلفه‌های گفتمان اخلاقی در مدل رالف پاتر



آنچه در اینجا اهمیت دارد، استفاده از نگاه رالف پاتر با توجه به مؤلفه‌های چهارگانه گفتمان اخلاقی در یک متن خاص (محتوای مجله خانه خوبان) برای پاسخ دادن به مسئله پژوهش است؛ از این رو، تکیه بر این مؤلفه‌ها عملاً برای کشف و سازمان‌دهی عناصری خواهد بود که نقش جدی در برساخت گفتمان اخلاقی متون انتخابی مجله داشته‌اند و تحلیل اخلاقی در آن‌ها کاملاً مشهود است.





۲. روش پژوهش

رویکرد در این پژوهش کیفی است و از روش سه سطحی تحلیل گفتمان نورمن فرکلاف استفاده شده است. با توجه به این روش، مطالب اخلاقی نشریه خانه خوبان در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین، تحلیل شده‌اند. در مرحله توصیف از عناصری برای استخراج اطلاعات استفاده شده است (جدول ۱). در مرحله تفسیر، ظاهر و معنای کلام و انسجام موضوعی متن بررسی شده و در مرحله تبیین، براساس نظریه رالف پاتر، متن‌ها با توجه به اطلاعات به دست آمده از مراحل توصیف و تفسیر در پاسخ به پرسش از چیستی صورت‌بندی گفتمان اخلاقی (اجزای نظام گفتمانی، مفاهیم و گزاره‌های اخلاقی آن و راه‌حل‌ها) در نشریه خانه خوبان، با نگاه به کارآمدی خانواده تحلیل شده‌اند.

جدول (۱). الگوی تلفیقی پژوهش برای تحلیل متن

معنای محوری متن	منظور همان اپیزود معنایی اصلی و مفهوم اساسی متن است که پس از مطالعه متن در ذهن خواننده باقی می‌ماند.
پیش فرض‌های اخلاقی	پیش فرض‌ها و فرض نهفته در هر متن، زیرساخت استدلال و استنتاج نویسنده را شکل می‌دهد؛ پس محقق با شناخت پیش فرض‌ها می‌تواند به اهداف واقعی و لایه‌های زیرین متن پی ببرد (فرقانی، ۱۳۹۷، ص ۵۲).
واژگان مثبت و منفی اخلاقی	شناخت واژگان مثبت و منفی هر متن به تحلیل متن و اهداف و زمینه‌های آن کمک کرده، مقصود نویسنده را برای استفاده از واژگان روشن می‌سازد.
کنایه	نوعی بیان غیرمستقیم است. کنایه به معنی پوشیده سخن گفتن است و در اصطلاح، سخنی است که دارای دو معنی نزدیک و دور باشد؛ بنابراین، اگر گوینده جمله‌ای را چنان به کار برد که



ذهن شنونده از معنی نزدیک به معنی دور منتقل گردد، از کنایه استفاده کرده است (همایی، ۱۳۷۰، ص ۲۵۵).	
به نظر فرکلاف، جنبه‌های تجربه را می‌توان برحسب هر تعداد استعاره بازنمایی کرد. استعاره‌های مختلف بارهای ایدئولوژیک متفاوتی دارند (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۱۸۳).	استعاره
ایده‌ها معمولاً به حمایت نیاز دارند. در بسیاری از متون برای توجیه و مشروعیت بخشی از استناد به افراد و شخصیت‌های محبوب استفاده می‌شود (فرقانی، ۱۳۹۷، ص ۴۵). در الگوی رالف پاتر، این استنادها به چهار منبع وحیانی، قانونی، زمینه‌ای و غایت‌شناختی محدود شده است. کشف و بحث از این منابع در متون رسانه‌ای، شناخت گفتمان‌های اخلاقی و میزان مشروعیت بخش بودن را نشان می‌دهد.	استنادات
بررسی مفاهیم اخلاقی برای تقویت خانواده از منظر تحلیل گفتمان مهم است؛ زیرا نحوه صورت‌بندی گفتمان اخلاقی را در حوزه کارآمدی براساس متون متفاوت نشان داده و بازنمایی مشابهی از این مسئله وجود ندارد. تعیین اینکه متن چه مفاهیمی را برای تعریف مسائل اخلاقی در حوزه خانواده در قالب یک نظریه اجتماعی از اخلاق مطرح می‌کند، مهم‌ترین گام برای ارائه صورت‌بندی از تحلیل گفتمان اخلاقی کارآمدی خانواده است.	مفاهیم اخلاقی مسئله کارآمدی
راه‌حل‌های مختلفی که متون رسانه‌ای برای مسئله کارآمدی خانواده با رویکرد اخلاقی ارائه می‌دهند، اینکه متن چه معیارهای اخلاقی، قواعد و اصول اخلاقی، فضایل اخلاقی و قضاوت‌های اخلاقی را در قالب راه‌حل ارائه می‌کند، نکته مهمی است که به فرایند تحلیل گفتمان اخلاقی آن یاری می‌رساند.	راه‌حل‌ها



جامعه آماری پژوهش، تمام شماره‌های نشریه خانه خوبان از آغاز سال ۱۳۹۵ تا پایان سال ۱۴۰۰ می‌باشد (این نشریه به صورت ماهنامه منتشر می‌شود).

دلیل انتخاب این دوره، شواهد تجربی است که نشان می‌دهد دغدغه اصلی حاکمیت در دهه ۱۳۹۰ بیش از هر دهه دیگری به راهکارهای برون رفت از آشفتگی و فروپاشی خانواده، پیشگیری از طلاق و تعارضات زناشویی، افزایش جمعیت، توجه به کارکردهای خانواده بر پایه تقویت نقش زنان در خانه و خانه‌داری و تقویت خانواده با تکیه بر رشد تربیت اخلاقی معطوف بوده که بخشی از این دغدغه را از طریق رسانه‌های مکتوب پیگیری کرده است.

برای شناسایی نمونه‌ها نیز از روش نمونه‌گیری هدفمند غیرتصادفی استفاده شده است. در این روش نمونه‌گیری، «پژوهشگر از بین مجموعه‌ای که در اختیار اوست، نمونه‌هایی را انتخاب می‌کند که بیشترین سازگاری را با اهداف پژوهش دارند» (فرانکفود و نجمیاس، ۱۳۸۱، ص ۲۴۶)؛ بنابراین، در مرحله اول، پس از تورق دقیق متون مربوط به شماره‌های مجله خانه خوبان، ۸۷ مورد که به‌طور مستقیم یا ضمنی به طرح موضوعات اخلاقی ناظر به کارآمدی خانواده پرداخته بودند، به‌عنوان «نمونه منتخب» مشخص شدند.

در گام دوم، با در نظر گرفتن مسئله پژوهش و برخی از مؤلفه‌های گفتمان اخلاقی پاترو حذف نمونه‌های تکراری در موضوع و نویسنده، ده نمونه به‌عنوان نمونه‌های معرف انتخاب گردید. در گام سوم، جدول توصیفی هر نمونه شامل معانی محوری حاصل از آن به تفکیک بیان شده و در ادامه، مراحل مربوط به تفسیر و تبیین آن نیز انجام شده است (جدول ۲).

جدول (۲). نمونه‌های معرف از نشریه خانه خوبان

ردیف	عنوان	نویسنده	شماره/ صفحه	تاریخ
۱	ویژگی‌های شوهر خوب	مجتبی حیدری	ش ۸۶/ ص ۶۲-۶۳	۱۳۹۵/۱/۳۱
۲	لاک خودپرستی	علی محمد صالحی	ش ۸۷/ ص ۵۰-۵۱	۱۳۹۵/۲/۳۱
۳	خیره به آینه	مهدی عباسی	ش ۱۰۰/ ص ۶۷-۶۸	۱۳۹۶/۴/۳۱
۴	چه همسر خوبی دارید!	نجیب الله نوری	ش ۱۰۵/ ص ۲۷-۲۸	۱۳۹۶/۹/۳۰
۵	زن غرغرو، مرد موجه	محمد رضا جهانگیرزاده	ش ۱۰۶/ ص ۲۲-۲۳	۱۳۹۶/۱۰/۳۰
۶	کوه کاهی	علی صادقی سرشت	ش ۱۱۱/ ص ۲۸-۲۹	۱۳۹۷/۳/۳۱
۷	سین مثل سپاس‌گزاری	رحمت پوریزدی	ش ۱۱۴/ ص ۲۶-۲۷	۱۳۹۷/۰۶/۳۱
۸	سرزنش‌ها و سرزنش‌ها	زهرا کاردانی	ش ۱۱۶/ ص ۲۴-۲۵	۱۳۹۷/۰۸/۳۰
۹	رسم خانواده‌داری	سید محمد مهدی رضوی پور	ش ۱۲۴/ ص ۱۴-۱۵	۱۳۹۸/۰۵/۳۱
۱۰	کیمیای قناعت در زندگی همسران	علی اکبر مظاهری	ش ۱۳۸/ ص ۵۳-۵۴	۱۴۰۰/۰۳/۳۱

۳. یافته‌های پژوهش

با توجه به حجم زیاد توصیف، تفسیر و تبیین صورت گرفته برای نمونه‌های معرف، در این بخش صرفاً یافته‌های حاصل از هر سه مرحله با توجه به گزاره‌هایی از نمونه‌ها بیان می‌شوند.

الف) جمع‌بندی توصیف نشریه خانه خوبان

۱. معنای محوری

معانی محوری متون خانه خوبان عبارت‌اند از: اهمیت بیشتر فرد (همسر) نسبت به اشیا و دیگر امور نظیر شغل و تحصیلات (مظاهری، ۱۴۰۰)؛ تعیین مرز برای خودمان (حیدری،





(۱۳۹۵)؛ خودارزیابی اخلاقی با نگاه از بیرون به خود (عباسی، ۱۳۹۶)؛ بازسازی روابط آسیب‌دیده همسران با تمرکز بر ویژگی‌های اخلاقی خوب همسر (نوری، ۱۳۹۶)؛ وجود فردگرایی همراه با رفتاری به‌ظاهر مسالمت‌آمیز و منطقی در روابط زناشویی، نوعی بی‌اخلاقی غیرمنصفانه (جهان‌گیرزاده، ۱۳۹۶)؛ انعطاف‌پذیری، مهم‌ترین مهارت برای مهار تعارضات زناشویی (صادقی سرشت، ۱۳۹۷)؛ داشتن روحیهٔ سیاست‌گزاری و قدردانی، نگه‌دارندهٔ شعلهٔ محبت و چراغ امید در خانواده و تقویت‌کنندهٔ دیگر ویژگی‌های روابط میان همسران (پوریزدی، ۱۳۹۷)؛ حفظ اقتدار شوهر با سرزنش نکردن او، مهم‌ترین اقدام برای کارآمد کردن روابط همسران در خانواده (کاردانی، ۱۳۹۷)؛ صبوری در زندگی، مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در پیشگیری از مشکلات افراد خانواده و روابط زناشویی و فائق آمدن بر آن‌ها (رضوی پور، ۱۳۹۸)؛ قناعت‌پیشگی، ابزاری برای سعادت‌مندی و احساس خشنودی و خوشبختی در زندگی (مظاهری، ۱۴۰۰).

این موارد را می‌توان در یک جمله خلاصه کرد: «با احیای خود اخلاقی، پایبندی به آموزه‌های اخلاق فردی و شناخت دیگران براساس اصول و قواعد اخلاق دینی و به‌طور کلی، ایجاد مرزبندی اخلاقی، به‌خوبی می‌توان خانواده‌ای کارآمد داشت».

۲. واژگان مثبت

واژگان مثبت متون نشریهٔ خانهٔ خوبان حول محور «خوب‌بودن، همدلی، خودانگاری، مثبت‌اندیشی، جمع‌گرایی، سازگاری، روابط شیرین و حفظ احترام» انتظام یافته‌اند. اخلاق در اینجا عملاً در حوزهٔ روابط تعریف شده و ترویج‌گر نوعی خودسازی اخلاقی به‌عنوان یک مبنا برای حفظ روابط با دیگران در خانواده و جامعه است. براساس این واژگان، حفظ احترام، سازگاری، خودانگاری، مثبت‌اندیشی و همدلی، مفهوم «خوب‌بودن» را به‌عنوان یک ارزش ایجاد می‌کند و موجب جمع‌گرایی (با جمع بودن) و تحقق روابط شیرین در زیست خانوادگی می‌شود.



۳. واژگان منفی

واژگان منفی متون نشریه خانه خوبان حول محور «تمامیت خواهی، خودخواهی، سلطه جویی، تنوع طلبی، پرخاشگری، هتاک، بداخلاقی، دست بزن، بی توجهی، شلختگی، خودمحوری، خودفریبی، دیگرفریبی، خام و ناپخته، غرغرو، ناخشنود، سردی روابط، لجاجت، کینه، کم صبری، قهر و کدورت، رقابت های جنون آمیز و سیری ناپذیر» نظم یافته اند. واژگان منفی مطرح در این متون بر مجموعه ای از ریشه های غیر اخلاقی تأکید می کنند که روابط ناسالم را برای فرد در مواجهه با خانواده و جامعه رقم می زنند. البته این واژگان در مواجهه با برخی از مفاهیمی هستند که در کلیت متون نشریه قابل مطالعه و بررسی است. در همین راستا، مفاهیمی همچون تنوع طلبی و سردی روابط در مواجهه با «تعهد اخلاقی»؛ بی توجهی، خودمحوری، تمامیت خواهی، خودخواهی و سلطه جویی در مواجهه با «فردگرایی»؛ شلختگی، خودفریبی، دیگرفریبی، خامی و ناپختگی، لجاجت و کینه، قهر و کدورت در مواجهه با «شخصیت اخلاقی»؛ و در نهایت ناخشنودی، رقابت های جنون آمیز و سیری ناپذیری و ناشکیبایی در مواجهه با «روابط اخلاقی» قابل تعریف است.

۴. کنایه

زن، کودک نیست (ممنوعیت نگاه تحقیر آمیز)؛ زن، ابزار نیست (ممنوعیت ابزارانگاری زنان)؛ من آمده ام مشکلم را حل کنید، می گوید کاغذ به دست شوم (شدت مشکل در خود اخلاقی)؛ گرفتن تفاله ای از فرهنگ غرب (طعن به نگاه فمینیستی)؛ دنیا، بهشت نیست (تقویت اخلاق الهی)؛ اگر برای یه آدم غریبه هم کاری انجام بدی، لااقل یه سری تکون می ده، یه تشکری می کنه، اما همسر چی؟ مثل تیر چراغ برق، دراز و بی حرکت، کر و کور و لال (شدت نگاه فردگرایانه)؛ قناعت به همسر مهم تر از مسائل اقتصادی و معیشتی است (رضایت از زندگی و خویشن داری).



۵. استعاره

امروز تفکر مردم بیشتر حسابگرانه است (نگاه غیراخلاقی بنگاهی به روابط)؛ فرورفتن در لاک خودپرستی (وجود حس منفعت طلبی)؛ انسان می تواند آینده ای برای خودش باشد (طرح اخلاق رابطه در نظریه خودآینه سان)؛ نگاه دوختن به ویژگی های منفی همسر (ارزیابی و قضاوت غیراخلاقی)؛ با پشتوانه منطق بر سر طرف مقابل کوبیدن (استدلال ورزی غیراخلاقی)؛ زندگی، برکه ای ساکن نیست، بلکه رودی جاری است (تأکید بر گستردگی نگاه اخلاقی در زندگی)؛ پخته و ناپخته (تعیین جایگاه و فهم درست و نادرست از قواعد اخلاقی)؛ تشکر زبانی، نوعی تزریق انرژی مثبت به کانون گرم خانواده (ابزارهای ترویج اخلاق)؛ سپاسگزاری، لباس دورو (وجود طرح واره های اخلاقی)؛ باید تیغ تیز سرزنشگری را غلاف کنید (حفظ کرامت انسانی)؛ روابط خانوادگی، درست مانند گیاه، به رسیدگی نیاز دارند (رشد اخلاقی)؛ کوره گذاختن رقابت های جنون آسا و سیری ناپذیر (فرار از عدالت اخلاقی)؛ مردمان، چونان معادن طلا و نقره هستند (ارزش گذاری منطقی اخلاقی).

۶. استناد

استنادات متون نشریه خانه خوبان به قرآن کریم، روایات رسول خدا ﷺ و معصومین (امام علی علیهما السلام، امام صادق علیهما السلام، امام باقر علیهما السلام و امام جواد علیهما السلام)، استفاده از ادبیات رماتیک، اشعار (حافظ و خواجه ربیع) و تجربه های میدانی (مشاور، گفتارهای مراجعان و مشاهدات میدانی خود و دیگران) بوده است. در نوشتارها تلاش شده مسئله اخلاق با تکیه بر ترکیبی از متون دینی و ادبی ارائه شود. انتخاب ترکیبی، سه سود اساسی داشته است: نخست، دربرگیری مخاطبان با نیازها و علایق مختلف؛ دوم، ارائه تحلیل های متنوع براساس متن های گوناگون (رعایت اصل بینامتنی برای اقناع مخاطب)؛ سوم، تلفیق آیات، روایات، شعر و تجربه و مشاهدات میدان. نتیجه چنین ترکیبی این است که در طرح مباحث نظری و عملی



اخلاق برای خانواده، گستردگی صورت گرفته است؛ همچنین، نوعی چرخش گفتمانی از «اخلاق مبتنی بر متن» به «اخلاق عمومی بر گرفته از آداب و رسوم» نیز رخ داده است.

۷. مفاهیم و گزاره‌های اخلاقی مرتبط با کارآمدی خانواده

به دنبال کاربرد توصیف‌شده فوکو، گفتمان چیزی بیش از زبان در حال استفاده است. گفتمان در این معنا، به یک سیستم فکری اشاره دارد که هم‌زمان ایده‌ها، ایدئولوژی‌ها، نگرش‌ها، اعمال و مفاهیم را در بر می‌گیرد و به درک ما از خود، جهان و دیگران کمک می‌کند؛ از این رو، تحلیل گفتمان اخلاقی، به‌طور خاص، توجه را به شیوه‌های تفکر و عمل درباره اخلاق معطوف می‌کند. با این نگاه، نقش مفاهیم و گزاره‌های اخلاقی در این شیوه از تفکر و عمل، بسیار برجسته خواهد بود؛ چون اخلاق، نظامی است که به‌طور غیررسمی بر رفتار ما حاکم می‌شود و از این نظر بر ما و دیگری تأثیر می‌گذارد. در همین راستا، مفاهیم اخلاقی مرتبط با کارآمدی خانواده، با توجه به درکی که از متون نشریه خانه خوبان وجود دارد و می‌تواند در تعیین راه‌حل‌ها نقش داشته باشد، به‌ترتیب عبارت‌اند از:

پرهیز از شی‌انگاری درباره زن (حیدری، ۱۳۹۵)؛ مسئولیت اخلاقی (صالحی، ۱۳۹۵)؛ مثبت‌اندیشی در زندگی (نوری، ۱۳۹۶)؛ استدلال‌ورزی با رعایت جنبه‌های اخلاقی توجیه‌پذیر (جهان‌گیرزاده، ۱۳۹۶)، اقتدارپروری (کاردانی، ۱۳۹۷)؛ مطلق‌نبودن رفتارهای منطقی (جهان‌گیرزاده، ۱۳۹۶)؛ درک نگاه‌های منعطف برای انطباق انتظارات افراد با واقعیت‌های زندگی (صادقی‌سرشت، ۱۳۹۷)؛ تعهد و التزام (حیدری، ۱۳۹۵)؛ اولویت‌دادن به دیگری (حیدری، ۱۳۹۵)؛ جمع‌گرایی نقطه مقابل فردگرایی خودمحور (پوریزدی، ۱۳۹۷)؛ اصل روابط محترمانه و صراحت در کلام (رضوی‌پور، ۱۳۹۸)؛ ایجاد محدودیت‌های اخلاقی برای خود در زندگی (صالحی، ۱۳۹۵)؛ بی‌قید و شرط دوست‌داشتن (حیدری، ۱۳۹۵)؛ همدلی و گذشت (مظاهری، ۱۴۰۰)، رضایت و خشنودی



از زندگی (مظاهری، ۱۴۰۰)؛ پذیرش رفتارهای بد شخصی (عباسی، ۱۳۹۶)؛ گفت‌وگوی مبتنی بر احترام (صادقی سرشت، ۱۳۹۷)؛ تغییر و اصلاح رفتارهای زشت در روابط زناشویی (جهان‌گیرزاده، ۱۳۹۶)؛ درک ویژگی‌های خوب اخلاقی دیگری (عباسی، ۱۳۹۶)؛ تلقی اخلاقی از استقلال همسر در روابط زناشویی (صالحی، ۱۳۹۵)؛ درک خواسته‌های همسر (رضوی‌پور، ۱۳۹۸)؛ تغییر اخلاقی در نگاه‌ها و نگرش‌های فردی (نوری، ۱۳۹۶)؛ تولید ایده‌های گوناگون برای حل مسائل مختلف در زندگی (صادقی سرشت، ۱۳۹۷)؛ اهمیت ارزشیابی و ارزش‌داوری اخلاقی (عباسی، ۱۳۹۶)؛ احساس هویت اخلاقی (عباسی، ۱۳۹۶)؛ روابط صحیح و تعریف‌شده بین همسران (رضوی‌پور، ۱۳۹۸)؛ رشد آگاهی اخلاقی (حیدری، ۱۳۹۵).

۸. راه‌حل

راه‌حل‌های ذکرشده در متون نشریه خانه خوبان به شرح زیر است. باید گفت این راه‌حل‌ها لازمه یا پیامد گفتمان اخلاقی (قواعد، فضایل و آرمان‌ها، مهارت‌ها و قضاوت‌های اخلاقی) قلمداد می‌شوند.

۸.۱. راه‌حل‌ها براساس اصول و قواعد اخلاقی

تغییر اولویت‌ها در شیوه زندگی با تغییر فرم آن، تعیین مرزبندی‌های اخلاقی در روابط، پذیرفتن مسئولیت‌های اخلاقی خود در زندگی، تقویت اصل اخلاقی تعهد و پایبندی اخلاقی به زندگی، تقویت اصل اخلاقی سپاسگزاری و احترام متقابل.

۸.۲. راه‌حل‌ها براساس فضایل و آرمان‌های اخلاقی

تقویت احساس همدلی و گذشت، بازی‌سازی رفتارهای بد اخلاقی، آگاهی از تأثیرات بد اخلاقی، پرهیز از تنوع‌طلبی و مقایسه خود، بدن و همسر با دیگران، افزایش آگاهی اخلاقی مرد از زن، حفظ اقتدار مردانه، اجتناب از سرزنشگری، توجه به داشته‌های موجود در زندگی، اقرار به ویژگی‌های خوب اخلاقی دیگری.



۸.۳. راه حل‌ها براساس قضاوت و استدلال‌ورزی اخلاقی

استنتاج به شواهد کامل‌تر در ارزیابی‌های اخلاقی، قراردادن خود به جای دیگری در اختلاف‌نظرها، درک درست از مشکلات و ارجاع جزئیات به آن، تمرکز بر استدلال موجه اخلاقی، اتخاذ رویکردی انتقادی در قبال خود، توجه اشتباهات همسر در جمع، توجه به تفاوت‌های ظاهری، فیزیکی و شخصیتی دیگری، پرهیز از تحمیل اندیشه‌های ضد اخلاقی (فمینیستی) بر دیگری.

۸.۴. راه حل‌ها براساس مهارت‌های معطوف به اخلاق

مثبت‌اندیشی در روابط، انعطاف‌پذیری در زندگی، دوراندیشی در قبال تغییرات احتمالی در زندگی، عبرت‌آموزی و درس گرفتن از گذشته برای زندگی، افزایش قدرت انتخاب در بروز رفتارهای اخلاقی درست، استفاده از موقعیت‌های خاص برای تقویت محبت‌ورزی، تقویت نقاط ضعف و قوت اخلاقی در روابط.

ب) جمع‌بندی تفسیر نشریه خانه خوبان

از بررسی بخش تفسیری در نمونه‌های ده‌گانه متون نشریه خانه خوبان، نکات زیر استخراج شد:

۱. اصلاح نگاه ابزاری و کودکانه به زن در خانواده

زن را نباید به عنوان یک شیء و ابزار دید و البته او یک کودک هم نیست. هم نگاه کودکانه و هم نگاه ابزاری به زن، به سه دلیل، غیراخلاقی است: نخست، ایجادکننده حس بی‌هویتی در زن است. در واقع، این نگاه موجب تحقیر زن در بستر خانواده می‌شود و تحقیر ذاتاً ویرانگر هویت‌هاست؛ دوم، این نگاه موجب تضعیف روابط در خانواده و البته شکل‌گیری روابط ناسالم و غیراخلاقی در بیرون از ساختار خانواده و به‌طور کلی، حذف



ارزش‌های انسانی و دینی در روابط می‌شود؛ سوم، این تصور به تضعیف یا حذف عدالت اخلاقی در رفتار و مواجهه همسر با دیگر اعضای خانواده منجر می‌شود. منظور از عدالت اخلاقی در اینجا، حفظ احترام متقابل و جایگاه افراد در ساختار خانواده است.

۲. محبت‌ورزی مردان

مردانی که رویکرد غیراخلاقی حسابگرانه به زندگی خانوادگی دارند و یا چیزی یا کسی را جایگزین همسر در زیست زناشویی می‌کنند، عمدتاً نه تنها در مسیر محبت‌ورزی گام بر نمی‌دارند که برعکس، بیشتر از آنکه محبت کنند، انتظار محبت دارند. نتیجه غیراخلاقی روحیه حسابگری و قراردادن امور دیگر به جای همسر، دو چیز است؛ ۱) افول علاقه زن به خانواده و توجیه اخلاقی رفتارهای خود، ۲) تخریب گسترده اخلاقیات و حمله به قواعد اخلاقی حاکم بر روابط انسانی که وجود آن‌ها موجب درک صمیمیت‌ها و ایجاد رفتارهای محبت‌آمیز در خانواده می‌شود.

۳. تعیین مرزهای اخلاقی

تعیین مرزهای اخلاقی به دو نسبت بازگشت می‌کند؛ نسبت اول به مرد یا همان شوهر است که اگر قرار است اخلاقی باشد باید محدودیت‌های اخلاقی برای خود ایجاد کند. این محدودیت اخلاقی برای خود موجب آزادی برای زن می‌شود. نسبت دوم به زن یا همان همسر است که براساس آزادی‌ای که برای او ایجاد شده است، به انتخاب‌هایی دست می‌زند که می‌تواند برای او رشد اخلاقی به همراه داشته باشد. با وجود این، عبارت‌هایی همچون «پاسداشت حریم خصوصی»، «ضابطه‌مند بودن» و «وجود باید‌ها و نبایدها»، سه مبنا برای گفتمان اخلاقی است که کمک می‌کند مرزبندی اخلاقی در نظام اخلاقی حاکم بر روابط بین زن و مرد خودش را نشان دهد و به تقویت این روابط کمک کند؛ به این معنا که باید به حریم خصوصی فرد توجه کرد، قانونمندی را به عنوان یک اصل اخلاقی مهم برای محافظت از این حریم رعایت نمود و در نهایت، این فرایند را واجد باید‌ها و نبایدها



یا همان قواعد اخلاقی دانست که می‌توانند به ضابطه‌مندی حریم خصوصی زن در روابط زناشویی کمک کنند.

۴. خودانگاری اخلاقی یا نگرستن به خود بر پایه اخلاق در روابط خانوادگی

خودانگاری اخلاقی به عنوان یک واژه مثبت بر تمرکز فرد بر خود برای رفع، اصلاح یا حتی پنهان کاری در بروز رفتارهای ناشایستی دلالت دارد که مخالف هنجارها، قراردادهای اجتماعی و ارزش‌های مسلط بر جهان اجتماعی است. بدون تردید، بروز این رفتارها بر پذیرفتن یا نپذیرفتن نقش‌های اجتماعی مبتنا یافته است؛ از این رو، رفتارهای ناشایست، بخشی از نقشی است که ما در جامعه ایفا می‌کنیم و هویت ما را به عنوان یک شخصیت غیراخلاقی شکل داده، به دیگران نشان می‌دهد. بنابراین، «نقش بازی کردن» به این معناست که فرد، «من» غیراخلاقی خود را به صورت نمادین به خود نشان داده و به اصطلاح، خودش را در یک موقعیت غیراخلاقی ملموس مشاهده کند. در این صورت، هم «نقش» مهم است (چون متناسب به خود است) و هم «بازی» (چون از سوی خود و در قالب همان نقش توسط فرد ایفا می‌شود). با این حال، آنچه در پس این نقش پدیدار می‌شود، هویتی غیراخلاقی است که وجود ما را در کنار دیگری به چالش می‌کشد.

۵. توجه به ویژگی‌های مثبت اخلاقی در دیگری

شناخت این ویژگی‌ها می‌تواند موجب تقویت احساسات اخلاقی شود. احساسات اخلاقی می‌تواند به تثبیت هویت فردی در یک زندگی خانوادگی منجر شود و مبنایی برای ورود احساسات متفاوت اخلاقی گردد. در اینجا، دو نکته اساسی دارای اهمیت است: نخست، اخلاقاً باید شناخت ما درباره دیگری براساس مستندات کامل باشد. شواهد ناقص نمی‌تواند گویای هویت ما و هویت دیگری برای ما باشد. اگرچه احساسات اخلاقی به خود اخلاقی مربوط است، اما شواهد ناقص، کارکرد اصلی این احساسات را افول می‌دهد. دوم، نگاه مثبت به کنش‌ها، رفتارها و گفتارهای دیگری که در حقیقت، اصل مثبت‌اندیشی است، به



برساخت ویژگی‌های خوب دیگران در نظام و سیستم درونی کمک می‌کند. در صورتی می‌توان به دیگران نگاه مثبت داشت که ویژگی‌های خوب آن‌ها براساس شواهد کامل (نه ناقص) برای انسان شناخته شده باشد. این گونه تصور درباره دیگران مسیر را برای بروز احساسات اخلاقی نیز فراهم خواهد کرد.

۶. حذف فردگرایی افراطی در خانواده

استفاده از عبارت‌هایی همچون «ابزار بودن عقل در خدمت نفس»، «شبه‌استدلال» و «توجیه رفتار»، معرفی یک فرایند سه‌مرحله‌ای برای درک بهتر و آسان مخاطب از وضعیتی است که فردگرایی می‌تواند در روابط زناشویی داشته باشد. با این حال، فردگرایی به‌طور مطلق ناپسند نیست، بلکه اگر در آن جمود وجود نداشته باشد و فرد تمامی شرایط و اقتضائات زندگی را صرفاً بر محور خودش بنا نکند، می‌تواند پایه‌ای بنیادین برای ایجاد فعالیت‌های مؤثر در نظام خانوادگی و جامعه باشد. آنچه در ارتباط با فردگرایی افراطی قابل توجه است، «استدلال‌ورزی ناموجه» برای تحکم بر دیگری است. منظور از استدلال‌ورزی ناموجه، استدلالی است که فرد تلاش می‌کند آنچه به‌عنوان دلیل برای دیگری بیان می‌کند، اخلاقی جلوه دهد. به عبارت دیگر، در استدلال ناموجه، نوعی استدلال غیراخلاقی جایگزین استدلالی شده که به‌ظاهر (نه حقیقتاً) موجه است.

۷. لزوم تعهد و پابندی به زندگی خانوادگی

دو نکته اساسی در اینجا قابل تأمل است. نخست اینکه تعهد و پابندی مردان به یک رابطه بادوام اخلاقی که از نیازهای جدی روحی و روانی زنان ناشی می‌شود، دلالت دارد؛ دوم، مردان به‌واسطه تعهدی که به همسر خویش دارند، تعهدشان در یک مسیر خطی ثابت نیست، بلکه به مجموعه‌ای پایدار از معناها و مؤلفه‌های شناختی، عاطفی و اجتماعی وابسته است که صورت اصلی نیاز زن یعنی محبت‌دیدن را شکل می‌دهد. این مجموعه پایدار از معناها، به تحقق خطوط



منسجمی از رفتارهایی همچون محبت ورزی منجر می‌شود که کانون خانواده را مستحکم‌تر می‌کند. با این حال، تعهدات اخلاقی می‌تواند محرک استفاده از نوعی سیاست‌های خانوادگی باشد که در کاهش نابرابری ناعادلانه در روابط زناشویی نقش مهمی دارند. تعهدات اخلاقی همچنین می‌تواند به نوعی از سیاست‌های خانوادگی منتهی شود که دانسته یا ندانسته تمایزات اخلاقی مبتنی بر ویژگی‌های انتسابی و رفتاری را در روابط زناشویی تقویت یا تضعیف کند.

۸. لزوم انعطاف‌پذیری در روابط همسران

انعطاف‌پذیری، واژه‌ای صرفاً روان‌شناختی نیست، بلکه یک واژه کاملاً اخلاقی است که می‌تواند بسیاری دیگر از فضیلت‌های اخلاقی را پوشش دهد. واژه دیگری که می‌تواند انعطاف‌پذیری را پوشش دهد، سازگاری است. سازگاری، رسیدن به میزانی از آگاهی اخلاقی است که فرد درباره دیگری به دست آورده و تلاش می‌کند نسبت خود را با کنش‌های او با یک معیار اخلاقی منطبق سازد. گفت‌وگوی مبتنی بر احترام، درک متقابل در تعاملات روزمره و دوراندیشی و عبرت‌آموزی، مسیرهای رسیدن به انعطاف با دیگری است. مبنای این چهار عنصر که پوشش‌دهنده مفهوم انعطاف‌پذیری است، انطباق ابزار و اهداف در تعاملات و کنش‌های متقابل روزمره است. در حقیقت، انسان‌ها برای رسیدن به اهداف خود از ابزارهای اخلاقی استفاده می‌کنند.

منظور از ابزار اخلاقی هر چیزی است که مورد توافق جمعی بوده، از نظر اجتماعی برای مواجهه با دیگری از سوی جامعه تعریف شده و قابل پذیرش حوزه عمومی است. با وجود این، این ابزارهای اخلاقی سه کارکرد اساسی دارند: آگاهی اخلاقی فرد را در مواجهه با دیگران افزایش می‌دهند؛ برداشت‌های او را از آنچه در اطرافش رخ می‌هد، اخلاقی می‌کنند؛ توان تصمیم‌گیری او را در مواجهات مختلف، اخلاقی‌تر می‌کنند و قدرت اخلاقی او را در رفتار با دیگران افزایش می‌دهند.



۹. وجود و تثبیت روحیه سپاسگزاری در بین اعضای خانواده، به ویژه همسران

سپاسگزاری، فضیلتی اخلاقی و شیوه‌ای برای خوب زیستن با دیگران، به خاطر داشته‌هایی است که از جامعه دریافت کرده‌اند. آنچه دیگران به فرد اهدا می‌کنند، پاسخی دارد که در قاب سپاسگزاری و به شیوه قلبی، زبانی و رفتاری رخ می‌نماید. از سوی دیگر، سپاس‌گزاری به لباسی دورو می‌ماند که یک روی آن محبت و روی دیگرش رضایت است. با این حال، سپاسگزاری، به عنوان یک اصل، از لحاظ اخلاقی سه کارکرد اساسی دارد: نخست، سپاسگزاری موجب امتیاز دادن و امتیاز گرفتن است؛ به این معنا که قدردانی موجب می‌شود آنچه از ناحیه دیگری به انسان داده شده است، خود به عنوان یک امتیاز برای ورود دوباره دیگری به کار آید. دوم، سپاس‌گزاری تعاملی دوسویه است که صرفاً یک امر روان‌شناختی نیست، بلکه نشان‌دهنده قدرت نفوذ اخلاق در مواجهات متفاوت با شرایط گوناگون است. نفوذ اخلاق یعنی به کارگیری آن برای ایجاد صلح، آرامش، سازگاری و تغییر نگرش‌ها و مسائلی که می‌تواند خاستگاه بسیاری از آشوب‌های خانوادگی و اجتماعی شود. سوم، سپاس‌گزاری با «رابطه اخلاقی» پیوند اساسی دارد. منظور از رابطه اخلاقی، حضور اصول و قواعد اخلاقی و به کارگیری آن در رابطه است. هرچه رابطه به این اصول پای‌بندتر باشد، احتمال تحقق رابطه در واقعیت اجتماعی بیشتر می‌شود. سپاس‌گزاری می‌تواند تقویت‌کننده رابطه اخلاقی در طبقات و ساختارهای اجتماعی باشد، نقش‌ها را به میزان زیادی اخلاقی کند و نمادهای مستقلی برای افزایش ضریب رابطه بین فرد و ساختار پدید آورد.

۱۰. حفظ و احترام به ویژگی‌های جنسیتی در تعاملات زناشویی

از جمله ویژگی‌های جنسیتی، حس اقتدار در مردان است. منظور از اقتدار، قدرتی مشروع است که جامعه، قانون و اخلاق بر آن صحنه گذارده‌اند. در صورتی که شاکله اصلی شخصیت مردانه، اقتدار باشد، بدون تردید، عاملی همچون سرزنش باعث اقتدارشکنی می‌شود و مسیر روابط بین فردی را در زندگی زناشویی از وضعیت انعطاف خارج و ایجاد



تعارض می‌کند. آنچه در رابطه اخلاق و اقتدار فردی قابل توجه است، لزوم توجه به ویژگی‌های ذاتی جنسیتی است که موجب رشد یا توقف آن‌ها در مسیر می‌شود. بدون تردید، نقش اخلاق و رعایت اصول اخلاقی در این ویژگی‌ها می‌تواند به میزان زیادی، قدرت نفوذ آن‌ها را در روابط بین فردی افزایش دهد. با وجود این، یک دلیل برای حفظ اقتدار مردانه، استدلال بر قوای فیزیکی مرد و توانمندی او در رویارویی با مسائل گوناگون شغلی، اجتماعی، خانوادگی و... است. در حقیقت، تفاوت‌های جنسیتی، ایجادکننده نیازها و خواسته‌های روانی پنهانی نظیر روحیه اقتدارگری است که هرگونه مواجهه سخت با آن می‌تواند نابودکننده بسیاری از مسیرهای رسیدن به اهداف مهم زناشویی باشد. بنابراین، حفظ اقتدار مرد توسط زن می‌تواند موجب افزایش محبوبیت در روابط بین فردی شده و به حل و فصل اخلاقی تعارضات زناشویی و افول آن کمک کند.

۱۱. توجه به لزوم شکیبایی در رابطه اخلاقی

شکیبایی، رکن اساسی در شکل‌گیری روابط اخلاقی بین من و دیگری است. درک خواسته‌های همسر و توسعه درک متقابل در شرایط غیرعادی می‌تواند به شکل‌گیری فضیلت اخلاقی شکیبایی در روابط منجر شود. در واقع، ارتباط صحیح و درک خواسته‌های فردی بر مبنای احترام متقابل، زمینه‌های بروز رابطه درست اخلاقی را در مدار شکیبایی نشان می‌دهد. نتیجه این شکیبایی، حفظ عزت نفس و کشف نمادین آستانه‌ای از تحمل بین فردی در شرایط خاص زندگی است. تحلیل اخلاقی از صبوری، براساس مفاهیمی همچون ارتباط صحیح و بیان محترمانه درخواست‌ها، سه ویژگی اساسی دارد: نخست، صبوری کردن صرفاً یک امر انفعالی نیست؛ به این معنا که برای مخاطب این ابهام ایجاد نمی‌شود که در اینجا صبوری کردن، بد است و زیان آن بیش از سودش می‌باشد. دوم، صبوری یک امر قراردادی نیست، بلکه صبوری محصول «روابط خوب» است. روابط خوب تعیین می‌کند به چه میزان و براساس چه قواعدی می‌توان دیگران را تحمل کرد و از اقدامات شرم‌آور آن‌ها گذشت. سوم، صبر با توجه به موقعیت‌ها درجه‌بندی می‌شود.



منظور، درجه‌بندی صبر به خوب یا بد نیست، بلکه تحلیل ذهنی‌شناختی اتفاقاتی است که انسان‌ها در مواجهه با آن‌ها، میزان صبوری کردن را برای خودشان به‌طور خودآگاه تعریف و مشخص می‌کنند؛ به‌طور مثال، تحلیل درک ذهنی انسان‌ها از جایگاه صبر در مصیبت و ماتم با صبر در فقر و تنگ‌دستی و یا صبر بر همسایه یا شوهر بد، به یک میزان نیست.

۱۲. تمرکز بر توصیف فضایل اخلاقی در قالب نظریه ترکیبی فضایل و نقش آن در روابط اخلاقی

نظریه ترکیبی فضایل این معنا را تبیین می‌کند که فضیلتی را نمی‌توان در سیستم فکری اخلاق تعریف کرد، مگر اینکه از معناهای متضاد از دیگر فضیلت‌ها نیز استفاده نمود؛ به‌طور مثال، رضایت، یکی از برجسته‌ترین فضایل اخلاقی است که خود یکی از نتایج مهم قناعت در زندگی است.

در واقع، قناعت، نوعی راضی‌بودن به شرایط موجود برای تحقق اموری است که انسان به آن‌ها تمایل دارد، اما شرایط موجود اجازه ورود به مراحل بعدی و مسیرهای متفاوت با آنچه در آن قرار دارد، نمی‌دهد.

در اینجا صرفاً نمی‌توان قناعت را به معنای خویش‌داری فرد تعریف کرد، بلکه قناعت می‌تواند به یک معنای اجتماعی ارتقا یابد و وسعت پیدا کند. با وجود این، نظریه ترکیبی فضایل به سه دلیل قابل دفاع است:

نخست، معنای فضایل اخلاقی را هم‌جهت و هم‌وزن با هم توسعه می‌دهد. این توسعه هم در میدان اخلاق و هم در میان‌رشته‌هایی همچون روان‌شناسی اخلاق و جامعه‌شناسی اخلاق کاربرد دارد. دوم، به کشف تفکیک علل درونی و بیرونی فضایل اخلاقی منجر می‌شود؛ به این معنا که در نظریه اخلاق سنتی صرفاً یک عامل را می‌توان خاستگاه بروز یک فضیلت اخلاقی قلمداد کرد، اما در نظریه ترکیبی فضایل اخلاقی، در امتداد فضیلت که به فضیلت‌ها تبدیل می‌شود، یک علت نیز به علل تبدیل می‌شود و دامنه و قلمرو آن وسعت می‌یابد.



در این صورت، پژوهشگر در یک چهارچوب اجباری منسجم باید جنبه‌های مختلف شکل‌گیری یک فضیلت را بررسی و مطالعه کند. سوم، نقش نظریه ترکیبی فضایل اخلاقی در یک گفتمان برآمده از اخلاق، بسیار مؤثر است. در صورتی که چندین فضیلت انعکاس‌دهنده یک معنا باشد، این معنای واحد می‌تواند امر اجتماعی متکثر را از زوایای مختلف تحلیل کند و در صورت‌بندی گفتمان اخلاقی مؤثر افتد.

ج) جمع‌بندی تبیین: صورت‌بندی گفتمان اخلاقی نشریه خانه خوبان

شکل (۲)، نحوه صورت‌بندی گفتمان اخلاقی کارآمدی خانواده را در نشریه خانه خوبان نشان می‌دهد. براساس گفتمان موجود، این نشریه با استفاده از دیدگاه‌های روان‌شناختی اخلاق، ادبیات و شعر و تکیه بر روایات و آیات قرآن کریم، به طرح و تفسیر آن دسته از مفاهیم اخلاقی اشاره می‌کند که در زندگی روزمره همسران نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. در چهارچوب این گفتمان، نظم اخلاقی در خانواده تقویت و به دنبال آن، هرچیزی که بتواند به این نظم کمک کند، بیان می‌شود.

وسعت این گفتمان به گونه‌ای است که به‌طور خواسته یا ناخواسته ترکیبی از اجزای اصلی در شیوه و نظام فکری اخلاقی را به همراه دارد. به‌طور کلی، گفتمان اخلاقی خانه خوبان یک نظام اخلاقی چهارجزئی دارد. نظام اخلاقی در این گفتمان، مجموعه‌ای از اصول، قواعد، آرمان‌ها و ارزش‌های منسجم، منظم و معقولی است که برای شکل‌گیری دیدگاه کلی فرد درباره آنچه در خانواده باید به‌لحاظ اخلاقی اتفاق بیفتد، به کار گرفته می‌شود.

نتیجه بررسی مفاهیم و گزاره‌های اخلاقی، شکل‌گیری راه‌حلی است که از دو نکته اساسی حکایت دارد: نخست، این صورت‌بندی از گفتمان اخلاقی نشان می‌دهد جنبه فرایندی آن، طولی است نه عرضی.

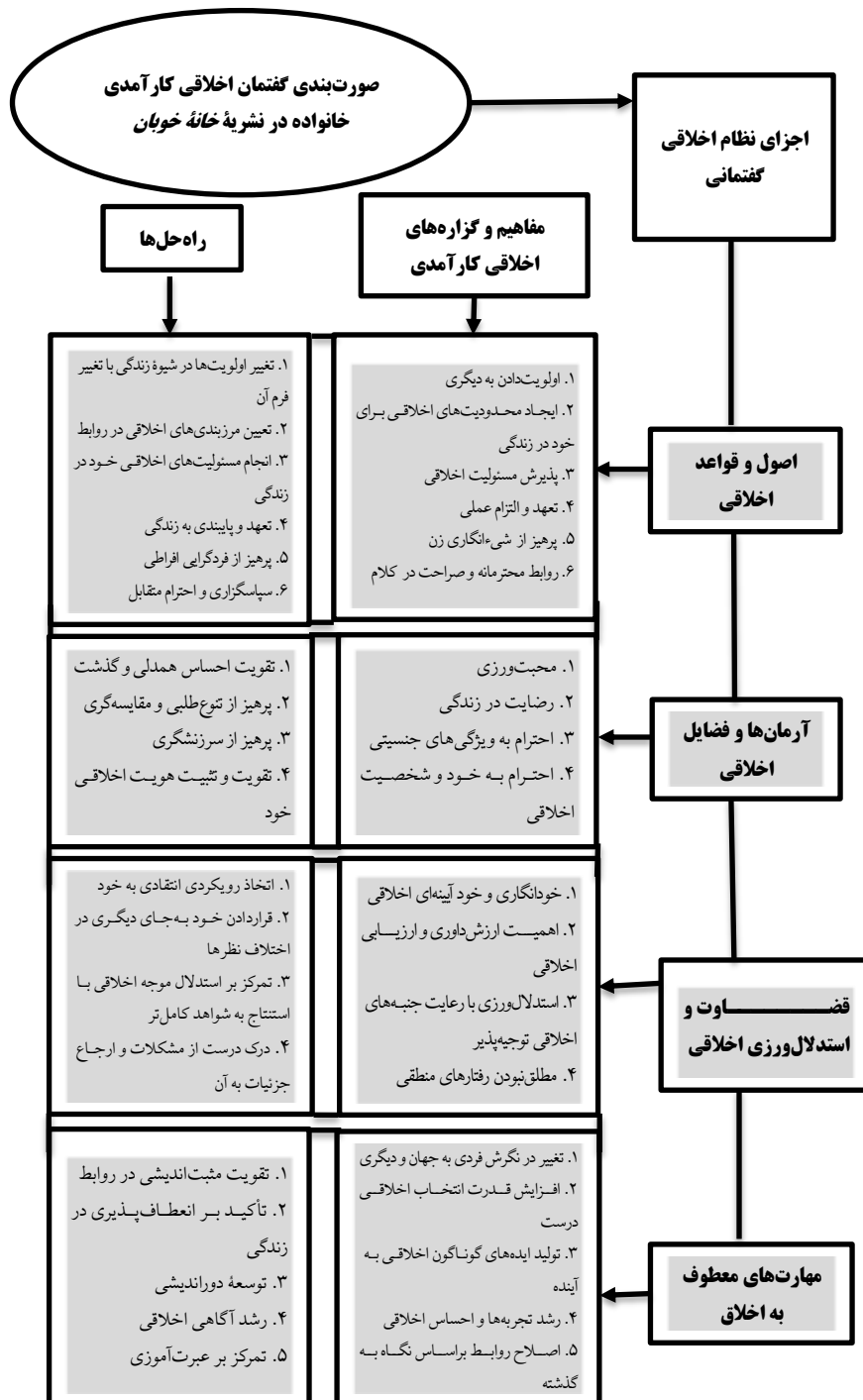
درواقع، نظام اخلاقی، پایه‌ای بنیادین برای شکل‌گیری مفاهیم و گزاره‌های اخلاقی است و این مفاهیم و گزاره‌ها در شکل‌گیری راه‌حل (مهارت‌ها) به گونه‌ای عمل می‌کند

که اخلاق جزو ضروریات آن محسوب می‌شود، جهان اجتماعی کنشگر را تغییر می‌دهد و نوعی زیست اخلاقی جدید برای او ترسیم می‌کند؛ دوم، صورت‌بندی گفتمان اخلاقی، به دنبال تکمیل آن چیزی است که از مفهوم کارآمدی خانواده یعنی تلاش برای ایفای نقش‌ها و تقویت کارکردهای درون خانواده به دست می‌آید.

به عبارت دیگر، مفهوم کارآمدی، مفهومی عملیاتی است و ارائه مجموعه‌ای از مهارت‌های اخلاقی مفهومی و اقدامی، گفتمان اخلاقی را به حوزه مسئله کارآمدی خانواده نزدیک‌تر می‌کند.



شکل ۲. صورت‌بندی گفتمان اخلاقی کارآمدی خانواده در نشریه خانه خوبان





نتیجه گیری

یادداشت‌هایی که طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ در نشریه خانه خوبان با موضوع اخلاق انتشار یافته بود، با هدف کشف صورت‌بندی گفتمان اخلاقی حاکم بر آن، مطالعه شد.

در بررسی‌های اولیه ۸۷ نمونه متن که به‌طور مستقیم یا ضمنی به مسئله ارزش‌های اخلاقی اختصاص یافته بودند، استخراج شد. سپس، در یک بررسی هدف‌گذاری شده و تمرکز بر اصل مسئله پژوهش به‌عنوان اصلی‌ترین معیار، در نهایت ده نمونه متن گزینش گردید. داده‌های متنی نیز براساس روش تحلیل گفتمان فرکلاف در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین تحلیل شد.

این نشریه با تکیه بر ارزش‌های اخلاقی مذهبی، به‌دنبال معرفی آداب اخلاقی، سلوک اخلاقی، زیست اخلاقی معنوی، شیوه‌های دستیابی به اخلاق ناب، ارائه راه‌حل‌های اخلاقی و... و ترویج آن در میان اعضای خانواده و تقویت روابط همسران است.

تحلیل گفتمان داده‌های اخلاقی مستخرج از متون منتخب در نوزده مفهوم (گزاره) اخلاقی و در قالب چهار جزء اصول و قواعد اخلاقی، آرمان‌ها و فضایل اخلاقی، قضاوت و استدلال‌ورزی اخلاقی و مهارت‌های معطوف به اخلاق، صورت‌بندی گفتمانی شد.

محبت‌ورزی، تعیین مرزهای اخلاقی، پاسداشت حریم خصوصی و ضابطه‌مندی در روابط براساس بایدها و نبایدهای اخلاقی، توجه به خود بر پایه اخلاق، توجه به ویژگی‌های مثبت اخلاقی دیگری، حذف فردگرایی افراطی، لزوم تعهد و پابندی به زندگی خانوادگی، لزوم انعطاف‌پذیری در روابط همسران، وجود و تثبیت روحیه سپاسگزاری، توجه به لزوم شکیبایی در رابطه اخلاقی، تمرکز بر توصیف فضایل اخلاقی در قالب نظریه ترکیبی فضایل و نقش آن در روابط اخلاقی از جمله راه‌حل‌های اخلاقی مهم برای کارآمدسازی خانواده براساس صورت‌بندی گفتمان اخلاقی در نشریه خانه خوبان است.

آنچه در این صورت‌بندی گفتمانی بسیار اهمیت دارد، کسب مهارت‌هایی بر پایه اخلاق است که می‌تواند شتاب بیشتری به فرایند کارآمدی خانواده بدهد. این مهارت‌ها ترکیبی از ابعاد اخلاقی و نظریه‌های روان‌شناختی است و بر پایه روایات مذهبی، قدرت تأثیرگذاری متن را برای اقناع مخاطب افزایش می‌دهد.





کتابنامه

- پوریزدی، رحمت (۱۳۹۷)، «سین مثل سپاس گزاری»، *خانه خوبان*، ش ۱۱۴، ص ۲۶-۲۷.
- جهان گیرزاده، محمدرضا (۱۳۹۶)، «زن غرغرو، مرد موجه»، *خانه خوبان*، ش ۱۰۶، ص ۲۲-۲۳.
- حیاتی، زهرا (۱۳۹۴)، «تحلیل رابطه گفتمان اخلاقی متن با شیوه بیان در دو اثر غلامحسین ساعدی»، *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، ش ۳۷، ص ۱۱۷-۱۴۶.
- حیدری، مجتبی (۱۳۹۵)، «ویژگی های شوهر خوب»، *خانه خوبان*، ش ۸۶، ص ۶۲-۶۳.
- رستگار خالد، امیر، ابوالفضل اقبالی و عاطفه خالقی (۱۳۹۹)، «بازنمایی گفتمان های خانواده در مجلات عامه پسند»، *مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، دوره ۲۱، ش ۴۹، ص ۹۳-۱۲۲.
- رشکیانی، مهدی (۱۳۹۰)، «بررسی اثر گذاری رسانه های تصویری بر نهاد خانواده»، *رسانه و خانواده*، ش ۱، ص ۱۱۳-۱۳۶.
- رضوی پور، سید محمد مهدی (۱۳۹۸)، «رسم خانواده داری»، *خانه خوبان*، ش ۱۲۴، ص ۱۴-۱۵.
- صادقی سرشت، علی (۱۳۹۷)، «کوه کاهی»، *خانه خوبان*، ش ۱۱۱، ص ۲۸-۲۹.
- صالحی، علی محمد (۱۳۹۵)، «لاک خودپرستی»، *خانه خوبان*، ش ۸۷، ص ۵۰-۵۱.
- عباسی، مهدی (۱۳۹۶)، «خیره به آینه»، *خانه خوبان*، ش ۱۰۰، ص ۶۷-۶۸.
- فرانکفود، چاوا و دیوید نجمیاس (۱۳۸۱)، *روش های پژوهش در علوم اجتماعی*، ترجمه رضا فاضل لاریجانی و رضا فاضلی، تهران: سروش.
- فرقانی، محمد مهدی (۱۳۹۷)، *راه دراز گذار: بررسی تحول گفتمان توسعه سیاسی در ایران (۱۳۷۷-۱۳۸۷)*، تهران: انتشارات دانشگاه علامه.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹)، *تحلیل انتقادی گفتمان*، ترجمه گروه مترجمان، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه.
- کاردانی، زهرا (۱۳۹۷)، «سرزنش ها و سرزنش ها»، *خانه خوبان*، ش ۱۱۶، ص ۲۴-۲۵.



مظاهری، علی اکبر (۱۴۰۰)، «کیمیای قناعت در زندگی همسران»، *خانه خوبان*، ش ۱۳۸، ص ۵۳-۵۴.

نوری، نجیب الله (۱۳۹۶)، «چه همسر خوبی دارید!»، *خانه خوبان*، ش ۱۰۵، ص ۲۷-۲۸.
همایی، جلال الدین (۱۳۷۰)، *درباره معانی و بیان*، به کوشش ماهدخت بانو همایی، تهران: هماد.

Aiken, H. D. (1962). *Reason and Conduct*. New York: Knopf.

Brunkhorst, Hauke; Lafont, Cristina; Kreide, Regina (2017). *Habermas Handbook*. Columbia University Press.

Deiitsch, Karl (1971). "On political theory and political action". *American Political Science Review*, 65(1): 11-27.

Potter, Ralph (1965). *The structure of certain american Christian responses to the nuclear dilemma*. Cambridge, Mass.: Harvard University.

Potter, Ralph (1968). *War and Moral Discourse*. Richmond: John Knox Press.

Potter, Ralph (1972). "The logic of moral argument". pp. 93-114 in Paul Deats (ed.), *Toward a Discipline of Social Ethics*. Boston: Boston University Press.

Rawls, John (1951). "Review of An Examination of The Place of Reason in Ethics by Stephen Toulmin". *Philosophical Review*, 60: 572-580.



The Role of Interactive Narrative in Transmitting Responsible Values: A Case Study of the Video Game *Never Alone**

Ali Razizadeh¹ 

1-Assistant Professor, Department of Media Arts, Religion and Media Faculty, IRIB University, Qom, Iran.
ali.razizadeh@iribu.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0001-9687-827X>



Abstract

In recent decades, interactive media—particularly video games—have emerged as innovative tools for moral education and the indirect transmission of social values. Within this field, *interactive narrative* stands out as a distinctive structure in which the player acts as the central agent of the story, thereby facilitating the internalization of ethical concepts. This study aims to elucidate the potential of interactive narrative in conveying responsible values through a qualitative analytical–interpretive analysis of the video game *Never Alone (Kisima Ingitchuna)* as a cultural text with moral and educational dimensions. Employing an interpretive analytical method, the research examines qualitative data within the conceptual framework of *responsible values*, including accountability, cooperation, empathy, loyalty, respect for culture, environmental stewardship, and responsiveness. Findings reveal that

*Cite this article: Razizadeh. A.(2025). The Role of Interactive Narrative in Transmitting Responsible Values: A Case Study of the Video Game *Never Alone*. Journal in Applied Ethics Studies, 3(81), 51-88.

<https://doi.org/10.22081/jf.2025.70513.1987>.

▣ **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Isfahan, Iran). ***Type of article:** Research Article

▣ **Received:** 2024/12/15 • **Revised:** 2025/07/19 • **Accepted:** 2025/07/20 • **Published online:** 2025/12/05

Never Alone, through its multilayered narrative, ethical decision-making, and meaningful consequences, fosters the internalization of moral virtues within the player's interactive experience. Rather than relying on explicit moral instruction, the game conveys responsible and ethical values through emotional engagement, active participation, and experiential confrontation with the results of one's choices. The study introduces interactive narrative as an effective platform for nurturing moral consciousness among target audiences and highlights the theoretical and practical significance of designing ethically oriented narratives in video games.

Keywords

Responsible Values, Ethical Content, Video Game Studies, Interactive Narratives, *Never Alone*.





دور السرد التفاعلي في نقل القيم المسؤولة؛ دراسة حالة لعبة الكمبيوتر "أنا لست وحدي"*

علي رازي زاده^۱

۱- أستاذ مساعد، قسم فنون الإعلام، كلية الأديان والإعلام، جامعة إذاعة وتلفزيون إيران، قم، إيران.

ali.razizadeh@iribu.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0001-9687-827X>

ملخص

أصبحت الوسائط التفاعلية، وخاصة ألعاب الكمبيوتر، في العقود الأخيرة أدوات جديدة في عملية التربية الأخلاقية والتثقيف غير المباشر للقيم الاجتماعية. وفي هذا الصدد، يلعب السرد التفاعلي، باعتباره بنية فريدة يكون فيها الجمهور هو الفاعل الرئيسي في القصة، دوراً فعالاً في استبطان المفاهيم الأخلاقية. تهدف هذه الدراسة إلى توضيح قدرة السرد التفاعلي في نقل القيم المسؤولة، فتقوم بتحليل لعبة الكمبيوتر "أنا لست وحدي" (كيسيم إنغيتشونا) باعتبارها نصاً ثقافياً ذا أبعاد أخلاقية وتربوية. إن منهج البحث هو تحليلي - تفسيري، وقد تم تحليل

***الاستناد إلى هذه المقالة:** رازي زاده، علي (۲۰۲۵). دور السرد التفاعلي في نقل القيم المسؤولة؛ دراسة حالة لعبة الكمبيوتر "أنا لست وحدي". دراسات في الأخلاق التطبيقية، ۳ (۸۱)، صص ۵۱-۸۸.

<https://doi.org/1022081/jf.2025.70513.1987>.

□ نوع المقال: بحثي؛ الناشر: مركز الدعوة الإسلامية في حوزة قم (معهد العلوم والثقافة الإسلامية، أصفهان، إيران) © المؤلفون

□ تاريخ الاستلام: ۲۰۲۴/۱۲/۱۵ • تاريخ التعديل: ۲۰۲۵/۰۷/۱۹ • تاريخ القبول: ۲۰۲۵/۰۷/۲۰ • تاريخ الإصدار: ۲۰۲۵/۱۲/۰۵

البيانات النوعية بالاعتماد على الإطار المفاهيمي للقيم المسؤولة (والتي تشمل قبول المسؤولية، والتعاون، والتعاطف، والولاء، واحترام الثقافة، وحماية الطبيعة، والاستجابة). تُظهر النتائج أن لعبة الكمبيوتر "أنا لست وحدي" تقوم بمأسسة الفضائل الأخلاقية في داخل تجربة اللاعب التفاعلية من خلال بنية سردية متعددة الطبقات، وخيارات أخلاقية، وعواقب ذات مغزى. وبدلاً من الاعتماد على التعليم الأخلاقي الصريح يهيئ السرد الخاص باللعبة إمكانية نقل القيم الأخلاقية والمسؤولية بفاعلية من خلال التفاعل العاطفي، والمشاركة الفعّالة، والتعرّف على عواقب القرارات. تُقدّم هذه الدراسة السرد التفاعلي منصةً فعّالة لتنمية الوعي الأخلاقي لدى الجمهور المستهدف، وتسلط الضوء على الأهمية النظرية والعملية لتصميم سرديات ذات توجه أخلاقي في ألعاب الكمبيوتر.

الكلمات المفتاحية

القيم المسؤولة، المضمون الأخلاقي، دراسات ألعاب الكمبيوتر، السرديات التفاعلية، أنا لست وحدي.





نقش روایت تعاملی در انتقال ارزش‌های مسئولانه؛ مطالعه موردی بازی رایانه‌ای من تنها نیستم*

علی رازی زاده^۱

۱- استادیار گروه هنرهای رسانه‌ای، دانشکده دین و رسانه، دانشگاه صداوسیما، قم، ایران.

ali.raizadeh@iribu.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0001-9687-827X>

چکیده

رسانه‌های تعاملی، به‌ویژه بازی‌های رایانه‌ای، در دهه‌های اخیر به ابزارهایی نوین در فرآیند تربیت اخلاقی و آموزش غیرمستقیم ارزش‌های اجتماعی تبدیل شده‌اند. در این میان، روایت تعاملی به‌عنوان ساختاری منحصر به فرد که در آن مخاطب کنشگر اصلی داستان است، نقش مؤثری در درونی‌سازی مفاهیم اخلاقی ایفا می‌کند. پژوهش حاضر با هدف تبیین ظرفیت روایت تعاملی در انتقال ارزش‌های مسئولانه، به تحلیل بازی رایانه‌ای من تنها نیستم به مثابه یک متن فرهنگی با ویژگی‌های اخلاقی پرداخته است. روش پژوهش از نوع

* **استناد به این مقاله:** رازی زاده، علی (۱۴۰۴). نقش روایت تعاملی در انتقال ارزش‌های مسئولانه؛ مطالعه موردی بازی رایانه‌ای من تنها نیستم. مطالعات اخلاق کاربردی، ۳(۸۱)، صص ۵۱-۸۸.

<https://doi.org/10.22081/jf.2025.70513.1987>.

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اصفهان، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۵ □ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۴/۲۸ □ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۹ □ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۹/۱۴



تحلیلی-تفسیری است و تحلیل داده‌های کیفی با تکیه بر چهارچوب مفهومی ارزش‌های مسئولانه (شامل مسئولیت‌پذیری، همکاری، همدلی، وفاداری، احترام به فرهنگ، حفاظت از طبیعت، و پاسخ‌گویی) صورت گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که بازی رایانه‌ای من تنها نیستم، از طریق ساختار روایی چندلایه، انتخاب‌های اخلاقی و پیامدهای معنادار، فضیلت‌های اخلاقی را در دل تجربه تعاملی کاربر نهادینه می‌کند. روایت بازی نه از طریق آموزش مستقیم، بلکه با مواجهه عاطفی، مشارکت فعال و مواجهه با پیامدهای تصمیم‌ها، امکان انتقال مؤثر ارزش‌های مسئولانه و اخلاقی را فراهم می‌آورد. این پژوهش، روایت تعاملی را بستری مؤثر برای پرورش اخلاق در جامعه هدف از مخاطبان معرفی می‌کند و بر ضرورت توجه نظری و کاربردی به طراحی روایت‌های اخلاق‌محور در بازی‌های رایانه‌ای تأکید دارد.

واژگان کلیدی

ارزش‌های مسئولانه، محتوای اخلاقی، مطالعات بازی‌های رایانه‌ای، روایت‌های تعاملی، من تنها نیستم.



مقدمه

در دهه‌های اخیر، گسترش فناوری‌های دیجیتال و رسانه‌های نوین موجب دگرگونی‌های بنیادین در شیوه‌های آموزش، تربیت و انتقال مفاهیم اخلاقی به کودکان شده است. بازی‌های رایانه‌ای، به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین رسانه‌های تعاملی عصر حاضر، از کارکردی فراتر از سرگرمی برخوردار شده‌اند و به بستری برای انتقال ارزش‌ها، شکل‌گیری نگرش‌ها و تمرین کنش‌های اخلاقی بدل گشته‌اند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های بازی‌های مدرن، بهره‌گیری از روایت تعاملی است؛ ساختاری که در آن کاربر نه تنها دریافت‌کننده پیام، بلکه کنشگر اصلی روایت است و با انتخاب‌های خود، مسیر داستان و پیامدهای آن را رقم می‌زند.

در چنین ساختاری، کاربر به‌طور فعال در فرآیند معناپردازی و تصمیم‌گیری اخلاقی مشارکت دارد و در مواجهه با موقعیت‌های پیچیده و چندلایه، با پیامدهای تصمیم‌های خود مواجه می‌شود. این تجربه زیسته اخلاقی که در بستر روایت تعاملی رخ می‌دهد، امکان درونی‌سازی مفاهیم و ارزش‌ها را برای مخاطب فراهم می‌کند؛ به‌ویژه در زمینه‌هایی همچون همدلی، مسئولیت‌پذیری، همکاری، وفاداری و احترام به دیگری که از مؤلفه‌های بنیادین ارزش‌های مسئولانه به‌شمار می‌آیند.

با وجود رشد چشمگیر مطالعات در حوزه بازی‌های رایانه‌ای، هنوز نسبت به ظرفیت اخلاقی روایت تعاملی در بازی‌های رایانه‌ای، به‌ویژه از منظر کاربردی آن در پرورش ارزش‌های مسئولانه پژوهش‌های نظام‌مند و بومی‌شده کافی صورت نگرفته است. همچنین، اغلب تحلیل‌های موجود بر ابعاد روان‌شناختی یا رفتاری بازی‌ها متمرکزند و جنبه‌های معرفت‌شناختی و روایی، به‌ویژه در نسبت با تربیت اخلاقی، کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. این در حالی است که با بهره‌گیری از رویکردهای میان‌رشته‌ای، می‌توان روایت بازی را نه صرفاً داستانی سرگرم‌کننده، بلکه نوعی فضای اخلاقی مجازی تلقی کرد که در آن کودک با موقعیت‌هایی شبیه‌سازی‌شده، اما معنادار، برای انتخاب‌های اخلاقی مواجه می‌شود.





پژوهش حاضر در همین راستا و با تمرکز بر مفهوم روایت تعاملی در بازی‌های رایانه‌ای، می‌کوشد به واکاوی نقش آن در انتقال ارزش‌های مسئولانه بپردازد. مطالعه موردی بازی *من تنها نیستم*^۱ به عنوان نمونه‌ای معنادار از بازی‌هایی با ساختار روایی غنی، امکان تحلیل دقیق‌تری از رابطه میان روایت، تعامل و اخلاق را فراهم می‌سازد.

مسئله اصلی این پژوهش آن است که روایت تعاملی چگونه می‌تواند عاملی مؤثر در شکل‌دهی به درک، تجربه و درونی‌سازی ارزش‌های مسئولانه در جامعه هدف از مخاطبان باشد.

پیشینه پژوهش

تحولات فناوری در دهه‌های اخیر، بازی‌های رایانه‌ای را به رسانه‌ای مؤثر در فرآیند آموزش و تربیت تبدیل کرده است. به‌ویژه، روایت تعاملی در این بازی‌ها با ایجاد بستری برای انتخاب، مشارکت فعال و تجربه پیامدهای تصمیم‌گیری، جایگاه ویژه‌ای در تعلیم ارزش‌های اخلاقی یافته است.

از آن‌جا که پژوهش حاضر در مرز میان حوزه‌های اخلاق کاربردی و مطالعات رسانه‌ای قرار دارد، پیشینه پژوهش براساس ترکیبی از منابع مرتبط انتخاب شده و اولویت با پژوهش‌هایی بوده که به‌صورت مستقیم به رابطه میان روایت تعاملی، انتقال ارزش‌های مسئولانه، و بازی‌های رایانه‌ای پرداخته‌اند.

پژوهش‌های متعددی نشان داده‌اند که بازی‌های رایانه‌ای، به‌ویژه آن دسته که از ساختار روایت تعاملی بهره می‌برند، می‌توانند بستر مناسبی برای آموزش اخلاقی فراهم آورند. در این بازی‌ها، مشارکت فعال بازیکن و مواجهه با انتخاب‌ها و پیامدهای اخلاقی، زمینه درونی‌سازی تدریجی مفاهیمی چون مسئولیت، همدلی و عدالت را فراهم می‌کند (Schrier, 2019).

1. Never Alone.



در پژوهش‌های آزمایشی، مشخص شده است که انجام رفتارهای غیراخلاقی در محیط‌های بازی می‌تواند احساس گناه ایجاد کند و این تجربه به افزایش حساسیت اخلاقی کاربران منجر شود، حتی اگر محیط، مجازی و غیرواقعی باشد (Grizzard et al., 2014).

تحلیل واکنش‌های عاطفی بازیکنان نیز نشان داده که تصمیم‌گیری اخلاقی آن‌ها متأثر از گرایش‌های فردی است و تعامل با شخصیت‌های مجازی اغلب شبیه تعاملات انسانی واقعی تلقی می‌شود (Weaver & Lewis, 2012).

در مطالعات نظری، بازی‌های جدی با تأکید بر مدل‌های ترکیبی (شناختی و شهودی)، به عنوان ابزارهایی مؤثر در تقویت قضاوت اخلاقی و بازاندیشی ارزشی شناخته شده‌اند (Staines et al., 2019). همچنین، نقش مجوز اخلاقی در ایجاد رفتارهای متضاد در بازی بررسی شده و نشان داده که انتخاب‌های اخلاقی می‌توانند هم اثرات مثبت و هم رفتارهای ضداجتماعی بعدی را موجب شوند، بسته به توازن درونی فرد میان هویت اخلاقی و منافع شخصی (Ellithorpe et al., 2015). در یک مطالعه موردی، ظرفیت فرهنگی و آموزشی بازی «من تنها نیستم» بررسی شده و نشان داده شده که روایت بومی در کنار ساختار تعاملی می‌تواند ابزار مؤثری برای انتقال مفاهیم فرهنگی و ارزش‌های اجتماعی باشد (de Vasconcelos Neto & Alves, 2020).

در فضای بومی، پژوهش‌های فارسی با تأکید بر نظریه‌های روان‌شناسی رشد، استعاره مفهومی و اخلاق اسلامی، بر این نکته تأکید دارند که بازی‌های روایت‌محور، به‌ویژه در قالب‌های وانمودی، ابزارهای مؤثری برای پرورش اخلاق در کودکان هستند (شیخ‌رضایی، ۱۳۸۸؛ موسوی، ۱۳۹۰؛ طباطبائی و ذاکری، ۱۴۰۰). همچنین در مطالعات تجربی، بازی‌وارسازی در آموزش رسمی، موجب ارتقاء معنادار در شاخص‌های اخلاقی دانش‌آموزان شده است (فرهادی بسطام و میکائیلی منبع، ۱۴۰۳).

اکنون و در پرتو این پیشینه، می‌توان جایگاه و نوآوری مقاله حاضر را مشخص کرد. برخلاف مطالعات پیشین که عمدتاً یا به جنبه‌های آموزشی بازی‌ها پرداخته‌اند (بدون



تمرکز کافی بر ساختار روایت تعاملی)، یا صرفاً به تحلیل محتوای فرهنگی بازی‌هایی مانند *من تنها نیستم* بسنده کرده‌اند، پژوهش حاضر تلاش می‌کند نشان دهد که چگونه روایت تعاملی در بازی *من تنها نیستم* در انتقال ارزش‌های مسئولانه (از جمله همدلی، مسئولیت‌پذیری، وفاداری و احترام به فرهنگ و محیط زیست) به مخاطب نقش‌آفرین است. در واقع، این پژوهش با ترکیب مطالعه موردی، تحلیل روایی و تمرکز اخلاقی، به خلأ موجود در ادبیات پژوهش پاسخ می‌دهد؛ جایی که روایت تعاملی، نه صرفاً ابزار سرگرمی یا حتی آموزش، بلکه بستری فعال برای پرورش کنش‌گری اخلاقی در میان کاربران تلقی می‌شود.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از روش تحقیق تحلیلی-تفسیری بهره می‌گیرد و در چهارچوبی میان‌رشته‌ای به بررسی ظرفیت‌های اخلاقی روایت تعاملی در یک بازی رایانه‌ای داستان‌محور می‌پردازد. در این رویکرد، بازی رایانه‌ای به مثابه یک پدیده فرهنگی-روایی در نظر گرفته می‌شود که قابلیت تحلیل ساختار روایی، مفاهیم درونی، و پیامدهای اخلاقی تعاملات آن برای کودکان را داراست. همچنین این پژوهش با بهره‌گیری از روش تحلیل روایت، صرفاً بر تحلیل درون‌متنی و اخلاقی روایت تمرکز دارد. در این روش، ساختار و محتوای بازی به مثابه متنی روایی بررسی می‌شود و داده‌ها از طریق تعامل تحلیلی پژوهشگر با روایت، سناریوها، کنش‌های شخصیت‌ها و پیامدهای انتخاب‌های اخلاقی درون بازی گردآوری و تفسیر می‌گردد.

تحلیل در این پژوهش مبتنی بر فهم دقیق روایت تعاملی و مکانیزم‌های اخلاقی تعبیه‌شده در ساختار بازی است. بدین منظور، عناصر کلیدی همچون طراحی شخصیت‌ها، ساختار انتخاب و پیامد، ترتیب روایت، موقعیت‌های دوگانه اخلاقی، و تعامل میان کاربر و داستان، محور تحلیل قرار گرفته‌اند. چهارچوب مفهومی پژوهش نیز بر مبنای نظریه‌های شناخته‌شده در حوزه اخلاق کاربردی، رشد اخلاقی و روایت‌شناسی شکل گرفته است.



نظریه‌های آلبرت بندورا^۱ درباره یادگیری مشاهده‌ای (۲۰۲۳)، نظریه رشد اخلاقی لارنس کولبرگ^۲ (۱۹۸۱)، نظریه مراقبت اخلاقی کارول گیلیگان^۳ (۱۹۸۲)، و دیدگاه‌های ماری-لوری رایان^۴ در باب روایت مجازی و جهان‌های ممکن (۲۰۱۵)، بستر مفهومی تحلیل را تشکیل می‌دهند و به تفسیر اخلاقی روایت و سنجش قابلیت آن در انتقال ارزش‌های مسئولانه یاری می‌رسانند.

در این پژوهش، بازی رایانه‌ای من تنها نیستم به عنوان نمونه مورد تحلیل انتخاب شده است. چرایی این انتخاب مبتنی بر ویژگی‌های منحصربه‌فرد این بازی در حوزه روایت تعاملی و تمرکز آن بر مفاهیم اخلاقی بنیادین است. این بازی با بهره‌گیری از روایت‌های سنتی جامعه بومی اینوپیات^۵ آلاسکا، ساختاری روایی دارد که در آن کاربر درگیر انتخاب‌هایی با پیامدهای اخلاقی مشخص می‌شود. روایتی که در این بازی شکل می‌گیرد، چندلایه، تعاملی و حامل مضامینی چون مسئولیت‌پذیری، همکاری، وفاداری، همدلی و احترام به طبیعت است؛ مفاهیمی که با هسته مفهومی ارزش‌های مسئولانه هم‌راستا هستند. از سوی دیگر، اعتبار علمی این بازی نیز در انتخاب آن مؤثر بوده است، چراکه در شماری از مطالعات بین‌المللی در حوزه علوم تربیتی و مطالعات فرهنگی، به عنوان نمونه‌ای موفق تحلیل شده و زمینه‌ای معتبر برای مطالعه و واکاوی اخلاقی دارد.

شایان ذکر است که در این تحلیل، تمرکز صرفاً بر ساختار درونی بازی، رویدادهای داستانی، و منطق تعاملی حاکم بر روایت است و از تحلیل داده‌های رفتاری کاربران یا تجارب کاربران اجتناب شده است. هدف، تبیین چگونگی انتقال ارزش‌های مسئولانه از طریق مکانیزم‌های تعاملی-روایی در متن بازی است، نه ارزیابی میزان اثربخشی آن در عمل یا بررسی بازخورد مخاطبان. بدین ترتیب، بازی نه به مثابه یک رسانه سرگرم‌کننده یا ابزار آموزشی، بلکه به عنوان یک روایت اخلاقی-تعاملی مورد بررسی قرار گرفته است که

1. Albert Bandura.
2. Lawrence Kohlberg.
3. Carol Gilligan.
4. Marie-Laure Ryan.
5. Inupiat.



ساختار آن به گونه‌ای طراحی شده که می‌تواند با مفاهیم بنیادین اخلاق کاربردی در ارتباط قرار گیرد. در نهایت، این شیوه روش‌شناسی به پژوهشگر این امکان را می‌دهد تا بازی را به عنوان یک متن فرهنگی با قابلیت تحلیل اخلاقی مطالعه کند و نسبت میان ساختار روایی تعاملی و امکان انتقال ارزش‌های مسئولانه به مخاطب کودک یا نوجوان را از منظر نظری و تحلیلی مورد واکاوی قرار دهد، بی‌آنکه به روش‌های تجربی یا آزمون‌محور نیاز داشته باشد. بدین ترتیب، تحلیل روایت در سطح معناشناختی و اخلاقی آن صورت گرفته و پژوهش در پی تبیین سازوکارهای بالقوه‌ای است که از خلال روایت تعاملی در بازی‌های رایانه‌ای، قابلیت پرورش کنش اخلاقی و ارزش‌های مسئولانه را فراهم می‌آورند.

چهارچوب مفهومی پژوهش

۱. ارزش‌های مسئولانه: چیستی و ابعاد اخلاقی

ارزش‌های مسئولانه به مجموعه‌ای از فضیلت‌های اخلاقی اطلاق می‌شوند که رفتار فرد را در ارتباط با دیگران، جامعه و محیط پیرامونش هدایت می‌کنند. این ارزش‌ها، بنیادهایی هنجاری هستند که در قلب تربیت اخلاقی جای دارند و شامل مفاهیمی چون مسئولیت‌پذیری، پاسخ‌گویی، همدلی، همکاری، وفاداری، عدالت‌خواهی، احترام به دیگری و مراقبت از طبیعت می‌شوند (Schwartz, 2012). به تعبیر دقیق‌تر، این دسته از ارزش‌ها، سازوکارهایی هستند که فرد را نسبت به پیامدهای کنش‌های خود آگاه ساخته و قابلیت قضاوت اخلاقی، رفتار خودتنظیم و تعامل محترمانه با دیگران را در او تقویت می‌کنند.

در فلسفه اخلاق، مسئولیت اخلاقی از دیرباز موضوع اصلی نظریه‌های وظیفه‌گرایی (کانت)، فایده‌گرایی (میل) و فضیلت‌گرایی (ارسطو) بوده است. فضیلت‌گرایان، ارزش‌های مسئولانه را جزو ویژگی‌های منش انسانی می‌دانند که در قالب عادت‌های پایدار و انتخاب‌های عقلانی رشد می‌کنند (MacIntyre, 2007:162). این فضیلت‌ها، تنها از طریق یادگیری انتزاعی آموخته نمی‌شوند، بلکه نیازمند تجربه، درونی‌سازی و تمرین مستمر



هستند. در نظریه رشد اخلاقی کولبرگ، مسئولیت‌پذیری در سطوح بالای رشد اخلاقی ظهور می‌کند؛ جایی که فرد به اصول جهانی چون عدالت، برابری و خیر جمعی وفادار می‌ماند و فراتر از هنجارهای بیرونی، اخلاق را به‌مثابه اصل درونی پذیرفته است (Kohlberg, 1981; Rest et al., 1999: 11).

از سوی دیگر، گیلیگان در نظریه مراقبت اخلاقی خود، مفهوم مسئولیت را با رابطه و مراقبت گره می‌زند؛ جایی که فرد اخلاقی کسی است که می‌فهمد دیگری چه نیازهایی دارد، نسبت به رنج دیگران بی‌تفاوت نیست و از قدرت خود برای کاهش آسیب استفاده می‌کند (Gilligan, 1982: 64).

در منابع اسلامی و ادبیات فارسی نیز، مفاهیمی همچون حق‌الناس، امر به معروف و نهی از منکر، خیر جمعی و ادای وظیفه با ارزش‌های مسئولانه پیوندی روشن دارند؛ به طوری که مسئولیت‌پذیری در ذیل یکی از ساحت‌های شش‌گانه تربیت مورد تأکید قرار گرفته و هدف از آن، پرورش انسان‌هایی معرفی شده است که نسبت به خانواده، جامعه، محیط زیست و نظام اجتماعی خود، حس تعهد و مشارکت فعال دارند.

با توجه به گستره مفهومی و کاربردی این ارزش‌ها، در این پژوهش مجموعه‌ای از ارزش‌های مسئولانه به صورت مفهومی استخراج و طبقه‌بندی شده‌اند تا به عنوان چهارچوب نظری برای تحلیل روایت‌های تعاملی^۱ در بازی‌های رایانه‌ای مورد استفاده قرار گیرند. این دسته‌بندی، با رویکرد استقرائی و بر مبنای ادبیات نظری موجود در حوزه‌های مطالعاتی نظیر اخلاق کاربردی (شریفی: ۱۳۸۶؛ شریفی: ۱۴۰۳)، فلسفه تربیت اخلاقی (جعفری تبری و نصری، ۱۴۰۱؛ دبیری، ۱۳۹۲) و آثار نویسندگانی چون استرایک^۲ و سولتیس^۳ (۲۰۰۹)، و نادینگز^۴ (۲۰۱۳) تدوین شده است. جدول شماره یک این مؤلفه‌ها را معرفی کرده است.

1. Interactive Narrative.

2. Strike.

3. Soltis.

4. Noddings.

جدول شماره یک: مؤلفه‌های ارزش مسئولانه

مؤلفه‌ها	تعریف مفهومی	نقش در پرورش و تربیت اخلاقی مخاطب
مسئولیت‌پذیری فردی	تعهد فرد نسبت به پیامدهای تصمیم‌ها و اعمال خود، حتی در غیاب نظارت بیرونی	افزایش آگاهی نسبت به تأثیر رفتار خود بر دیگران
همکاری	مشارکت هدفمند با دیگران برای رسیدن به نتایج مشترک	آموزش کار گروهی، تعامل مثبت و ارزش کمک متقابل
همدلی	توانایی درک احساسات و شرایط دیگران و واکنش عاطفی مناسب	تقویت حساسیت اخلاقی، درک «دیگری»، کاهش خودمحموری
وفاداری	پایداری بر تعهدات، روابط انسانی یا اصول اخلاقی در شرایط دشوار	تثبیت ارزش تعهد، اعتماد و پایداری در روابط انسانی
احترام به فرهنگ و سنت‌ها	پذیرش و ارج نهادن به ارزش‌های بومی، آیین‌ها و شیوه‌های زیست دیگران	پرورش حساسیت میان‌فرهنگی، تقویت هویت فرهنگی و احترام به تفاوت‌ها
حفاظت از طبیعت	تعهد اخلاقی به حفظ منابع زیستی، زیست‌بوم‌ها و موجودات غیرانسانی	ترویج اخلاق محیط‌زیستی و مسئولیت‌پذیری در قبال زمین و طبیعت
پاسخ‌گویی	پذیرش مسئولیت در قبال رفتارهای خود و آمادگی برای اصلاح آن‌ها	ارتقاء خودآگاهی اخلاقی، اصلاح‌پذیری و حس تعهد در برابر جامعه

این جدول به‌عنوان چهارچوب مفهومی تحلیل بازی‌های رایانه‌ای مورد استفاده قرار گرفته است. از آنجا که روایت‌های تعاملی، بستری پویا برای بروز انتخاب‌های اخلاقی فراهم می‌کنند، این جدول این امکان را فراهم آورد تا پژوهش به‌صورت نظام‌مند هریک از این مؤلفه‌ها را بررسی کند و به این مسئله پردازد که این مؤلفه‌ها چگونه و در چه سطوحی در روایت بازی‌های رایانه‌ای بازنمایی شده‌اند.

همچنین، این طبقه‌بندی به فهم سازوکارهای روایی-اخلاقی بازی، بدون اتکا بر تجربه کاربر، کمک می‌کند.





۲. روایت‌های تعاملی و تربیت اخلاقی؛ نظریه‌ها و سازوکارها

روایت از دیرباز، یکی از مؤثرترین ابزارهای انتقال دانش اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی بوده است. داستان‌ها، با ارائه موقعیت‌های خیالی اما واقعی‌نما، امکان همذات‌پنداری، قضاوت اخلاقی و درک پیچیدگی‌های روابط انسانی را برای کودک فراهم می‌کنند. با ورود فناوری‌های دیجیتال، روایت‌ها شکل تازه‌ای به خود گرفتند؛ به‌ویژه در قالب روایت‌های تعاملی، که کاربر یا کاربر را از یک شنونده منفعل به کنشگری در دل داستان تبدیل می‌کنند. در روایت‌های تعاملی، ساختار داستان به گونه‌ای طراحی می‌شود که مخاطب بتواند مسیر داستان را با انتخاب‌های خود تغییر دهد. این انتخاب‌ها نه تنها تجربه داستان را شخصی‌سازی می‌کنند، بلکه مخاطب را در معرض پیامدهای اخلاقی قرار می‌دهند (de Smale et al., 2019: 389 & 394)، که همین نکته، بُعد تربیتی روایت‌های تعاملی را پررنگ می‌سازد.

از منظر نظریه‌های تربیتی، این فرایند را می‌توان با نظریه آزمایش‌های ذهنی توضیح داد. این نظریه بیان می‌کند که یادگیری، تنها از طریق تجربه مستقیم حاصل نمی‌شود، بلکه از طریق مشاهده کنش دیگران، پیامدهای آن و البته آزمایش‌ها و بازنمایی ذهنی نیز شکل می‌گیرد (Mendelytė, 2024: 50). در روایت تعاملی، کاربر کنش‌های شخصیت‌ها را مشاهده می‌کند، در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت دارد، و پیامدهای اخلاقی را تجربه می‌کند؛ بنابراین، فرآیند یادگیری اخلاقی تسهیل می‌شود.

از سوی دیگر، نظریه یادگیری موقعیتی ویگوتسکی^۱ (۱۹۷۸)، بر نقش بافت اجتماعی و تعامل با دیگران در رشد شناختی تأکید دارد. در بازی‌ها و روایت‌های تعاملی، کاربر نه تنها با داستان، بلکه با شخصیت‌های دیگر (چه انسانی و چه دیجیتال) درگیر می‌شود. این تعامل‌ها، امکان تجربه مشارکت، تصمیم‌گیری جمعی و درک مسئولیت مشترک را فراهم می‌آورد. از منظر فلسفه اخلاق نیز، روایت تعاملی می‌تواند زمینه‌ای برای رشد تفکر اخلاقی

1. Vygotsky



فراهم آورد. در نظریه اخلاق روایی^۱ که توسط فیلسوفانی مانند نوسباوم^۲ (۱۹۹۰) و مک‌این‌تایر^۳ (۲۰۰۷) گسترش یافته، روایت‌ها ابزاری برای درک معنای زندگی در پرتوی زندگی اخلاقی معرفی شده‌اند (Possler et al., 2024: 615-616).

مک‌این‌تایر در اثر خود، انسان را موجودی تعریف می‌کند که در بستر روایت‌ها معنا می‌یابد (MacIntyre, 2007: 79). هر کنش اخلاقی، در چهارچوب یک داستان فهم‌پذیر است؛ بنابراین، توانایی خواندن، درک و مشارکت در روایت، پیش‌شرط اخلاقی بودن فرد است. نوسباوم نیز بر قدرت ادبیات و روایت در برانگیختن همدلی و رشد قضاوت اخلاقی تأکید می‌کند. او استدلال می‌کند که مواجهه با موقعیت‌های روایی چندلایه، به مخاطب کمک می‌کند تا پیچیدگی‌های اخلاقی را تجربه کرده و نسبت به تفاوت‌های انسانی حساس‌تر شود (Nussbaum, 1990: 335).

از سوی دیگر، نظریه‌های روایت‌شناسی مدرن، به‌ویژه آراء موری^۴ (۲۰۱۷) و رایان (۲۰۱۵) بر غوطه‌وری در دنیای‌های تعاملی تأکید دارند. رایان مفهوم جهان‌های ممکن را در روایت‌های دیجیتال مطرح می‌کند که در آن مخاطب با انتخاب‌های خود، یک مسیر خاص اخلاقی را تجربه می‌کند و در نتیجه درگیر فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی می‌شود (Ryan, 2015: 85).

بر پایه مبانی نظری ارائه شده در این بخش، می‌توان ادعا کرد که ارزش‌های مسئولانه، همگی جزئی جدایی‌ناپذیر از فرایند تربیت اخلاقی‌اند و پرورش آن‌ها مستلزم تجربه زیسته، تصمیم‌گیری اخلاقی و درونی‌سازی تدریجی است. روایت تعاملی، به‌ویژه در قالب بازی‌های رایانه‌ای، با قرار دادن کاربر در موقعیت‌هایی فعال، انتخاب‌محور و پیام‌دار، بستری منحصربه‌فرد برای درگیر شدن با این ارزش‌ها فراهم می‌کند. این تجربه روایی-تعاملی، نه تنها براساس نظریه‌های رشد اخلاقی و یادگیری اجتماعی قابل تبیین است، بلکه به واسطه‌ی ساختار روایی چندلایه، امکان تجربه غیرمستقیم اما عمیق کنش‌های

1. Narrative Ethics.

2. Nussbaum.

3. MacIntyre.

4. Murray.



اخلاقی را برای کاربر فراهم می‌سازد؛ کنش‌هایی که در آن، معنا و مسئولیت با انتخاب‌های کاربر پیوند می‌خورد.

یافته‌ها: تحلیل بازی رایانه‌ای من تنها نیستم

در این بخش محتوای روایی بازی رایانه‌ای من تنها نیستم، در چهارچوب هفت گانه‌ای ارزش‌های مسئولانه تحلیل می‌شود. این بازی با ساختار روایی تعاملی، مبتنی بر داستان‌های شفاهی قوم بومی اینویپات طراحی شده و از طریق روایت چندلایه، شخصیت‌پردازی اخلاق‌محور و امکان انتخاب و تعامل، فضای مناسبی برای تحلیل مفاهیم اخلاقی فراهم می‌سازد. در ادامه، روایت بازی براساس هریک از این مؤلفه‌ها تحلیل می‌شود.

۱. مسئولیت‌پذیری فردی

در ساختار روایی بازی من تنها نیستم، مسئولیت‌پذیری به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های محوری ارزش‌های اخلاقی به‌شیوه‌ای چندلایه و پیش‌رونده بازنمایی شده است. داستان بازی بر محور سفر دختری از قوم اینویپات به نام نونا^۱ و روباه همراه او شکل می‌گیرد؛ سفری که به منظور نجات قبیله از خطرات طبیعی، از جمله کولاک سهمگین، آغاز می‌شود. از نخستین صحنه‌های بازی، مخاطب با بار معنایی تصمیم‌ها و مسئولیت سنگین شخصیت اصلی مواجه می‌شود؛ کودکی در محیطی خشن، اما متعهد به نجات جامعه خود.

نخستین جلوه مسئولیت‌پذیری فردی، در تصمیم اولیه قهرمان روایت نونا برای ترک محیط امن خانه و ورود به جهان ناپایدار بیرون نمود می‌یابد. در این بخش، ساختار روایت به‌گونه‌ای طراحی شده که کاربر، هم‌زمان با هدایت شخصیت، بار اخلاقی تصمیم او را نیز درک می‌کند. هیچ نیروی خارجی یا الزام بیرونی قوی وجود ندارد که او را مجبور به اقدام کند؛ بلکه تصمیم برای ترک خانه و مواجهه با خطرات، نشانه‌ای از احساس مسئولیت

1. Nuna.



درونی نسبت به قبیله و سرنوشت آن است. روایت با این تصمیم ساده، گام نخست را در درونی سازی مفهوم مسئولیت پذیری برمی دارد.

در مسیر بازی، کاربر با چالش های متعددی مواجه می شود که اغلب نیازمند تفکر، آزمون و خطا و مدیریت پیامدهاست. یکی از نقاط برجسته، مواجهه با خرس سفید است؛ لحظه ای که نونا در مقام شخصیت مرکزی باید با انتخاب های دقیق، از خود و همراهش محافظت کند. در این موقعیت، طراحی بازی به گونه ای است که هر کنش کاربر بلافاصله به نتیجه منجر می شود و شکست در تصمیم گیری به مرگ شخصیت یا از دست رفتن مرحله منجر خواهد شد. این پیوند فوری میان انتخاب، کنش و پیامد، ماهیت اخلاقی مسئولیت را برجسته می سازد؛ کاربر به عنوان کنشگر اصلی، مستقیماً با پیامد انتخاب های خود مواجه می شود. چنین طراحی ای، تجربه ای نمادین از مسئولیت پذیری را در بستر تعاملی خلق می کند.

یکی دیگر از صحنه های کلیدی روایت، جایی است که نونا با چالش حفظ تعادل در شرایط محیطی سخت روبه روست. در این بخش، کاربر باید مراقب حرکت های متوالی شخصیت باشد تا او در طوفان گم نشود یا آسیب نبیند.

در این لحظات، مخاطب متوجه می شود که تنها با دقت، تمرکز و مسئولیت پذیری در اعمال خود می تواند بازی را پیش ببرد. برخلاف بسیاری از بازی ها که کاربر با بارها مردن و تکرار مراحل جریمه نمی شود، من تنها نیستم با ایجاد پیوند عاطفی میان کاربر و شخصیت ها، مرگ یا شکست را به تجربه ای اخلاقی تبدیل می کند؛ شکست اخلاقی در مراقبت.

وجه دیگر مسئولیت پذیری در روایت این بازی، مربوط به تعامل بین نونا و روباه است. رابطه ای که تنها زمانی به پیشرفت منجر می شود که کاربر مسئولیت مراقبت از هر دو شخصیت را هم زمان برعهده گیرد. اگر یکی آسیب ببیند یا نادیده گرفته شود، روایت متوقف می شود. این ساختار تعاملی، مفهوم مسئولیت پذیری نسبت به دیگری را نیز در دل روایت تعبیه می کند. برخلاف بازی هایی که کاربر فقط به فکر پیشرفت فردی است، در



اینجا موفقیت بدون همراهی و توجه به شریک (روباه) ممکن نیست. این رابطه، استعاره‌ای از زندگی اجتماعی و مسئولیت فردی در قبال «دیگری» است.

در سطوح بالاتر روایت نیز، پیام ضمنی بازی بر این اصل اخلاقی تأکید دارد که مسئولیت‌پذیری تنها مربوط به انتخاب‌های فردی لحظه‌ای نیست، بلکه باید در خدمت خیر جمعی قرار گیرد. تلاش نونا نه برای نجات خود، بلکه برای بازگرداندن تعادل به جامعه و طبیعت است. در بخش‌هایی از بازی که داستان‌های بومی روایت می‌شوند، بارها به این نکته اشاره می‌شود که مسئولیت انسان نسبت به قبیله، سنت و طبیعت از ارزش‌های بنیادین فرهنگی اینویپات است. از این منظر، روایت بازی، مسئولیت‌پذیری را از سطح فردی به سطح اجتماعی و بین‌نسلی ارتقا می‌دهد. در مجموع، ساختار بازی رایانه‌ای من تنها نیستم به گونه‌ای طراحی شده است که کاربر، بدون آموزش صریح یا توصیه مستقیم، در معرض تجربه‌های اخلاقی متعددی قرار می‌گیرد که در آن‌ها تصمیم، پیامد و پاسخ‌گویی به هم گره خورده‌اند. این تجربه تعاملی، تجسمی از مفهوم مسئولیت‌پذیری در قالب روایت دیجیتال است که در بستر فرهنگی خاصی (فرهنگ بومی قطبی مردم آلاسکا) به اجرا درآمده، اما پیامدهای آن برای تربیت اخلاقی در بافت‌های مختلف قابل تعمیم است.

۲. همکاری

در بخش‌هایی از روایت، پیشروی در مسیر داستان صرفاً زمانی ممکن می‌شود که هر دو شخصیت اصلی، یعنی نونا و روباه، در هماهنگی کامل با یکدیگر عمل کنند. طراحی بازی به گونه‌ای است که موقعیت‌های چالش‌برانگیز، از جمله عبور از پرتگاه‌ها، پرش‌های ترکیبی، یا مقابله با موانع متحرک، تنها از طریق مشارکت متقابل این دو شخصیت قابل حل است. کاربر ناگزیر است میان آن‌ها جابه‌جا شود، مسئولیت‌های متفاوت هر یک را درک کرده و به گونه‌ای زمان‌بندی کند که اقدامات یکی مکمل عملکرد دیگری باشد. این سطح از وابستگی متقابل، تجربه‌ای عملی از مفهوم همکاری را در بستر روایت شکل می‌دهد که فراتر از یک پیام اخلاقی صریح، به صورت درونی و در دل تجربه بازی درک می‌شود.



تفاوت نقش‌های دو شخصیت، یکی انسانی و دیگری حیوانی، نیز نماد تفاوت قابلیت‌ها در همکاری‌های واقعی است. نونا با توانایی استفاده از ابزارها و تعامل انسانی، و روباه با قابلیت‌های حرکتی، جهش‌های بلندتر و ارتباط با ارواح راهنما، هر یک بخشی از مسئولیت عبور از مراحل را بر عهده دارند. این تقسیم نقش‌ها در روایت، مفهومی از همکاری را برجسته می‌سازد که مبتنی بر تکمیل متقابل و ضرورت شناخت توانمندی‌های طرف مقابل است. کاربر، برای پیشروی موفق، باید نه تنها به درک شرایط هر موقعیت برسد، بلکه قابلیت هماهنگ‌سازی میان این دو عامل را نیز در عمل تمرین کند.

در روایت بازی، شکست در هماهنگی میان دو شخصیت نه تنها به توقف داستان، بلکه گاه به مرگ یکی از شخصیت‌ها و از بین رفتن لحظه‌ای پیوند روایی می‌انجامد. این پیامدها، برخلاف بسیاری از بازی‌های رایانه‌ای که بازگشت از اشتباه بی‌هزینه است، در من تنها نیستیم به شکلی بارز تجربه می‌شوند. همین امر، باعث می‌شود همکاری به عنوان یک مسئولیت اخلاقی مشترک معنا یابد که کاربر نسبت به آن پاسخ‌گوست. روایت به طور ضمنی تأکید می‌کند که اخلاق در کنش جمعی نه صرفاً در نیت، بلکه در توانایی هماهنگی و وفاداری به تعهد جمعی نمود پیدا می‌کند. افزون بر این، در برخی از لحظات بازی، کمک شخصیت روباه تنها از طریق تعامل با عناصر غیرمادی یا موجودات نامرئی امکان‌پذیر است، در حالی که نونا از چنین توانایی‌هایی برخوردار نیست. این ساختار استعاری، بیانگر همکاری میان انسان و نیروهای فراتر از خود، و حتی احترام به آن چیزی است که در ابتدا ناشناخته یا غیردیدنی به نظر می‌رسد. از این منظر، روایت بازی مشارکت را به سطحی فراتر از تعامل انسانی ارتقا می‌دهد و آن را در پیوند با جهان طبیعی و معنوی نیز بازنمایی می‌کند. بدین ترتیب، همکاری در روایت تعاملی من تنها نیستیم نه به صورت توصیه‌ای اخلاقی، بلکه از خلال تجربه تعاملی، درک الزام موقعیتی و مشاهده پیامدهای واقعی، به کاربر منتقل می‌شود. چنین تجربه‌ای، بیش از آنکه مبتنی بر گفتار و آموزش صریح باشد، در عمل و در جریان روایی نهادینه می‌شود و همین ویژگی، قدرت تربیتی روایت را دوچندان می‌سازد.



۳. همدلی

در ساختار روایی بازی من تنها نیستم، همدلی نه به عنوان مفهومی انتزاعی، بلکه به مثابه تجربه‌ای زیسته و درونی شده در بستر روایت و تعامل نمایان می‌شود. در جریان بازی، کاربر به تدریج با شخصیت روباه ارتباطی عاطفی برقرار می‌کند، به‌ویژه از آنجا که این شخصیت نه صرفاً ابزار حل معماها، بلکه همراهی وفادار، نجات‌بخش و تسهیل‌گر عبور از چالش‌های دشوار است. طراحی بازی به گونه‌ای است که کاربر به مراقبت از این همراه غیرانسانی احساس تعهد می‌کند؛ چنان که مرگ ناگهانی او، نه صرفاً اختلالی در پیشبرد روایت، بلکه تجربه‌ای عاطفی و برهم‌زننده توازن روانی بازی است. این لحظه، یکی از قوی‌ترین گره‌های روایی بازی را رقم می‌زند و کاربر را در معرض فقدان، آسیب و اندوه قرار می‌دهد؛ احساساتی که پایه‌های زیستی و روان‌شناختی همدلی را در ذهن مخاطب فعال می‌کنند.

تبدیل شدن روباه به موجودی معنوی پس از مرگ و ادامه همراهی او با نونا در قالبی متفاوت، نه تنها بازتابی از فرهنگ بومی و پیوند با جهان غیرمادی است، بلکه بازتابی از پایداری ارتباط عاطفی و وفاداری حتی در غیاب فیزیکی است. این لحظه روایی، پیامی عمیق درباره پیوندهای همدلانه و استمرار آن‌ها فراتر از حضور فیزیکی به مخاطب منتقل می‌کند. بازی رایانه‌ای با استفاده از استعاره‌های بصری و روایت بدون کلام، نوعی هم‌دردی میان کاربر و شخصیت‌ها ایجاد می‌کند که در آن، کاربر نه تنها نقش هدایت‌گر، بلکه نقش مراقب و همراه را نیز ایفا می‌کند.

تجربه همدلی در این بازی تنها محدود به مواجهه با مرگ روباه نیست، بلکه در کل روایت، کاربر مدام در موقعیتی قرار می‌گیرد که باید وضعیت روانی و جسمانی دیگری را درک کند، در تصمیمات خود آن را لحاظ کند و در مسیر تعاملات خود، پاسخ عاطفی مناسبی ارائه دهد.

این ساختار، برخلاف بازی‌های رقابتی یا صرفاً عملکردمحور، باعث شکل‌گیری نوعی نگاه اخلاقی-عاطفی نسبت به دیگر شخصیت‌ها می‌شود. کاربر با نوعی مراقبت اخلاقی



پیش می‌رود که بر پایه درک موقعیت دیگری، اجتناب از بی‌تفاوتی، و تلاش برای کاهش رنج استوار است.

از منظر روایت‌شناسی اخلاقی، این نوع تجربه همدلی قابل تفسیر در چهارچوب نظریه اخلاق مراقبت است؛ جایی که رابطه، توجه، و پاسخ‌گویی به نیازهای دیگری، بر اصول انتزاعی اخلاقی تقدم می‌یابد (Slote, 2007: 104). در بازی من تنها نیستم، این تقدم به‌وضوح در لایه‌های تعامل، روایت و تصویر قابل مشاهده است. کاربر یاد می‌گیرد که مراقبت از دیگری، بخشی جدانشدنی از مسیر خود اوست؛ و بدون این مراقبت، پیشروی در بازی، و به‌صورت استعاره، پیشروی در زندگی اخلاقی، ممکن نخواهد بود (Greitemeyer, 2013: 411). بنابراین، همدلی در این بازی نه تنها در ساحت روایت آشکار است، بلکه به واسطه‌ی طراحی تعاملی آن، به تجربه‌ای درونی برای کاربر بدل می‌شود. بازی بدین‌سان، توانسته است بستری برای درک عملی از اهمیت دیگری، حساسیت به رنج و آمادگی برای مراقبت عاطفی فراهم سازد؛ تجربه‌ای که مستقیماً به هدف مقاله در تبیین نقش روایت تعاملی در انتقال ارزش‌های اخلاقی پاسخ می‌دهد.

۴. وفاداری

وفاداری در ساختار روایی بازی من تنها نیستم یکی از ارزش‌های کلیدی و چندبُعدی است که در لایه‌های مختلف داستان و تعامل، مورد آزمون قرار می‌گیرد. کاربر در جریان پیشروی در بازی، با موقعیت‌هایی روبه‌رو می‌شود که در آن‌ها وفاداری نه یک گزینه از میان چند انتخاب، بلکه معیاری برای تداوم مسیر، معنا و پیشرفت روایی است. این وفاداری، به سه سطح قابل تفکیک است وفاداری به همراه، وفاداری به هدف، و وفاداری به سنت که هر کدام در نقطه‌ای از روایت و طراحی تعاملی بازی برجسته می‌شوند و به شکلی غیرمستقیم، کاربر را درگیر تصمیم‌گیری‌های اخلاقی می‌کنند.



در نخستین سطح، کاربر موظف به حفظ رابطه با روباه به عنوان همراه اصلی داستان است؛ شخصیتی که اگرچه غیرانسانی و فاقد کلام است، اما از طریق تعامل، فداکاری و حضور مستمر، تبدیل به عنصری حیاتی در فرآیند روایت می‌شود. موقعیت‌هایی در بازی وجود دارد که کاربر می‌تواند انتخاب کند تا بیشتر تمرکز خود را بر پیشرفت سریع یا حفظ ایمنی نونا بگذارد، اما با نادیده گرفتن نیازهای روباه، روایت متوقف می‌شود یا به شکست منتهی می‌گردد.

این وضعیت نشان می‌دهد که وفاداری به همراه، در بازی نه فقط یک دغدغه عاطفی، بلکه پیش شرط پیشرفت داستان است؛ کنشی اخلاقی که هم پیامد درونی دارد (احساس تعلق و همراهی) و هم پیامد بیرونی (تداوم روایت و موفقیت عملکردی).

در سطح دوم، وفاداری به هدف نجات قبیله و برقراری تعادل طبیعی، درون‌مایه‌ای پایدار در کل داستان است. لحظاتی وجود دارد که مسیر داستان دشوار، طولانی یا همراه با خطرهای بزرگ می‌شود، اما در طراحی روایی، راه جایگزینی برای عقب‌نشینی یا انصراف تعریف نشده است. این ساختار، کاربر را درگیر تعهد به هدف می‌کند و با به کارگیری مکانیزم‌های محدودسازی انتخاب، نوعی الزام اخلاقی ضمنی نسبت به ادامه مسیر ایجاد می‌کند. چنین وفاداری‌ای برخلاف اراده صرف، بر پایه درونی‌سازی هدف اخلاقی شکل می‌گیرد و روایت آن را به گونه‌ای در تجربه کاربر حک می‌کند که حفظ عهد، معنا و ضرورت پیدا می‌کند.

در سطح سوم، وفاداری به سنت‌ها و حکمت‌های نیاکان از طریق روایت‌های میان‌پرده، داستان‌های کوتاه مستند و نمادهای بومی نمایان می‌شود. کاربر در طول بازی با عناصر فرهنگی، اسطوره‌ای و آیینی روبه‌روست که از نسلی به نسل دیگر منتقل شده‌اند. در بسیاری از لحظات، تنها زمانی می‌توان مسیر درست را تشخیص داد که به این روایت‌های سنتی توجه شود و درک آن‌ها به عمل منتهی گردد. در اینجا، وفاداری صرفاً به معنای احترام یا بازتولید سنت نیست، بلکه در مقام یک وفاداری تفسیری عمل می‌کند که در آن کاربر باید بتواند معنای نهفته در نشانه‌های فرهنگی را بفهمد و مطابق آن عمل کند.



این سه سطح از وفاداری، در مجموع ساختاری ایجاد می‌کنند که در آن فضیلت وفاداری نه تنها در سطح محتوایی، بلکه در ساحت تعاملی بازی نیز جای گرفته است. برخلاف روایت‌های خطی که وفاداری را در قالب دیالوگ یا توصیف نشان می‌دهند، من تنها نیستم از طریق پیامدهای تصمیم‌گیری، موانع ساختاری و امکان/عدم امکان پیشروی، این ارزش را به بخشی جدایی‌ناپذیر از تجربه زیسته کاربر تبدیل می‌کند. بدین ترتیب، وفاداری در این بازی نه فضیلتی تجویزی، بلکه کیفیتی تجربی، فعال و درونی شده است که از طریق تعامل با روایت ساخته می‌شود.

۵. احترام به فرهنگ و سنت‌ها

در بازی من تنها نیستم، احترام به فرهنگ و سنت‌ها نه تنها در محتوای روایی، بلکه در ساختار کلی بازی و شیوه تعامل کاربر با عناصر داستانی به صورتی عمیق و چندلایه بازنمایی شده است. این بازی با بهره‌گیری از داستان‌های شفاهی قوم اینوپیات، که به صورت سنتی از نسلی به نسل دیگر منتقل شده‌اند، تجربه‌ای فرهنگی را بازسازی می‌کند که در آن سنت، صرفاً پیش‌زمینه‌ای برای روایت نیست، بلکه خمیرمایه اصلی آن را تشکیل می‌دهد. بدین معنا، روایت بازی به گونه‌ای طراحی شده که هر گام از پیشروی کاربر، به فهم و احترام به یک جنبه از فرهنگ بومی وابسته است.

حضور فیلم‌های مستند کوتاه در بخش‌هایی از بازی، که از زبان اعضای جامعه اینوپیات روایت می‌شوند، نه فقط یک افزوده فرامتنی، بلکه بخشی از روایت درونی بازی است که از طریق آن، جهان‌بینی، ارزش‌ها و شیوه‌های زیست سنتی قوم بازتاب داده می‌شود. کاربر در این لحظات، نه با یک سخنرانی آموزشی، بلکه با قطعاتی از حافظه فرهنگی مواجه می‌شود که به نحوی هنرمندانه در دل تجربه بازی تنیده شده‌اند. این نحوه مواجهه، نشان‌دهنده نوعی احترام روایی است که در آن روایت مدرن دیجیتال، خود را در خدمت پاسداشت و بازنمایی روایت‌های سنتی قرار می‌دهد.



از منظر تعامل، بازی به گونه‌ای طراحی شده که پیشروی در مسیر تنها زمانی امکان‌پذیر است که کاربر، معنا و منطق فرهنگی درون بازی را بپذیرد و درک کند. مثلاً در برخی مراحل، تنها با شناخت موجودات افسانه‌ای، مفاهیم مربوط به ارواح راهنما یا نحوه تفسیر نشانه‌های طبیعی در بافت فرهنگی قوم، می‌توان به راه‌حل مناسب رسید. در این ساختار، سنت نه مانع خلاقیت کاربر، بلکه راهنمای تعامل با محیط و عاملی برای موفقیت در بازی است. این نوع طراحی، به صورت ضمنی، مفهومی از احترام به فرهنگ را نهادینه می‌کند که بر پایه درک، پذیرش و همکاری با آن شکل می‌گیرد.

افزون بر این، پیوند با نیاکان به عنوان یکی از مضامین اصلی بازی، لایه‌ای معنوی به روایت می‌افزاید. حضور روح‌ها، موجودات اسطوره‌ای و نشانه‌هایی از حکمت پیشینیان، یادآور این نکته است که فرهنگ و سنت نه گذشته‌ای منجمد، بلکه عنصری زنده و هدایت‌گر در زندگی کنونی است. بازی از این منظر، سنت را نه در تقابل با فناوری، بلکه در امتداد آن نشان می‌دهد؛ چنان‌که روایت دیجیتال می‌تواند وسیله‌ای برای زنده نگه‌داشتن میراث فرهنگی باشد.

در این میان، مخاطب با فرهنگی متفاوت از فرهنگ غالب خود روبه‌رو می‌شود که او را وامی‌دارد تا نه از سر کنجکاوی سطحی، بلکه از منظر همدلی فرهنگی، درک و احترام، به تجربه زیستی قوم دیگری نزدیک شود. از این رهگذر، بازی من تنها نیستم توانسته است از طریق سازوکارهای ظریف روایی و تعاملی، مفهومی از «احترام به سنت‌ها» را نه فقط به عنوان یک توصیه اخلاقی، بلکه به مثابه یکی از عناصر پیش‌برنده روایت و بخشی از مسئولیت اخلاقی کاربر، در تجربه بازی وارد سازد. این امر، بازی را به نمونه‌ای منحصر به فرد از تلفیق روایت دیجیتال و آموزش میان فرهنگی بدل کرده است.

۶. حفاظت از طبیعت

در ساختار روایی و محیطی بازی من تنها نیستم، طبیعت نه تنها به مثابه پس‌زمینه‌ای بصری یا فضای خنثی برای کنش داستانی حضور ندارد، بلکه خود به عنوان یک موجود زنده،



کنشگر و دارای ارزش اخلاقی ظاهر می‌شود. فضای قطبی بازی، با عناصر طبیعی خشن اما اصیل، همچون کولاک، بادهای سنگین، حیوانات قطبی و دریاها یخ‌زده، نقشی فعال در مسیر داستانی و تجربه اخلاقی کاربر ایفا می‌کند. کاربر به‌طور مداوم در موقعیت‌هایی قرار می‌گیرد که در آن، درک نیروهای طبیعی، سازگاری با آن‌ها و رعایت حدود تعامل با محیط پیرامون، لازمه‌ی بقا و پیشروی در روایت است. همین امر سبب می‌شود که طبیعت در این بازی، واجد نوعی عاملیت اخلاقی گردد؛ بدین معنا که نه تنها باید در برابر آن ایستادگی کرد، بلکه باید آن را درک، رعایت و حفظ کرد.

در بسیاری از مراحل بازی، گذر از یک خطر یا حل یک معما تنها زمانی ممکن می‌شود که کاربر رفتارهای هماهنگ با طبیعت از خود نشان دهد. برای مثال، حرکت در مسیرهای طوفانی یا پرش روی یخ‌های شناور، مستلزم توجه دقیق به نشانه‌های طبیعی و هماهنگی با الگوهای محیطی است.

این طراحی، کاربر را از سطح تسلط‌جویی بر طبیعت، به سطح مشارکت و سازگاری سوق می‌دهد و از این طریق، یک پیام اخلاقی عمیق درباره «زیستن درون طبیعت» و نه در برابر آن منتقل می‌شود. چنین الگویی، هم‌راستا با بسیاری از باورهای بومی درباره احترام به طبیعت به مثابه موجودی زنده و دارای روح است؛ مفهومی که در روایت‌های شفاهی قوم اینوپیات به وضوح دیده می‌شود و در بافت فرهنگی بازی نیز حاضر است.

افزون بر این، بازنمایی حیوانات در این بازی نه تنها تهدیدگر نیست، بلکه واجد ظرفیت‌های اخلاقی است. برای مثال، در بخش‌هایی از بازی، حیوانات نقش راهنما یا هشداردهنده دارند یا با رفتارهایشان مسیر درست را نشان می‌دهند. کاربر در مواجهه با این موجودات باید تصمیم بگیرد که آیا با خشونت برخورد کند یا به شیوه‌ای مراقبتی و محافظت‌گرانه واکنش نشان دهد. این موقعیت‌ها، به صورت عملی کاربر را در معرض انتخاب‌های اخلاقی قرار می‌دهند که ارتباط مستقیمی با اصول اخلاق محیط‌زیستی دارند.



ساختار روایی بازی نیز با نمایش پیامدهای نادیده گرفتن تعادل طبیعی، به شکل غیرمستقیم بر مسئولیت اخلاقی انسان در قبال طبیعت تأکید می‌کند. برای نمونه، شخصیت منفی بازی (شامان آسیب‌زننده به تعادل طبیعی) نمادی از دخالت نادرست و بی‌ملاحظه در نظم طبیعت است. کاربر با مقابله با او، عملاً در موضع حفاظت از نظم بوم‌شناختی قرار می‌گیرد و این تقابل، مفهومی از عدالت زیست‌محیطی را در بستر روایت دیجیتال بازتولید می‌کند. در این میان، کاربر، نه از طریق آموزش صریح، بلکه با مشارکت در روایت و مواجهه با پیامدهای زیست‌محیطی تصمیمات خود، تجربه‌ای عمیق از تعامل مسئولانه با محیط به دست می‌آورد.

چنین تجربه‌ای، مستعد آن است که ارزش «حفاظت از طبیعت» را به صورت درونی‌شده و پایدار در ذهن مخاطب شکل دهد؛ به‌ویژه از آنجا که این تجربه با احساس تعلق به مکان، پیوند با فرهنگ و مشارکت در روایت معنا می‌یابد. از این منظر، بازی من تنها نیستم نمونه‌ای موفق از پیوند اخلاق محیط‌زیستی با روایت تعاملی است؛ پیوندی که می‌تواند به شکل‌گیری نگرش‌های پایدارتر نسبت به طبیعت در مخاطبان خردسال کمک کند.

۷. پاسخ‌گویی

در روایت بازی من تنها نیستم، مفهوم پاسخ‌گویی به‌شکلی ظریف و در عین حال ساختاریافته در بطن طراحی روایی و تعاملی بازی گنجانده شده است. کاربر در طول مسیر بازی، درگیر مجموعه‌ای از تصمیم‌ها است که هرچند ممکن است در لحظه کوچک یا جزئی به‌نظر برسند، اما در ادامه روایت، آثار بلندمدت و تعیین‌کننده‌ای بر مسیر داستان و میزان موفقیت او می‌گذارند. این ساختار، تجربه‌ای اخلاقی از پیامد تصمیمات را بازتولید می‌کند که فراتر از مسئولیت‌پذیری لحظه‌ای، مفهوم پاسخ‌گویی را مطرح می‌سازد؛ بدین معنا که کاربر نه تنها مسئول تصمیم خود است، بلکه باید نسبت به نتایج آن نیز تعهد رفتاری داشته باشد.



برای نمونه، در برخی مراحل بازی، اگر کاربر ابزار خاصی را در لحظه مناسب به کار نگیرد یا مسیر انتخابی اشتباهی را طی کند، ممکن است در ادامه قادر به حل یک معما نباشد یا مجبور شود مسیر دشوارتری را تجربه کند.

این طراحی به صورت غیرمستقیم، اصل اخلاقی پیوند میان تصمیم و پیامد را درونی می‌سازد. کاربر می‌آموزد که انتخاب‌های او در خلأ رخ نمی‌دهند و بر جهان بازی و سرنوشت شخصیت‌ها اثر می‌گذارند. چنین تجربه‌ای، الگویی نمادین از زندگی اخلاقی در جهان واقعی است؛ جایی که هر تصمیم، در کنار خود نوعی مسئولیت تولید می‌کند که باید در آینده با آن مواجه شد. از سوی دیگر، بازی با فراهم کردن امکان جبران برخی تصمیم‌ها، نوعی منطق بازسازی اخلاقی را نیز در روایت خود وارد می‌کند. کاربر در برخی لحظات قادر است مسیر اشتباه خود را اصلاح کند یا با تلاش مضاعف، پیامدهای منفی را تا حدی جبران نماید. اما این جبران، بدون هزینه نیست و غالباً مستلزم صرف انرژی بیشتر، عبور از موانع سخت‌تر یا از دست دادن فرصت‌های دیگر است. این منطق، با الگویی از پاسخ‌گویی اخلاقی هم‌راستا است که در آن، اصلاح خطا ممکن، اما متضمن هزینه است، و همین امر، ارزش انتخاب‌های سنجیده و مسئولانه را در مراحل قبلی تقویت می‌کند (Ryan et al., 2019: 301).

روایت در این بازی رایانه‌ای به گونه‌ای طراحی شده که کاربر دائماً در حالت بازاندیشی نسبت به تصمیم‌های گذشته قرار می‌گیرد. شکست‌ها، وقفه‌ها و پیامدهای غیرمنتظره، نقش آینه‌هایی را بازی می‌کنند که کاربر را به تأمل اخلاقی درباره انتخاب‌های خود وادارند.

چنین تأملی، فراتر از عملکرد مکانیکی در روندبازی^۱، به نوعی فرایند بازتاب‌گری اخلاقی تبدیل می‌شود که یکی از اهداف اصلی تربیت اخلاقی نیز محسوب می‌گردد. در مجموع، من تنها نیستم از طریق ساختار تعاملی خود، موفق می‌شود مفهوم پاسخ‌گویی را نه

1. Gameplay.



به صورت بیانی و آموزشی، بلکه در قالب تجربه‌ای زیسته و انضمامی به مخاطب کودک یا نوجوان منتقل کند. کاربر در طول روایت درمی‌یابد که رفتار اخلاقی نه فقط در لحظه تصمیم‌گیری، بلکه در پذیرش پیامدها، اصلاح خطاها و درک تأثیر کنش خود بر دیگران معنا می‌یابد. این تجربه، زمینه‌ای مؤثر برای پرورش قوه داورى اخلاقى و تقویت حس تعهد در زیست اجتماعى آینده فرد فراهم می‌آورد. جدول شماره دو، حضور مولفه‌های ارزش مسئولانه را در این بازی رایانه‌ای ارائه کرده است.

جدول شماره دو: تحلیل ارزش‌های مسئولانه در بازی رایانه‌ای من تنها نیستم

مؤلفه‌ها	نمود روایی در بازی	شیوه بروز در ساختار تعاملی
مسئولیت‌پذیری فردی	تصمیم نونا برای ترک خانه و نجات قبیله؛ پذیرش خطر و مواجهه با طبیعت سهمگین	انتخاب‌های کاربر در مواجهه با خطرها؛ پیامدهای مستقیم تصمیم‌های اخلاقی؛ ساختار علت-معلولی در روایت
همکاری	وابستگی متقابل میان نونا و روباه؛ موفقیت تنها در صورت تعامل و تقسیم وظایف	الزام به هدایت دو شخصیت و هماهنگی میان آن‌ها؛ توقف روایت در صورت عدم همکاری
همدلی	فداکاری روباه برای نجات نونا؛ پیوند عاطفی شکل گرفته بین کاربر و کاراکتر غیرانسانی	واکنش کاربر به آسیب‌پذیری همراه؛ تجربه فقدان و بازگشت؛ تجربه عاطفی از خلال روایت و روندبازی
وفاداری	پافشاری بر مأموریت اصلی علی‌رغم خطر؛ وفاداری به همراه (روباه) در مراحل بحرانی	انتخاب ماندن در مسیر دشوار به جای تسلیم؛ حفظ تعهد نسبت به همراه در روایت تعاملی
احترام به فرهنگ و سنت‌ها	استفاده از داستان‌های بومی اینوپیات؛ حضور نمادها و روایت‌های فرهنگی به صورت فیلم مستند و عناصر داستانی	مواجهه با ارزش‌های فرهنگی از طریق روایت‌های ضمنی؛ عدم امکان پیشروی بدون پذیرش منطق فرهنگی روایت

مؤلفه‌ها	نمود روایی در بازی	شیوه بروز در ساختار تعاملی
حفاظت از طبیعت	نقش محوری طبیعت در روایت؛ مواجهه با حیوانات، طوفان، برف و دریا؛ هشدارهای ضمنی در مورد عدم تعادل در محیط	تصمیمات کاربر در تعامل با طبیعت (مراقبت یا آسیب)؛ پیوند مستقیم تخریب با شکست یا پیچیدگی بیشتر در روند بازی
پاسخ‌گویی	تأثیر انتخاب‌های قبلی بر مراحل بعدی؛ امکان جبران اشتباهات اما با هزینه	مکانیزم‌های بازاندیشی در روایت؛ مواجهه با نتایج تصمیم‌های غیراخلاقی؛ ساختار یادگیری درون‌روایی از طریق تجربه کاربر

تحلیل روایت بازی من تنها نیستم نشان می‌دهد که ساختار تعاملی آن به صورت نظام‌مند، فضیلت‌های اخلاقی مرتبط با مسئولیت را در دل موقعیت‌های روایی و تصمیم‌گیری‌های تعاملی جا داده است.

هیچ‌یک از این مفاهیم به صورت شعاری یا مستقیم آموزش داده نمی‌شوند؛ بلکه کاربر از خلال تجربه و درگیری با چالش‌های روایی، با این مفاهیم مواجه می‌شود. این بازی رایانه‌ای، نمونه‌ای شاخص از توانایی روایت‌های تعاملی در تربیت اخلاقی و پرورش ارزش‌های مسئولانه در کاربران است.



نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی ظرفیت‌های روایی-اخلاقی بازی‌های رایانه‌ای مبتنی بر روایت تعاملی در انتقال ارزش‌های مسئولانه به کاربران انجام شد. در این راستا، بازی من تنها نیستم به مثابه یک متن فرهنگی و اخلاقی مورد تحلیل قرار گرفت تا از خلال آن، چگونگی بروز و انتقال مؤلفه‌های اخلاقی کلیدی چون مسئولیت‌پذیری، همکاری، همدلی، وفاداری، احترام به سنت‌ها، حفاظت از طبیعت و پاسخ‌گویی واکاوی شود. پرسش اصلی پژوهش آن بود که روایت تعاملی در بازی‌های رایانه‌ای چگونه می‌تواند عاملی مؤثر در شکل‌دهی و درونی‌سازی ارزش‌های مسئولانه در کاربران باشد؟ یافته‌های این پژوهش نشان داد که بازی‌های مبتنی بر روایت تعاملی، در مقایسه با دیگر قالب‌های رسانه‌ای، قابلیت منحصربه‌فردی در پرورش اخلاق از طریق تجربه زیسته، تصمیم‌گیری، و مواجهه با پیامدهای انتخاب‌ها دارند.

ساختار بازی من تنها نیستم به گونه‌ای طراحی شده است که کاربر نه تنها نقش دنبال‌کننده داستان، بلکه نقش کنشگر اخلاقی را ایفا می‌کند. او در هر لحظه از روایت، با انتخاب‌هایی روبه‌رو است که پیامدهای ملموس و گاه عاطفی دارند و همین امر، درونی‌سازی مفاهیم اخلاقی را تسهیل می‌کند.

یکی از دستاوردهای اساسی تحلیل این بازی، آن است که ارزش‌های اخلاقی در آن نه به صورت آموزشی و خطابی، بلکه به صورت درون‌ساختاری و تعامل محور طراحی شده‌اند. کاربر از خلال موقعیت‌های بحرانی، تعامل با شخصیت‌ها، پیوندهای عاطفی و آزمون‌های اخلاقی، فضیلت‌هایی چون وفاداری، همدلی، و پاسخگویی را تجربه می‌کند.

در این بازی، شکست اخلاقی به شکل استعاری با مرگ شخصیت‌ها یا توقف روایت نمایان می‌شود و موفقیت، وابسته به رفتارهایی مسئولانه، همدلانه و مشارکتی است. این نکته نشان می‌دهد که روایت تعاملی می‌تواند بستری عمیق برای تمرین تفکر اخلاقی و ایجاد حساسیت نسبت به مسائل انسانی و زیست‌محیطی باشد. در عین حال، بازی از یک ویژگی مهم بهره‌مند است، وابستگی متقابل میان تصمیم، روایت و پیامد.





بر خلاف برخی بازی‌های رایانه‌ای که تنها سرگرمی را دنبال می‌کنند، در من تنها نیستم شکست یا موفقیت روایت، به تصمیمات اخلاقی کاربر گره خورده است. این ویژگی، روایت تعاملی را به نوعی ابزار تربیتی غیرمستقیم تبدیل کرده است که قادر است کودک را وارد فرآیند یادگیری عمیق اخلاقی کند؛ فرآیندی که در آن، ارزش‌ها نه به صورت آموزه، بلکه به صورت تجربه شخصی در ذهن شکل می‌گیرند.

از نظر نظری، این پژوهش تأیید می‌کند که نظریه‌های معاصر در حوزه رشد اخلاقی (کولبرگ)، اخلاق مراقبتی (گیلیگان) و اخلاق روایی (مک‌این‌تایر، نوسباوم) ظرفیت تبیین تربیت اخلاقی در بستر روایت‌های دیجیتال را دارند. روایت تعاملی، از آن رو که ساختار انتخاب و تعامل را درون خود دارد، با ساختارهای ذهنی کاربر و فرایندهای درونی‌سازی اخلاق سازگارتر از رسانه‌های یک‌سویه عمل می‌کند. با توجه به یافته‌ها و ظرفیت‌های شناسایی شده در این پژوهش، می‌توان چنین نتیجه گرفت که بازی‌های روایت‌محور تعاملی، در صورتی که از پشتوانه فرهنگی و اخلاقی غنی برخوردار باشند، می‌توانند در آموزش و پرورش رسمی یا غیررسمی، به عنوان ابزار مکمل تربیت اخلاقی به کار گرفته شوند.

البته شرط آن، طراحی آگاهانه، روایت چندلایه، انتخاب‌های اخلاقی معنادار و پیوند روشن میان کنش و پیامد است.

با توجه به یافته‌های این پژوهش، مسیریابی برای گسترش مطالعات در حوزه روایت‌های تعاملی و انتقال ارزش‌های مسئولانه گشوده می‌شود. انجام پژوهش‌های تطبیقی میان بازی‌های دارای ساختار روایی مشابه، به‌ویژه آن‌هایی که بر انتخاب‌های اخلاقی تکیه دارند، می‌تواند به درک عمیق‌تری از تفاوت‌های فرهنگی و اثرگذاری روایی کمک کند.

همچنین، تحلیل روایت بازی‌ها در چهارچوب نظریه‌های اخلاقی مانند فضیلت‌گرایی یا وظیفه‌گرایی، امکان تبیین دقیق‌تر پیام‌های اخلاقی این رسانه‌ها را فراهم می‌آورد. توسعه بازی‌های بومی با الهام از روایت‌های سنتی و فرهنگی نیز زمینه‌ای مناسب برای پیوند میان

تربیت اخلاقی و فرهنگ ملی فراهم می‌سازد. افزون بر این، بررسی تجربی تأثیر بازی‌های روایت‌محور بر شاخص‌هایی چون حساسیت اخلاقی یا مسئولیت‌پذیری، می‌تواند ابعاد رفتاری این تعامل را روشن‌تر کند. در نهایت، مطالعه نظام‌مند عناصر روایی، انتخاب و پیامد در طراحی بازی‌های اخلاق‌محور، می‌تواند به بهبود کیفیت تربیتی این رسانه‌ها بینجامد.





کتاب نامه

جعفری تبریزی، محمدتقی، نصری، عبدالله (۱۴۰۱). *فلسفه اخلاق و تعلیم و تربیت*. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.

دبیری، احمد (۱۳۹۲). *فلسفه اخلاق با رویکرد تربیتی*. قم: دفتر نشر معارف.

شریفی، احمدحسین (۱۳۸۶). *آیین زندگی (اخلاق کاربردی)*. قم: دفتر نشر معارف.

شریفی، عنایت (۱۴۰۳). *اخلاق کاربردی با تأکید بر منابع اسلامی*. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

شیخ رضایی، حسین (۱۳۸۸). *اخلاق، استعاره و بازی*. *روش‌شناسی علوم انسانی*، ۱۵ (۶۱)، ۱۶۸-۱۴۳.

طباطبائی، مرتضی، ذاکری، مهدی (۱۴۰۰). *آموزش اخلاق با استفاده از بازی: ظرفیت‌ها و مزایا*. *پژوهشنامه اخلاق*، ۱۴ (۵۴)، ۷-۲۶.

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22287264.1400.14.54.7.0>

فرهادی بسطام، محمد، میکائیلی منیع، فرزانه (۱۴۰۳). *اثربخشی آموزش ارزش‌های اخلاقی به شیوه بازی‌وارسازی بر حساسیت اخلاقی و اخلاق تحصیلی دانش‌آموزان پسر پایه سوم ابتدایی*. *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۹ (۳)، ۱۴۰-۱۱۹.

<https://dx.doi.org/10.61186/qaie.9.3.4>

موسوی، سید ابوالفضل (۱۳۹۰). *بازی‌های رایانه‌ای از منظر اخلاق کاربردی با رویکرد اسلامی*. *پژوهشنامه اخلاق*، ۴ (۱۴)، ۷۹-۱۰۸.

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22287264.1390.4.14.4.7>

Bandura, A. (2023). *Social Cognitive Theory: An Agentic Perspective on Human Nature*. Wiley.



- Dabiri, A. (2013). *Philosophy of Ethics with an Educational Approach*. Qom: Daftar Nashr-e Ma'aref. [In Persian]
- de Smale, S., Kors, M. J. L., & Sandoval, A. M. (2019). The Case of This War of Mine: A Production Studies Perspective on Moral Game Design. *Games and Culture*, 14(4), 387-409. <https://doi.org/10.1177/1555412017725996>
- de Vasconcelos Neto, H.P. & Alves, M.A.F. (2020). Cultural Playing: A Videogame Case Study of Never Alone and the Teaching of Culture. In: Ahram, T. (Ed.), *Advances in Human Factors in Wearable Technologies and Game Design*. 215–223. Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-030-20476-1_22
- Ellithorpe, M. E., Cruz, C., Velez, J. A., Ewoldsen, D. R., & Bogert, A. K. (2015). Moral license in video games: When being right can mean doing wrong. *Cyberpsychology, Behavior, and Social Networking*, 18(4), 203–207. <https://doi.org/10.1089/cyber.2014.0599>
- Gilligan, C. (1982). *In a Different Voice: Psychological Theory and Women's Development*. Harvard University Press.
- Greitemeyer, T. (2013). Playing Video Games Cooperatively Increases Empathic Concern. *Social Psychology*, 44(6), 408–413. <https://doi.org/10.1027/1864-9335/a000154>
- Grizzard, M., Tamborini, R., Lewis, R. J., Wang, L. & Prabhu, S. (2014). Being Bad in a Video Game Can Make Us Morally

- Sensitive. *Cyberpsychology, Behavior, and Social Networking*, 17(8), 499–504. <https://doi.org/10.1089/cyber.2013.0658>
- Kohlberg, L. (1981). *The Philosophy of Moral Development: Moral Stages and the Idea of Justice*. Harper & Row.
- MacIntyre, A. (2007). *After Virtue: A Study in Moral Theory*. 3rd Edition. University of Notre Dame Press.
- Mendelytė, A. (2024). Thought Experiments in Video Games: Exploring the (Un)Ethics of Motherhood in Frictional Games' Amnesia: Rebirth. *Games and Culture*, 19(1), 38-54. <https://doi.org/10.1177/15554120231153715>
- Murray, J. H. (2017). *Hamlet on the Holodeck: The Future of Narrative in Cyberspace*. Updated Edition. The MIT Press.
- Noddings, N. (2013). *Caring: A Relational Approach to Ethics and Moral Education*. University of California Press.
- Nussbaum, M. C. (1990). *Love's Knowledge: Essays on Philosophy and Literature*. Oxford University Press.
- Possler, D., Daneels, R., & Bowman, N. D. (2024). Players Just Want to Have Fun? An Exploratory Survey on Hedonic and Eudaimonic Game Motives. *Games and Culture*, 19(5), 611-633. <https://doi.org/10.1177/15554120231182498>
- Rest, J. R., Narvaez, D., Bebeau, M. J. & Thoma, S. J. (1999). *Postconventional Moral Thinking: A Neo-Kohlbergian Approach*. Lawrence Erlbaum Associates.



- Ryan, M., Formosa, P., & Tulloch, R. (2019). Playing Around With Morality: Introducing the Special Issue on Morality Play. *Games and Culture*, 14(4), 299-305. <https://doi.org/10.1177/1555412017738862>
- Ryan, M.-L. (2015). *Narrative as Virtual Reality: Immersion and Interactivity in Literature and Electronic Media 2*. Johns Hopkins University Press.
- Schrier, K. (2019). Designing Games for Moral Learning and Knowledge Building. *Games and Culture*, 14(4), 306-343. <https://doi.org/10.1177/1555412017711514>
- Schwartz, S. H. (2012). An Overview of the Schwartz Theory of Basic Values. *Online Readings in Psychology and Culture*, 2(1). <https://doi.org/10.9707/2307-0919.1116>
- Sharifi, A. H. (2007). *The Way of Life (Applied Ethics)*. Qom: Daftar Nashr-e Ma'aref. [In Persian]
- Slote, M. (2007). *The Ethics of Care and Empathy*. Routledge.
- Staines, D., Formosa, P., & Ryan, M. (2019). Morality Play: A Model for Developing Games of Moral Expertise. *Games and Culture*, 14(4), 410-429. <https://doi.org/10.1177/1555412017729596>
- Strike, K. A., & Soltis, J. F. (2009). *The Ethics of Teaching*. 5th Edition. Teachers College Press.
- Vygotsky, L. S. (1978). *Mind in Society: The Development of Higher Psychological Processes*. Harvard University Press.

Weaver, A. J., & Lewis, N. (2012). Mirrored Morality: An Exploration of Moral Choice in Video Games. *Cyberpsychology, Behavior, and Social Networking*, 15(11), 610–614. [https:// doi.org/10.1089/cyber.2012.0235](https://doi.org/10.1089/cyber.2012.0235)



Explaining the Moral–Spiritual Needs of Adolescents with Hard-to-Treat Diseases: An Applied Analysis Based on the Four Principles of Medical Ethics *

Saeideh Hamledari¹  Ahmad Fazeli²  Rohollah Mousavizadeh³ 

1- Ph.D. Candidate in Moral Philosophy, University of Qom, Qom, Iran (Corresponding Author).
s.hamledari@stu.qom.ac.ir

2-Associate Professor, Department of Ethics, University of Qom, Qom, Iran.
Ahmad.fazeli@Qom.ac.ir

3-Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran.
mosavizadeh@med.mui.ac.ir



Abstract

Adolescents suffering from hard-to-treat diseases face intertwined moral and spiritual dilemmas that can affect their quality of life, human dignity, and participation in medical decision-making. The aim of this study is to identify and explain the moral–spiritual needs of these adolescents within the framework of the four principles of medical ethics, complemented by the principle of human dignity. This qualitative research employed a combined approach (grounded theory and thematic analysis). Data were collected through semi-structured interviews with thirteen participants—including adolescents aged nine

***Cite this article:** Hamledari, S; Fazeli, A; Mousavizadeh, R (2025). Explaining the Moral–Spiritual Needs of Adolescents with Hard-to-Treat Diseases: An Applied Analysis Based on the Four Principles of Medical Ethics, *Journal in Applied Ethics Studies*, 3(81), 89-118.
<https://doi.org/1022081/jf.2025.72751.2082>

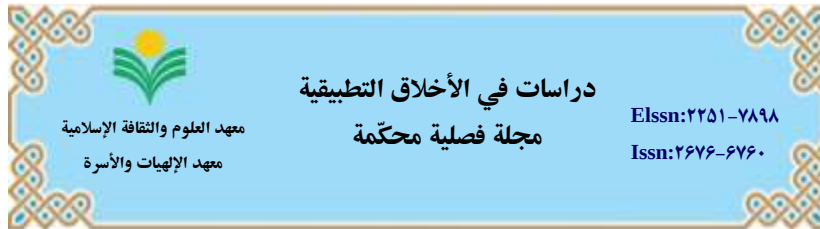
 **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Isfahan, Iran). ***Type of article:** Research Article

 **Received:** 2025/08/31 •  **Revised:** 2025/10/27 •  **Accepted:** 2025/11/08 •  **Published online:** 2025/12/05

to nineteen, their parents, and spiritual caregivers—and analyzed using Braun and Clarke’s six-phase model of coding and thematic analysis. The moral–spiritual needs of adolescents were identified under five themes: autonomy, beneficence, non-maleficence, reciprocal justice, and human dignity. The adolescents experienced justice in both its moral dimension (fair distribution of resources, elimination of discrimination) and spiritual dimension (questioning divine justice), and they tangibly demanded human dignity in their relationships with family, peers, and the medical team. Parents and caregivers emphasized the necessity of moral–spiritual support to reduce suffering, strengthen hope, and minimize moral conflicts. According to the findings, integrating the principles of medical ethics with a spiritual dimension can provide a localized and practical framework for improving the quality of care for adolescents with hard-to-treat diseases.

Keywords

adolescents, hard-to-treat diseases, moral–spiritual needs, principles of medical ethics, human dignity.



شرح الاحتياجات الأخلاقية والروحية للمراهقين المصابين بالأمراض المستعصية على العلاج؛ تحليل تطبيقي قائم على المبادئ الأربعة للأخلاقيات الطبية*

سعيدة حملة داري^١ احمد فاضلي^٢ روح الله موسوي زاده^٣

١- طالبة مرحلة الدكتوراه لفرع فلسفة الأخلاق، جامعة قم، قم - إيران (الكاتبة المسؤولة).

s.hamledari@stu.qom.ac.ir

٢- أستاذ مشارك في قسم فلسفة الأخلاق، جامعة قم، قم - إيران.

Ahmad.fazeli@Qom.ac.ir

٣- أستاذ مساعد في قسم المعارف، جامعة العلوم الطبية، أصفهان - إيران.

mosavizadeh@med.mui.ac.ir

ملخص

يواجه المراهقون الذين يعانون من حالات طبية خطيرة، معضلات أخلاقية وروحية معقدة يمكن أن تؤثر على نوعية حياتهم وكرامتهم الإنسانية ومشاركته في اتخاذ القرارات المتعلقة بالعلاج. تهدف هذه الدراسة إلى تحديد وتفسير الاحتياجات الأخلاقية والروحية لهؤلاء المراهقين، وتفسيرها في إطار المبادئ الأربعة لأخلاقيات الطب، ومبدأ الكرامة الإنسانية

***الاستناد إلى هذه المقالة:** حملة داري، سعيدة؛ فاضلي، احمد؛ موسوي زاده، روح الله (٢٠٢٥). شرح الاحتياجات الأخلاقية والروحية للمراهقين المصابين بالأمراض المستعصية على العلاج؛ تحليل تطبيقي قائم على المبادئ الأربعة لأخلاقيات الطبية، دراسات في الأخلاق التطبيقية، ٣(٨١)، صص ٨٩-١١٨.

<https://doi.org/1022081/jf.2025.72751.2082>

□ نوع المقال: بحثي؛ الناشر: مركز الدعوة الإسلامية في حوزة قم (معهد العلوم والثقافة الإسلامية، أصفهان، إيران) © المؤلف.

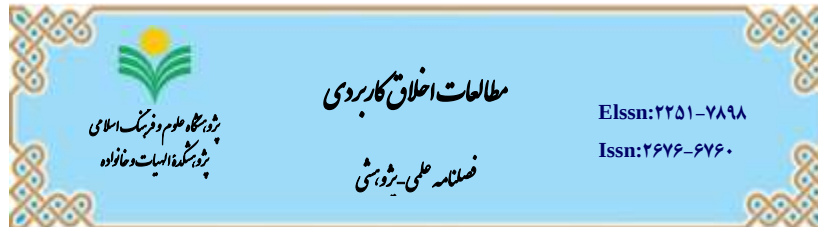
□ تاريخ الاستلام: ٢٠٢٥/٠٨/٣١ □ تاريخ التعديل: ٢٠٢٥/١٠/٢٧ □ تاريخ القبول: ٢٠٢٥/١١/٠٨ □ تاريخ الإصدار: ٢٠٢٥/١٢/٠٥

المكمل. اعتمدت هذه الدراسة النوعية نهجاً يجمع بين النظرية المتجذرة وتحليل المضمون. جُمعت البيانات من خلال مقابلات شبه منظمة مع ثلاثة عشر مراقباً (تتراوح أعمارهم بين التاسعة والتاسعة عشرة)، وأولياء أمورهم، ومقدمي الرعاية الروحية لهم، وتم تحليلها باستخدام الترميز ونموذج براون وكلاارك ذي الخطوات الست. يمكن تفسير الاحتياجات الأخلاقية والروحية للمراهقين في خمسة محاور: القدرة على التصرف أو الاستقلالية، والإحسان، وعدم الإضرار (تجنب الأذى)، والعدالة المتبادلة، والكرامة الإنسانية. لقد اختبر المراهقون العدالة في البعد الأخلاقي (التوزيع العادل للإمكانيات، والقضاء على التمييز)، وكذلك في البعد الروحي (المساءلة عن العدالة الإلهية)، وطالبوا بالكرامة الإنسانية بطريقة ملموسة في علاقاتهم مع العائلة والأصدقاء وفرق الرعاية الصحية. كما أكد الآباء ومقدمو الرعاية على ضرورة الدعم المعنوي والروحي لتخفيف المعاناة، وتعزيز الأمل، والحد من الصراعات الأخلاقية. وبناءً على النتائج، فإن دمج الأخلاقيات الطبية مع البعد الروحي يمكن أن يوفر إطاراً محلياً وعملياً لتحسين جودة الرعاية المقدمة للمراهقين المصابين بأمراض يصعب علاجها.

الكلمات المفتاحية

المراهقون، الأمراض المستعصية على العلاج، الاحتياجات الأخلاقية - الروحية، مبادئ أخلاقيات الطب، الكرامة الإنسانية.





تبیین نیازهای اخلاقی معنوی نوجوانان مبتلا به بیماری‌های سخت درمان؛ تحلیل کاربردی مبتنی بر چهار اصل اخلاق پزشکی*

سعیده حمله‌داری^۱ احمد فاضلی^۲ روح‌الله موسوی‌زاده^۳

۱- دانشجوی دکتری فلسفه اخلاق، دانشگاه قم، قم، ایران. (نویسنده مسئول).

s.hamledari@stu.qom.ac.ir

۲- دانشیار گروه اخلاق، دانشگاه قم، قم، ایران.

Ahmad.fazeli@Qom.ac.ir

۳- استادیار گروه معارف، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران.

mosavizadeh@med.mui.ac.ir

چکیده

نوجوانان مبتلا به بیماری‌های سخت درمان با معضلات اخلاقی و معنوی درهم‌تنیده‌ای روبه‌رو هستند. این معضلات می‌تواند کیفیت زندگی، کرامت انسانی و مشارکت آنان در تصمیم‌گیری‌های درمانی را تحت تأثیر قرار دهد. هدف پژوهش حاضر، شناسایی و تبیین نیازهای اخلاقی معنوی این نوجوانان در چهارچوب اصول چهارگانه اخلاق پزشکی و اصل

* **استناد به این مقاله:** حمله‌داری، سعیده، فاضلی، احمد، موسوی‌زاده، روح‌الله (۱۴۰۴). تبیین نیازهای اخلاقی معنوی نوجوانان مبتلا به بیماری‌های سخت درمان؛ تحلیل کاربردی مبتنی بر چهار اصل اخلاق پزشکی. مطالعات اخلاق کاربردی، ۳ (۸۱)، صص ۸۹-۱۱۸.

<https://doi.org/10.22081/jf.2025.72751.2082>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اصفهان، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۰۹ □ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۸/۰۵ □ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۷ □ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۹/۱۴



مکمل کرامت انسانی است. این مطالعه با رویکرد کیفی ترکیبی (نظریه داده‌بنیاد و تحلیل مضمون) انجام شد. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با سیزده نوجوان (۹ تا نوزده‌ساله) و والدین و مراقبان معنوی گردآوری و با کدگذاری و الگوی شش مرحله‌ای براون و کلارک تحلیل شد. نیازهای اخلاقی معنوی نوجوانان در پنج محور اختیار، سودرسانی، نازیانمندی (اجتناب از آسیب)، عدالت دوسویه و کرامت انسانی قابل تبیین است. نوجوانان، عدالت را هم در بُعد اخلاقی (توزیع عادلانه امکانات، رفع تبعیض) و هم در بُعد معنوی (پرسش از عدل الهی) تجربه، و کرامت انسانی را به صورت ملموس در روابط با خانواده، دوستان و گروه درمان مطالبه کردند. والدین و مراقبان نیز بر ضرورت حمایت اخلاقی معنوی برای کاهش رنج، تقویت امید و کاهش تعارضات اخلاقی تأکید کردند. بر اساس یافته‌ها، تلفیق اصول اخلاق پزشکی با بُعد معنوی می‌تواند چهارچوبی بومی و کاربردی برای ارتقای کیفیت مراقبت از نوجوانان مبتلا به بیماری‌های سخت‌درمان فراهم آورد.

کلیدواژه‌ها

نوجوانان، بیماری‌های سخت‌درمان، نیازهای اخلاقی معنوی، اصول اخلاق پزشکی، کرامت انسانی.



مقدمه

در دنیای امروز، پیشرفت‌های چشمگیر پزشکی، بسیاری از بیماری‌ها را از مرز «کشنده» به «مزمّن و سخت‌درمان» منتقل کرده است. بیماری‌های سخت‌درمان به بیماری‌هایی اطلاق می‌شوند که امید معقولی برای درمان قطعی آن‌ها وجود ندارد و پیشرفت‌شان غیرقابل پیش‌بینی و اغلب پیش‌رونده است. (Benini et al., 2022, p. 530)

اگرچه این بیماری‌ها ممکن است به مرگ زودرس منجر شوند، اما بیماران اغلب سال‌ها با این شرایط زندگی می‌کنند. این دسته از بیماری‌ها، از سرطان‌های پیشرفته تا بیماری‌های عصبی پیش‌رونده، نه تنها جسم فرد را تحت فشار قرار می‌دهند، بلکه هویت، آرزوها و معنای زندگی او را نیز به چالش می‌کشند. این چالش‌های وجودی به‌ویژه برای نوجوانان در حال گذار که در مرحله حساس شکل‌گیری هویت قرار دارند، به ظهور نیازهای عمیق‌تری منجر می‌شود که فراتر از نیازهای صرفاً جسمانی است. در این زمینه، نیازهای معنوی به‌عنوان یک بُعد اساسی و ضروری در زندگی فرد مطرح می‌شود که شامل جست‌وجو برای یافتن معنا و هدف غایی در زندگی، تجربه تعالی و احساس ارتباط با جهان اطراف است. معنویت به‌عنوان عاملی مؤثر بر بهزیستی و سلامت فردی، نقش مهمی در مدیریت این چالش‌ها ایفا می‌کند و مراقبت جامع را به ضرورتی انکارناپذیر تبدیل می‌سازد (Balboni et al., 2024).

در این بستر پُرابهام، نیازهای معنوی نوجوانان بیمار، به‌صورت مجموعه‌ای از تمایلات درونی تعریف می‌شود که آنان را در حفظ یا بازآفرینی معنا، امید و هویت در مواجهه با بیماری یاری می‌کند (Timmins & Caldeira, 2017, p. 48).

بر اساس یافته‌های پژوهشی، این نیازها در چهار حوزه اصلی تجلی می‌یابند: رابطه با خدا به‌عنوان منبع آرامش و قدرت، رابطه با خود شامل نیاز به تأمل و حریم خصوصی، رابطه با دیگران با دریافت حمایت و همدلی، و رابطه با طبیعت برای کاهش احساس انزوا (Zeighami & Sadeghi, 2016, p. 12). این ابعاد که ترکیبی از مبانی نظری و تجربه زیسته نوجوانان را بازتاب می‌دهند، نه تنها در بهبود کیفیت زندگی، نقش اساسی دارند،



بلکه راهنمای ارزشمندی برای طراحی مداخلات معنوی در محیط‌های درمانی محسوب می‌شوند.

نیازهای اخلاقی، همراه و درهم‌تنیده با این بُعد معنوی، به الزامات و چهارچوب‌های حیاتی برای احترام به شخصیت و حقوق نوجوان در فرایند مراقبت اشاره می‌کنند (Varkey, 2020, p. 27). این نیازها که شامل حق برخورداری از اطلاعات شفاف، مشارکت در تصمیم‌گیری‌های درمانی و حفظ کرامت انسانی می‌شوند، پلی به سمت چهارچوبی تحلیلی برای درک نظام‌مند این گروه از بیماران می‌سازند.

این چارچوب تحلیلی، چهار اصل اخلاق پزشکی است که بیوچامپ و چیلدرس (Beauchamp & Childress, 2013, p. 40) معرفی کردند. این چارچوب شامل احترام به اختیار بیمار، وظیفه سودرسانی، نازیانمندی (اجتناب از آسیب) و رعایت عدالت در تخصیص منابع و مراقبت می‌شود.

این اصول چهارگانه همچون پایه‌ای برای تحلیل نیازهای اخلاقی نوجوانان بیمار و پاسخ‌گویی به این نیازها عمل می‌کند (Jansen, 2022, p. 24; Bufacchi, 2020, p. 30; Santoro & Bennett, 2018, p. 6; Jennings, 2014, p. 25; شمالي و مؤمنی، ۱۳۹۲، ص ۱۷۶۹؛ آرامش، ۱۳۹۰، ص ۶۵).

این دو حوزه، در عین تمایز، هم‌پوشانی قابل توجهی دارند. نیازهای اخلاقی به اصول عملی مانند حق تصمیم‌گیری و حفظ استقلال مربوط هستند، در حالی که نیازهای معنوی بر جست‌وجوی معنا و آرامش وجودی متمرکزند. با این حال، همان‌طور که پژوهشگران اشاره کرده‌اند (Santoro & Bennett, 2018, p. 5)، باورهای معنوی نوجوان می‌تواند به‌طور مستقیم بر ترجیحات و تصمیمات اخلاقی او تأثیر بگذارد.

پژوهش‌هایی درباره ابعاد معنوی مراقبت در شرایط بحرانی و پایان عمر انجام شده است. هوکلم استیل (Van Heukelem Still, 1984) در سال ۱۹۸۴م، با تأکید بر ارزیابی نظام‌مند (به‌جای اتکا به شهود)، چهارچوبی برای شناسایی نیازهای معنوی از طریق نشانه‌های کلامی و غیر کلامی ارائه داد. او با معرفی تکنیک‌هایی مانند نقاشی، لزوم بیان



غیرمستقیم نگرانی‌های معنوی بیماران و خانواده‌هایشان را مطرح می‌کند؛ نگرانی‌هایی مانند احساس گناه و نیاز به بخشش.

ویلسون (Wilson, 2010)، با اشاره به غفلت از بُعد معنویت در میان ابتکارات رایج رشد کودک، به تبیین مفهوم معنویت به عنوان بُعدی جدانشدنی از شخصیت کودک می‌پردازد. او با استناد به شواهد موجود، بر وجود ظرفیت‌های معنوی ذاتی در کودکان (مانند کنجکاوی، حیرت و معنویت رابطه‌ای) تأکید می‌کند. پژوهشگرانی مانند وارکی (Varkey, 2020, p. 25) و جینگز (Jennings, 2014, p. 35) بر لزوم تلفیق عملی اصول اخلاقی با نیازهای روانی معنوی بیماران، به ویژه در جمعیت‌های آسیب‌پذیر مانند نوجوانان که در حال گذار به بزرگسالی هستند، تأکید کرده‌اند. با این حال، بررسی این بدنه پژوهشی نشان می‌دهد این مطالعات عمدتاً بر جنبه‌های روان‌شناختی فردی یا مسائل بالینی خاص معنویت متمرکز بوده و کمتر به تحلیل ساختاریافته و نظام‌مند نیازهای اخلاقی معنوی در چهارچوب یک مدل نظری یکپارچه (مانند اصول چهارگانه اخلاق پزشکی) پرداخته‌اند. افزون بر این، بیشتر مطالعات در بستر غربی و با تأکید بر ارزش‌های فردگرایانه، اصل اختیار را در صدر اولویت‌ها قرار داده‌اند، درحالی‌که در فرهنگ‌های جمع‌گرا (مانند فرهنگ ایرانی)، اصولی همچون عدالت، کرامت جمعی، وظیفه‌شناسی خانوادگی و رابطه معنوی با خداوند ممکن است وزن و درجه متفاوت و حتی بالاتری در منظومه ارزشی بیماران داشته باشند.

در پژوهش‌های داخلی، پژوهش‌های کیفی موسوی‌زاده و همکاران (۱۳۹۶) و ضیغمی و صادقی (Zeighami & Sadeghi, 2016, p. 5) گام‌های مهمی برای شناسایی و توصیف ابعاد معنوی نوجوانان بیمار محسوب می‌شوند و چهار حوزه رابطه با خدا، خود، دیگران و طبیعت را به عنوان محورهای اصلی نیازهای معنوی معرفی کرده‌اند. این یافته‌ها بدون شک غنی و راهگشا هستند. افزون بر این، موسوی و چراغی (۱۴۰۳) در مقاله «واکاوی نیازهای اخلاقی کودکان بر اساس نظریه داده‌بنیاد»، ابعاد اخلاقی نیازهای کودکان بیمار را بررسی کرده‌اند. موسوی‌زاده و همکاران (۱۴۰۲) نیز در مقاله «ارزیابی و



تبیین نیازهای معنوی کودکان مبتلا به سرطان»، چهار بُعد اصلی نیازهای معنوی کودکان را معرفی کرده‌اند. همچنین، موسوی‌زاده و حمله‌داری (۱۳۹۹) در کتاب‌های من نباید بیمار می‌شدم (۱۳۹۹) و مجموعه کتاب‌های سلامت معنوی (۱۴۰۱)، در قالب داستان به شرح حال بیماران و نیازهای معنوی آنان پرداخته‌اند.

البته این مطالعات بیشتر به این مسئله می‌پردازند که «چه» نیازهایی وجود دارد و کمتر به «چرا»ی اخلاقی این نیازها و «چگونگی» تبدیل آن‌ها به راهبردهای عملی در چهارچوب وظایف حرفه‌ای توجه دارند. همچنین، پژوهش‌ها در حوزه اخلاق پزشکی، مانند پژوهش‌های شمالی و مؤمنی (۱۳۹۲) و آرامش (۱۳۹۰)، بیشتر بر تبیین وظایف حرفه‌ای و اخلاقی کادر درمان از منظر «ارائه‌دهنده گان خدمت» متمرکز بوده و کمتر به «نیازهای ذاتی و تجربه‌شده بیماران»، به‌ویژه نوجوانان (به‌عنوان منشأ و توجیه‌گر این اصول) توجه شده است.

در مجموع، ادبیات موجود به‌وضوح نشان می‌دهد هرچند نیازهای معنوی نوجوانان مبتلا به بیماری‌های سخت درمان به‌صورت پراکنده و مجزا مورد توجه قرار گرفته‌اند، هنوز چهارچوبی تلفیقی، نظام‌مند و کاربردی که بتواند این نیازهای به‌هم‌پیوسته را در قالب منسجم (متشکل از چهار اصل اخلاق پزشکی و اصل بنیادین کرامت انسانی) به‌صورت هم‌زمان و ساختاریافته، تبیین و اولویت‌بندی و عملیاتی کند، وجود ندارد. برطرف کردن این خلأ نظری و عملی، به‌ویژه در بستر فرهنگی دینی ایران که در آن ابعاد معنوی، اعتقادی و رابطه با خدا نقشی محوری در تفسیر رنج و آرامش‌یافتن ایفا می‌کنند، اهمیت و فوریتی دوچندان دارد.

پژوهش حاضر با هدف پُر کردن این شکاف اساسی، نه فقط به‌صورت توصیفی، بلکه در چارچوبی نظری کاربردی و مبتنی بر یک مدل ترکیبی (شامل اصول چهارگانه اخلاق پزشکی و اصل کرامت انسانی)، به شناسایی و تحلیل عمیق نیازهای اخلاقی معنوی نوجوانان مبتلا به بیماری‌های سخت درمان می‌پردازد.



۱. روش تحقیق

این مطالعه با رویکرد کیفی ترکیبی انجام شد؛ بدین منظور، از نظریه داده‌بنیاد^۱ و تحلیل مضمون^۲ بهره گرفته شد. این رویکرد ترکیبی، امکان استخراج دقیق مفاهیم از داده‌های خام و در عین حال، سازمان‌دهی یافته‌ها در قالب مضامین روشن و قابل تفسیر را فراهم ساخت.

در مرحله نخست، نظریه داده‌بنیاد برای تولید و پالایش کدها از طریق کدگذاری باز، محوری و انتخابی به کار گرفته شد. تحلیل داده‌ها به روش کورین و استراوس (Corbin & Strauss, 2015, p. 50) انجام شد: ابتدا از طریق کدگذاری باز، داده‌ها خط‌به‌خط خوانده و مفاهیم کلیدی استخراج گردید. بعد، با کدگذاری محوری و انتخابی، کدهای اولیه در مقوله‌های محوری سازمان‌دهی و سپس، در قالب مفاهیم انتخابی یکپارچه شدند تا روابط میان مفاهیم مشخص گردد. در نهایت، برای شفاف‌سازی و جمع‌بندی یافته‌ها، تحلیل مضمون بر اساس الگوی شش مرحله‌ای براون و کلارک (Braun & Clarke, 2006, p. 80) انجام شد.

کاربست این الگو با آشناسدن با داده‌ها از طریق غوطه‌وری و یادداشت‌برداری اولیه آغاز می‌شود، سپس کدهای اولیه از بخش‌های مهم داده‌ها تولید می‌شود و پس از آن، جست‌وجو برای مضامین با دسته‌بندی کدهای مرتبط انجام می‌گیرد. در مرحله بعد، بازبینی مضامین برای اطمینان از انسجام و تطابق با داده‌ها صورت می‌پذیرد. سپس، تعریف و نام‌گذاری مضامین، به‌طور واضح و دقیق انجام می‌شود و در نهایت، فرایند با تولید گزارش نهایی از تحلیل به پایان می‌رسد.

این تلفیق دو روش، اعتبار یافته‌ها را افزایش و تحلیل را از سطح توصیفی به سطح تحلیلی تبیینی ارتقا داد. شرکت‌کنندگان سیزده نوجوان (نُه تا نوزده‌ساله) بودند که از طریق نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. معیارهای ورود، شامل تجربه مستقیم با بیماری‌های

1. Grounded Theory.
2. Thematic Analysis.

سخت‌درمان (مانند سرطان)، آمادگی برای مشارکت در مصاحبه و توانایی بیان تجربه‌های شخصی بود. همچنین، تنوع در سن، جنس و نقش شرکت‌کنندگان مدنظر قرار گرفت تا طیف گسترده‌ای از تجارب روانی، اخلاقی و معنوی پوشش داده شود. معیارهای خروج نیز تمایل نداشتن به ادامه شرکت در پژوهش در هر مرحله از مراحل انجام پژوهش، فوت، خروج از کشور یا تغییر محل سکونت نمونه بود.

جدول ۱. مشخصات نمونه‌های پژوهش			
شناسه مصاحبه	سن	جنس	نوع بیماری
۱	۱۱	پسر	سرطان و پیوند عضو
۲	۱۰	دختر	سرطان
۳	۹	دختر	فیروز کیستیک
۴	۹	دختر	سرطان
۵	۱۱	پسر	تومور مغزی
۶	۹	پسر	سرطان
۷	۱۹	پسر	تومور مغز و نخاع
۸	۹	دختر	سرطان کلیه
۹	۱۷	پسر	سرطان ناحیه گردن
۱۰	۱۳	پسر	اختلال ITP





جدول ۱. مشخصات نمونه های پژوهش

شناسه مصاحبه	سن	جنس	نوع بیماری
۱۱	۱۴	پسر	سرطان
۱۲	۱۴	پسر	سرطان
۱۳	۱۵	دختر	سرطان

برای جمع آوری داده ها از مصاحبه های نیمه ساختاریافته استفاده شد که بر محور تجربه زیسته نوجوانان در مواجهه با بیماری، نیازهای اخلاقی و معنوی آنان متمرکز بود. هر مصاحبه ۳۰ تا ۴۵ دقیقه طول کشید و با رضایت شرکت کنندگان ضبط و سپس، به طور کامل مکتوب شد. محتوای مصاحبه ها بر اساس پرسش های موجود در پرسش نامه سلامت معنوی پولوتزین و الیسون (Paloutzian & Ellison, 1982) و پرسش نامه ارزیابی اهمیت معنوی پارسیان و دونینگ (Parsian & Dunning, 2009) و بازگرداندن آن ها به زبان نوجوان انجام شد.

روایی و پایایی این پژوهش، با استفاده از چهار معیار، صحت و استحکام یافته های کیفی را تأیید کرد. اعتبار به فعالیت هایی اشاره دارد که احتمال کسب داده های معتبر را افزایش می دهد؛ مانند اعتمادسازی برای مشارکت کنندگان و تأیید یافته ها از طریق کد گذاری و نظارت همکاران. قابلیت اعتماد، معادل پایایی در تحقیقات کمی است و از طریق استفاده از چندین روش جمع آوری داده، مانند مصاحبه های عمیق و مشاهدات، تأمین می شود. تأیید پذیری به این معناست که سایر پژوهشگران باید بتوانند مسیر تحقیق را دنبال کنند که در این مطالعه با ضبط مصاحبه ها و ثبت جزئیات پژوهش، محقق شده است. این چهار معیار به تأمین کیفیت و اعتبار یافته های کیفی کمک می کنند (Merriam, 2002, p. 2; Hennink & Hutter, 2020, p. 40).



بررسی، تحلیل و کدگذاری‌ها را چهار پژوهشگر مستقل انجام دادند (پژوهشگر اول، دانشجوی دکتری فلسفه اخلاق؛ پژوهشگر دوم، دکتری اخلاق، عضو هیئت علمی و مدیر مرکز سلامت معنوی دانشگاه اصفهان؛ پژوهشگر سوم، دانش آموخته پسادکتری سلامت معنوی و مدیرعامل مؤسسه سلامت معنوی والا؛ پژوهشگر چهارم، کارشناس ارشد تربیت دینی نوجوانان و مراقب معنوی در بیمارستان).

۲. یافته‌ها

داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با سیزده نوجوان (نه تا نوزده ساله) مبتلا به بیماری‌های سخت درمان جمع‌آوری شد. تحلیل داده‌ها در شش مرحله (Clarke & Braun 2006, p. 50) انجام گرفت: (۱) آشناسدن با داده‌ها؛ (۲) تولید کدهای اولیه؛ (۳) سازمان‌دهی کدها در تم‌های اولیه؛ (۴) بازبینی و ترکیب تم‌ها؛ (۵) تعریف و نام‌گذاری تم‌های نهایی؛ (۶) گنجاندن تم‌ها در چهارچوب اصول اخلاقی. مراحل اول تا چهارم در بخش یافته‌ها و مراحل پنجم و ششم در بخش بحث تبیین خواهند شد.

مرحله اول: آشناسدن با داده‌ها

در این مرحله، محقق با خواندن و بازخوانی مکرر متن تمام مصاحبه‌ها، به‌طور عمیق با داده‌ها آشنا شد. طی این فرایند، یادداشت‌های اولیه درباره ایده‌ها، الگوها و نکات کلیدی مربوط به نیازهای اخلاقی و معنوی نوجوانان ثبت گردید.

مرحله دوم: کدهای اولیه (با استناد به متن مصاحبه‌ها)

جدول ۲. کدهای اولیه (با استناد به متن مصاحبه‌ها)			
شماره	کد اولیه	منبع (مصاحبه)	نقل قول مستقیم
C1	ترس از اشتباه جنسیتی	دختر (نه‌ساله)	«خاله چرا همه فکر می‌کنن من پسرم؟».
C2	نارضایتی از فضای کودکانه	پسر (پانزده‌ساله)	«روتختی‌های کودکانه را متناسب با شرایط سنی‌ام نمی‌دانم».
C3	نیاز به تأیید عاطفی	دختر (نه‌ساله)	«خاله، تو منو دوست داری؟»
C4	خدا به‌عنوان عامل بیماری	دختر (ده‌ساله)	«خدا منو تنبیه می‌کنه... از خدا می‌ترسیدم».
C5	سؤال از عدالت الهی	پسر (یازده‌ساله)	«چرا من بیمار شدم؟ آیا خدا منو ناعادل دوست؟».
C6	احساس گناه و شرم	پسر (یازده‌ساله)	«بارم بر دوش دیگرانه... احساس گناه می‌کنم»
C7	نیاز به حضور خواهر	دختر (نه‌ساله)	«اگر آجی‌م اینجا بود خوشحال می‌شدم».
C8	ترس از تمسخر دوستان	دختر (نه‌ساله)	«می‌ترسم دوستانم منو با سر بدون مو ببینن و مسخره‌م کنن».
C9	اعتراض به خدا	دختر (نه‌ساله)	«من خدا رو صدا نکردم؟ پس چرا حالم بدته؟».
C10	نیاز به مراقب معنوی	دختر (نه‌ساله)	«نیازمند صحبت با مراقب معنوی بودم».
C11	ترس از هم‌اتاقی شدن با جنس مخالف	پسر (سیزده‌ساله)	«از بستری شدن با دختر هشت‌ساله معذب بودم».



جدول ۲. کدهای اولیه (با استناد به متن مصاحبه‌ها)			
شماره	کد اولیه	منبع (مصاحبه)	نقل قول مستقیم
C12	تمایل به خودمختاری	پسر (هفده ساله)	«می‌خوام خودم شرایطم رو مدیریت کنم».
C13	نارضایتی از تصویر بدنی	پسر (نوزده ساله)	«من خیلی زشت شدم... مرتب توی آینه نگاه می‌کنم».
C14	سؤال از عشق خدا	پسر (نوزده ساله)	«خدا منو دوست نداره... چرا منو مریض کرد؟».
C15	احساس امید با تعامل مثبت	دختر (نه ساله)	«بعد از تعامل با پرستار، آرام آرام خندید».

مرحله سوم: سازمان‌دهی کدها در تم‌های اولیه

در این مرحله، کدهای اولیه پس از استخراج داده‌های خام (مصاحبه‌ها)، بررسی و گروه‌بندی شدند تا با شناسایی ارتباطات معنایی میان کدها، بر اساس تفکر انتقادی، کدهای مرتبط در دسته‌های معنادار قرار گیرند.

مثال عملی: کدهای اولیه «چرا خدا منو مریض کرد؟ (C14)» و «چرا من بیمار شدم؟ (C5)» هر دو به پرسش‌های معنوی درباره عدالت الهی اشاره دارند. این کدها در یک دسته‌بندی قرار می‌گیرند که به تم پرسش از عدالت الهی تبدیل می‌شود.





جدول ۳. سازمان‌دهی کدها در تم‌های اولیه	
تم اولیه	کدهای مرتبط
هویت و جنسیت	C1, C2, C13
ارتباط عاطفی	C3, C7, C15
پرسش از عدالت الهی	C5, C9, C14
نیاز به مراقبت معنوی	C10
خودمختاری	C12

مرحله چهارم: بازبینی و ترکیب تم‌ها

در این مرحله، هم‌خوانی یا ناسازگاری تم‌های اولیه با داده‌های خام بررسی شد. همچنین، تم‌های مشابه یا هم‌پوشان با یکدیگر ادغام شدند تا تم‌های نهایی شکل بگیرند. این مرحله با دقت و انعطاف‌پذیری خاصی همراه بود؛ چراکه گاهی یک تم حذف یا به دو تم مجزا تقسیم می‌شد.

مثال عملی: اگر دو تم اولیه بسیار مشابه باشند، ممکن است در مرحله بازبینی با یکدیگر ترکیب شوند؛ برای مثال، اگر تم‌های «نیاز به تأیید عاطفی» و «نیاز به حضور خواهر» وجود داشته باشد، ممکن است در تم بزرگ‌تر حمایت عاطفی ادغام شوند.



جدول ۴. بازبینی و ترکیب تم‌ها	
تم نهایی	کدهای مرتبط
احترام به هویت و جنسیت	C1, C2, C13
پرسش از عدالت الهی	C5, C9, C14
حمایت معنوی	C10
خودمختاری	C12
نیاز به تأیید عاطفی	C3, C7, C15

۳. بحث

تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها نشان داد نوجوانان مبتلا به بیماری‌های سخت درمان با مسائل اخلاقی و معنوی متعددی مواجه هستند. این مسائل شامل نیاز به تأیید هویت، پرسش درباره عدالت الهی، نیاز به خودمختاری و حمایت عاطفی و معنوی است.

در این بخش، یافته‌ها در چارچوب اصول چهارگانه اخلاق پزشکی شامل کرامت، نازیانمندی (اجتناب از آسیب)، سودمندی و اختیار، به علاوه اصل کرامت انسانی (به عنوان اصل مکمل) بررسی شده‌اند.

این اصول، ابزاری اخلاقی برای درک بهتر نیازهای بیماران و طراحی سیستم‌های مراقبت مبتنی بر اخلاق فراهم می‌کنند (Jansen, 2022, p. 24; Bufacchi, 2020, p. 27; Santoro & Bennett, 2018, p. 8; Jennings, 2014, p. 40؛ شمالی و مؤمنی، ۱۳۹۲، ص ۱۷۶۵؛ آرامش، ۱۳۹۰، ص ۶۵).



۳. ۱. اصل خیرخواهی (سودمندی)

اصل خیرخواهی یا سودمندی، پزشکان را ملزم می‌کند در راستای منافع بیمار عمل کنند. این اصل، فراتر از جلوگیری صرف از آسیب است و شامل وظایفی فعال برای ارتقای سلامت، درمان بیماری و بهبود کیفیت زندگی بیمار می‌شود. (Beauchamp & Childress, 2013, p. 48). یافته‌های این تحقیق نشان دادند نوجوانان بیمار به دنبال مراقبت‌هایی هستند که نه تنها به درمان بیماریشان کمک کند، بلکه کیفیت زندگی آن‌ها را نیز بهبود بخشد.

بعد اخلاقی: حمایت عاطفی و اقدامات سازنده برای بهبود وضعیت نوجوان.

نمونه مصاحبه‌ها:

- دختر ۹ ساله گفت: «اگر خواهرم اینجا بود خوشحال می‌شدم» که نشان‌دهنده نیاز به حمایت عاطفی است.
- دختر یازده ساله که ابتدا از پرستاران می‌ترسید، با تعامل مثبت «آرام آرام خندید».

بعد معنوی: مراقبت معنوی، ایجاد آرامش و امید برای مواجهه با بیماری.

نمونه مصاحبه‌ها:

- دختر ۹ ساله نیازمند صحبت با مراقب معنوی بود و گفت: «با او که حرف می‌زنم، احساس آرامش و امیدواری می‌کنم».
- پسر نوزده ساله دریافت مراقبت معنوی را موجب امیدواری و کاهش اضطراب خود بیان کرد.

این یافته‌ها با پژوهش‌های پیشین که بر اهمیت مراقبت‌های جامع و چندبعدی تأکید کرده‌اند، هم‌سو است (Thanattheerakul et al., 2020, p. 285; Champagne, 2010, p. 295; Bryant-Davis et al., 2012, p. 307; King, 2013, p. 14).

با این حال، عمل به این اصل، نیازمند قضاوت بالینی دقیق و تعادل با دیگر اصول اخلاقی



(به‌ویژه اختیار بیمار) است؛ چراکه ممکن است آنچه از دید پزشک، منفعت محسوب می‌شود، با خواسته‌ها و ارزش‌های بیمار هم‌خوانی نداشته باشد (Jansen, 2022, p. 23). در این راستا، نوجوانان بیان می‌کردند که «دوست دارم خودم انتخاب کنم چه درمانی برایم بهتر است» (C12) و این نشان‌دهنده اهمیت مشارکت دادن آن‌ها در فرایند درمان است.

۲.۳. اصل نازیانمندی (اجتناب از آسیب)

اصل نازیانمندی به معنای پرهیز از آسیب‌رساندن به بیماران است. این اصل، بیان می‌کند هیچ‌یک از اقدامات پزشک نباید به بیمار آسیب برساند، اعم از آسیب مستقیم یا آسیب بر اثر اهمال (Bufacchi, 2020, p. 3). یافته‌ها نشان دادند نوجوانان در تجربه‌های خود تحت تأثیر فشارهای روانی و معنوی ناشی از بیماری قرار دارند.

بُعد اخلاقی: جلوگیری از آسیب روانی و معنوی فراتر از آسیب جسمانی.

نمونه مصاحبه‌ها:

- دختر ده‌ساله از اینکه نگرش مادرش باعث ایجاد احساس گناه شده بود، ناراحت بود و این نشان‌دهنده نیاز او به امنیت روانی است.
- پسر یازده‌ساله با احساس شرم و خودکم‌بینی، به رهایی از بار روانی گناه نیاز داشت.
- بعد معنوی: نیاز به احساس امنیت در برابر قضاوت‌های معنوی و رهایی از احساس گناه.

نمونه مصاحبه‌ها:

- دختر ده‌ساله درباره ترس از مجازات الهی و اینکه «خدا مرا تنبیه می‌کند» صحبت کرد که نشان‌دهنده نیاز معنوی به امنیت و آرامش روحی است.
- دختر یازده‌ساله پرسید «چرا من بیمار شدم؟ آیا خدا منو ناعادل دونست؟» که بیانگر نیاز معنوی او به درک عدالت الهی است.

این یافته‌ها با پژوهش‌های قبلی که آسیب‌های روانی ناشی از تفسیرهای نادرست را برجسته کرده‌اند، هم‌خوانی دارد (Bryant-Davis et al., 2012؛ رکنی، ۱۴۰۲). اصل نازیانمندی باید به‌عنوان فیلتری برای تصمیمات پزشکی مورد توجه قرار گیرد تا اطمینان حاصل شود خطرهای احتمالی هر درمان، کمتر از مزایای آن باشد. در این راستا، پزشکان باید به‌طور فعال از آسیب‌های روانی و معنوی بیماران پیشگیری کنند.

۳.۳. اصل اختیار

اصل اختیار، به حق فرد برای تصمیم‌گیری درباره بدن و زندگی خود اشاره دارد. این اصل شامل حق شنیده‌شدن نظر و مشارکت در تصمیم‌گیری است (Jennings, 2014, p. 29; Santoro & Bennett, 2018, p. 9). یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند نوجوانان بیمار به‌دنبال این هستند که حرف و نظرشان شنیده شود و در تصمیم‌گیری‌های مربوط به درمان خود مشارکت کنند. کدهایی مانند «ترس از هم‌اتاقی شدن با جنس مخالف» و «نیاز به خودمختاری» نشان‌دهنده این نیاز است.

بعد اخلاقی: احترام به حق انتخاب و تصمیم‌گیری نوجوان در روند درمان.

نمونه مصاحبه‌ها:

– دختر پانزده‌ساله و پسر سیزده‌ساله از فضای درمانی نامتناسب با سنشان نارضایتی داشتند و به لزوم احترام به حق انتخاب خود اشاره کردند.

بعد معنوی: احساس کنترل داشتن بر سرنوشت و معنادادن به تجربه بیماری.

نمونه مصاحبه‌ها:

– پسر هفده‌ساله با وجود بیماری گفت: «می‌خواهم خودم شرایطم را مدیریت کنم و تصمیم بگیرم» که نشان‌دهنده نیاز معنوی به معنابخشی به زندگی است.





این یافته‌ها با پژوهش‌های پیشین که بر اهمیت مشارکت نوجوانان در تصمیم‌گیری‌های پزشکی تأکید دارند، تأیید می‌شود (Jennings, 2014, p. 40؛ شمالی و مؤمنی، ۱۳۹۲).
 باین حال، برخی از پژوهش‌ها به پدرسالاری در تصمیم‌گیری‌های پزشکی اشاره کرده‌اند که می‌تواند به احساس بی‌قدرتی در نوجوانان منجر شود (آرامش، ۱۳۹۰). این رویکرد، با اصل اختیار در تضاد است و باید در الگوهای تصمیم‌گیری تحول ایجاد شود تا به نوجوانان، به‌عنوان افراد دارای حق و توانایی ادراک، احترام گذاشته شود.

۳.۴. اصل عدالت

اصل عدالت بر توزیع منصفانه منابع و دسترسی برابر به خدمات درمانی تأکید دارد (نظری و دیگران، ۱۳۹۲). تأکید بر نیاز به عدالت نشان‌دهنده ضرورت توجه ویژه به گروه‌های آسیب‌پذیر است (Varkey, 2020, p. 21).

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهند نوجوانان به دنبال عدالت در دسترسی به مراقبت‌های پزشکی و توزیع امکانات هستند.

بعد اخلاقی: توزیع عادلانه مراقبت و ارائه برابر خدمات در نظام درمان، پرهیز از تبعیض.

نمونه مصاحبه‌ها:

– پسر یازده‌ساله احساس می‌کرد «بارش بر دوش دیگران است» و نیازمند عدالت اجتماعی و اقتصادی بود.

بعد معنوی: پرسش از عدل الهی و معنای رنجی که نوجوان تجربه می‌کند.

نمونه مصاحبه‌ها:

– پسر نوزده‌ساله پرسید: «چرا من این‌طور شدم؟ خدا منو مریض کرد؟» که نشان‌دهنده نیاز معنوی به درک عدالت الهی است.



- مادر دختر نه‌ساله گفت که اطرافیانش با تعجب می‌پرسند: «چطور ممکنه در چنین خانواده‌ای فرزند بیمار بشه؟». چنین مسئله‌ای، نیاز به رهایی از قضاوت‌های ناعادلانه را نشان می‌دهد.

از مهم‌ترین دستاوردهای این تحقیق، برجسته‌سازی مفهوم عدالت به‌صورت دوسویه است. عدالت در این پژوهش نه‌تنها به‌مثابه یک نیاز اخلاقی (رفتار برابر، توزیع منصفانه امکانات و رفع تبعیض)، بلکه به‌عنوان یک نیاز معنوی (پرسش از عدل الهی و معنابخشی به رنج) معنا یافت.

این تبیین تازه، عدالت را به پلی میان اخلاق و معنویت تبدیل می‌کند و راه را برای طراحی مداخلات بالینی حساس‌تر به نیازهای نوجوانان بیمار هموار می‌کند. برخلاف مطالعات گذشته که عدالت را صرفاً در یکی از این دو ساحت بررسی کرده بودند (Varkey, 2020, p. 18؛ نظری و منتظری، ۱۳۹۲؛ رکنی، ۱۴۰۲؛ موسوی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۹)، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد عدالت مفهومی تلفیقی است و تجربه زیسته نوجوانان را بهتر بازنمایی می‌کند.

۳.۵. اصل کرامت انسانی

کرامت انسانی، مفهومی بنیادین در اخلاق و فلسفه است که به ارزش و شایستگی ذاتی هر انسان اشاره دارد (شجاعی، ۱۳۸۹، ص ۳۳۰). این اصل باید به‌عنوان یک اصل مکمل برای اصول چهارگانه در نظر گرفته شود.

در این پژوهش، کرامت انسانی، محور اصلی تحلیل قرار گرفت و نشان داده شد که نوجوانان به‌طور مستقیم، این کرامت را به‌عنوان نیازی بنیادین تجربه و مطالبه می‌کنند.



بُعد اخلاقی: احترام به هویت فردی، حفظ تصویر بدنی و عزت نفس در فرایند درمان
(حملة داری و موسوی زاده، ۱۴۰۰).

نمونه مصاحبه‌ها:

- ناراحتی دختر نه‌ساله از اینکه «به‌اشتباه با عنوان "آقای پسر" خطاب می‌شد»، نشان‌دهنده این است که او به احترام به هویت جنسی و کرامت فردی نیاز دارد.

- اعتراض پسر پانزده‌ساله به بستری شدن در بخش کودکان و روتختی‌های کودکان، نشان‌دهنده نیاز او به احترام به هویت و استقلال است.

بُعد معنوی: تجربه ارزشمندی و توجه به کرامت انسانی برای دستیابی به آرامش درونی و امید.

نمونه مصاحبه‌ها:

- دختر ده‌ساله می‌گفت «وقتی پرستاران با احترام با من رفتار می‌کنند، احساس آرامش می‌کنم» که نشان‌دهنده نیاز معنوی به حفظ کرامت و ارزش انسانی است.

- پسر نوزده‌ساله احساس می‌کرد با رعایت احترام در درمان، اعتماد به نفس و امیدش بیشتر می‌شود.

اگرچه نقدهایی مطرح شده که اصول چهارگانه اخلاق پزشکی، محصول فضای فرهنگی غرب‌اند و برای کاربرد در جوامع اسلامی نیازمند بازخوانی‌اند (شمالی و مؤمنی، ۱۳۹۲)، یافته‌های حاضر نشان دادند نوجوانان خود به‌طور مستقیم و زیسته، کرامت انسانی را به‌عنوان نیازی بنیادین تجربه و مطالبه می‌کنند؛ به‌این ترتیب، این پژوهش توانست اصل کرامت انسانی را از سطح نظری به سطح تجربی ارتقا دهد و آن را مکملی بومی برای اصول چهارگانه معرفی کند.

این یافته می‌تواند در سیاست‌گذاری‌های سلامت و طراحی مداخلات مراقبتی در ایران و جوامع مشابه، نقش مهمی ایفا کند.



با وجود این، پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی نیز مواجه بود؛ نخست، جامعه آماری به نوجوانان یک منطقه جغرافیایی و گروهی خاص از بیماری‌ها (مانند سرطان) محدود بود که تعمیم نتایج را نیازمند احتیاط می‌سازد. دوم، ماهیت کیفی پژوهش سبب می‌شود یافته‌ها به جای تمرکز بر الگوهای تعمیم‌ناپذیر، بیشتر به تبیین عمیق پدیده کمک کنند. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های بعدی با ترکیب روش‌های کیفی و کمی و در جمعیت‌های متنوع‌تر انجام گیرند تا اعتبار بیرونی یافته‌ها تقویت شود.

در مجموع، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند اصول چهارگانه اخلاق پزشکی و اصل کرامت انسانی می‌توانند به عنوان چارچوبی جامع برای درک نیازهای اخلاقی معنوی نوجوانان مبتلا به بیماری‌های سخت درمان و پاسخ‌دهی به این نیازها عمل کنند.

این اصول نمایانگر انتظارات و نیازهای عمیق بیماران هستند و می‌توانند به طراحی مداخلات بالینی حساس‌تر به این نیازها کمک کنند؛ به‌ویژه، تأکید بر اصل کرامت انسانی می‌تواند به ارتقای کیفیت مراقبت‌های ارائه‌شده و بهبود نتایج درمانی در این گروه سنی منجر شود.



نتیجه گیری

پژوهش حاضر نشان داد نوجوانان مبتلا به بیماری‌های سخت درمان، نیازهایی توأمان در حوزه‌های اخلاق و معنویت دارند و این نیازها صرفاً با رویکردهای بالینی متعارف پاسخ داده نمی‌شوند. پاسخ‌گویی به این نیازها در قالب اصول چهارگانه اخلاق پزشکی (اختیار، سودرسانی، نازیانمندی (اجتناب از آسیب) و عدالت) و با تکیه بر محور بنیادینی چون «حفظ کرامت انسانی» میسر می‌شود. برجسته‌سازی عدالت، به عنوان مفهومی دوسویه (اخلاقی و معنوی) و ارتقای اصل کرامت انسانی از سطح نظری به سطح تجربی، از مهم‌ترین دستاوردهای این مطالعه بود.

براین اساس، تلفیق اصول اخلاق پزشکی با ارزش‌های فرهنگی دینی می‌تواند چهارچوبی کارآمد برای طراحی مداخلات مراقبتی و سیاست‌های سلامت در ایران فراهم آورد؛ چارچوبی که علاوه بر ارتقای کیفیت زندگی نوجوانان بیمار، به کاهش تعارضات اخلاقی و پاسداشت کرامت انسانی آن‌ها نیز کمک می‌کند. در مجموع، یافته‌ها نشان می‌دهند توجه هم‌زمان به اصول اخلاقی و نیازهای معنوی نه تنها غنای نظری اخلاق پزشکی را افزایش می‌دهد، بلکه زمینه ارتقای مراقبت‌های انسانی‌تر و بومی‌تر را در مواجهه با نوجوانان مبتلا به بیماری‌های سخت درمان فراهم می‌سازد.

این طرح پس از دریافت کد اخلاق از کمیته اخلاق در پژوهش دانشگاه علوم پزشکی اصفهان (IR.ARI.MUI.REC.1402.073)، مجوز لازم را برای انجام مطالعه از مرکز مراقبت تسکینی دریافت کرد. از اطلاعات موجود، به صورت کلی و بدون افشای هویت بیماران، استفاده شده و هیچ‌گونه اطلاعات فردی شناسایی‌شونده در مقاله گزارش نشده است. در مواردی که نظر بیماران یا خانواده‌ها در قالب تجربه بالینی یا مصاحبه‌های غیررسمی لحاظ شده، رضایت شفاهی آنان پس از توضیح اهداف پژوهش اخذ گردیده است. همچنین، تمام مشارکت‌کنندگان متخصص در فرایند دلفی و بررسی چارچوب پیشنهادی، پس از اطلاع‌رسانی دقیق، با حفظ محرمانگی اطلاعات، همکاری کردند. مشارکت در پژوهش کاملاً داوطلبانه بوده و هیچ‌گونه تأثیری بر روند درمان افراد نداشته است.



کتابنامه

- آرامش، کیارش (۱۳۹۰)، «کرامت انسانی در اخلاق زیست پزشکی»، *اخلاق و تاریخ پزشکی*، دوره ۴، ش ۳، ص ۴۶-۶۱.
- حمله‌داری، سعیده و روح‌الله موسوی‌زاده (۱۴۰۰)، «سلامت معنوی در تعارض عزت نفس و بیماری با تأکید بر بیماران صعب‌العلاج»، *پژوهش‌نامه اخلاق*، دوره ۱۴، ش ۵۴، ص ۴۷-۵۶.
- رکنی، محمدباقر (۱۴۰۲)، «تدوین اصول اخلاق پزشکی در سازمان جهانی بهداشت»، *اخلاق در علوم و فناوری*، دوره ۱۸، ش ۱، ص ۷-۱.
- شجاعی، محمدصادق (۱۳۸۹)، *درآمدی بر روان‌شناسی تنظیم رفتار با رویکرد اسلامی*، قم: دار الحديث.
- شمالی، محمدعلی و قدرت‌الله مؤمنی (۱۳۹۲)، «بررسی تئوری‌های اخلاقی پایه و اصول اخلاق پزشکی»، *مجله دانشکده پزشکی اصفهان*، دوره ۳۱، ش ۲۵۸، ص ۱۷۵۶-۱۷۶۸.
- موسوی‌زاده، روح‌الله و همکاران (۱۳۹۶)، *چرا من؟*، اصفهان: دانشگاه علوم پزشکی.
- موسوی‌زاده، روح‌الله، سعیده حمله‌داری و مهدی احمدی‌فراز (۱۳۹۹)، «سلامت معنوی در تعارض عدالت و بیماری با تأکید بر بیماران صعب‌العلاج»، *اندیشه نوین دینی*، دوره ۱۶، ش ۶۲، ص ۱۷۹-۱۹۴.
- نظری، سعید و مریم منتظری (۱۳۹۲)، «عدالت، مطالعه تطبیقی میان اصول اخلاق پزشکی و آموزه‌های اخلاق پزشکی»، *اخلاق زیستی*، دوره ۳، ش ۹، ص ۱۲-۳۰.
- Balboni, T., Balboni, M. J. & Fitchett, G. (2024). "Spirituality as a determinant of health: Emerging poli Presscies, practices, and systems". *Health Affairs*, 43(6): 846-853.
- Beauchamp, J. F. & Childress, T. L. (2013). *Principles of biomedical ethics*. 7th edition. Oxford University Press.

- Benini, F., Papadatou, D., Bernad , M., Craig, F., De Zen, L., Downing, J., Drake, R., Friedrichsdorf, S., Garros, D., Giacomelli, L., Lacerda, A., Lazzarin, P., Marceglia, S., Marston, J. & Wolfe, J. (2022). "International standards for pediatric palliative care: From IMPaCCT to GO-PpaCS". *Journal of Pain and Symptom Management*, 63(5): e529-e543. <https://doi.org/10.1016/j.jpainsymman.2021.12.031>.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). "Using thematic analysis in psychology". *Qualitative Research in Psychology*, 3(2): 77–101.
- Bryant-Davis, T., Ellis, M. U., Burke-Maynard, E., Moon, N., Counts, P. A. & Anderson, G. (2012). "Religiosity, spirituality, and trauma recovery in the lives of children and adolescents". *Professional Psychology: Research and Practice*, 43(4): 306–314. <https://doi.org/10.1037/a0029282>.
- Bufacchi, V. (2020). "Justice as non-maleficence". *Theoria*, 67(1): 1–27. <https://doi.org/10.3167/th.2020.6716201>
- Champagne, E. (2010). "Being a child, a spiritual child". *International Journal of Children's Spirituality*, 15(3): 291–303. <https://doi.org/10.1080/1364436X.2010.497652>.
- Corbin, J. & Strauss, A. (2015). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory*. 4th edition. Sage.
- Hennink M. & Hutter I. (2020). *Bailey A. Qualitative research methods*. SAGE Publications Limited.





- Jansen, L. A. (2022). "Medical beneficence, nonmaleficence and patients' well-being". *The Journal of Clinical Ethics*, 33(1): 23–28.
- Jennings, B. (2014). "Rights of passage: Ethical aspects of adolescent end-of-life care". In K. Doka & A. S. Tucci (Eds.), *Coping with loss in adolescence* (pp. 29–45). Hospice Foundation of America.
- King, U. (2013). "The spiritual potential of childhood: Awakening to the fullness of life". *International Journal of Children's Spirituality*, 18(1): 4–17. <https://doi.org/10.1080/1364436X.2012.748814>.
- Merriam, S.B. (2002). "Introduction to qualitative research". *Qualitative research in practice: Examples for discussion and analysis*, 1(1): 1-17.
- Paloutzian, R. F. & Ellison, C. W. (1982). "Spiritual well-being and the quality of life. In Loneliness: A sourcebook of current theory". *research and therapy*. pp. 224-237.
- Parsian, N. & Dunning, T. (2009). "Spirituality and coping in young adults with diabetes: a cross-sectional study". *EDN*, 6(3): 100-104.
- Santoro, J. D. & Bennett, M. (2018). "Ethics of end of life decisions in pediatrics: A narrative review of the roles of caregivers, shared decision-making and patient-centered values". *Behavioral Sciences*, 8(42):1-9. <https://doi.org/10.3390/bs8040042>.
- Thanattheerakul, C., Tangvoraphonkchai, J. & Pimsab, W. (2020). "Spiritual needs and practice in chronically ill children and their families in the Isan region of Thailand". *International Journal of*

Children's Spirituality, 25(4): 282–296. [https:// doi.org/ 10.1080/ 1364436X.2020.1827225](https://doi.org/10.1080/1364436X.2020.1827225).

Timmins, F. & Caldeira, S. (2017). “Assessing the spiritual needs of patients”. *Nursing Standard*, 31(29): 47–53.

Van Heukelem Still, J. (1984). “How to assess spiritual needs of children and their families”. *Journal of Christian Nursing*, 1(4): 4–6.

varkey, B. (2020). “Principles of clinical ethics and their application to practice”. *Medical Principles and Practice*, 30: 17–28. [https:// doi.org/10.1159/000504300](https://doi.org/10.1159/000504300).

Wilson, R. A. (2010). “The spiritual life of children”. *Exchange*, 24: 25–27.

Zeighami, H. & Sadeghi, N. (2016).” Spiritual/religious needs of adolescents with cancer”. *Religions*, 7(91): 1–13. [https:// doi.org/ 10.3390/rel7070091](https://doi.org/10.3390/rel7070091).





Identifying the Challenges of Generative Artificial Intelligence in Organizations: Emphasis on Ethical and Sustainability Dimensions*

Sanaz Shafiee¹ 

1- Assistant Professor in Payame Noor University
s.shafiei@pnu.ac.ir



Abstract

With the rapid growth of generative artificial intelligence (AI) technologies and their increasing applications across diverse domains, the need to examine the implications and challenges arising from their adoption has become more pressing. The aim of this study is to identify and analyze the issues associated with the use of generative AI in organizations. This qualitative research employs thematic analysis, and data were collected through semi-structured interviews with experts. The findings indicate that the identified challenges fall into six main themes: transparency and accountability; legal; security and governance; human and cultural; content quality and credibility; and economic and operational dimensions. These six areas encompass a total of twenty-four subthemes that span a wide range of technical, legal, organizational, and ethical concerns. A deeper examination revealed that many of these issues stem from the absence of clear and

*Cite this article: Shafiee, S.(2025). C Identifying the Challenges of Generative Artificial Intelligence in Organizations: Emphasis on Ethical and Sustainability Dimensions, Journal in Applied Ethics Studies, 3(81), 119-156.
<https://doi.org/10.22081/jf.2025.72615.2076>.

▣ **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Isfahan, Iran). ***Type of article:** Research Article

▣ **Received:**2025/08/13 • **Revised:**2025/09/05 • **Accepted:**2025/09/21 • **Published online:**2025/12/05

ethical governance frameworks, poor quality and diversity of training data, ambiguity in model decision-making processes, and the lack of organizational readiness in terms of culture and structure to adopt emerging technologies. The results of this study can serve as a practical guide for managers, policymakers, and developers in pursuing responsible and sustainable implementation of generative AI.

Keywords

generative artificial intelligence, technology ethics, data governance, organizational issues, digital sustainability.



البحث عن تحديد وإدارة تحديات الذكاء الاصطناعي التوليدي في المنظمات مع التركيز على الجوانب الأخلاقية والاستدامة*

ساناز شفيعی^۱

۱- استاذة مساعدة لقسم إدارة تكنولوجيا المعلومات، جامعة بيام نور، طهران - إيران.

s.shafiei@pnu.ac.ir

ملخص

مع النمو السريع لتقنيات الذكاء الاصطناعي التوليدي وتوسع تطبيقاتها في مجالات متعددة، أصبح من الواضح بشكل متزايد ضرورة دراسة العواقب والتحديات الناتجة عن توظيف هذه التكنولوجيا. يهدف هذا البحث إلى تحديد وتحليل التحديات المرتبطة بتطبيق الذكاء الاصطناعي التوليدي في المنظمات. اعتمدت الدراسة منهجاً نوعياً باستخدام التحليل الموضوعاتي، وجمعت البيانات من خلال مقابلات شبه مهيكلة مع خبراء. أظهرت النتائج أن التحديات المحددة يمكن تصنيفها ضمن ستة محاور رئيسية: الشفافية والمساءلة؛ القضايا القانونية والأمنية والحوكمة؛ الجوانب البشرية والثقافية؛ جودة ومصداقية المحتوى؛

***الاستناد إلى هذه المقالة:** شفيعی، ساناز (۲۰۲۵). البحث عن تحديد وإدارة تحديات الذكاء الاصطناعي التوليدي في

المنظمات مع التركيز على الجوانب الأخلاقية والاستدامة. دراسات في الأخلاق التطبيقية، ۳(۸۱)، صص ۱۱۹-۱۵۶.

<https://doi.org/1022081/jf.2025.72615.2076>.

نوع المقال: بحثي؛ الناشر: مركز الدعوة الإسلامية في حوزه قم (معهد العلوم والثقافة الإسلامية، أصفهان، إيران) © المؤلفون

تاريخ الاستلام: ۲۰۲۵/۰۸/۱۳ • تاريخ التعديل: ۲۰۲۵/۰۹/۰۵ • تاريخ القبول: ۲۰۲۵/۰۹/۲۱ • تاريخ الإصدار: ۲۰۲۵/۱۲/۰۵

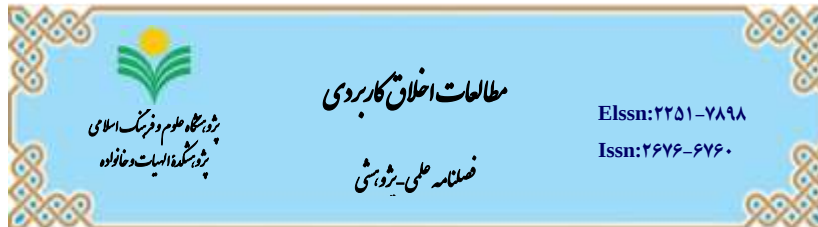


والاعتبارات الاقتصادية والتشغيلية. وتشمل هذه المحاور الستة أربعة وعشرين محوراً فرعياً تعالج مجموعة واسعة من القضايا التقنية والقانونية والتنظيمية والأخلاقية. وأظهر تحليلٌ أعمق أن العديد من هذه التحديات تنبع من غياب أطر حوكمة واضحة وأخلاقية، وضعف جودة البيانات التعليمية ونقص تنوعها، وغموض عمليات اتخاذ القرار في النماذج، وعدم جاهزية المنظمات من الناحية الثقافية والبنوية لتبني التقنيات الناشئة. يمكن أن تُعدّ هذه النتائج دليلاً عملياً للمديرين وواضعي السياسات والمطورين لاعتماد الذكاء الاصطناعي التوليدي بشكل مسؤول ومستدام.

الكلمات المفتاحية

الذكاء الاصطناعي التوليدي، أخلاقيات التكنولوجيا، حوكمة البيانات، التحديات التنظيمية، الاستدامة الرقمية.





شناسایی مسائل هوش مصنوعی مولد در سازمان‌ها با تأکید بر ابعاد اخلاقی و پایداری*

ساناز شفیعی

۱- استاد یار گروه مدیریت فناوری اطلاعات، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

s.shafiei@pnu.ac.ir

چکیده

با رشد شتابان فناوری‌های هوش مصنوعی مولد و گسترش روزافزون کاربردهای آن در حوزه‌های گوناگون، ضرورت بررسی پیامدها و مسائل ناشی از به کارگیری این فناوری بیش از پیش آشکار شده است. هدف این پژوهش، شناسایی و تحلیل مسائل مربوط به به کارگیری هوش مصنوعی مولد در سازمان‌هاست. رویکرد پژوهش، کیفی و مبتنی بر تحلیل مضمون است و داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با خبرگان گردآوری شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد مسائل شناسایی شده در قالب شش مضمون اصلی شفافیت و پاسخ‌گویی، حقوقی، امنیتی و حاکمیتی، انسانی و فرهنگی، کیفیت و اعتبار محتوا، و

* **استناد به این مقاله:** شفیعی، ساناز (۱۴۰۴). شناسایی مسائل هوش مصنوعی مولد در سازمان‌ها با تأکید بر ابعاد اخلاقی و پایداری، مطالعات اخلاق کاربردی، ۳ (۸۱)، صص ۱۱۹-۱۵۶.

<https://doi.org/1022081/jf.2025.72615.2076>.

نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اصفهان، ایران) © نویسندگان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۲۲ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۶/۱۴ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۳۰ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۹/۱۴

اقتصادی و عملیاتی دسته‌بندی می‌شوند. این شش حوزه در مجموع ۲۴ خرده‌مضمون را شامل می‌شوند که طیفی از مسائل فنی، حقوقی، سازمانی و اخلاقی را پوشش می‌دهند. بررسی عمیق‌تر نشان داد بسیاری از این مسائل ناشی از نبود چارچوب‌های حکمرانی اخلاقی و شفاف، ضعف کیفیت و تنوع داده‌های آموزشی، ابهام در فرایند تصمیم‌گیری مدل‌ها، و آمادگی نداشتن سازمان‌ها از نظر فرهنگ و ساختار برای پذیرش فناوری‌های نوین است. از نتایج این پژوهش می‌توان به‌عنوان راهنمای عملی برای مدیران، سیاست‌گذاران و توسعه‌دهندگان در مسیر بهره‌گیری مسئولانه و پایدار از هوش مصنوعی مولد استفاده کرد.

کلیدواژه‌ها

هوش مصنوعی مولد، اخلاق فناوری، حکمرانی داده، مسائل سازمانی، پایداری دیجیتال.



مقدمه

هوش مصنوعی در سال‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین محرک‌های تحول دیجیتال تبدیل شده است. پیشرفت‌های سریع در الگوریتم‌های یادگیری عمیق، پردازش زبان طبیعی و بینایی ماشین باعث شده سازمان‌ها از این فناوری نه تنها برای تحلیل داده و پیش‌بینی، بلکه برای خلق محتوای نوآورانه نیز بهره ببرند. در این میان، هوش مصنوعی مولد^۱ به عنوان یکی از شاخه‌های برجسته و نوظهور هوش مصنوعی مطرح شده است که توانایی تولید محتوای جدید شامل متن، تصویر، صدا و ویدئو را دارد (Macdonald et al., 2023). ظهور ابزارهایی مانند چت جی‌پی‌تی، میدجرنی^۲ و دال‌ای^۳ نشان داد مرزهای خلاقیت دیجیتال و ظرفیت پردازش رایانه‌ای به شکل بی‌سابقه‌ای گسترش یافته است (Floridi, 2023).

با توجه به اینکه فناوری‌های مولد می‌توانند انواع گوناگونی از محتوا را ایجاد کنند، سازمان‌ها با پرسش‌های جدی اخلاقی و حقوقی درباره محدودده و نحوه به کارگیری آن مواجه‌اند (Singh et al., 2024). تولید محتوای نادرست، سوگیری الگوریتمی، نقض حریم خصوصی و ابهام در مسئولیت‌پذیری تنها بخشی از مخاطراتی است که می‌تواند پیامدهای منفی قابل توجهی برای اعتبار، امنیت و پایداری سازمان‌ها داشته باشد (Weidinger et al., 2021; Jobin et al., 2019). گزارش‌های بین‌المللی هشدار می‌دهند بدون وجود سازوکارهای حکمرانی شفاف، استفاده از مدل‌های مولد می‌تواند به گسترش اطلاعات نادرست، تبعیض ساختاری و کاهش اعتماد عمومی منجر شود (OECD, 2024).

در پاسخ به این نگرانی‌ها، نهادهای بین‌المللی مانند اتحادیه اروپا با قانون هوش مصنوعی^۴ (European Commission, 2021) و یونسکو با توصیه‌نامه اخلاق هوش مصنوعی^۵ (UNESCO, 2022) تلاش کرده‌اند چارچوب‌هایی برای توسعه و استفاده



1. Generative Artificial Intelligence.
2. Midjourney.
3. DALL·E.
4. EU AI Act, 2024.
5. UNESCO, 2021.



مسئولانه ارائه کنند. باین حال، اجرای این چارچوب‌ها در سطح سازمانی همچنان با موانع عملی و فرهنگی همراه است (Cath, 2018).

از منظر مدیریتی نیز نبود سیاست‌های داخلی روشن، کمبود آموزش اخلاقی کارکنان و نبود نظام ارزیابی ریسک، از عواملی است که مانع استفاده اثربخش از این فناوری در سازمان‌ها می‌شود (Dwivedi et al., 2023). این شرایط، نیاز به مطالعات عمیق و اکتشافی را برجسته می‌کند تا از طریق شناسایی دقیق مسائل اخلاقی، بتوان مسیر تدوین سیاست‌ها، رویه‌ها و آموزش‌های متناسب را فراهم ساخت.

حوزه هوش مصنوعی در سال‌های اخیر رشد چشمگیری داشته است؛ از توسعه فناوری‌های نو و افزایش سرمایه‌گذاری (بیش از نودمیلیارد دلار در آمریکا در سال ۲۰۲۱) تا جهش در انتشار مقالات و ثبت اختراعات، به‌ویژه در یادگیری ماشین، بینایی کامپیوتر و پردازش زبان. این رونق، علاوه بر مزایا، نگرانی‌های اخلاقی جدی مانند نقض حریم خصوصی، گسترش نظارت، هزینه‌های زیست‌محیطی و تعمیق تبعیض را ایجاد کرده و به بحث درباره اخلاق هوش مصنوعی منجر شده است. پرسش کلیدی این است که چه اصول اخلاقی باید توسعه هوش مصنوعی را هدایت کنند (Corrêa et al., 2023). براین اساس، پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و مبتنی بر مصاحبه با خبرگان، در پی شناسایی و تحلیل مسائل چندبعدی استفاده از هوش مصنوعی مولد در سازمان‌ها، با تأکید ویژه بر ابعاد اخلاقی و پایداری، و ارائه راهکارهای مدیریتی برای مواجهه با آن است. نتایج این مطالعه می‌تواند مبنایی برای طراحی چهارچوب‌های بومی‌سازی شده حکمرانی فراهم کند؛ به‌نحوی که ضمن حفظ مزایای نوآوری، از مخاطرات احتمالی آن نیز بکاهد.

پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر، توجه گسترده‌ای به ابعاد اخلاقی و اجتماعی هوش مصنوعی مولد شده است (Weidinger et al., 2021). پژوهشگران، با مرور نظام‌مند، ۲۱ نوع آسیب را شناسایی کردند؛ از جمله تولید اطلاعات نادرست، تشدید سوگیری‌های اجتماعی، نقض



حریم خصوصی، آسیب‌های زیست‌محیطی و مسائل مالکیت فکری. آنان نتیجه گرفتند حتی مدل‌های پیشرفته، بدون سیاست‌های روشن و نظارت انسانی، می‌توانند پیامدهای منفی گسترده‌ای داشته باشند (Dwivedi et al., 2023)؛ همچنین، پژوهشگران پیامدهای چندبعدی سامانه‌های مولد را در بستر سازمانی تحلیل کردند. یافته‌های آنان نشان داد این فناوری‌ها می‌توانند اعتماد عمومی را تضعیف و امنیت شغلی را تهدید کنند و مشکلات حقوقی پدید آورند؛ از این رو، ضرورت آموزش کارکنان و تدوین سیاست‌های داخلی آشکارتر می‌شود.

همچنین کات (Cath, 2018) با رویکرد کیفی و مصاحبه با مدیران و سیاست‌گذاران، چارچوبی سه‌لایه برای حکمرانی اخلاقی ارائه کرد که شامل سیاست‌گذاری داخلی، ارزیابی آثار اخلاقی پیش از استقرار و نظارت مستمر است. در سطح سیاست‌گذاری، دو چارچوب راهبردی تأثیرگذار معرفی شده‌اند: نخست، چارچوب مدیریت خطر هوش مصنوعی (NIST AI RMF 1.0) که با رویکرد داوطلبانه به سازمان‌ها کمک می‌کند مخاطرات فنی و اجتماعی را شناسایی و مدیریت کنند و بر مشارکت ذی‌نفعان در چرخه عمر هوش مصنوعی تأکید دارد؛ دوم، قانون هوش مصنوعی اتحادیه اروپا که با رویکرد مبتنی بر خطر، برخی کاربردها را پرخطر دانسته و تکالیفی برای شفاف‌سازی و انطباق ارائه‌دهندگان وضع می‌کند (European AI, 2023)؛ در کنار این چهارچوب‌ها، پژوهش‌های تجربی و مروری همچنان بر تداوم مسائلی چون سوگیری الگوریتمی، نبود شفافیت و ابهام در مسئولیت‌پذیری تأکید می‌کنند (Raghavan et al., 2020; Chen, 2023).

مرورهای تحلیلی اخیر (۲۰۲۴-۲۰۲۵)، خوشه‌ای از مخاطرات اصلی را در هوش مصنوعی مولد شناسایی کرده‌اند؛ شامل مسائل حریم خصوصی و امنیت داده، مالکیت فکری و کپی‌رایت، تولید محتوای جعلی و دیپ‌فیک، و تقویت سوگیری‌ها. این مرورها همچنین راهکارهایی مانند شفاف‌سازی منبع محتوا، ممیزی مدل‌ها، حاکمیت داده و ارزیابی تأثیرات اجتماعی را برای کاهش احتمال خطر پیشنهاد داده‌اند.



(a; Surbakti, 2025 Al-kfairy et al., 2024). از منظر اقتصادی و رقابتی نیز گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی به‌طور هم‌زمان بر ظرفیت‌های بهره‌وری و مخاطرات ناشی از تمرکز داده و منابع محاسباتی تأکید کرده‌اند؛ موضوعی که شاید نیازمند مداخلات تنظیم‌گرانه برای محافظت از منافع عمومی باشد (OECD, 2024).

در ادبیات مدیریتی، پژوهش‌های جدید به بررسی اصول اخلاقی در استقرار هوش مصنوعی مولد پرداخته‌اند. این اصول شامل دقت، شفافیت، انصاف، پاسخ‌گویی، امنیت و احترام به حریم خصوصی است و نشان می‌دهد موفقیت سازمان‌ها در استفاده از این فناوری نیازمند ترکیب سازوکارهای حاکمیتی، کنترل‌های فنی و توانمندسازی سرمایه‌انسانی است (Rana et al., 2024).

با آنکه پژوهش‌های حوزه هوش مصنوعی در ایران هنوز در مراحل ابتدایی قرار دارند، برخی از پژوهشگران به جنبه‌های اخلاقی و حقوقی هوش مصنوعی پرداخته‌اند؛ برای مثال، فرزین و سمیعی (۱۴۰۲) در مقاله «چالش‌های اخلاقی و حقوقی استفاده از هوش مصنوعی در کسب‌وکارهای دیجیتال»، مسائل اخلاقی و حقوقی کسب‌وکارهای دیجیتال را بررسی و مسائلی مانند نقض حریم خصوصی، تبعیض الگوریتمی و مسئولیت‌پذیری را شناسایی کرده‌اند. عباسی و تیموری (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «مروری بر چالش‌های اخلاقی و حقوقی کاربرد هوش مصنوعی در نظام سلامت»، در حوزه سلامت به مسائلی چون اعتماد به هوش مصنوعی، کرامت انسانی و استقلال فردی اشاره کرده‌اند. همچنین، قوامی‌پور سرشکه و محمودی (۱۴۰۳) در مقاله «واکاوی چالش‌های پیاده‌سازی هوش اخلاقی در هوش مصنوعی» به دشواری‌های اعمال قواعد اخلاقی در سامانه‌های هوشمند پرداخته‌اند.

علاوه بر این، رحیمی‌ا قدم و همکاران (۱۴۰۳)، در مقاله‌ای با عنوان «چالش‌های اخلاقی اتخاذ هوش مصنوعی در مدیریت منابع انسانی»، مسائل اخلاقی به‌کارگیری هوش مصنوعی در مدیریت منابع انسانی را در شش دسته از جمله نقض عدالت سازمانی، کاهش خودمختاری کارکنان و تهدید حریم خصوصی شناسایی کرده‌اند.



رحیم زارعی (۱۴۰۴) نیز در مطالعه‌ای مروری با عنوان «بررسی چالش‌های اخلاقی در سیستم‌های هوشمند و راهکارهای جلوگیری از آن‌ها»، مشکلاتی چون نبود شفافیت، سوگیری و ابهام در مسئولیت‌پذیری را بررسی و راهکارهایی مانند مدل‌های قابل تفسیر، آموزش اخلاقی مدیران و تدوین چارچوب‌های قانونی جهانی پیشنهاد داده است.

جمع‌بندی پیشینه نشان می‌دهد در سطح بین‌المللی چارچوب‌های کلان و مطالعات گسترده‌ای درباره مسائل اخلاقی هوش مصنوعی مولد انجام شده است؛ اما پژوهش‌های عمیق در بستر سازمانی و بین‌صنعتی هنوز محدودند. در سطح داخلی نیز بیشتر مطالعات به‌طور کلی به اخلاق هوش مصنوعی پرداخته‌اند و پژوهش‌های ویژه و کیفی در زمینه هوش مصنوعی مولد بسیار اندک است. این خلأ پژوهشی، ضرورت مطالعه‌ای جامع و اکتشافی را برجسته می‌سازد؛ لازم است با استفاده از دیدگاه خبرگان حوزه‌های فناوری، مدیریت، حقوق و اخلاق، مسائل اخلاقی هوش مصنوعی مولد در سازمان‌ها شناسایی و تحلیل گردد.

ادبیات نظری پژوهش

تا چندی پیش، هوش مصنوعی بیشتر مفهومی در داستان‌های علمی تخیلی مطرح بود؛ اما این فناوری در مدت کوتاهی به یکی از محورهای اصلی تحولات دیجیتال تبدیل شد و سازمان‌ها را واداشت تا به بررسی کاربردهای عملی آن در حوزه‌های مختلف بپردازند. اوج توجه جهانی به این فناوری با معرفی چت جی‌پی‌تی در پایان سال ۲۰۲۲ شکل گرفت.

هوش مصنوعی مولد زیرشاخه‌ای از هوش مصنوعی است که با بهره‌گیری از مدل‌های آماری و شبکه‌های عصبی پیشرفته، قادر به تولید داده‌های جدید و منحصربه‌فردی است که شباهت زیادی به داده‌های واقعی دارند (Cao et al., 2025). این فناوری با استفاده از



مدل‌های بزرگ می‌توانند انواع تبدیل‌ها را انجام دهد؛ مانند متن به متن، متن به تصویر، تصویر به متن، متن به کد، متن به صوت، متن به ویدئو یا حتی متن به مدل سه‌بعدی (Hagendorff, 2024). این فناوری براساس مدل‌های یادگیری عمیق، از جمله مدل‌های زبانی بزرگ^۱، مدل‌های انتشار پایدار^۲ و شبکه‌های مولد تخصصی^۳، توسعه یافته است و می‌تواند انواع مختلف محتوا از قبیل متن، تصویر، صدا و ویدئو را تولید کند (Floridi, 2023).

هر دو دسته هوش مصنوعی سنتی و مولد از الگوریتم‌هایی الهام گرفته از فرایندهای شناختی انسان استفاده می‌کنند؛ اما اهداف آن‌ها متفاوت است. هوش مصنوعی سنتی عمدتاً برای پیش‌بینی و تحلیل داده‌ها به کار می‌رود، درحالی‌که هوش مصنوعی مولد با درک الگوهای داده‌های موجود به خلق محتوای جدید می‌پردازد. به بیان دیگر، هوش مصنوعی سنتی پیش‌بینی می‌کند؛ اما هوش مصنوعی مولد می‌آفریند.

ظهور ابزارهایی مانند چت جی‌پی‌تی، میدجرنی و دال‌ای باعث گسترش سریع کاربردهای این فناوری در حوزه‌هایی همچون بازاریابی، آموزش، طراحی محصول، تولید محتوای رسانه‌ای و حتی مشاوره حقوقی شده است. براساس گزارش مک‌کینزی^۴ در سال ۲۰۲۴، بازار جهانی هوش مصنوعی مولد تا سال ۲۰۳۰ به بیش از ۱/۳ تریلیون دلار خواهد رسید که بخش عمده‌ای از آن محصول بهبود بهره‌وری سازمانی است (Chui et al., 2023).

هوش مصنوعی با سرعت به فناوری مهمی برای توسعه کشورها و سیاست جهانی تبدیل می‌شود و می‌تواند تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری و همکاری بین‌المللی را دگرگون کند. بااین‌حال، مسائلی درباره رعایت انصاف، تبعیت از قانون، مسئولیت‌پذیری در نتایج و معضلات اخلاقی مطرح است (Iqbal et al., 2024).

1. Large Language Models– LLMs.
2. Stable Diffusion Model.
3. GANs.
4. McKinsey, 2024.



اخلاق در هوش مصنوعی

با پیشرفت سریع فناوری‌های هوش مصنوعی، مسائل اخلاقی نیز هم‌زمان گسترش یافته‌اند. از موفقیت‌های یادگیری عمیق در بینایی ماشین و یادگیری تقویتی تا ظهور مدل‌های زبانی بزرگ با توانایی‌های استدلالی، هر مرحله توسعه، مسائل تازه‌ای را پدید آورده است؛ در نتیجه، اخلاق هوش مصنوعی از رویکردی صرفاً واکنشی به سمت رویکردی فعال تغییر یافته و اکنون شامل اقدامات عملی، توسعه رویکردهای فضیلت‌محور و پیوند با مقررات قانونی مانند قانون هوش مصنوعی اتحادیه اروپاست. این حوزه همچنین با مباحثی چون هم‌ترازی و ایمنی هوش مصنوعی پیوند خورده که هدف آن‌ها پیشگیری از آسیب‌ها و حتی خطرات وجودی است (Hagendorff, 2024).

مهم‌ترین نگرانی‌ها شامل سوگیری الگوریتمی، سلاح‌های خودکار، تهدید اشتغال، نابرابری اقتصادی و نقض حریم خصوصی است. این فناوری همچنین پرسش‌های فلسفی درباره ماهیت انسان و آینده را به ذهن می‌آورد. برای توسعه‌ای مسئولانه باید بر شفافیت، بی‌طرفی، امنیت داده‌ها و توزیع عادلانه منافع تأکید شود و همکاری میان سیاست‌گذاران، شرکت‌ها و جامعه استمرار یابد (Chakraborty, 2023).

مطالعات نشان داده‌اند که اخلاق هوش مصنوعی بر چارچوب‌ها و ارزش‌هایی استوار است که توسعه و استفاده از فناوری‌های هوشمند را هدایت می‌کنند (Jobin et al., 2019). این مطالعات، با بررسی ۸۴ سند راهنمای اخلاقی در سطح جهان، اصول محوری را چنین معرفی کردند: شفافیت، عدالت و نبود تبعیض، مسئولیت‌پذیری، محافظت از حریم خصوصی و امنیت.

○ شفافیت^۱: توانایی توضیح فرایندها و خروجی‌ها به ذی‌نفعان؛

○ عدالت و نبود تبعیض^۲: جلوگیری از بازتولید یا تشدید سوگیری‌های اجتماعی

و فرهنگی؛

1. Transparency.
2. Fairness & Non-Discrimination.



- مسئولیت‌پذیری^۱: مشخص کردن مسئولیت حقوقی و اخلاقی تصمیمات هوش مصنوعی؛
 - حریم خصوصی و محافظت از داده‌ها^۲: رعایت استانداردهای امنیتی و حقوق کاربران؛
 - امنیت: محافظت از سامانه‌ها در برابر سوءاستفاده یا حملات سایبری.
- یونسکو در توصیه‌نامه اخلاق هوش مصنوعی و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، این اصول را ستون‌های اصلی استفاده مسئولانه از هوش مصنوعی معرفی کرده‌اند (UNESCO, 2022 OECD, 2024).

مسائل اخلاقی هوش مصنوعی مولد

هوش مصنوعی مولد، در کنار فرصت‌های نوآورانه، مجموعه‌ای از مسائل اخلاقی پیچیده برای سازمان‌ها ایجاد می‌کند که هم ابعاد فنی و هم ابعاد اجتماعی و حقوقی را در بر می‌گیرد. مهم‌ترین مسائل عبارت‌اند از:

- سوگیری الگوریتمی^۳: داده‌های آموزشی مدل‌های مولد اغلب حاوی سوگیری‌های تاریخی، فرهنگی یا جنسیتی هستند و این امر می‌تواند در خروجی‌ها بازتولید یا حتی تشدید شود (Bender et al., 2021)؛ برای نمونه، یک مدل تولید تصویر ممکن است به‌طور پیش‌فرض، مشاغل مدیریتی را مردانه و نقش‌های خدماتی را زنانه نمایش دهد. چنین کلیشه‌هایی نه تنها تبعیض را تقویت می‌کنند، بلکه می‌توانند به اعتبار سازمان آسیب بزنند و زمینه اتهام تبعیض را فراهم کنند؛
- تولید محتوای نادرست یا جعلی^۴: توانایی تولید متون و تصاویر مشابه واقعیت، خطر انتشار اطلاعات نادرست و جعل هویت را افزایش می‌دهد (Gupta, 2024)؛ برای مثال،

1. Accountability.
2. Privacy & Data Protection.
3. Algorithmic Bias.
4. Misinformation & Deepfake.



یک ویدئوی جعلی از مدیر سازمان می‌تواند بحران روابط عمومی و پیامدهای حقوقی جدی ایجاد کند؛

- نقض حریم خصوصی: مدل‌های مولد ممکن است داده‌های حساس را بازتولید کنند؛ به‌ویژه اگر در داده‌های آموزشی موجود باشند (Carlini et al., 2023). بازنمایی ناخواسته اطلاعات داخلی سازمان می‌تواند مقررات حریم خصوصی را نقض کند و به جریمه‌های مالی و خدشه به اعتبار منجر شود؛

- ابهام در مسئولیت حقوقی: در صورت بروز خطا یا خسارت ناشی از خروجی مدل، تعیین مسئولیت حقوقی میان توسعه‌دهندگان، کاربران یا سازمان‌ها دشوار است (Cath, 2018)؛ برای نمونه، اگر محتوای تولیدی ناقض قوانین تبلیغات باشد، مشخص نیست مسئولیت بر عهده کدام بخش است؛ موضوعی که خطر دعاوی حقوقی را افزایش می‌دهد؛

- مسائل مالکیت فکری: ابهام در مالکیت محتوایی که هوش مصنوعی تولید می‌کند، یکی دیگر از مسائل است؛ برای مثال، تصویر تولیدی ممکن است بسیار شبیه یک اثر هنری ثبت‌شده باشد و باعث شکایت حقوقی و آسیب به برند سازمان شود؛

- نبود شفافیت و قابلیت توضیح: بسیاری از مدل‌های مولد مانند جعبه‌سیاه عمل می‌کنند و توضیح نحوه تولید خروجی دشوار است (Weidinger et al., 2021). این مسئله به‌ویژه در تعامل با مراجع قانونی یا نظارتی ممکن است، اعتماد را کاهش دهد؛

- تأثیرات منفی بر فرهنگ و ارزش‌های سازمانی: استفاده افراطی از این فناوری ممکن است مهارت‌های انسانی مانند تفکر انتقادی را تضعیف کند. اگر کارکنان، بدون تحلیل، خروجی مدل‌ها را بپذیرند، کیفیت تصمیم‌گیری و نوآوری سازمانی در بلندمدت کاهش می‌یابد (Dwivedi et al., 2023)؛

- تأثیرات کلان اجتماعی و اقتصادی: گسترش استفاده از هوش مصنوعی مولد می‌تواند بازار کار، اعتماد اجتماعی و حتی فرایندهای دموکراتیک را تحت تأثیر قرار دهد.



جایگزینی نیروی انسانی تولید محتوا بدون آموزش مجدد می‌تواند نارضایتی کارکنان، تنش‌های کارگری و آسیب به تصویر عمومی سازمان را در پی داشته باشد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی اکتشافی و بر پایه الگوی تفسیرگرایی انجام شده است. ماهیت نوپای هوش مصنوعی مولد و نبود مدل‌های بومی در حوزه حاکمیت اخلاقی، نیازمند رویکردی است که از داده‌های میدانی و دیدگاه‌های خبرگان استخراج شود. برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون^۱ براساس مدل شش مرحله‌ای براون و کلارک (Braun & Clarke, 2006) استفاده شد. این مدل، امکان شناسایی الگوهای معنایی و ساخت چارچوب مفهومی را فراهم می‌کند.

مهم‌ترین پرسش‌هایی که از خبرگان پرسیده شد، عبارت بودند از:

۱. مهم‌ترین مسائل اخلاقی سازمان‌ها در کاربست هوش مصنوعی مولد چیست؟
۲. این مسائل در کدام مراحل چرخه عمر سامانه‌های هوش مصنوعی مولد بروز می‌کنند؟

۳. چه سازوکارهایی برای حکمرانی اخلاقی و کاهش این مسائل پیشنهاد می‌شود؟
- جامعه آماری پژوهش را خبرگان حوزه هوش مصنوعی، اخلاق حرفه‌ای، مدیریت فناوری اطلاعات و سیاست‌گذاری سازمانی تشکیل دادند. معیارهای ورود خبرگان به پژوهش شامل حداقل سه سال تجربه کاری مرتبط با پروژه‌های هوش مصنوعی یا سیاست‌گذاری فناوری، مشارکت در تصمیم‌گیری یا اجرا در پروژه‌های هوش مصنوعی مولد و تمایل به شرکت در مصاحبه و رضایت برای ضبط صوت بود.

نمونه‌گیری در این پژوهش به صورت هدفمند و با بهره‌گیری از تکنیک گلوله‌برفی برای شناسایی افراد کلیدی انجام شد. خبرگان هفده نفر بودند و مصاحبه‌ها تا رسیدن به

1. Thematic Analysis



اشباع نظری، یعنی زمانی که دیگر کد یا مضمون جدیدی شناسایی نشود، ادامه یافت. ابزار گردآوری داده، مصاحبه نیمه ساختاریافته بود.

تحلیل داده‌ها با روش تحلیل مضمون در شش مرحله زیر انجام شد: ۱) آشنایی با داده‌ها از طریق خوانش چندباره؛ ۲) کدگذاری باز با استفاده از نرم افزار مکس کیودا؛ ۳) گروه‌بندی کدها و استخراج خرده مضامین؛ ۴) بازبینی مضامین و پالایش ساختار آن‌ها؛ ۵) تعریف و نام‌گذاری مضامین اصلی؛ ۶) تدوین گزارش نهایی همراه با نقل قول‌های شاخص از مشارکت کنندگان.

برای اطمینان از اعتبار بازبینی نتایج توسط مشارکت کنندگان و هم‌کدی با پژوهشگر دوم، برای پایداری از ایجاد ردپای ممیزی و ثبت تمام تصمیمات تحلیلی، برای تأییدپذیری از مستندسازی فرایند و کنترل سوگیری پژوهشگر و برای انتقال‌پذیری از ارائه توصیف غنی از مشارکت کنندگان و زمینه پژوهش استفاده شد. ملاحظات اخلاقی نیز شامل رعایت رضایت آگاهانه، محرمانگی، حق انصراف و ناشناس‌سازی داده‌ها بوده است.

برای گردآوری داده‌ها، هفده مصاحبه نیمه ساختاریافته با خبرگان حوزه‌های مرتبط با هوش مصنوعی، اخلاق فناوری، مدیریت و حقوق در بازه زمانی اردیبهشت تا تیر ۱۴۰۴ انجام شد. هر مصاحبه بین چهل تا شصت دقیقه طول کشید و با رضایت آگاهانه مشارکت کنندگان به صورت صوتی ضبط و سپس، به طور کامل مکتوب گردید.

در مجموع، حدود ۱۶۰ صفحه متن مصاحبه تولید شد که مبنای تحلیل مضمون قرار گرفت. به منظور افزایش اعتبار یافته‌ها، نسخه مکتوب مصاحبه‌ها در اختیار مشارکت کنندگان قرار گرفت تا آن را بازبینی و درستی محتوا را تأیید کنند. به دلیل ملاحظات اخلاقی و محرمانگی، اطلاعات واقعی هویتی مصاحبه‌شوندگان منتشر نمی‌شود؛ اما مشخصات جمعیت‌شناختی و تخصصی آنان در جدول ۱ آمده است و کدگذاری H1 تا H17 برای شناسایی نقل قول‌ها به کار رفته است.

تحلیل یافته‌ها

به منظور شفاف سازی ویژگی های نمونه و بررسی تنوع دیدگاه ها، مشخصات جمعیت شناختی و حرفه ای خبرگان شرکت کننده در این پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. مشخصات جمعیت شناختی خبرگان شرکت کننده در پژوهش

کد مشارکت کننده	جنسیت	حوزه تخصصی	سابقه کار مرتبط (سال)	نوع سازمان
H1	مرد	توسعه هوش مصنوعی	۱۲	خصوصی - فناوری
H2	زن	حقوق فناوری و مالکیت فکری	۹	خصوصی - مشاوره
H3	مرد	علوم داده و اخلاق هوش مصنوعی	۱۵	دانشگاهی
H4	زن	تحول دیجیتال	۱۰	خصوصی - خدمات
H5	مرد	امنیت سایبری و حاکمیت داده	۸	خصوصی - فناوری
H6	زن	طراحی و اجرای هوش مصنوعی	۷	خصوصی - استارتاپ
H7	مرد	مقررات گذاری فناوری	۱۴	دولتی
H8	زن	اجرای هوش مصنوعی در سازمان ها	۶	خصوصی - مشاوره
H9	مرد	یادگیری ماشین	۹	خصوصی - فناوری
H10	زن	انطباق داده و مقررات محافظت داده	۸	خصوصی - بین المللی
H11	مرد	بازاریابی دیجیتال	۱۰	خصوصی - رسانه
H12	زن	حقوق سایبری	۱۳	خصوصی - حقوقی
H13	مرد	توسعه هوش مصنوعی	۶	خصوصی - فناوری
H14	زن	تحلیل داده و مصورسازی	۵	خصوصی - فناوری
H15	مرد	اخلاق کاربردی و فناوری	۱۱	دانشگاهی
H16	زن	تحول دیجیتال	۹	خصوصی
H17	مرد	استارتاپ های هوش مصنوعی	۷	خصوصی - استارتاپ





از نظر جنسیت، ترکیب تقریباً متعادلی از زنان و مردان وجود دارد که این امر می‌تواند به انعکاس دیدگاه‌های متنوع و متوازن کمک کند.

میانگین سابقه کاری مشارکت‌کنندگان در حوزه‌های مرتبط با هوش مصنوعی مولد و فناوری حدود ۹/۵ سال است که نشان‌دهنده تجربه قابل توجه آن‌ها در این حوزه‌هاست. خبرگان از بخش‌های مختلف از جمله خصوصی، دولتی، دانشگاهی، بین‌المللی و استارت‌آپی انتخاب شده‌اند که این تنوع نهادی باعث می‌شود یافته‌ها از ابعاد مختلف فنی، مدیریتی، حقوقی و راهبردی بررسی شوند.

حوزه‌های تخصصی شرکت‌کنندگان شامل توسعه هوش مصنوعی، علوم داده، امنیت سایبری، تحول دیجیتال، سیاست‌گذاری فناوری، حقوق فناوری و مالکیت فکری، بازاریابی دیجیتال و اخلاق هوش مصنوعی بوده است.

از تحلیل هفده مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، در مرحله کدگذاری باز، ۱۸۶ کد اولیه استخراج شد. در جدول ۲، نمونه‌ای از کدهای باز استخراج شده آورده شده است.

جدول ۲. نمونه کدهای باز مسائل اخلاقی استفاده از هوش مصنوعی مولد در سازمان‌ها

کد باز	توضیح کوتاه	نمونه نقل‌قول از مشارکت‌کننده
سوگیری در داده‌های آموزشی	داده‌های آموزشی ناقص یا جانب‌دارانه باعث تصمیمات تبعیض‌آمیز می‌شوند.	مدل در بخش استخدام، مردان را بیشتر انتخاب می‌کرد؛ چون داده‌های قبلی‌اش این‌طور بود.
ابهام در تصمیم‌گیری مدل	توضیح دلیل خروجی مدل ممکن نیست.	وقتی مدیرعامل می‌پرسد چرا این متن یا تحلیل تولید شد، جواب دقیقی نداریم.
نشت احتمالی داده‌های محرمانه	خطر افشای داده‌های مشتری یا سازمان در فرایند آموزش مدل وجود دارد.	یک بار مدل اطلاعات پروژه را تولید کرد که در هیچ سند عمومی نبود.
ابهام در مسئولیت‌پذیری	مسئول خطا یا خسارت مشخص نیست.	وقتی مدل اشتباه کرد، همه گفتند مقصر من نیستم.
تضعیف استقلال کارکنان	وابستگی بیش از حد تصمیمات به خروجی مدل	کارمندان می‌گفتند ما فقط تأییدکننده تصمیم هوش مصنوعی هستیم.

کد باز	توضیح کوتاه	نمونه نقل قول از مشارکت کننده
تأثیر منفی بر شهرت برند	مدل، محتوای اشتباه یا توهین آمیز تولید کرده است.	یک متن تولیدی باعث اعتراض کاربران شبکه اجتماعی شد.
مسئله انطباق با قوانین	مدل با مقررات حریم خصوصی یا مالکیت فکری هماهنگ نیست.	برای قوانین محافظت از داده اتحادیه اروپا باید مدل را چند ماه بازمی کنیم.
مشکل در کنترل خروجی مدل	خروجی غیرمنتظره و غیرقابل پیش بینی است.	مدل گاهی محتوای سیاسی یا نامناسب می سازد که به موضوع ما ربط ندارد.
هزینه های پنهان استفاده	هزینه های امنیتی، حقوقی و بازمی در ابتدا پیش بینی نشده بود.	مجوزها و بازرسی ها هزینه بر شد.
اثر روانی بر کارکنان	ترس از جایگزینی موجب اضطراب یا کاهش انگیزه می شود.	برخی از کارکنان نگران بودند که مدل، کارشان را بگیرد.

پس از انجام کد گذاری باز و مرور دقیق داده های حاصل از مصاحبه های نیمه ساختاریافته، خرده مضامین در هفت دسته مضمون اصلی قرار گرفتند. این مضامین در جدول زیر به همراه توضیح کوتاه از هر خرده مضمون ارائه شده اند.

جدول ۳. خرده مضامین استخراج شده از تحلیل داده ها

ردیف	مضمون اصلی	خرده مضمون	توضیح
۱	مسائل عدالت و نبود تبعیض	سوگیری داده ای و الگوریتمی	مدل های هوش مصنوعی مولد ممکن است از داده های جانب دارانه آموزش ببینند و تصمیمات تبعیض آمیز بگیرند.
	مسائل عدالت و نبود تبعیض	تبعیض غیرمستقیم در فرایند تصمیم گیری	حتی بدون قصد قبلی، خروجی مدل می تواند به ضرر گروه های خاص تمام شود.
	مسائل عدالت و نبود تبعیض	بازتولید کلیشه ها و پیش داوری ها	محتوا یا تحلیل تولیدی ممکن است کلیشه های جنسیتی یا فرهنگی را تقویت کند.
۲	مسائل شفافیت و پاسخ گویی	ابهام در منطق تصمیم گیری مدل	سازمان ها قادر به توضیح دلیل خروجی مدل نیستند.
	مسائل شفافیت و پاسخ گویی	نامشخص بودن مسئول خطا	مشخص نیست مسئولیت خطا با توسعه دهنده، کاربر یا سازمان است.



ردیف	مضمون اصلی	خرده‌مضمون	توضیح
۳	مسائل شفافیت و پاسخ‌گویی	دسترسی‌نداشتن به فرایند و داده‌های آموزشی	بسته‌بودن داده‌ها و معماری مانع ارزیابی مدل می‌شود.
	مسائل حقوقی و امنیتی	نقض حریم خصوصی و نشت داده‌ها	اطلاعات حساس ممکن است در فرایند آموزش یا تولید محتوا افشا شود.
	مسائل حقوقی و امنیتی	انطباق‌نداشتن با مقررات و استانداردها	مدل ممکن است با قوانین حفاظت داده یا مالکیت فکری هم‌خوانی نداشته باشد.
	مسائل حقوقی و امنیتی	مسائل مالکیت محتوا	مالکیت محتوای تولیدشده توسط هوش مصنوعی مولد مشخص نیست.
	مسائل حقوقی و امنیتی	تهدیدات امنیت سایبری	مدل‌ها می‌توانند برای حملات مهندسی اجتماعی یا تولید محتوای مخرب استفاده شوند.
	مسائل انسانی و فرهنگی	کاهش استقلال و عاملیت کارکنان	وابستگی بیش از حد به مدل، خلاقیت و قضاوت انسانی را کاهش می‌دهد.
۴	مسائل انسانی و فرهنگی	اثر روانی و اضطراب شغلی	ترس از جایگزینی یا کاهش اهمیت نقش شغلی کارکنان.
	مسائل انسانی و فرهنگی	کاهش تعامل انسانی در سازمان	جایگزینی ارتباطات انسانی با تعاملات ماشینی.
۵	مسائل کیفیت و اعتبار محتوا	تولید محتوای نادرست یا گمراه‌کننده	مدل ممکن است اطلاعات غلط با ظاهر معتبر ایجاد کند.
	مسائل کیفیت و اعتبار محتوا	خروجی نامناسب یا توهین‌آمیز	محتوای غیرقابل قبول که می‌تواند به اعتبار سازمان آسیب بزند.
	مسائل کیفیت و اعتبار محتوا	نداشتن کنترل کامل بر خروجی مدل	پیش‌بینی‌ناپذیری خروجی مدیریت خطر را دشوار می‌کند.
	مسائل کیفیت و اعتبار محتوا	وابستگی به داده‌های خارجی با کیفیت نامشخص	مدل برای آموزش یا تکمیل اطلاعات از منابع خارجی استفاده می‌کند که کیفیت و صحت آن‌ها تضمین شده نیست.
	مسائل اقتصادی و عملیاتی	هزینه‌های پنهان استفاده	شامل هزینه‌های بازاریابی، امنیت و انطباق حقوقی.
۶	مسائل اقتصادی و عملیاتی	هزینه‌های پنهان استفاده	شامل هزینه‌های بازاریابی، امنیت و انطباق حقوقی.



ردیف	مضمون اصلی	خرده مضمون	توضیح
	مسائل اقتصادی و عملیاتی	نیاز به نیروی انسانی متخصص	کمبود مهارت در سازمان برای کار با هوش مصنوعی مولد.
	مسائل اقتصادی و عملیاتی	وابستگی بیش از حد به فناوری خارجی	خطر اتکا به پلتفرم‌ها و سرویس‌های بیرونی.
	مسائل اقتصادی و عملیاتی	اثر زیست محیطی مدل‌های بزرگ	مصرف زیاد انرژی و منابع محاسباتی در مدل‌های بزرگ می‌تواند آثار زیست محیطی منفی ایجاد کند.
۷	مسائل راهبردی و حاکمیتی	نبود چارچوب حاکمیت اخلاقی مشخص	نبود سیاست‌های روشن برای استفاده مسئولانه از هوش مصنوعی مولد.
	مسائل راهبردی و حاکمیتی	مقاومت سازمانی در برابر تغییرات	مقاومت کارکنان یا مدیران در پذیرش دستورالعمل‌های اخلاقی.
	مسائل راهبردی و حاکمیتی	استفاده غیرمجاز کارکنان از ابزارهای هوش مصنوعی مولد	کارکنان بدون اطلاع یا مجوز سازمان از ابزارهای هوش مصنوعی مولد استفاده می‌کنند.

در فرایند تحلیل مضمون، پس از انجام کدگذاری باز و محوری، ابتدا هفت مضمون اصلی متمایز از داده‌ها استخراج شد. باین حال، در مرحله بازبینی و پالایش مضامین که مطابق با رویکرد براون و کلارک (Braun & Clarke, 2006) انجام شد، مشخص گردید دو مضمون مسائل راهبردی و حاکمیتی و مسائل حقوقی و امنیتی هم‌پوشانی مفهومی و مصداقی زیادی دارند.

به‌طور خاص، زیرمضامین مرتبط با نبود چارچوب حاکمیت اخلاقی و مسائل انطباق با مقررات، هر دو به حوزه سیاست‌گذاری، الزامات قانونی و حاکمیت فناوری مرتبط بودند؛ بنابراین، این دو مضمون در قالب یک مضمون جامع‌تر با عنوان مسائل حقوقی، امنیتی و حاکمیتی ادغام شدند. این ادغام باعث شد مدل نهایی پژوهش (جدول ۴) شامل شش مضمون اصلی و ۲۴ خرده‌مضمون باشد که از انسجام و تمایز مفهومی بیشتری برخوردارند.



جدول ۴. مضامین اصلی و خرده‌مضامین نهایی پژوهش

ردیف	مضمون اصلی	خرده‌مضامین
۱	مسائل عدالت و نبود تبعیض	سوگیری داده‌ای و الگوریتمی تبعیض غیرمستقیم در فرایند تصمیم‌گیری بازتولید کلیشه‌ها و پیش‌داوری‌ها
۲	مسائل شفافیت و پاسخ‌گویی	ابهام در منطق تصمیم‌گیری مدل نامشخص بودن مسئولیت خطا دسترسی نداشتن به فرایند و داده‌های آموزشی
۳	مسائل حقوقی، امنیتی و حاکمیتی	نقض حریم خصوصی و نشت داده‌ها انطباق نداشتن با مقررات و استانداردها مسائل مالکیت محتوا تهدیدات امنیت سایبری نبود چارچوب حاکمیت اخلاقی مشخص مقاومت سازمانی در برابر تغییرات استفاده غیرمجاز کارکنان از ابزارهای هوش مصنوعی مولد
۴	مسائل انسانی و فرهنگی	کاهش استقلال و عاملیت کارکنان اثر روانی و اضطراب شغلی کاهش تعامل انسانی در سازمان
۵	مسائل کیفیت و اعتبار محتوا	تولید محتوای نادرست یا گمراه‌کننده خروجی نامناسب یا توهین‌آمیز نبود کنترل کامل بر خروجی مدل وابستگی به داده‌های خارجی با کیفیت نامشخص
۶	مسائل اقتصادی و عملیاتی	هزینه‌های پنهان استفاده نیاز به نیروی انسانی متخصص وابستگی بیش از حد به فناوری خارجی اثر زیست‌محیطی مدل‌های بزرگ

در مرحله آخر برای ارزیابی و اولویت‌بندی ۲۴ خرده‌مضمون شناسایی شده، از دو معیار اثر بالقوه بر عملکرد و پایداری سازمان و شدت پیامدها استفاده شد. منظور از اثر بالقوه بر عملکرد و پایداری سازمان، میزان تأثیرگذاری هر مسئله بر کارایی، بهره‌وری، اعتبار و دوام

بلندمدت سازمان در صورت بروز یا تداوم آن است. منظور از شدت پیامدها، گستره و عمق آثار منفی احتمالی هر مسئله بر جنبه‌های کلیدی فعالیت سازمان (مانند منابع انسانی، امنیت اطلاعات، کیفیت خدمات و هزینه‌ها) می‌باشد.

برای سنجش این دو معیار، پرسش‌نامه‌ای طراحی شد که شامل توضیح روشن هر خرده‌مضمون و دو مقیاس پنج‌درجه‌ای (از ۱=کمترین تا ۵=بیشترین) برای ارزیابی است. این پرسش‌نامه در اختیار خبرگان قرار گرفت و از میانگین امتیازات دریافتی برای هر معیار به‌عنوان شاخص نهایی استفاده شد.

این رویکرد باعث شد وزن نسبی هر خرده‌مضمون از منظر اثرگذاری واقعی و اهمیت عملیاتی آن مشخص و زمینه برای رتبه‌بندی و تحلیل اولویت‌ها فراهم شود. امتیازدهی ۲۴ خرده‌مضمون که خبرگان شناسایی کردند، براساس تأثیر بالقوه بر عملکرد و پایداری سازمان در جدول ۵ آورده شده است.

جدول ۵. رتبه‌بندی خرده‌مضامین مسائل هوش مصنوعی مولد براساس اهمیت سازمانی

ردیف	مضمون اصلی	خرده‌مضمون	اهمیت نسبی	امتیاز میانگین خبرگان
۱	حقوقی، امنیتی و حاکمیتی	نقض حریم خصوصی و نشت داده‌ها	زیاد	۴/۹
۲	مسائل عدالت و نبود تبعیض	سوگیری داده‌ای و الگوریتمی	زیاد	۴/۸
۳	حقوقی، امنیتی و حاکمیتی	انطباق‌نداشتن با مقررات و استانداردها	زیاد	۴/۸
۴	مسائل عدالت و عدم تبعیض	تبعیض غیرمستقیم در فرایند تصمیم‌گیری	زیاد	۴/۷
۵	حقوقی، امنیتی و حاکمیتی	تهدیدات امنیت سایبری	زیاد	۴/۷
۶	کیفیت و اعتبار محتوا	تولید محتوای نادرست یا گمراه‌کننده	زیاد	۴/۷



ردیف	مضمون اصلی	خرده‌مضمون	اهمیت نسبی	امتیاز میانگین خبرگان
۷	مسائل عدالت و عدم تبعیض	بازتولید کلیشه‌ها و پیش‌داوری‌ها	زیاد	۴/۶
۸	شفافیت و پاسخ‌گویی	نامشخص بودن مسئولیت خطا	زیاد	۴/۶
۹	حقوقی، امنیتی و حاکمیتی	نبود چارچوب حاکمیت اخلاقی مشخص	زیاد	۴/۶
۱۰	اقتصادی و عملیاتی	وابستگی بیش‌ازحد به فناوری خارجی	زیاد	۴/۶
۱۱	شفافیت و پاسخ‌گویی	ابهام در منطق تصمیم‌گیری مدل	زیاد	۴/۵
۱۲	کیفیت و اعتبار محتوا	نبود کنترل کامل بر خروجی مدل	متوسط	۴/۵
۱۳	حقوقی، امنیتی و حاکمیتی	مسائل مالکیت محتوا	متوسط	۴/۴
۱۴	کیفیت و اعتبار محتوا	خروجی نامناسب یا توهین‌آمیز	متوسط	۴/۴
۱۵	شفافیت و پاسخ‌گویی	دسترسی‌نداشتن به فرایند و داده‌های آموزشی	متوسط	۴/۳
۱۶	حقوقی، امنیتی و حاکمیتی	استفاده غیرمجاز کارکنان از ابزارهای هوش مصنوعی مولد	متوسط	۴/۳
۱۷	کیفیت و اعتبار محتوا	وابستگی به داده‌های خارجی با کیفیت نامشخص	متوسط	۴/۳
۱۸	حقوقی، امنیتی و حاکمیتی	مقاومت سازمانی در برابر تغییرات	متوسط	۴/۲
۱۹	انسانی و فرهنگی	کاهش استقلال و عاملیت کارکنان	متوسط	۴/۲
۲۰	اقتصادی و عملیاتی	هزینه‌های پنهان استفاده	متوسط	۴/۲
۲۱	اقتصادی و عملیاتی	اثر زیست‌محیطی مدل‌های بزرگ	متوسط	۴/۲
۲۲	انسانی و فرهنگی	اثر روانی و اضطراب شغلی	متوسط	۴/۱
۲۳	اقتصادی و عملیاتی	نیاز به نیروی انسانی متخصص	متوسط	۴/۱
۲۴	انسانی و فرهنگی	کاهش تعامل انسانی در سازمان	متوسط	۴/۰



بحث

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد به کارگیری هوش مصنوعی مولد در سازمان‌ها با مجموعه‌ای پیچیده از مسائل و مخاطرات همراه است که درهم تنیده و چندبُعدی‌اند. در بُعد عدالت و نبود تبعیض، یافته‌ها نشان دادند سوگیری داده‌ای و الگوریتمی و تبعیض غیرمستقیم در فرایند تصمیم‌گیری، بیشترین میانگین اهمیت را در کل جدول رتبه‌بندی دارند و این نشان می‌دهد دغدغه برابری و جلوگیری از سوگیری، از دید خبرگان، مهم‌ترین اولویت مدیریتی در مواجهه با هوش مصنوعی مولد است. مدلی که با داده‌های جانب‌دارانه آموزش دیده باشد، حتی بدون قصد قبلی، ممکن است تصمیم‌هایی تولید کند که به زیان گروه‌های خاص تمام شود.

این وضعیت، تبعیض غیرمستقیم را در فرایند تصمیم‌گیری تقویت می‌کند و به بازتولید کلیشه‌های جنسیتی، فرهنگی یا قومی می‌انجامد. چنین خروجی‌هایی نه تنها بر اعتماد عمومی اثر منفی می‌گذارند، بلکه می‌توانند به شکل سیستماتیک، نابرابری را بازتولید کنند. این یافته‌ها با مطالعات الکفیری (Al-kfairy et al 2024) و فرارا (Ferrara, 2023) هم‌سو است که نشان داده‌اند الگوریتم‌های بزرگ زبانی، حتی بدون قصد قبلی، ممکن است بر گروه‌های خاص اثر منفی بگذارند و در نتیجه، نیازمند راهبردهای کاهش سوگیری هستند.

ابعاد شفافیت و پاسخ‌گویی نیز به شکل جدی در معرض تهدید قرار می‌گیرند. در این بُعد، ابهام در منطق تصمیم‌گیری مدل و نامشخص بودن مسئولیت خطا، در رتبه‌های میانی قرار دارند؛ اما اهمیت بسیار آن‌ها در رتبه‌بندی نشان می‌دهد نبود شفافیت نه تنها مشکل فنی بلکه یک مسئله مدیریتی و حکمرانی است.

ابهام در منطق تصمیم‌گیری مدل، کار را برای درک نحوه رسیدن به خروجی دشوار می‌کند و نبود شفافیت در این مسیر، اعتماد ذی‌نفعان را کاهش می‌دهد. افزون‌بر این، مشخص نبودن مسئولیت خطا (اینکه توسعه‌دهنده، کاربر یا سازمان کدام یک باید پاسخ‌گو باشند)، به خلأ پاسخ‌گویی دامن می‌زند.



محدودیت دسترسی به فرایندها و داده‌های آموزشی نیز ارزیابی بی‌طرفانه و دقیق مدل را مختل کرده، مانع پایش کیفی آن می‌شود. همان‌طور که گارسیا لوپز و همکاران (García-López et al., 2025) و مارشال و همکاران (Marchal et al., 2024) توضیح داده‌اند، ماهیت جعبه‌سیاه مدل‌های مولد و محرمانگی داده‌های آموزشی، ارزیابی و اعتماد کاربران را دشوار می‌سازد و شفافیت را به یکی از پیش‌شرط‌های پاسخ‌گویی تبدیل می‌کند.

از منظر حقوقی، امنیتی و حاکمیتی، تهدیدات چندلایه‌ای شناسایی شده‌اند. نقض حریم خصوصی و نشت داده‌ها، یکی از بحرانی‌ترین خطرهاست که می‌تواند پیامدهای حقوقی و اعتباری جبران‌ناپذیر داشته باشد. انطباق‌نداشتن با مقررات حفاظت داده و مالکیت فکری، مسائل حقوقی تازه‌ای ایجاد می‌کند و مسائل مالکیت محتوای تولیدشده توسط مدل‌ها همچنان مبهم باقی می‌ماند. در سطح امنیت سایبری، استفاده از مدل‌ها در حملات مهندسی اجتماعی یا تولید محتوای مخرب، تهدیدی جدی است.

در بُعد حقوقی، امنیتی و حاکمیتی، نقض حریم خصوصی و نشت داده‌ها و انطباق‌نداشتن با مقررات و استانداردها از نظر خبرگان در صدر مخاطرات امنیتی قرار گرفته‌اند. در بُعد حاکمیتی، نبود چارچوب اخلاقی روشن، مقاومت سازمانی در برابر تغییرات و حتی استفاده غیرمجاز کارکنان از ابزارهای هوش مصنوعی مولد، اجرای سیاست‌های کنترلی را دشوار می‌سازد.

این موارد با نتایج پژوهش ویلیامز (Williams, 2024) و نینگ و همکاران (Ning et al., 2024) هم‌راستا است که تأکید کرده‌اند نبود خط‌مشی‌های روشن و کنترل سازمانی، مخاطرات حقوقی و امنیتی را تشدید می‌کند و نیاز به قانون‌گذاری و راهبردهای حاکمیتی جامع را ضروری می‌سازد.

در بُعد انسانی و فرهنگی، رتبه‌بندی نشان داد کاهش استقلال و عاملیت کارکنان، بیشترین اهمیت را در این دسته دارد و از نگاه خبرگان، این عامل به‌طور مستقیم بر انگیزش، رضایت شغلی و نوآوری اثر می‌گذارد. همچنین، اثر روانی و اضطراب شغلی



به‌ویژه در میان کارکنانی که مشاغلشان در معرض جایگزینی با سیستم‌های هوش مصنوعی است، یک خطر مهم تلقی می‌شود. کاهش تعامل انسانی در سازمان نیز در رتبه پایین‌تری قرار گرفت؛ اما همچنان تهدیدی قابل توجه برای کیفیت روابط سازمانی و سرمایه اجتماعی داخلی محسوب می‌شود. جایگزینی بخشی از ارتباطات انسانی با تعاملات ماشینی نیز کیفیت روابط سازمانی را تحت تأثیر قرار داده و خطر ایجاد محیط کاری غیرشخصی را افزایش می‌دهد.

این نتایج با مطالعات حوزه آموزش و محیط‌های کاری گارسیا لوپز و همکاران (García-López et al., 2025) و ویلیامز (Williams, 2024) تطابق دارد که هشدار داده‌اند فناوری‌های مولد ممکن است جایگزین بخش‌هایی از روابط انسانی و خلاقیت فردی شوند.

مسئله کیفیت و اعتبار محتوا نیز به‌عنوان یکی از مسائل اصلی مطرح است. در محور کیفیت و اعتبار محتوا، رتبه بالای تولید محتوای نادرست یا گمراه‌کننده نشان می‌دهد تهدیدهای اعتبار سازمان، از نگاه خبرگان، به همان اندازه تهدیدهای امنیتی اهمیت دارد. علاوه بر این، وابستگی به داده‌های خارجی با کیفیت نامشخص می‌تواند دقت و اعتبار خروجی مدل را بسیار کاهش دهد و به تصمیم‌گیری‌های اشتباه منجر شود.

پژوهش مارشال و همکاران (Marchal et al., 2024) و گزارش کی و همکاران (Kay et al., 2024) نیز بر این موضوع تأکید دارند که ماهیت پیش‌بینی محور مدل‌ها می‌تواند خروجی‌هایی ظاهراً معتبر اما نادرست تولید کند که پیامدهای جدی برای اعتبار سازمان دارد.

در بُعد اقتصادی و عملیاتی، وابستگی بیش از حد به فناوری خارجی، بالاترین رتبه را در این دسته به خود اختصاص داده است. در این بُعد، استفاده از فناوری با هزینه‌های پنهان متعددی همراه است؛ از هزینه‌های پایش و امنیت گرفته تا انطباق حقوقی و آموزش کاربران. نیاز به نیروی انسانی متخصص برای کار با این فناوری و وابستگی بیش از حد به پلتفرم‌ها و سرویس‌های خارجی، استقلال فناورانه سازمان را تهدید می‌کند.



همچنین، اثر زیست‌محیطی مدل‌های بزرگ، ناشی از مصرف بسیار زیاد انرژی در آموزش و اجرا، با اهداف پایداری و مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها در تضاد است. کی و همکاران (Kay et al., 2024) و گارسیا لویز و همکاران (García-López et al., 2025) اشاره کرده‌اند که مدل‌های مولد علاوه بر هزینه‌های مستقیم، مصرف زیاد انرژی و ردپای کربنی قابل توجهی دارند و این موضوع باید در ارزیابی اقتصادی و مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی لحاظ شود.

در مجموع، این یافته‌ها نشان می‌دهد بهره‌گیری از هوش مصنوعی مولد بدون در نظر گرفتن ملاحظات چندبُعدی اخلاقی، حقوقی، فنی، انسانی و محیط‌زیستی می‌تواند سازمان‌ها را در معرض مخاطرات گسترده و پیچیده قرار دهد. مدیریت این مخاطرات مستلزم ایجاد رویکردی یکپارچه‌ای است که شامل تدوین سیاست‌های شفاف، آموزش و توانمندسازی کارکنان، پایش مستمر خروجی‌ها، بهبود کیفیت داده‌های آموزشی و ارزیابی آثار زیست‌محیطی باشد تا استفاده از این فناوری در راستای منافع پایدار سازمان هدایت شود.



نتیجه گیری

بررسی انجام شده نشان داد بهره گیری از هوش مصنوعی مولد در سازمان‌ها با مجموعه‌ای پیچیده از مسائل چندبُعدی همراه است. این مسائل در قالب شش مضمون اصلی و ۲۴ خرده‌مضمون قابل دسته‌بندی هستند و طیفی از مسائل مرتبط با عدالت و تبعیض، شفافیت و پاسخ‌گویی، الزامات حقوقی و امنیتی، ابعاد انسانی و فرهنگی، کیفیت و اعتبار محتوا، ملاحظات اقتصادی و زیست‌محیطی را در بر می‌گیرند.

یافته‌ها تأیید می‌کند استفاده از این فناوری بدون چارچوب‌های نظارتی و اخلاقی شفاف می‌تواند موجب بازتولید سوگیری‌ها، تضعیف اعتماد کاربران، بروز مخاطرات حقوقی و امنیتی، کاهش عاملیت انسانی و وارد آوردن آسیب‌های اقتصادی و زیست‌محیطی شود؛ در نتیجه، به کارگیری مؤثر و پایدار هوش مصنوعی مولد نیازمند اتخاذ رویکردی جامع و بین‌رشته‌ای است که هم‌زمان به ابعاد فنی، اخلاقی، حقوقی و اجتماعی توجه کند.

برای مدیریت مسائل شناسایی شده در به کارگیری هوش مصنوعی مولد، رویکردی چندبُعدی و اولویت‌بندی شده ضروری است که براساس میزان اهمیت و اثرگذاری بر عملکرد و پایداری سازمان تنظیم گردد.

نخست، در حوزه نقض حریم خصوصی و نشت داده‌ها، لازم است سامانه‌های پایش پیشگیرانه برای شناسایی به موقع نشت اطلاعات، حملات مهندسی اجتماعی و خروجی‌های مخرب راه‌اندازی شود. به کارگیری سازوکارهای ناشناس‌سازی داده‌ها پیش از آموزش مدل و انطباق کامل با قوانین ملی و فراملی نظیر مقررات حفاظت داده اتحادیه اروپا، از الزامات حیاتی برای پیشگیری از پیامدهای حقوقی و اعتباری است.

در گام بعد، برای مقابله با مسائل عدالت و نبود تبعیض ناشی از سوگیری داده‌ای و الگوریتمی، باید فرایند ممیزی مستمر داده‌های آموزشی به‌منظور حذف محتوای تبعیض‌آمیز و افزایش تنوع منابع داده اجرا شود. استفاده از شیوه‌های توضیح‌پذیری مدل و



انتشار مستندات شفاف درباره منطق تصمیم‌گیری، می‌تواند اعتماد ذی‌نفعان را تقویت کرده، خطر بازتولید کلیشه‌ها را کاهش دهد.

ابهام در منطق تصمیم‌گیری و نبود شفافیت، همراه با نامشخص بودن مسئولیت خطا، لزوم ایجاد چارچوب‌های روشن پاسخ‌گویی را برجسته می‌کند. تدوین سیاست‌های داخلی درباره استفاده مجاز و ممنوع از ابزارهای مولد، تعیین صریح مسئولیت‌ها بین توسعه‌دهنده، کاربر و سازمان، و ایجاد نهادهای نظارت مستقل می‌تواند شفافیت و پاسخ‌گویی را تقویت کند. همچنین، فراهم کردن دسترسی کنترل‌شده به داده‌ها و فرایندهای آموزشی برای ارزیابی بی‌طرفانه مدل‌ها ضروری است.

برای کاهش مخاطرات امنیتی، انطباق با استانداردهای امنیت سایبری، استقرار لایه‌های چندگانه دفاعی و آموزش کاربران برای شناسایی تهدیدات محتمل اهمیت دارد. نبود چارچوب حاکمیت اخلاقی مشخص باید با تدوین خط‌مشی‌های جامع و اجرای برنامه‌های آگاهی‌بخشی سازمانی برطرف شود تا مقاومت در برابر تغییرات و استفاده غیرمجاز کارکنان به حداقل برسد.

در بُعد انسانی و فرهنگی، طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی ترکیبی که هم مهارت‌های فنی و هم ملاحظات اخلاقی و حقوقی را پوشش دهد، در کنار ایجاد سازوکارهای حمایت روانی برای کاهش اضطراب شغلی، ضروری است. ترویج فرهنگ همکاری انسان-ماشین به جای جایگزینی کامل و حفظ فضاهای تعاملی انسانی، می‌تواند پویایی و خلاقیت محیط کار را حفظ کند.

در زمینه کیفیت و اعتبار محتوا، باید فیلترهای چندمرحله‌ای و بازبینی انسانی اجباری برای محتوای حساس به کار گرفته شود. پایش مداوم مدل‌ها، به‌روزرسانی داده‌های آموزشی و کنترل کیفیت داده‌های خارجی، نقش مهمی در جلوگیری از تولید محتوای نادرست یا توهین‌آمیز دارد.

در نهایت، برای پایداری اقتصادی و زیست‌محیطی لازم است هزینه‌های پنهان مانند امنیت، بازبینی محتوا و انطباق حقوقی در بودجه لحاظ شود. استفاده از زیرساخت‌های



پردازشی کم‌مصرف، مدل‌های فشرده‌تر و کاهش وابستگی به پلتفرم‌های خارجی از طریق سرمایه‌گذاری در توسعه داخلی یا بهره‌گیری از مدل‌های متن‌باز، علاوه بر کاهش خطر وابستگی، به کاهش آثار منفی زیست‌محیطی کمک خواهد کرد.

این پژوهش، با ارائه چارچوبی جامع از مضامین و خرده‌مضامین مسائل اخلاقی، فنی و اجتماعی مرتبط با هوش مصنوعی مولد، تصویری یکپارچه و عملیاتی از این حوزه ارائه داده است. ترکیب شش مضمون اصلی و ۲۴ خرده‌مضمون براساس تحلیل کیفی، امکان اولویت‌بندی مخاطرات و تدوین راهبردهای مقابله را برای سازمان‌ها فراهم می‌سازد. علاوه بر این، ادغام ابعاد کمتر بررسی‌شده‌ای همچون تأثیرات زیست‌محیطی و وابستگی به داده‌های خارجی با کیفیت نامشخص، این مطالعه را از پژوهش‌های پیشین متمایز کرده است.

با وجود جامعیت تحلیل، این پژوهش با محدودیت‌هایی همراه بوده است. نخست، داده‌ها عمدتاً از طریق منابع کیفی و دیدگاه‌های خبرگان جمع‌آوری شده و ممکن است بازتاب‌دهنده سوگیری‌های ادراکی آن‌ها باشد. دوم، سرعت تحول فناوری‌های مولد موجب می‌شود برخی از یافته‌ها در بازه زمانی کوتاهی نیازمند به‌روزرسانی باشند. سوم، این پژوهش عمدتاً بر بسترهای سازمانی متمرکز بوده و نتایج آن ممکن است به‌طور کامل به حوزه‌های مصرف‌کننده یا آموزشی قابل تعمیم نباشد.

- AI, N. (2023). "Artificial intelligence risk management framework (AI RMF 1.0)". URL: <https://nvlpubs.nist.gov/nistpubs/ai/nist.ai.100-101>. <https://doi.org/10.6028/NIST.AI.100-1>
- Al-kfairy, M., Mustafa, D., Kshetri, N., Insiew, M. & Alfandi, O. (2024a) "A Systematic Review and Analysis of Ethical Challenges of Generative Ai: An Interdisciplinary Perspective". Available at SSRN 4833030.
- Al-kfairy, M., Mustafa, D., Kshetri, N., Insiew, M. & Alfandi, O. (2024b). "Ethical Challenges and Solutions of Generative AI: An Interdisciplinary Perspective". *Informatics*, 11(3): 58. <https://doi.org/10.1016/j.orgdyn.2024.101032>
- Bender, E. M., Gebru, T., McMillan-Major, A. & Shmitchell, S. (2021). "On the dangers of stochastic parrots: Can language models be too big? " Paper presented at the Proceedings of the 2021 ACM conference on fairness, accountability, and transparency. <https://doi.org/10.1145/3442188.3445922>
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). "Using thematic analysis in psychology". *Qualitative research in psychology*, 3(2), 77-101. DOI: 10.1191/1478088706qp063oa
- Cao, Y., Li, S., Liu, Y., Yan, Z., Dai, Y., Yu, P. & Sun, L. (2025). "A Survey of AI-Generated Content (AIGC)". *ACM Comput. Surv.*, 57(5), Article 125. doi: 10.1145/3704262



- Carlini, N., Hayes, J., Nasr, M., Jagielski, M., Sehwag, V., Tramer, F., . . . Wallace, E. (2023). "Extracting training data from diffusion models". Paper presented at the 32nd USENIX security symposium (USENIX Security 23). <https://doi.org/10.48550/arXiv.2301.13188>
- Cath, C. (2018). "Governing artificial intelligence: ethical, legal and technical opportunities and challenges". *Philosophical Transactions of the Royal Society A: Mathematical, Physical and Engineering Sciences*, 376(2133), 20180080. <https://doi.org/10.1098/rsta.2018.0080>
- Chakraborty, S. (2023). "AI and ethics: Navigating the moral landscape", *Investigating the Impact of AI on Ethics and Spirituality* (pp. 25-33): IGI Global. DOI: 10.4018/978-1-6684-9196-6
- Chen, Z. (2023). "Ethics and discrimination in artificial intelligence-enabled recruitment practices". *Humanities and Social Sciences Communications*, 10(1): 567. doi: 10.1057/s41599-023-02079-x
- Chui, M., Hazan, E., Roberts, R., Singla, A., & Smaje, K. (2023). "The economic potential of generative AI".
- Corrêa, N. K., Galvão, C., Santos, J. W., Del Pino, C., Pinto, E. P., Barbosa, C., . . . Terem, E. (2023). Worldwide AI ethics: A review of 200 guidelines and recommendations for AI governance". *Patterns*, 4(10). <https://doi.org/10.1016/j.patter.2023.100857>
- Dwivedi, Y. K., Kshetri, N., Hughes, L., Slade, E. L., Jeyaraj, A., Kar, A. K., . . . Wright, R. (2023). "Opinion Paper: "So what if





ChatGPT wrote it?" Multidisciplinary perspectives on opportunities, challenges and implications of generative conversational AI for research, practice and policy. *International Journal of Information Management*, 71, 102642. doi: <https://doi.org/10.1016/j.ijinfomgt.2023.102642>

European Commission, F. (2021). "Regulation of the European parliament and of the council laying down harmonised rules on artificial intelligence (Artificial Intelligence Act) and amending certain union legislative acts".

Ferrara, E. (2023). "Should chatgpt be biased? challenges and risks of bias in large language models". *arXiv preprint arXiv:2304.03738*. <https://doi.org/10.48550/arXiv.2304.03738>

Floridi, L. (2023). "AI as agency without intelligence: On ChatGPT, large language models, and other generative models". *Philosophy & technology*, 36(1), 15. <https://doi.org/10.1007/s13347-023-00621-y>

García-López, I. M. & Trujillo-Liñán, L. (2025). "Ethical and regulatory challenges of Generative AI in education: a systematic review". *Paper presented at the Frontiers in Education*. <https://doi.org/10.3389/feduc.2025.1565938>

Gupta, D. (2024). "Generative AI and Deep fake s: Ethical Implications and Detection Techniques". *Journal of Science, Technology and Engineering Research*, 1(1): 45-56. DOI: <https://doi.org/10.64206/21rgkc40>

- Hagendorff, T. (2024). "Mapping the ethics of generative AI: A comprehensive scoping review". *Minds and Machines*, 34(4), 39. <https://doi.org/10.1007/s11023-024-09694-w>
- Iqbal, Q., Khan, D. & Salis, M. (2024). "Navigating the Ethical and Legal Landscape of Artificial Intelligence in Global Governance: A Comprehensive Analysis". *Journal of Asian Development Studies*, 13(2): 945-954. DOI: <https://doi.org/10.62345/jads.2024.13.2.75>
- Jobin, A., Ienca, M., & Vayena, E. (2019). "The global landscape of AI ethics guidelines". *Nature machine intelligence*, 1(9): 389-399. <https://doi.org/10.1038/s42256-019-0088-2>
- Kay, J., Kasirzadeh, A., & Mohamed, S. (2024). "Epistemic injustice in generative AI". Paper presented at the Proceedings of the AAAI/ACM Conference on AI, Ethics, and Society. DOI: <https://doi.org/10.1609/aies.v7i1.31671>
- Macdonald, C., Adeloye, D., Sheikh, A. & Rudan, I. (2023). "Can ChatGPT draft a research article? An example of population-level vaccine effectiveness analysis". *Journal of global health*, 13, 01003. doi: 10.7189/jogh.13.01003.
- Marchal, N., Xu, R., Elasmara, R., Gabriel, I., Goldberg, B. & Isaac, W. (2024). "Generative AI misuse: A taxonomy of tactics and insights from real-world data". *arXiv preprint arXiv:2406.13843*. <https://doi.org/10.48550/arXiv.2406.13843>
- Ning, Y., Teixayavong, S., Shang, Y., Savulescu, J., Nagaraj, V., Miao, D., . . . Liu, M. (2024). "Generative artificial intelligence and





ethical considerations in health care: a scoping review and ethics checklist". *The Lancet Digital Health*, 6(11), e848-e856. doi: 10.1016/S2589-7500(24)00143-2

OECD. (2024). *Facts Not Fakes: Tackling Disinformation, Strengthening Information Integrity*: OECD Publishing.

Raghavan, M., Barocas, S., Kleinberg, J. & Levy, K. (2020). "Mitigating bias in algorithmic hiring: Evaluating claims and practices". *Paper presented at the Proceedings of the 2020 conference on fairness, accountability, and transparency*. <https://doi.org/10.1145/3351095.3372828>

Rana, N. P., Pillai, R., Sivathanu, B. & Malik, N. (2024). "Assessing the nexus of Generative AI adoption, ethical considerations and organizational performance". *Technovation*, 135, 103064. doi: <https://doi.org/10.1016/j.technovation.2024.103064>

Singh, K., Chatterjee, S. & Mariani, M. (2024). "Applications of generative AI and future organizational performance: The mediating role of explorative and exploitative innovation and the moderating role of ethical dilemmas and environmental dynamism". *Technovation*, 133, 103021. doi: <https://doi.org/10.1016/j.technovation.2024.103021>

Surbakti, F. P. S. (2025). "Systematic Literature Review on Generative AI: Ethical Challenges and Opportunities. *International Journal of Advanced Computer Science and Applications (IJACSA)*, 16 (5).

UNESCO. (2022). *Recommendation on the ethics of artificial intelligence*: United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization.

Weidinger, L., Mellor, J., Rauh, M., Griffin, C., Uesato, J., Huang, P.-S., . . . Kasirzadeh, A. (2021). "Ethical and social risks of harm from language models". *arXiv preprint arXiv:2112.04359*. <https://doi.org/10.48550/arXiv.2112.04359>. <https://doi.org/10.3389/feduc.2023.1331607>

Williams, R. T. (2024). "The ethical implications of using generative chatbots in higher education". *Paper presented at the Frontiers in Education*. [tps://doi.org/10.3389/feduc.2023.1331607](https://doi.org/10.3389/feduc.2023.1331607)



Application of the Mourning and Celebration Rituals of the Ahl al-Bayt in Strengthening the Moral Values of the Family*

Esmaeil Malakutikhah¹  Maryam Mazaheri² 

1- Assistant Professor, Department of Islamic Studies, University of Isfahan,
Isfahan, Iran (Corresponding Author).

e.malakooti@ltr.ui.ac.ir

2- M.A. Graduate in Women's Studies, Faculty of Ahl al-Bayt (peace be upon them)
Studies, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

mazahery404@gmail.com



Abstract

The comprehensive epistemic system of Islam, in addition to addressing individual and social rulings and issues, pays special attention to strengthening moral values within the family institution. Accordingly, Islam introduces the infallible leaders (peace be upon them) as models and guides, linking the emotions and affections of the faithful to their love. Among the most significant expressions of devotion to these immaculate leaders are participation in the joyful and celebratory gatherings as well as the mourning assemblies held in their honor. The aim of this study is to demonstrate the effect of applying the mourning and celebration rituals of the Ahl al-Bayt

*Cite this article: Malakutikhah, E; Mazaheri, M (2025). Application of the Mourning and Celebration Rituals of the Ahl al-Bayt in Strengthening the Moral Values of the Family, Journal in Applied Ethics Studies, 3(81), 157-187.

<https://doi.org/1022081/jf.2025.72199.2064>.

■ **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Isfahan, Iran). ***Type of article:** Research Article

■ **Received:** 2025/07/10 • **Revised:** 2025/08/02 • **Accepted:** 2025/08/03 • **Published online:** 2025/12/05

(peace be upon them) in reinforcing the family's moral values. Employing a descriptive-analytical approach and drawing upon library-based research, this study collects and analyzes data from authentic religious, psychological, and sociological sources, along with experience-based observations. The findings reveal that these rituals possess multiple and multifaceted functions: the capacity for role modeling, establishment of shared norms and values, strengthening of parents' moral roles, restoration of religious and ethical identity, enhancement of mental well-being and sense of belonging as religious fraternity, and the provision of joy, tranquility, and social cohesion among believers. All these dimensions are closely related to the reinforcement of moral values within the family.

Keywords

Ahl al-Bayt (peace be upon them), moral values, mourning rituals, celebration rituals, family.





تطبيق مراسم الحزن والفرح عند أهل البيت عليه السلام لتعزيز القيم الأخلاقية للعائلة*

إسماعيل ملكوتي خواه^١  مريم مظاهري^٢ 

١- أستاذ مساعد لقسم المعارف الإسلامية، جامعة أصفهان. أصفهان - إيران (الكاتب المسؤول).

e.malakooti@ltr.ui.ac.ir

٢- خريجة حاصلة على ماجستير في دراسات المرأة، كلية معارف أهل البيت عليه السلام، جامعة أصفهان.

أصفهان - إيران

mazahery404@gmail.com

ملخص

إن النظام المعرفي الشامل في الإسلام، بالإضافة إلى اهتمامه بالقضايا والأحكام الفردية والاجتماعية، يولي اهتماماً خاصاً بتعزيز القيم الأخلاقية في مؤسسة الأسرة؛ ولذلك قدم الدين الإسلامي الواضح الأئمة المعصومين عليه السلام قدواتٍ وأدلاء، وربط مشاعر المؤمنين وعواطفهم بمحبتهم. من أهم مظاهر إظهار الولاء للأئمة المعصومين عليه السلام المشاركة في احتفالات ومناسبات الأشراف الكرام، ومجالس العزاء والمواساة. وتهدف هذه الدراسة إلى بيان أثر تطبيق مراسم العزاء والمواساة لأهل البيت عليه السلام في تعزيز القيم الأخلاقية للأسرة. أُجري هذا

***الاستناد إلى هذه المقالة:** ملكوتي خواه، إسماعيل؛ مظاهري، مريم (٢٠٢٥). تطبيق مراسم الحزن والفرح عند أهل

البيت عليه السلام لتعزيز القيم الأخلاقية للعائلة. دراسات في الأخلاق التطبيقية، ٣(٨١)، ١٥٧-١٨٧.

<https://doi.org/1022081/jf.2025.72199.2064>.

□ نوع المقال: بحثي؛ الناشر: مركز الدعوة الإسلامية في حوزة قم (معهد العلوم والثقافة الإسلامية، أصفهان، إيران) © المؤلف.

□ تاريخ الاستلام: ۲۰۲۵/۰۷/۱۰ • تاريخ التعديل: ۲۰۲۵/۰۸/۲ • تاريخ القبول: ۲۰۲۵/۰۸/۰۳ • تاريخ الإصدار: ۲۰۲۵/۱۲/۰۵



البحث باستخدام البحث المكتبي، وجمع المعلومات، وتدوين الملاحظات من مصادر دينية ونفسية واجتماعية موثوقة، بالإضافة إلى التجارب المرصودة، والمنهج الوصفي التحليلي. وقد أظهرت نتائج البحث أن لمراسم الحزن والفرح عند أهل البيت عليه السلام وظائف متعددة الجوانب والوظائف متعددة؛ إن القدرة على القدوة، والمعايير والقواعد المشتركة، وتعزيز الدور الأخلاقي للوالدين، واستعادة الهوية الدينية ذات التوجه الأخلاقي، وتأثير الصحة النفسية والشعور بالانتماء كأخوة دينية، وإدخال الفرح والراحة على المؤمنين، فضلاً عن التماسك والتضامن، تعد طاقات لمراسم الحزن والفرح عند أهل البيت عليه السلام، والتي ترتبط ارتباطاً وثيقاً بتعزيز القيم الأخلاقية في الأسرة.

الكلمات المفتاحية

أهل البيت عليه السلام، القيم الأخلاقية، مراسم العزاء، مراسم الاحتفال، العائلة.





کاربست مراسم سوگ و سرور اهل بیت علیهم السلام برای تقویت ارزش های اخلاقی خانواده*

اسماعیل ملکوتی خواه^۱، مریم مظاهری^۲

۱- استادیار گروه معارف، اسلامی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).

e.malakooti@ltr.ui.ac.ir

۲- دانش آموخته کارشناسی ارشد مطالعات زنان، دانشکده معارف اهل بیت علیهم السلام، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

mazahery404@gmail.com

چکیده

نظام جامع معرفتی اسلام، افزون بر توجه به مسائل و احکام فردی و اجتماعی، به تقویت ارزش های اخلاقی در نهاد خانواده، توجه ویژه ای دارد؛ از این رو، دین مبین اسلام، پیشوایان معصوم علیهم السلام را به عنوان اسوه و هدایتگر معرفی کرده و احساسات و عواطف مردم باایمان را به محبت آنان پیوند زده است. از مهم ترین جلوه های ابراز ارادت به پیشوایان معصوم علیهم السلام، مشارکت در مجالس اعیاد و سرور و نیز محافل سوگ و اندوه آن بزرگواران است. هدف این پژوهش آن است که تأثیر کاربست مراسم سوگ و سرور

***استناد به این مقاله:** ملکوتی خواه، اسماعیل؛ مظاهری، مریم (۱۴۰۴). کاربست مراسم سوگ و سرور اهل بیت علیهم السلام برای

تقویت ارزش های اخلاقی خانواده. مطالعات اخلاق کاربردی، ۳(۸۱)، صص ۱۵۷-۱۸۷.

<https://doi.org/10.22081/jf.2025.72199.2064>.

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اصفهان، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۹ □ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۵/۱۱ □ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۲ □ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۹/۱۴





اهل بیت علیهم السلام را در تقویت ارزش‌های اخلاقی خانواده نشان دهد. این پژوهش با استفاده از تحقیقات کتابخانه‌ای و با ابزار گردآوری اطلاعات و یادداشت‌برداری از منابع معتبر دینی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و نیز تجربه‌های مبتنی بر مشاهدات و با رویکرد توصیفی تحلیلی به سامان رسید. یافته‌های پژوهش نشان داد مراسم سوگ و سرور اهل بیت علیهم السلام دارای کارکردهای چندوجهی و متعددی است؛ ظرفیت اسوه‌گزینی، هنجارها و قواعد مشترک، تقویت نقش اخلاقی والدین، بازیابی هویت دینی اخلاق‌مدار، تأثیر سلامت روان و احساس تعلق به منزله اخوت دینی، شادی‌بخشی و آرامش‌دهی به مؤمنان و نیز انسجام و هم‌بستگی از جمله ظرفیت‌های مراسم سرور و سوگ اهل بیت علیهم السلام است که ارتباط تنگاتنگی با تقویت ارزش‌های اخلاقی در خانواده دارد.

کلیدواژه‌ها

اهل بیت علیهم السلام، ارزش‌های اخلاقی، مراسم سوگ، مراسم سرور، خانواده.

مقدمه

انسان، به عنوان موجودی اجتماعی، مشارکت در آیین‌های جمعی مذهبی را بخشی از نیازهای عاطفی و فطری خود می‌داند. برگزاری مراسمی مانند سوگواری، جشن‌های دینی و بزرگداشت شخصیت‌های برجسته، در تاریخ کهن جوامع بشری ریشه دارد و بازتابی از تمایل انسان به زنده‌نگه داشتن ارزش‌ها و انتقال تجربیات به نسل‌های آینده است. این مراسم، فراتر از محدودیت‌های گروهی یا فرهنگی، به عنوان پاسخی به نیاز ذاتی انسان به هم‌بستگی و قدردانی تعبیر می‌شود (عاملی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۲-۱۴۷).

در آموزه‌های اسلامی، احترام به شعائر دینی و مشارکت در مراسم مرتبط با اهل بیت (علیهم‌السلام)، نقشی محوری در تقویت فضایل اخلاقی ایفا می‌کند. قرآن کریم با اشاره به اهمیت تعظیم شعائر، می‌فرماید: «و هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه‌ای از تقوای دل‌هاست» (حج، ۳۲). همچنین، امام رضا (علیه‌السلام) مشارکت در شادی و اندوه اهل بیت را راهی برای همراهی با آنان در بهشت می‌داند (ابن بابویه، ۱۳۹۷، ج ۱: ص ۳۹۱).

بزرگداشت پیشوایان مذهبی در خانواده و جامعه، فوایدی مانند تقویت همکاری، معنویت و آرامش روانی دارد. این مراسم با ایجاد الگوهای رفتاری سالم، به رشد فضایل اخلاقی کمک کرده، از طریق تعدیل هیجانات، فشارهای روانی را کاهش می‌دهد. مطالعات نشان می‌دهد اعمال مذهبی موجب امید به زندگی، حمایت اجتماعی و دوستی‌های عمیق‌تر می‌شود. هیجانات تنظیم‌شده نیز در تصمیم‌گیری منطقی و سلامت روان نقش کلیدی دارند. در نهایت، آرامش خانوادگی و رضایت از زندگی با نگرش و اعمال مذهبی تقویت می‌شود (هیئت مؤلفان، ۱۴۰۲، ص ۴۲۴).

اخلاق، به عنوان امری که از ارکان شریعت محسوب می‌شود، در حوزه‌های مختلف معارف بشری جریان دارد. اخلاق، امری فطری و ذاتی برای انسان است؛ نوعی صورت ادراکی و معرفتی است که در درون انسان قرار دارد و او را به کنش و فعل اخلاقی سوق می‌دهد. آموزش اخلاق از ضروریات نیازهای جامعه متعالی است (پرتو، ۱۳۹۴).





تأکیدات اخلاقی قرآن و روایات گران قدر ائمه طاهرين (علیهم السلام) نیز بر تشکیل، تحکیم و تعالی خانواده، بیش از جوانب دیگر حیات بشری است؛ به طوری که بخشی از احکام و دستورات اسلام به نوعی ناظر بر صیانت از نهاد خانواده است. اما در عصر حاضر، این کانون مهم، گرفتار آسیب‌هایی شده که اختلافات خانوادگی، طلاق و گسسته شدن پیوندها از جمله آن‌هاست. بدون تردید، این آسیب‌ها برآمده از ریشه‌ها و علل متعددی است. آنچه امروزه ارمغان توسعه، پیشرفت و گسترش روزافزون ارتباطات و ابزارهای فناوری نوین است، فراموشی سنت‌ها، فرهنگ، آداب و رسوم و آیینی است که در گذشته‌ای نه چندان دور، خانواده را حفظ و پایه‌های این نهاد مهم اجتماعی را مستحکم کرده است (رزازی و دیگران، ۱۴۰۳، ص ۵۴).

یکی از این آداب و رسومی که با فرهنگ ما ایرانیان عجین شده است، اهتمام به برپایی مراسم عزاداری و سوگواری منسوب به اهل بیت (علیهم السلام)، مراسم مذهبی در ایام اعیاد اسلامی، جشن ولادت و ولایت این بزرگان دینی است که به صورت گسترده در سرتاسر کشور به صورت عمومی و علنی برگزار می‌شود و جامعه ایران اسلامی افتخار این را دارد که هر ساله شاهد حضور میلیون‌ها نفر از افراد علاقه‌مند در این گونه مناسبت‌ها باشد و همه مؤمنان سعی وافری دارند تا اندوه و سرور مذهبی خود را به شیوه‌های مختلف ظهور و بروز داده و در آن شریک باشند و با نصب پرچم‌های سبز علوی و آذین‌بندی و چراغانی معابر و توزیع شربت و شیرینی و نذورات خود در بین مردم، احساس خود را نشان دهند و هم‌زمان با روضه‌خوانی، مرثیه‌خوانی، مدیحه‌سرایی، مولودی‌خوانی و ذکر فضایل ایشان، به رعایت آداب این مناسبت‌های معنوی و دینی بپردازند. بر این اساس، پژوهش حاضر، با تحلیل تأثیرات این مراسم، به دنبال تبیین کارکردهایی است که از طریق آن‌ها ارزش‌های اخلاقی در نهاد خانواده تقویت می‌شود و به واکاوی تأثیرات این عامل مداخله‌گر فرهنگی دینی بر کنش‌های ذهنی و رفتاری شرکت‌کنندگان پردازد و به این سؤالات پاسخ دهد که مراسم سوگ و سرور اهل بیت (علیهم السلام) دارای چه ظرفیت‌هایی است؟ و این ظرفیت‌ها چه ارتباطی با تقویت ارزش‌های اخلاقی در خانواده دارند؟

پیشینه پژوهش

در حوزه مناسب‌های مذهبی، به‌طور کلی، پژوهش‌هایی صورت گرفته است که به شماری از آن‌ها اشاره می‌شود:

- «نقش شعائر دینی در هم‌بستگی جهان اسلام» به قلم رحمت‌الله ضیایی ارزگانی (۱۴۰۰)؛ پژوهشگر در این مقاله به نقش اساسی و مهم شعائر الهی در ایجاد و تقویت هم‌بستگی جوامع اسلامی پرداخته و مصادیق آن را حج، نماز جمعه، نماز عیدین، نماز جماعت و شعائر حسینی به‌ویژه اجتماع اربعین می‌داند؛

- «واکاوی اثرهای مناسک دینی در زیست خانوادگی» نوشته غیائی فتح‌آبادی (۱۴۰۰)؛ در این مقاله، پس از بررسی آیین پیاده‌روی زیارت اربعین، تأثیرات این آیین برشمرده شده است: ۱) عقلانیت تمدن‌ساز؛ ۲) ظرفیت کارآمدی قابل توجه در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی؛ ۳) ایجاد پویایی و حیات مبتنی بر محبت؛ ۴) تثبیت و تقویت هویت الهی؛ ۵) هماهنگی عناصر مختلف خانواده؛

- «تحلیل کارکردی مراسم و مناسک دینی» نوشته علیرضا قبادی و پروین علی‌پور (۱۴۰۲)؛ مطالعات و بررسی‌های این مقاله نشان می‌دهد مراسم و مناسک، کارکردهای نمادی، آموزشی، هویتی و تحمل‌پذیری را در بُعد فرهنگی، و کارکردهای انسجام اجتماعی، تفریح اجتماعی، انتظام‌بخشی و پیوند بین‌نسلی را در بُعد اجتماعی در پی دارد؛

- بررسی نقش مراسم سوگواری و اعیاد مذهبی در تحکیم تشیع در دوران صفویه نوشته محبوب محمدی خراجی (۱۴۰۲)؛ نتایج این پایان‌نامه بیانگر آن است که برگزاری مراسم سوگواری مانند مراسم ماه محرم و دهه عاشورا و اعیاد مذهبی در آموزش مفاهیم شیعی به عامه مردم و تحکیم مذهب تشیع در ایران، بسیار تأثیرگذار بوده است؛

- فرهنگ سوگ شیعی (۱۴۰۲)؛ محسن حسام مظاهری در کتاب خود به تبیین مفاهیم و کلیاتی مانند اسطوره، اشک و شفاعت می‌پردازد. این نویسنده در دیگر کتاب خود به نام تأملات جامعه‌شناختی پیاده‌روی اربعین (۱۳۹۷)، از دیدگاه جامعه‌شناختی، به جریانات و عوامل مختلف مرتبط با این آیین دینی می‌نگرد.





اگر چه این پژوهش‌ها نقش مراسم و مناسک اسلامی را به‌ویژه مراسم اربعین که از جمله مصادیق شعائر دینی است را مورد تحلیل قرار داده اند؛ ولی هیچ‌کدام به تأثیر این مراسم بر تقویت ارزش‌های اخلاقی خانواده نپرداخته‌اند. از این رو، بررسی نقش مراسم سوگواری و سرور اهل بیت علیهم‌السلام بر تقویت فضایل اخلاقی در نهاد خانواده، موضوعی نوین است.

روش پژوهش

روش پژوهش با توجه به ماهیت و نوع موضوع مورد مطالعه تعیین می‌گردد. در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای و برای تحلیل و تفسیر آن‌ها از روش توصیفی تحلیلی استفاده شد. روند پژوهش به این صورت بود که از طریق جست‌وجوی کتابخانه‌ای، مطالب و اطلاعات درباره ظرفیت‌های محافل سوگ و سرور اهل بیت علیهم‌السلام و ارتباط آن ظرفیت‌ها با تقویت ارزش‌های اخلاقی در خانواده جمع‌آوری و پس از پردازش اطلاعات، مسئله پژوهش تبیین و تحلیل شد.

۱. ظرفیت احساس تعلق به منزله اخوت دینی

احساس تعلق به گروه، به معنی همسانی فرد با ارزش‌های اخلاقی، اعتقادی و اجتماعی یک جمع است که موجب شناسایی خود به عنوان عضوی از آن گروه می‌شود. این احساس، نگرش‌ها و رفتارهای فرد را چه آگاهانه و چه ناخودآگاه، تحت تأثیر قرار می‌دهد. مشارکت در مراسم سوگواری یا جشن‌های مرتبط با اهل بیت علیهم‌السلام، از جمله عوامل تقویت‌کننده این تعلق است. عواملی همچون نیازهای روانی در خانواده، هویت قومی یا دینی، و ضرورت همکاری در فعالیت‌های اجتماعی، زمینه‌ساز شکل‌گیری و تقویت پیوندهای گروهی هستند.

در آموزه‌های اسلامی، نگاه مثبت به کار جمعی در قالب مناسکی مانند نماز جماعت، نماز جمعه و حج تجلی یافته است. این آموزه‌ها فرد را به همکاری گروهی تشویق می‌کنند و از انزوای فردی و فردگرایی باز می‌دارند (آذربایجانی و دیگران، ۱۴۰۲، ص ۴۰۰ و ۴۰۱).



خواجه نصیرالدین طوسی، در بیان ضرورت اجتماعات برای برپاداشتن نمازهای جماعت روزانه و نمازهای جمعه و عیدین و نیز اجتماع جهانی مسلمانان در موسم حج، برنامه شریعت اسلام را یادآور می‌شود و حکمت چنین مقرراتی را دیدار مردم با یکدیگر به منظور گسترش و تعمیق انس، محبت و مهرورزی و هم‌بستگی‌های اجتماعی می‌داند (ملکوتی خواه و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۱۵۸).

در همین راستا، احساس تعلق به گروه که در محافل سوگ و سرور اهل بیت علیهم السلام تقویت می‌شود، ارزش‌هایی مانند همکاری، احترام و مسئولیت‌پذیری را بین اعضای خانواده پرورش می‌دهد و حس امنیت، پذیرش و پیوندهای عاطفی بین اعضا را تقویت کرده، به افزایش صمیمیت، اعتماد و حمایت متقابل منجر می‌شود. قرآن کریم نیز رابطه بین افراد گروه مؤمنان را به اخوت دینی و پیوند برادری تشبیه کرده (حجرات، ۱۰) و نتایج اخلاقی همچون ضرورت اصلاح و آشتی دادن بین دو برادر دینی را بر آن مترتب ساخته است. احساس تعلق به گروه، به‌ویژه هنگامی که خانواده به مشکلاتی چون شرایط دشوار اقتصادی دچار می‌شود، اهمیتی دوچندان دارد.

۱.۱. نهاده‌شدن روحیه سخاوت در خانواده

سخاوت و بخشش در آموزه‌های اسلامی، در همکاری گروهی و تعاملات اجتماعی ریشه دارد. در اسلام، مسئولیت افراد به فراتر از خانواده گسترش می‌یابد و شامل همسایگان و تمام اعضای جامعه می‌شود. یکی از ظرفیت‌های محافل سرور و سوگ اهل بیت علیهم السلام ترویج روحیه سخاوت و بذل و بخشش است.

بسیاری از خانواده‌ها در طول سال با توزیع غذا یا شربت و شیرینی به خیرات می‌پردازند؛ به‌خصوص در ایام مبارک ولادت و ولایت خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اعیاد اسلامی، سفره‌های مؤمنان گسترش یافته و جمع بسیاری را مهمان می‌کند. شرکت دادن فرزندان در این قبیل کارهای خیر، هنگام آماده‌سازی و توزیع، به زندگی آنان غنا بخشیده، سخاوت را به صورت عملی به ایشان می‌آموزد.



۲. ظرفیت بازیابی هویت دینی اخلاق مدار

هویت دینی، به عنوان بخشی کلیدی از هویت فردی، تعیین کننده چگونگی نقش آفرینی افراد در جامعه و پاسخ به پرسش «کیستی» آن‌هاست. این مفهوم، احساس تعلق به دین و جامعه دینی را بازتاب می‌دهد و از پذیرش آموزه‌های مذهبی به عنوان چارچوب اعتقادی و تعهد به آن نشئت می‌گیرد (خانیکی، ۱۳۸۳، ج ۱: ص ۷).

مراسمی مانند عزاداری محرم، با تأکید بر اعمالی چون نماز جماعت، توسل به اولیای دین و رعایت احکام شرعی، نقش مؤثری در بازسازی هویت دینی ایفا می‌کنند. شرکت کنندگان در این مراسم نه تنها باورهای دینی خود را تقویت می‌کنند، بلکه با نمایش ظواهر مذهبی (مانند پوشش مناسب یا ذکر نام ائمه)، هویت خویش را در سطح اجتماعی بازتعریف می‌کنند (تقی‌زاده داوری، ۱۳۸۵، ص ۴۱). این فرایند موجب هم‌سویی بین باطن و ظاهر دین‌داری می‌شود و به تقویت فضایل اخلاقی در روابط خانوادگی و تحکیم پیوندهای خانوادگی و اجتماعی کمک می‌کند.

مناسکی مانند نماز (با اذکار و توقف‌های مکرر)، روزه (با ایجاد گرسنگی) و مراسم عزاداری محرم، فرد را به توقف در جریان عادی زندگی، مرور اعمال، ارزیابی خود و تأمل در مفاهیم عمیق‌تر (مرگ، هدف زندگی، رابطه با خدا و خلق) وامی‌دارد. این فرایندها آگاهی فرد را درباره افکار، احساسات و انگیزه‌های خود (فراسناخت) افزایش داده، ظرفیت تفکر انتقادی، تحلیل عمیق‌تر مسائل و یادگیری معناگرا (نه صرفاً حفظی) را تقویت می‌کند.

از دیدگاه امیل دورکیم، مناسک دینی با تقویت هم‌بستگی اجتماعی، افراد را با هنجارهای جامعه آشنا می‌سازند و وجدان جمعی را نهادینه می‌کنند. شرکت در این مراسم، پیوندی مجدد بین زندگی فردی و حیات جمعی ایجاد می‌کند و ذهنیت دینی را در راستای کارکردهای اجتماعی شکل می‌دهد (دورکیم، ۱۴۰۲، ص ۱۲). در بستر خانواده، هویت دینی به عنوان عاملی کلیدی، باورهای مشترک بین اعضا را تقویت می‌کند و به



تفاهم عمیق تر و رفتارهای هم سو منجر می شود. این هماهنگی عاطفی و فکری، استحکام نهاد خانواده را تضمین می کند.

۲.۱. ارتقای تقوای رفتاری در خانواده

تقوای رفتاری، به عنوان عاملی مهم در استحکام نهاد خانواده، از طریق مشارکت در مراسم مذهبی مانند سوگواری و جشن های مرتبط با اهل بیت (علیهم السلام) تقویت می شود. این مراسم، با ترویج ارزش های دینی و اخلاقی، نه تنها تقوای درونی افراد را عمیق می کند، بلکه مسئولیت پذیری و تعهد اعضای خانواده را در قبال یکدیگر افزایش می دهد؛ برای مثال، رعایت حقوق متقابل، ایفای نقش های خانوادگی و خوش رفتاری، از جلوه های بارز تقوای عملی در روابط خانوادگی است. قرآن کریم تقوا را مبنای برتری انسان ها و جوامع معرفی می کند و می فرماید: «همانا گرامی ترین شما نزد خداوند، با تقواترین شماست» (حجرات، ۱۳). خانواده هایی که پایبندی بیشتری به تقوای الهی نشان می دهند، از نظر قرآن، الگوی مطلوبی محسوب می شوند.

تعامل بین ظاهر و باطن انسان نیز در این فرایند نقش دارد. اعمال ظاهری مانند نماز، روزه و شرکت در مراسم مذهبی، بازتابی از تقوای درونی است و هم زمان، بر عمق بخشیدن به این تقوا تأثیر می گذارد. قرآن کریم، با اشاره به حکمت و جوب روزه، آن را وسیله ای برای تقویت تقوا می داند (بقره، ۱۸۳). این هماهنگی بین باطن و ظاهر، به ویژه در مراسمی مانند محرم و اربعین، به وضوح دیده می شود. مشارکت در این آیین ها، التزام عملی به دستورات دینی را تقویت و تقوای رفتاری را در تمام حوزه های زندگی (از جمله خانواده) نهادینه می کند.

۲.۲. قناعت و ساده زیستی در خانواده

ساده زیستی و قناعت در خانواده، از اصول محوری در برگزاری مراسم مذهبی اسلام و برگرفته از سیره پیامبر ﷺ و ائمه اطهار (علیهم السلام) است. این رویکرد، مبتنی بر پرهیز از اسراف و



تجملات غیرضروری است و بر معنویت و آشنایی با مفاهیم دینی تأکید دارد؛ به طور مثال، مراسم سوگواری با پذیرایی ساده مانند چای یا غذای مختصر برگزار می‌شود تا تمرکز بر محتوای معنوی مجلس باقی بماند. ساده‌زیستی در آموزه‌های اسلامی، نه به معنی محرومیت، بلکه به عنوان راهکاری برای دستیابی به آرامش درونی و موفقیت در زندگی تعریف شده است. امام علی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «خوشا به حال کسی که به قیامت بیندیشد، به اندازه نیاز زندگی کند و به رضایت الهی قانع باشد» (نهج البلاغه، حکمت ۴۱).

تجمل‌گرایی، به عنوان نقطه مقابل ساده‌زیستی، پیامدهایی منفی مانند تضعیف ارزش‌های اخلاقی، تأخیر در ازدواج جوانان و سردی روابط عاطفی را به دنبال دارد. قرآن کریم با تأکید بر احترام به شعائر الهی، پاداش اخروی را به کسانی که از تجملات دوری می‌کنند، وعده می‌دهد (حج، ۳۲). تحقیقات نیز نشان می‌دهند کسانی که سبک زندگی ساده و بر پایه قناعت را انتخاب می‌کنند، اغلب از طبقات متوسط یا محروم جامعه هستند و خدمات ارزشمندی به جامعه ارائه داده‌اند (حکیمی و همکاران، ۱۳۹۴، ج ۴: ص ۲۰۵).

قرآن، خانواده را مایه آرامش معرفی می‌کند (روم، ۲۱) و هویت دینی مشترک، این آرامش را عمق می‌بخشد. خانواده‌های برخوردار از هویت دینی قوی‌تر، تاب‌آوری بیشتری در بحران‌ها دارند. هویت دینی و ارزش‌های اخلاقی در خانواده، با تلفیق منابع و حیانی (قرآن، سنت) و یافته‌های علمی تقویت می‌شود. کلید موفقیت، تبدیل دین از مجموعه‌ای از آیین‌ها به چارچوبی زنده برای تعاملات روزمره است.

۳. ظرفیت سلامت روانی

سلامت روانی، نقش کلیدی در تقویت فضایل اخلاقی مانند صداقت، احترام و همدلی دارد. مطالعات نشان می‌دهند کسانی که از سلامت روانی برخوردارند، در روابط خانوادگی خود، پابندی بیشتری به اصول اخلاقی دارند (Keyes, 2007)؛ برای مثال،



استرس و اضطراب می‌تواند به کاهش تحمل و افزایش پرخاشگری منجر شود، درحالی‌که آرامش روانی زمینه‌ساز رفتارهای مبتنی بر احترام و تفاهم است.

سازمان جهانی بهداشت، سلامت را نه صرفاً نبود بیماری، بلکه حالتی از رفاه کامل جسمی، روانی و اجتماعی تعریف می‌کند (World Health Organization, 1942). سلامت جسمی و روانی به منزله زیربنای رفتارهای اخلاقی در خانواده عمل می‌کند. از دیدگاه علمی و دینی، تندرستی نه تنها یک نعمت فردی، بلکه عاملی برای تقویت مسئولیت‌پذیری، همدلی و فضایل اخلاقی در خانواده محسوب می‌شود؛ بنابراین، توجه به سلامت به تحکیم ارزش‌های اخلاقی در کانون خانواده کمک می‌کند.

مراسم مذهبی مانند مجالس سوگواری و سرور اهل بیت (علیهم السلام) نیز با ایجاد هیجانات مثبت، به تقویت بنیان خانواده کمک می‌کنند. خطابه‌ها، مداحی‌ها و اشعار عاطفی در این مراسم، با تأثیرگذاری بر احساسات شرکت‌کنندگان، فضایی از همدلی و امید ایجاد می‌کنند. ترکیب محتوای معنوی با موسیقی و شعر، نه تنها حس تعلق جمعی را تقویت می‌کند، بلکه عاملی است برای تقویت ارزش‌های اخلاقی در روابط خانوادگی و اجتماعی.

۳.۱. تعاملات اخلاقی در خانواده

تعامل کارآمد و مؤثر بین اعضای خانواده، یکی از ارکان اصلی سلامت روانی و اجتماعی شناخته می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهند خانواده‌هایی که از ارتباطات عاطفی و فکری قوی برخوردارند، در مقایسه با خانواده‌های ناسالم یا دارای عملکرد ضعیف، بهتر می‌توانند مشکلات را مدیریت کنند. در خانواده‌های سالم، اعضا، مسئولیت احساسات، افکار و رفتار خود را می‌پذیرند، به تجربیات یکدیگر احترام می‌گذارند و از گفت‌وگو به عنوان ابزاری برای حل تعارضات استفاده می‌کنند. انعطاف‌پذیری در چنین خانواده‌هایی نه تنها به بقای روابط کمک می‌کند، بلکه زمینه‌ساز رشد فردی و جمعی می‌شود (موسوی، ۱۳۹۷، ص ۹۱).



قرآن کریم، با تأکید بر امنیت و آرامش، الگویی قابل توجه برای سبک زندگی خانوادگی ارائه می‌دهد؛ به‌طور مثال، آیه ۲۱ سوره روم (یکی از آیات قدرت خداوند این است که برای شما از جنس خودتان همسر آفریده تا وسیله سکون و آرامش شما باشد و در میان شما دوستی و رحمت قرار داده است)، نشان می‌دهد آرامش و امنیت در خانواده از طریق رفتارهای مبتنی بر عشق و احترام متقابل حاصل می‌شود. این آموزه بیانگر آن است که سلامت روانی اعضای خانواده در گرو تعاملاتی است که همدلی، مشارکت و تکریم متقابل را تقویت می‌کند.

۲.۳. تحقق خرسندی در خانواده

خرسندی به معنی احساس رضایت پایدار، شادکامی و قناعت است که در آموزه‌های دینی به‌عنوان فضیلتی اخلاقی بر آن تأکید شده است. برخلاف شادی موقت که به رویدادهای خاص وابسته است، خرسندی یک حالت درونی ماندگار است که حتی در شرایط دشوار نیز می‌تواند وجود داشته باشد. این مفهوم نه تنها به معنی خوشحالی از نتایج کارهاست، بلکه شامل پذیرش زندگی با تمام فرازونشیب‌ها می‌شود (صدری افشار، ۱۳۸۲، ص ۴۸۸؛ پسندیده، ۱۴۰۰، ص ۱۸-۱۹).

در فرهنگ اسلامی، خرسندی با رضایت به قضای الهی پیوند خورده است. امام علی (ع) در وصیتی به فرزندش محمد حنفیه فرمود: «هیچ ثروتی مانند قناعت به روزی روزانه، فقر را از بین نمی‌برد و آن که به اندازه کفاف بسنده می‌کند، آرامش را به دست آورده است» (ری شهری، ۱۳۹۴، ص ۲۴۱). این آموزه‌ها نشان می‌دهند خرسندی نه تنها یک احساس فردی، بلکه پایه‌ای برای زندگی متعادل و اخلاق‌محور است.

۴. ظرفیت تقویت نقش اخلاقی والدین

در جامعه‌شناسی از پایگاه انتسابی و اکتسابی نام برده می‌شود. مرتون^۱ از مجموعه پایگاهی نام می‌برد. برای هر پایگاه اجتماعی مجموعه‌ای از هنجارهای تجویزی فراهم می‌شود که

1. Merton.



در ترکیب با هم، نقش اجتماعی را می‌سازند. به عبارت دیگر، در هر جامعه زمانی که فردی در پایگاه خاصی قرار می‌گیرد، از وی خواسته می‌شود به شیوه خاصی عمل کند و رفتارهای ویژه‌ای داشته باشد؛ برای مثال، در فرهنگ ایرانی از مادران انتظار می‌رود مسئولیت مراقبت از فرزندان، تأمین نیازهای عاطفی و جسمی آنان و ایجاد محیطی امن را بر عهده بگیرند. این انتظارات، نقش مادری را به عنوان یکی از کلیدی‌ترین وظایف زنان در خانواده تعیین می‌کند (گروسی، ۱۴۰۰، ص ۵۰). ویژگی‌های طبیعی زنان مانند مهربانی، دل‌بستگی به فرزندان و توجه به رشد همه‌جانبه آنان، در کنار نقش همسری، پایه‌های انسجام خانواده را تقویت می‌کند.

مراسم مذهبی، مانند عزاداری‌های محرم و صفر، فرصتی برای ایفای نقش نمادین زن در خانواده فراهم می‌کنند؛ برای نمونه، برپایی سفره‌های نذری به نام حضرت قاسم یا حضرت رقیه، نشان‌دهنده تلاش مادران برای حفظ پیوند عاطفی با فرزندان ازدست‌رفته است. در این مراسم، زنان با مشارکت در آیین‌هایی مانند پختن غذاهای نذری یا برگزاری مراسم شیرخوارگان، هویت مادرانه خود را بازتعریف می‌کنند (پزشکی و قره‌سو، ۱۴۰۰، ص ۸۰). این فعالیت‌ها نه تنها بیانگر مسئولیت‌پذیری عاطفی زنان است، بلکه به تقویت هم‌بستگی خانوادگی و اجتماعی کمک می‌کند.

دعا کردن، به عنوان یکی از شیوه‌های مراقبت عاطفی، جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ دینی دارد. قرآن کریم، با تأکید بر «مودت و رحمت» به عنوان پایه‌های استواری خانواده، مؤمنان را به دعا برای والدین و فرزندان تشویق می‌کند (ابراهیم، ۴۱). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار نیز همواره بر دعا برای سلامت و سعادت خانواده تأکید داشته‌اند. این آموزه‌ها، نقش والدین را در ایجاد محیطی مبتنی بر عشق و مسئولیت مشترک برجسته می‌سازند.

نقش والدین در تقویت ارزش‌های اخلاقی در خانواده بسیار اساسی است، زیرا آن‌ها الگوهای اصلی فرزندان هستند و مسئولیت پرورش فضایل اخلاقی را بر عهده دارند. والدین با رفتار و گفتار خود می‌توانند ارزش‌هایی مانند صداقت، احترام و مسئولیت‌پذیری



را به فرزندان منتقل کنند. مجالس اهل بیت علیهم السلام مکمل نقش تربیتی والدین هستند؛ چراکه کودکان در این گونه گردهمایی‌ها، از طریق مشاهده و تقلید، اخلاقیات را می‌آموزند.

۵. ظرفیت اسوه‌گزینی

مراسم مذهبی، به‌ویژه آیین‌های ماه محرم، با جذب مشارکت گسترده افراد از همه گروه‌های سنی و با سطوح تحصیلات مختلف، بستری مؤثر برای آموزش مفاهیم دینی و فرهنگی محسوب می‌شوند. این مراسم، مشابه یک نهاد آموزشی، نقش حیاتی در حفظ و انتقال الگوهای فرهنگی ایفا می‌کنند. امام خمینی رحمه الله این گردهمایی‌ها را «دانشگاه‌های مردمی» توصیف می‌کند که به شیوه‌ای اثرگذار، بینش دینی را در جامعه تقویت می‌کنند (ربانی خلخالی، ۱۳۷۳، ص ۲۱).

نمادهایی مانند پرچم‌های سیاه، پوشش عزاداری و تزیینات خاص محرم، نه تنها فضای جامعه را آکنده از یاد واقعه عاشورا می‌سازند، بلکه مشارکت خودجوش مردم را در احیای سنت‌ها نشان می‌دهند. این مشارکت، فراتر از یک وظیفه جمعی، به‌عنوان تعهدی فردی تجلی می‌یابد که افراد با اختصاص زمان، انرژی و حتی تغییر سبک زندگی شخصی، در آن سهیم می‌شوند. مراسم سوگ و سرور این اهل بیت علیهم السلام، با ایجاد پویایی در جامعه، هویت دینی را زنده نگه می‌دارند و در مقابل، جامعه نیز همواره به احیای این مراسم اهتمام می‌ورزد. این رابطه دوسویه، همانند توصیه امام علی علیه السلام درباره تقواست: «تقوا را پاس دارید تا تقوا شما را پاس بدارد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۱).

مراسم مذهبی سوگ و سرور ائمه معصومین علیهم السلام، ابزاری مؤثر در انتقال ارزش‌های اخلاقی و هنجارهای فرهنگی به خانواده‌هاست. این آیین‌ها فرصتی برای اجتماعی‌سازی اعضای خانواده و تقویت پایبندی به اصول اعتقادی فراهم می‌سازند. مراسم مذهبی همچون «رسانه‌ای چندمنظوره» در ترویج ارزش‌های دینی و تقویت پیوندهای خانوادگی و اجتماعی، نقش کلیدی ایفا می‌کنند. این آیین‌ها با گردآوردن طیف گسترده‌ای از جامعه (اعم از زن، مرد، کودک و سالمند)، فضایی برای آموزش مفاهیمی مانند عدالت‌خواهی،



مبارزه با ظلم و تقویت روحیه آزادگی ایجاد می‌کنند؛ برای مثال، عبارات حضرت امام حسین (علیه السلام) مانند «هرگز تن به ذلت نمی‌دهیم»، به عنوان نمادی از عزت و مقاومت، در این مراسم بازتاب می‌یابد (تقی‌زاده داوری، ۱۳۸۵، ص ۴۳). عشق‌ورزیدن به شخصیت حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)، به عنوان بهترین الگوی برای زن نمونه، مادر نمونه، دختر نمونه و همسر نمونه، بسیاری از ارزش‌های اخلاقی و انسانی را در خانواده‌های مسلمان نهادینه می‌کند. خانواده‌ها با مشارکت در این مراسم، نه تنها هم‌بستگی درونی خود را تقویت می‌کنند، بلکه از طریق الگوگیری از شخصیت پیشوایان معصوم (علیهم السلام)، ارزش‌هایی مانند ایثار، صداقت، شجاعت، فداکاری، پاک‌دامنی، محبت‌ورزی و مسئولیت‌پذیری را در خانواده نهادینه می‌کنند.

این یادگیری از طریق الگوهای رفتاری، به‌ویژه در کودکی، نقش بسزایی در شکل‌گیری شخصیت افراد دارد. قرآن، پیامبر (صلی الله علیه و آله) را اسوه‌ای مطلوب برای پیروی معرفی می‌کند و بر اهمیت تربیت دینی در خانواده تأکید می‌ورزد. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «فرزندان خود را بر پایه محبت پیامبر، اهل بیت (علیهم السلام) و قرآن تربیت کنید» (متقی هندی، ۱۳۷۲ق، ج ۱۶: ص ۴۵۶). این حدیث نشان‌دهنده اهمیت تلفیق ارزش‌های اخلاقی و دینی در فرایند تربیت در خانواده است.

۶. ظرفیت انسجام و هم‌بستگی خانواده

انسجام اجتماعی به معنی تمایل اعضای یک جامعه به همکاری و اتحاد برای دستیابی به اهداف مشترک است.

این مفهوم بر پایه احساس مسئولیت متقابل، ارزش‌ها، هنجارها و باورهای مشترک شکل می‌گیرد. کارون و براولی (Karun & Brawley, 2000, p. 89) انسجام را توانایی یک گروه در برآوردن نیازهای عاطفی اعضا و ایجاد حس تعلق تعریف می‌کنند. در جوامع مذهبی، این انسجام از طریق پایبندی به احکام دینی و مشارکت در مراسم جمعی تقویت می‌شود؛ به‌طور مثال، قرآن کریم، نماز را ستون دین و عاملی برای تقوا



معرفی می کند که موجب رعایت حقوق دیگران و کاهش انحرافات اجتماعی می شود (عنکبوت، ۴۵).

دورکیم معتقد است مناسک مذهبی با ایجاد نظم و انضباط، افراد را برای زندگی اجتماعی آماده می کنند. این مراسم، پیوندهای جمعی را تجدید و همبستگی اجتماعی را تقویت می کنند؛ به ویژه مراسمی مانند عزاداری محرم که با گردهم آوردن تمامی طبقات اجتماعی بدون توجه به جایگاه اقتصادی یا سیاسی، وفاق ملی را افزایش می دهند. در این مراسم، مشارکت برابر زنان و مردان و فعالیت های اقتصادی گسترده (مانند پخش نذری و تولید لباس عزاداری) به ایجاد همدلی و کاهش شکاف های اجتماعی کمک می کند (فرید، ۱۳۸۶، ص ۱۴۱).

نمونه بارز این همبستگی را می توان در مراسم ماه محرم مشاهده کرد. این آیین ها نه تنها هویت دینی و ملی را تقویت می کنند، بلکه با اطعام نیازمندان و مشارکت خودجوش مردم، روحیه همکاری و عدالت اجتماعی را گسترش می دهند. به گفته اربابی (۱۳۹۴، ص ۷۲)، شعائر دینی، رقابت سالمی میان مؤمنان ایجاد می کند که به پویایی جامعه و تقویت ارزش های اخلاقی منجر می شود.

۶. ۱. حفظ و گسترش پیوند خانواده

خانواده، به عنوان بنیادی ترین نهاد اجتماعی، نقش محوری در ایجاد انسجام اجتماعی و انتقال و تقویت ارزش های اخلاقی دارد. این دو مفهوم کاملاً درهم تنیده هستند و تقویت یکی به رشد دیگری کمک می کند. درونی سازی ارزش های اخلاقی در این مرحله، پایه ای برای رفتار اخلاقی در جامعه گسترده تر فراهم می کند.

حفظ و تقویت پیوندهای خانوادگی از طریق مشارکت در مراسم مذهبی و اجتماعی، نقش کلیدی در ایجاد انسجام درون خانوادگی ایفا می کند. این فرایند نه تنها ارتباطات بین اعضای خانواده و محله را توسعه می دهد، بلکه زمینه ساز ازدواج های فامیلی و کاهش



اختلافات می‌شود؛ به‌طور مثال، حضور خانواده‌ها در مراسم سرور و سوگواری ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز علاوه بر تقویت هم‌بستگی و افزایش تاب‌آوری، به حل و فصل تعارضات خانوادگی کمک می‌کند. از جمله تأثیرات چنین ظرفیتی بر تقویت اخلاق در نهاد خانواده می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ارتباط بین نسل‌ها: مراسمی مانند عزاداری محرم، فضایی منحصر به فرد برای تعامل همه‌ساله اعضای خانواده فراهم می‌آورد. در این مراسم، کودکان، جوانان، میان‌سالان و سالمندان در کنار یکدیگر به فعالیت‌های مشترک می‌پردازند. این تعامل چندنسلی، فرصتی ارزشمند برای گفت‌وگو و کاهش شکاف بین نسل‌هاست؛ به‌ویژه در جامعه‌ای که گاه اختلافات نسلی به بحران تبدیل می‌شود.

- صله رحم: در آموزه‌های اسلامی، حفظ ارتباط با خویشاوندان از وظایف اخلاقی و دینی مؤمنان شمرده شده است. قرآن کریم، قطع ارتباط با ارحام را نشانه فسق می‌داند و بر تقوا در برابر خدا و خویشاوندان تأکید می‌کند (نساء، ۱). احادیث متعددی نیز فواید صله رحم را برمی‌شمارند؛ از جمله دفع بلا، افزایش روزی و آسانی حساب‌رسی در قیامت (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴: ص ۱۱۱-۱۲۶).

- تقویت روحیه تعاون: همکاری اعضای خانواده در امور روزمره، از اصول اساسی زندگی مشترک در اسلام است. تقسیم مسئولیت‌ها براساس توانایی‌ها، به ایجاد حس مسئولیت‌پذیری و تقویت هم‌بستگی عاطفی منجر می‌شود. مرد به‌عنوان قوام خانواده، موظف است با مشارکت در کارهای خانه، الگویی برای سایر اعضا باشد. این رویکرد، فضایی سرشار از محبت و همدلی ایجاد می‌کند که در کاهش تنش‌ها مؤثر است (سالاری‌فر، ۱۳۹۶، ص ۷۷-۷۹). آیه **﴿تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى﴾** (بقره، ۵) نیز بر همکاری در نیکی و پرهیزکاری تأکید دارد. این اصل در برگزاری مراسم مذهبی مانند اربعین به‌وضوح مشاهده می‌شود؛ جایی که همکاری جمعی، نماد وحدت اجتماعی است.



۷. ظرفیت آرامش‌دهی و شادی‌بخشی به مؤمنان

یکی دیگر از ظرفیت‌های محافل بزرگداشت اهل بیت علیهم‌السلام، آرامش‌دهی و شادی‌بخشی است. شرکت در این گونه فعالیت‌های مذهبی که داوطلبانه و با انگیزه و شور مذهبی انجام می‌شود، برای بسیاری از شرکت‌کنندگان، منبع لذت (احساس آرامش، شادی در جشن‌ها)، رضایت (احساس تعلق، انجام وظیفه) و معنا (ارتباط با امر قدسی، هدفمندی) است (Heintzman, 2009). شادابی را دارای سه بُعد اصلی می‌دانند که عبارت‌اند از:

۱. بُعد عاطفی (هیجانی) که شامل احساسات مثبت و خوشایند در افراد است؛
 ۲. بُعد شناختی که به تفکر و پردازش اطلاعات مربوط می‌شود و موجب ارزیابی مثبت افراد از زندگی می‌شود؛
 ۳. بُعد اجتماعی که بیانگر گسترش روابط اجتماعی و افزایش حمایت اجتماعی است.
- بنابراین، شادابی شامل رضایت از زندگی، بروز احساسات مثبت و تمایل به برقراری ارتباطات سازنده با دیگران است (صارمی و دیگران، ۱۳۹۴).

برنامه‌های منسوب به اهل بیت علیهم‌السلام از وجوه متعددی نشاط‌آفرین و شادی‌بخش هستند؛ از یک سو، خانواده‌ها، خویشاوندان، دوستان و همسایه‌ها با یکدیگر دیدار می‌کنند و این دیدار، نشاط‌آفرین است و از سوی دیگر، تعاون و مشارکت توأم با همدلی و صمیمیت برای برپایی این محافل، این شور و نشاط را دوچندان می‌کند. افزون‌بر این، فضای معنوی و قدسی که در پرتو یاد خدا و عشق به اولیای محبوب الهی، دل‌ها را تسخیر می‌کند، بر آن شور و شمع می‌افزاید و انسان را به آرامش می‌رساند. یکی از ارکان این محافل، آموزش معارف دین و آموزه‌های پیشوایان معصوم علیهم‌السلام است که عالمان و خطیبان و گویندگان، این رسالت را بر عهده دارند و به تقویت ایمان و باورهای اخلاقی مردم می‌پردازند. لذت عقلی که در پی فهم بیشتر و درک عمیق‌تر و نیز در هدفمند و معنادار شدن زندگی حاصل می‌شود نیز بر این نشاط و آرامش می‌افزاید.

حاصل سخن آنکه معمولاً شرکت در محافل سرور و سوگ اهل بیت علیهم‌السلام، خانواده‌محور است و نشاط و آرامشی که از حضور در این محافل نورانی و مشارکت در



برنامه‌های مختلفش به دست می‌آید، در روابط اعضای خانواده بازتاب و تأثیر مثبت دارد؛ چراکه شادی و آرامش در پرتو یاد خدا و عشق به اولیای الهی، ارزش‌های اخلاقی (مانند حسن خلق، تاب‌آوری، گذشت و ایثار) را تقویت می‌کند و باعث تحکیم خانواده می‌شود.

۱.۷. تفریحات سالم و حلال در خانواده

تفریحات سالم و حلال، در ارتقای سلامت روانی و اجتماعی اعضای خانواده، نقش اساسی دارد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند فعالیت‌های فراغتی غیراجباری، نه تنها به افزایش عمر و کارایی افراد کمک می‌کنند، بلکه آرامش ذهنی و تعادل بین مسئولیت‌های روزمره و اوقات فراغت را نیز تقویت می‌نمایند (شولز، ۱۴۰۱، ص ۱۱۷). در آموزه‌های دینی نیز بر اهمیت تفریحات حلال تأکید شده است؛ برای مثال، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، تقسیم زمان به بخش‌هایی شامل تفریح مشروع را راهکاری برای تقویت روحیه و آمادگی بیشتر در سایر حوزه‌های زندگی می‌دانند (ابن بابویه، ۱۳۷۷، ص ۳۳۴).

چنین فعالیت‌هایی علاوه بر ایجاد نشاط، از گرایش به انحرافات اجتماعی مانند مصرف مواد مخدر پیشگیری می‌کنند؛ چراکه جوانان با دسترسی به سرگرمی‌های سالم، کمتر به دنبال شادی‌های کاذب می‌روند.

تفریحات مشترک زوجین، مانند شرکت در مناسک مذهبی، به ایجاد باورهای هم‌سو و تقویت پیوند عاطفی بین آنان کمک می‌کند (آرگایل، ۱۳۸۶، ص ۲۷۱). خانواده‌های شاد با کاهش تنش‌های داخلی، احتمال ابتلا به افسردگی و رفتارهای پرخطر را کاهش می‌دهند. چنین محیطی به فرزندان اجازه می‌دهد با تمرکز بیشتر به رشد فردی و تحصیلی دست یابند و در نهایت، ازدواج‌های موفق‌تری داشته باشند.

ایجاد نشاط در کنار تقویت ارزش‌های اخلاقی، پایه‌های یک خانواده سالم، منسجم و مقاوم در برابر مشکلات را تشکیل می‌دهد. این دو عنصر به صورت متقابل یکدیگر را تقویت می‌کنند. خانواده‌ها با ایجاد فضای ارتباطی گرم و باز، مشارکت در فعالیت‌های



لذت بخش مشترک، الگوسازی مؤثر والدین، آموزش مستقیم و گفت و گو درباره ارزش‌ها، تقویت مثبت رفتارهای مطلوب و مشارکت در جامعه می‌توانند هم‌زمان بستری شاد و پویا فراهم کنند و فرزندان با وجدان اخلاقی قوی و مسئولیت پذیر پرورش دهند. این سرمایه گذاری، بنیانی مستحکم برای رفاه فردی اعضا و پیشرفت جامعه فراهم می‌کند.

۸. ظرفیت هنجارها و قواعد اخلاقی مشترک

ارزش‌ها به عنوان معیاری برای توانایی یک پدیده (اعم از شیء، اندیشه یا فرد) در برآورده کردن خواسته‌ها یا نیازهای انسان تعریف می‌شوند. ارزش‌ها، پایه و مبنای هنجارها به شمار می‌روند که جنبه عینی و دستوری ارزش‌ها را تشکیل می‌دهند. رابطه میان ارزش‌ها، هنجارها و رفتارها را می‌توان در قالب مثالی توضیح داد: ارزش عبادت، هنجار «انسان باید خدا را پرستش کند» را ایجاد می‌کند و این هنجار به رفتارهایی مانند نماز خواندن منجر می‌شود (بیرو، ۱۳۸۰، ص ۲۷ و ۲۸).

رعایت هنجارها و قواعد اخلاقی مشترک، به وضعیتی اشاره دارد که اعضای خانواده در پذیرش و اجرای ارزش‌ها، هنجارها و قواعد اخلاقی مشترک به توافق رسیده‌اند. این هماهنگی باعث می‌شود خانواده همچون یک ساختار منسجم عمل کند و از تعارضات ناشی از تفاوت در نگرش‌ها جلوگیری شود.

یگانگی هنجاری در جامعه، روح جمعی را بر روح فردی غالب می‌کند. امیل دورکیم، ارتباطی ویژه میان جهان اجتماعی، وجدان جمعی و مناسک مذهبی برقرار می‌کند. از دید او، اقتدار اخلاقی جامعه از طریق مناسک مذهبی به افراد منتقل می‌شود. با این حال، پابندی به عقاید و هنجارهای مشترک ممکن است در جریان زندگی روزمره تضعیف شود؛ بنابراین، جوامع برای مقابله با نیروهای گریزازمرکز (مانند فردگرایی افراطی)، نیازمند بازسازی مستمر از طریق تحکیم تعهد به مجموعه‌ای از باورها و اعمال



مشترک هستند. در این بازسازی، مناسک مذهبی، نقش کلیدی ایفا می‌کنند (آرون، ۱۳۹۶، ص ۳۸۳).

۸. ۱. صیانت اخلاقی در خانواده

در محافلی که برای بزرگداشت اهل بیت علیهم السلام برگزار می‌شود، از یک سو، مردم برای حفظ حرمت این والامقامان و احترام به آنان از رفتارهای نادرست پرهیز می‌کنند و از سوی دیگر، بسیاری از کسانی که به نوعی گرفتار فسق و فجور و معصیت‌اند، ایامی مانند ماه محرم و ماه صفر را ارج نهاده، از ارتکاب گناه خودداری می‌ورزند. افزون‌بر این، در این محافل، گویندگان نیز معارف الهی و احادیث اهل بیت علیهم السلام و احکام دین را تشریح می‌کنند و مردم را به طاعت الهی فرامی‌خوانند.

پژوهش‌هایی که با عنوان «نقش روش تغییر موقعیت در تربیت اخلاقی» به سامان رسیده‌اند، نشان می‌دهند: انجام مناسک عبادی، هم‌نشینی با صالحان، پرهیز از هم‌نشینی با هواپرستان، فاصله گرفتن از موقعیت‌های زمینه‌ساز گناه و حرکت در مسیر معنویت، در رشد اخلاقی، پیشگیری از آسیب‌های اخلاقی و درمان انحرافات اخلاقی تأثیر گذارند (حسین خانی، ۱۴۰۱، ص ۲۵).

همه این عوامل در محافل جشن و سرور اهل بیت علیهم السلام تحقق می‌یابد و به صورت آرام و غیر محسوس، تأثیری بسیار و نافذ بر جا می‌گذارد؛ به گونه‌ای که موجبات ارتقای اخلاقی فرد و پیراستگی او از انحرافات را فراهم می‌کند.

از نظر گاه قرآن، اهل ایمان وظیفه دارند خودشان و اعضای خانواده‌شان را از انحرافات اخلاقی و هر چه مجازات الهی را در پی دارد صیانت کنند (تحریم، ۶). در تمثیل جامعی نیز همسران، لباس و پوشش یکدیگر خوانده شده‌اند (بقره، ۱۶۷). این تمثیل اشاره دارد به اینکه زوجین باید تن پوش روحی، روانی و غریزی هم باشند و یکدیگر را حمایت و صیانت کنند. بی‌توجهی به این وظیفه، نه تنها به کیان خانواده آسیب می‌زند، بلکه پیامدهای

گسترده‌ای برای جامعه دارد. البته بخش مهمی از این صیانت اخلاقی، غیرمستقیم است؛ بدین معنی که همسران با تأمین نیازهای روحی، روانی و غریزی یکدیگر در فضایی پاک، مشروع و بی‌منت، زمینه انحرافات را از بین می‌برند. در این راستا، حضور در محافل نورانی و معنوی اهل بیت علیهم‌السلام و بهره‌مندی از فیض محبت و ولایت اولیای الهی و هم‌نشینی با نیکان، در صیانت اخلاقی و پیشگیری از آسیب‌های اخلاقی همسران تأثیرگذار است.



نتیجه گیری

در این مقاله، راهکاری برای تقویت ارزش های اخلاقی خانواده با استفاده از ظرفیت های مراسم سوگ و سرور اهل بیت علیهم السلام ارائه گردید که از این قرار است:

سوگ و سرور دو مفهوم اساسی در تجربه انسانی هستند که در تمام جوامع و فرهنگ ها به شکل های گوناگون ظاهر می شوند. در فرهنگ ایرانی اسلامی، این دو احساس نه تنها در سطح فردی، بلکه در بستر اجتماعی و خانوادگی نیز نقش مهمی دارند. در ایران، سوگ و سرور همواره به صورت جمعی تجربه شده است و عزاداری ها و جشن ها نه تنها به عنوان واکنشی به احساسات درونی فرد، بلکه به عنوان راهی برای تقویت پیوندهای اجتماعی و خانوادگی عمل کرده اند.

مراسمی مانند عزاداری های محرم و صفر (سوگ) و جشن های اعیاد فطر و غدیر و نیمه شعبان (سرور)، نمونه هایی از این تجارب جمعی هستند که طی تاریخ تشیع حفظ شده اند.

ارزش های اخلاقی، ستون های بنیادین خانواده سالم و پویا هستند و نقشی حیاتی در شکل دهی به روابط تربیت فرزندان و ثبات بلندمدت خانواده ایفا می کنند. اهمیت ارزش های اخلاقی در ایجاد اعتماد و امنیت روانی، الگوسازی و تربیت اخلاقی فرزندان، تقویت پیوندهای عاطفی و همبستگی، ایجاد ثبات و حل تعارضات خانواده و شکل دهی هویت و شخصیت اعضای آن، انکار ناپذیر است.

ارزش های اخلاقی مانند عشق، وفاداری، گذشت و همدلی، اعتماد و صمیمیت را بین اعضای خانواده افزایش می دهند. این ارزش ها به خانواده کمک می کنند در شرایط سخت هم بسته بمانند و از یکدیگر حمایت کنند. خانواده هایی که بر اصول اخلاقی تأکید دارند، از بروز مشکلاتی مانند خشونت، بی مسئولیتی و بی احترامی در نسل بعد جلوگیری می کنند. ارزش های اخلاقی حامل فرهنگ، دین و سنت های یک جامعه هستند. خانواده با آموزش این ارزش ها، هویت فرهنگی را به نسل بعد منتقل می کند و برای حفظ میراث اخلاقی خود می کوشد.





مراسم سوگ و سرور اهل بیت علیهم السلام با تقویت ارزش‌ها و رفتارهای اخلاقی، نقش مؤثری در استحکام خانواده ایفا می‌کند. مراسم سوگ و سرور اهل بیت علیهم السلام دارای کارکردهای متعددی است؛ ظرفیت اسوه‌گزینی، هنجارها و قواعد مشترک، تقویت نقش اخلاقی والدین، بازیابی هویت اخلاق دینی، تأثیر بر سلامت روان و احساس تعلق به‌منزله اخوت دینی، شادی‌بخشی و آرامشگری و انسجام و هم‌بستگی، از جمله ظرفیت‌های مراسم سرور و سوگ اهل بیت علیهم السلام هستند که با تقویت ارزش‌های اخلاقی در خانواده ارتباط تنگاتنگی دارند.

پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران فرهنگی و اجتماعی با برنامه‌ریزی مناسب، زمینه حضور هرچه بیشتر خانواده‌ها را در مراسم سوگ و سرور اهل بیت علیهم السلام فراهم آورند. برای حفظ هم‌بستگی خانوادگی در دنیای مدرن، ضروری است خانواده‌ها به‌طور فعال در مراسم سوگ و سرور شرکت کنند و این تجربیات را فرصتی برای تقویت پیوندهای عاطفی خود بدانند.

مجالس و محافل مذهبی سوگ و سرور پیشوایان معصوم علیهم السلام، به‌عنوان مصداقی از شعائر الهی، نقش مهمی در حفظ مذهب تشیع دارند؛ مجالس و محافل مذهبی سوگ و سرور پیشوایان معصوم علیهم السلام، به‌عنوان مصداقی از شعائر الهی، ثمرات فراوانی برای حفظ مذهب تشیع و گسترش ارزش‌های اخلاقی در خانواده و جامعه دارد. البته لازم است با انجام پژوهش‌هایی، ظرفیت‌های معطل‌مانده این مراسم شناسایی شود و طبق نظر کارشناسان دینی و متخصصان آشنا به مسائل خانواده، از این ظرفیت‌ها برای تحکیم و تعالی خانواده بهره‌برداری گردد.



کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۳۷۷)، معانی الاخبار، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: اسلامی.

ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۳۹۷)، الامالی، ترجمه محمد علی سلطانی، تهران: ارمغان طبوبی.

آذربایجانی، مسعود، محمدرضا سالاری فر، مهدی موسوی الاصل، اکبر عباسی و محمد کاویانی (۱۴۰۲)، روان شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه و سمت.

اربابی، حسین (۱۳۹۴)، «شعائر دینی در اسلام؛ مفهوم شناسی، ویژگی ها و کارکردها»، معرفت، ش ۲۱۱، ص ۵۹-۷۶.

آرگایل، مایکل (۱۳۸۶)، روان شناسی شادی، ترجمه مسعود گوهر انارکی و دیگران، اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی.

آرون، ریمون (۱۳۹۶)، مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران: علمی فرهنگی.

بیرو، آلن (۱۳۸۰)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان.
پرتو، مسلم (۱۳۹۴)، «نقش جهت گیری مذهبی و وضعیت اقتصادی اجتماعی در تحول قضاوت اخلاقی نوجوانان دانش آموز»، مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ش ۱، ص ۱۱-۳۸.

پزشکی، یاسمین و مریم قره سو (۱۴۰۰)، «فرهنگ موسیقایی مجالس زنانه تهران: مطالعه موردی روضه خوانی و مداحی»، پژوهش های انسان شناسی ایران، ش ۲۱، ص ۷۳-۹۱.
پسندیده، عباس (۱۴۰۰)، رضایت از زندگی، قم: دار الحدیث.



- تقی‌زاده داوری، محمود (۱۳۸۵)، «بررسی کارکردهای انسانی، فرهنگی و اجتماعی مراسم سوگواری»، *اخبار شیعیان*، ش ۱۵، ص ۳۹-۴۲.
- حسین‌خانی، هادی (۱۴۰۱)، «نقش روش تغییر موقعیت در تربیت اخلاقی از منظر علامه مصباح یزدی»، *اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، سال ۱۴، ش ۱ (پیاپی ۲۷)، ص ۵۷-۷۲.
- حکیمی، محمدرضا، محمد حکیمی و علی حکیمی (۱۳۹۴) *الحیة*، ترجمه احمد آرام، تهران: دلیل ما.
- خانیکی، هادی (۱۳۸۳)، *هویت در ایران: رویکرد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ادبی به هویت و بحران در ایران*، تهران: جهاد دانشگاهی.
- دورکیم، امیل (۱۴۰۲)، *صور ابتدایی حیات دینی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: تبیان.
- ربانی خلخالی، علی (۱۳۷۳)، *عزاداری از دیدگاه مرجعیت شیعه*، تهران: مؤلف.
- رزازی، مریم، محسن قدمی، فاطمه عزیزآبادی فراهانی و ابراهیم حاجیانی (۱۴۰۳)، «شناسایی عوامل مؤثر بر حفظ و تحکیم خانواده اسلامی»، *مطالعات ملی*، ش ۱، ص ۵۳-۸۱.
- ری‌شهری، محمد مهدی، با همکاری عباس پسندیده (۱۳۹۴)، *تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث*، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم: دار الحدیث.
- سالاری‌فر، محمدرضا (۱۳۹۶)، *درآمدی بر نظام خانواده در اسلام*، قم: هاجر.
- شولز، رینهارت (۱۴۰۱)، *نگاهی نو به تاریخ جهان اسلام*، ترجمه امیربهرام عرب احمدی، تهران: فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- صارمی، حمیدرضا، احمد قاسمی و حمیدرضا عباسی (۱۳۹۴)، «درآمدی بر روان‌شناسی محیط و بررسی عوامل مؤثر بر شادی در محیط و فضاهای معماری»، *دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی*، استانبول، ترکیه.
- صدری افشار، غلامحسین، با همکاری نسرين حکمی و نسترن حکمی (۱۳۸۲)، *فرهنگ فارسی امروز*، تهران: کلمه.



عاملی، سیدجعفر مرتضی (۱۳۸۹)، *بزرگداشت‌ها در اسلام*، ترجمه محمد سپهری، قم: بوستان کتاب.

فربد، محمدصادق (۱۳۸۶)، *کتاب ایران: سوگواری‌های مذهبی در ایران*، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.

گروسی، سعیده (۱۴۰۰)، *جنسیت، جامعه و جامعه‌شناسی*، تهران: جامعه‌شناسان.
 متقی هندی، علی بن حسام‌الدین (۱۳۷۲ق)، *کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال*، بیروت: الرساله.

مجلسی، سیدمحمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت: دار الحیة التراث.
 ملکوتی خواجه، اسماعیل، سیداحمد محمودی و سعیده السادات حسینی (۱۳۹۹)،
 «تأثیر قاعده حسن و قبح عقلی بر آرای اخلاقی خواجه نصیرالدین طوسی»، *پژوهش‌نامه اخلاق*، ش ۴۸: ص ۱۴۳-۱۶۲.

موسوی، اشرف السادات (۱۳۹۷)، «عملکرد نظام خانواده و بهداشت روانی اعضای خانواده»، *اندیشه و رفتار*، ش ۳، ص ۸۹-۱۰۶.

هیئت مؤلفان (۱۴۰۲)، *روان‌شناسی عمومی*، ویرایش حسین زارع، تهران: نشر دانشگاه پیام‌نور.

Heintzman, P. (2009). "The spiritual dimension of leisure experience". *Leisure/Loisir*, 33 (1): 87-107.

Karun, E. V. and Brawley, L. R. (2000). "Conceptual Coherence and Measurement". *Small Group Research*, 31 (1): 89-106.

Keyes, C. L. M. (2007). "Promoting and Protecting Mental Health as Flourishing". *American Psychologist*, 62 (2): 10-95.

Walsh, F. (2009). *Spiritual Resources in Family Therapy*. Guilford Press.

World Health Organization (1942). *Constitution of the World Health Organization*. Geneva: WHO.

A Model of Professional Ethics in Accounting: Based on the Views of Khwāja Naṣīr al-Dīn Ṭūsī *

Yaser Sadeghi¹  Mojgan Safa²  Reza GHolami Jamkarani³  Seyyed Abbas Borhani⁴ 

1- Ph.D. Candidate , Department of Accounting, Qo.C., Islamic Azad University, Qom, Iran
yaser.sadeghi6729@iau.ac.ir

2- Assistant Prof., Department of Accounting, Qo.C., Islamic Azad University,
Qom, Iran. (Corresponding Author)
dr.mojgansafa@iau.ac.ir

3-Associate Prof., Department of Accounting, Qo.C., Islamic Azad University, Qom, Iran.
reza.gholami@iau.ac.ir

4-Assistant Prof., Department of Accounting, Qo.C., Islamic Azad University, Qom, Iran.
sa.sborhani1352@iau.ac.ir



Abstract

This study aims to develop a model of professional ethics in accounting derived from the ethical views of Khwāja Naṣīr al-Dīn Ṭūsī. In his various works, Ṭūsī emphasizes adherence to moral principles—particularly justice, honesty, trustworthiness, and responsibility. These ethical principles formed the foundation of the present research, which explored their relationship with the accounting profession. The study employed a content analysis method,

***Cite this article:** Sadeghi, Y; Safa, M; Gholami Jamkarani, R; Borhani, A;. (2025). A Model of Professional Ethics in Accounting: Based on the Views of Khwāja Naṣīr al-Dīn Ṭūsī Journal in Applied Ethics Studies, 3(81), 189-227
<https://doi.org/1022081/jf.2025.71745.2041>

▣ **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Isfahan, Iran). ***Type of article:** Research Article

▣ **Received:** 2025/05/02 • **Revised:** 2025/07/1 • **Accepted:** 2025/08/01 • **Published online:** 2025/12/05

evaluating journals in three fields—philosophy and theology, educational sciences, and ethics—from their inception up to the end of 2023/1402 Sh. Out of 263 reviewed articles, nine were identified as directly relevant to Ṭūsī's ethical thought and were used to construct the proposed model of professional ethics in accounting. The analysis revealed that Ṭūsī's moral system is grounded in four key principles. The accounting ethics model inspired by his theories was organized into three hierarchical levels: (1) philosophical foundations, (2) ethical principles, and (3) rulings and strategies. The ethical implications of this model include enhanced public trust, reduced violations and financial crises, and strengthened social responsibility within the accounting profession. Applying this model can promote ethical behavior among accountants, improve the professional standing of accounting, and foster greater trust in the field.

Keywords

professional ethics, accounting, Khwāja Naṣīr al-Dīn Ṭūsī, justice, honesty.



نموذج لأخلاقيات المهنة في المحاسبة: مستمد من آراء الخواجة

نصير الدين الطوسي*

ياسر صادقي^١ • مژگان صفا^٢ • رضا غلامی جمکرانی^٣ • سیدعباس برهانی^٤



الگوی اخلاق حرفه‌ای حسابداری: برگرفته از آراء خواجه نصیر الدین طوسی



۱۹۱

۱- طالب مرحله دکوتراه، قسم المحاسبة، جامعة آزاد الإسلامية فرع قم، قم - إيران.

yaser.sadeghi6729@iaua.ac.ir

۲- أستاذة مساعدة في قسم 'لمحاسبة' جامعة آزاد الإسلامية فرع قم، قم - إيران (الكاتبة المسؤولة).

dr.mojgansafa@iaua.ac.ir

۳- أستاذ مشارك في قسم 'لمحاسبة' جامعة آزاد الإسلامية فرع قم، قم - إيران.

reza.gholami@iaua.ac.ir

۴- أستاذ مساعد في قسم 'لمحاسبة' جامعة آزاد الإسلامية فرع قم، قم - إيران.

sa.sborhani1352@iaua.ac.ir

ملخص

أُجريت هذه الدراسة بهدف تصميم نموذج لأخلاقيات المهنة المحاسبية، بالاعتماد على آراء الخواجة نصير الدين الطوسي. فيشدد الطوسي في مؤلفاته المختلفة على أهمية الالتزام بالمبادئ الأخلاقية، ولا سيما العدالة والنزاهة والأمانة والمسؤولية. فقام هذا البحث على هذه المبادئ الأخلاقية، وتم تحليل علاقتها بمهنة المحاسبة. أُجري هذا البحث باستخدام منهج

***الاستناد إلى هذه المقالة:** صادقي، ياسر؛ صفا، مژگان؛ غلامی جمکرانی، رضا؛ برهانی، سیدعباس (۲۰۲۵). نموذج لأخلاقيات

المهنة في المحاسبة: مستمد من آراء الخواجة نصير الدين الطوسي. دراسات في الأخلاق التطبيقية، ۳(۸۱)، صص ۱۸۹ - ۲۲۷

<https://doi.org/1022081/jf.2025.71745.2041>

□ نوع المقال: بحثي؛ الناشر: مركز الدعوة الإسلامية في حوزة قم (معهد العلوم والثقافة الإسلامية، أصفهان، إيران) © المؤلف.

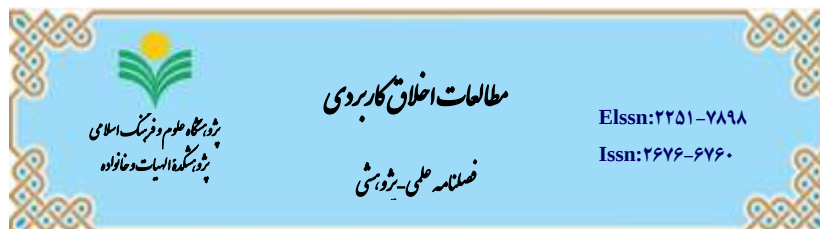
□ تاريخ الاستلام: ۲۰۲۵/۰۵/۰۲ • تاريخ التعديل: ۲۰۲۵/۰۷/۰۱ • تاريخ القبول: ۲۰۲۵/۰۸/۰۱ • تاريخ الإصدار: ۲۰۲۵/۱۲/۰۵

تحليل المحتوى، ففي هذا الإطار، تم تقييم ودراسة الدوريات في ثلاثة مجالات هي الفلسفة والكلام، والعلوم التربوية، والأخلاق (منذ بداية النشر وحتى نهاية عام ٢٠٢٣ م). وأخيراً، بعد مراجعة ٢٦٣ مقالة، استُخدمت نتائج تسع مقالات ذات صلة مباشرة بالآراء الأخلاقية لخواجة نصير الدين الطوسي لتقديم النموذج المقترح للأخلاقيات المهنية في المحاسبة. كشفت التحليلات أن المبادئ الأخلاقية لخواجة نصير الدين الطوسي تتضمن أربعة مبادئ أساسية. وأما نموذج أخلاقيات المحاسبة المهنية المستوحات من نظرياته، فقد نُظِم في ثلاثة مستويات: مستوى الأسس الفلسفية، ومستوى المبادئ الأخلاقية، ومستوى الأحكام والإستراتيجيات. تشمل النتائج الأخلاقية لهذا النموذج تعزيز ثقة الجمهور، والحد من المخالفات والأزمات المالية، وتطوير المسؤولية الاجتماعية في مجال المحاسبة. يُسهم تطبيق هذا النموذج في تحسين السلوك الأخلاقي للمحاسبين، والنهوض بمهنة المحاسبة، وزيادة الثقة بها.

الكلمات المفتاحية

أخلاقيات المهنة، المحاسبة، الخواجة نصير الدين الطوسي، العدالة، الصدق.





الگوی اخلاق حرفه‌ای حسابداری؛ برگرفته از آراء خواجه نصیرالدین طوسی*

ياسر صادقی^۱ • مژگان صفا^۲ • رضا غلامی جمکرانی^۳ • سیدعباس برهانی^۴

۱- دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران.

yaser.sadeghi6729@iaua.ac.ir

۲- استادیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران (نویسنده مسئول).

dr.mojgansafa@iaua.ac.ir

۳- دانشیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران.

reza.gholami@iaua.ac.ir

۴- استادیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران.

sa.sborhani1352@iaua.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر با هدف طراحی الگوی اخلاق حرفه‌ای حسابداری مبتنی بر آراء خواجه نصیرالدین طوسی انجام شده است. خواجه نصیرالدین طوسی در آثار مختلف خود بر رعایت اصول اخلاقی، به‌ویژه عدالت، صداقت، امانت‌داری و مسئولیت‌پذیری تأکید کرده است. این اصول اخلاقی مبنای این پژوهش قرار گرفت و ارتباط آن‌ها با حرفه حسابداری تحلیل شد. این پژوهش با استفاده از روش تحلیل محتوا انجام شد؛ بدین منظور، نشریات

* **استناد به این مقاله:** صادقی، یاسر؛ صفا، مژگان؛ غلامی جمکرانی، رضا؛ برهانی، سیدعباس (۱۴۰۴). الگوی اخلاق حرفه‌ای حسابداری؛ برگرفته از آراء خواجه نصیرالدین طوسی. مطالعات اخلاق کاربردی، ۳(۸۱)، صص ۱۸۹-۲۲۷.

<https://doi.org/1022081/jf.2025.71745.2041>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اصفهان، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۲ □ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۴/۱۰ □ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۰ □ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۹/۱۴



در سه گروه فلسفه و کلام، علوم تربیتی و اخلاق (از ابتدای انتشار تا پایان سال ۱۴۰۲) ارزیابی و بررسی شدند. در نهایت، پس از بررسی ۲۶۳ مقاله، از یافته‌های نه مقاله مرتبط با دیدگاه‌های اخلاقی خواجه نصیرالدین طوسی برای ارائه الگوی اخلاق حرفه‌ای حسابداری استفاده شد. تحلیل‌ها نشان داد اصول اخلاقی خواجه نصیرالدین طوسی شامل چهار اصل کلیدی است. الگوی اخلاق حرفه‌ای حسابداری مبتنی بر نظریات وی، در سه سطح سامان گرفت: سطح مبانی فلسفی، سطح اصول اخلاقی و سطح احکام و راهبردها. نتایج اخلاقی این الگو شامل افزایش اعتماد عمومی، کاهش تخلفات و بحران‌های مالی و توسعه مسئولیت اجتماعی در حسابداری است. کاربست این الگو به بهبود رفتارهای اخلاقی حسابداران، ارتقاء حرفه حسابداری و افزایش اعتماد در این حرفه کمک می‌کند.

کلیدواژه‌ها

اخلاق حرفه‌ای، حسابداری، خواجه نصیرالدین طوسی، عدالت، صداقت.





مقدمه

در دنیای معاصر، اخلاق حرفه‌ای در تمامی رشته‌های تخصصی، به‌ویژه حسابداری، به یکی از مهم‌ترین مباحث مطرح در عرصه‌های علمی، حرفه‌ای و اجتماعی تبدیل شده است. در حرفه حسابداری، با توجه به مسئولیت‌های مالی سنگینی که بر دوش افراد در این حوزه است، باید اصول اخلاقی ویژه‌ای رعایت شود. اخلاق حرفه‌ای یکی از ارکان اساسی در حفظ سلامت و اعتبار حرفه‌ها و افزایش اعتماد عمومی به مشاغل تخصصی از جمله حسابداری به شمار می‌رود.

با گسترش مسئولیت‌های اجتماعی و نقش تعیین‌کننده حسابداران در تصمیم‌گیری‌های مالی و اقتصادی، توجه به اصول و مبانی اخلاقی این حرفه ضرورتی انکارناپذیر است. استانداردهای بین‌المللی اخلاق حسابداری مانند منشور اخلاقی فدراسیون بین‌المللی حسابداران (IFAC)، بر اصولی چون صداقت، عینیت، صلاحیت حرفه‌ای، رازداری و رفتار حرفه‌ای تأکید دارند (IFAC, 2023, p. 15).

اخلاق حرفه‌ای حسابداری، به‌ویژه در محیط‌هایی که فساد مالی، تقلب و نادرستی در گزارش‌ها به چشم می‌خورد، نیازمند بررسی دقیق‌تر و ارتقاء مداوم است. گزارش‌دهی نادرست و نبود شفافیت مالی در برخی مواقع می‌تواند بحران‌های اقتصادی گسترده‌ای را ایجاد کند که عواقب آن به‌طور مستقیم بر اعتماد عمومی و وضعیت مالی سازمان‌ها تأثیر می‌گذارد (Sikka, 2009, p. 268).

این مشکلات اخلاقی در حرفه حسابداری اغلب ناشی از پیروی نکردن از اصول اخلاقی محکم و نبود چارچوب‌های اخلاقی صحیح و کارآمد است (Beneish, 2001, p. 3)؛ بنابراین ضروری است حسابداران از صلاحیت حرفه‌ای لازم برخوردار باشند و در نتیجه، اخلاق حسابداری برای حسابداران حرفه‌ای و افراد متکی به خدمات حسابداری، جایگاه ویژه‌ای دارد (ابدالی لرکی، ۱۳۹۴، ص ۲۲).

در ایران، با وجود تلاش‌های فراوان برای تدوین چارچوب‌های اخلاقی در حرفه حسابداری، توجه کافی به ظرفیت‌های غنی فلسفه اسلامی و اندیشه متفکران بومی نشده



است. یکی از چهره‌های برجسته در این زمینه، خواجه نصیرالدین طوسی (۵۹۷-۶۷۲ق) است؛ اندیشمندی که در کتاب بنیادین خود، *اخلاق ناصری*، به تبیین نظام‌مند اخلاق فردی، خانوادگی و اجتماعی پرداخته است. وی با ارائه مفاهیمی همچون عدالت، صداقت، اعتدال و تهذیب نفس، چارچوبی عقلانی و ارزشی برای شکل‌گیری جامعه‌ای متعادل و متخلق به اخلاق فراهم می‌سازد (طوسی، ۱۳۸۶، ص ۱۸۵).

خواجه نصیر در بحث درباره «سیاست مدن» به نقش نهادها و مشاغل در حفظ تعادل اجتماعی می‌پردازد و معتقد است بقای اجتماع به «عدالت» وابسته است؛ عدالتی که «هر چیزی را در جای خویش قرار می‌دهد» (طوسی، ۱۳۸۶، ص ۲۵۲). این دیدگاه، از قابلیت نظری زیادی برای پی‌ریزی اصول اخلاق حرفه‌ای در نهادهایی مانند حسابداری برخوردار است؛ جایی که صداقت، امانت‌داری، اعتدال و عقلانیت در تصمیم‌گیری، پایه‌های اصلی عملکرد حرفه‌ای را تشکیل می‌دهند (شجاعی، ۱۳۹۹، ص ۷۵).

این اصول اخلاقی بر انسانیت و فضایل اخلاقی تأکید دارند و از همین رو، می‌توان از آن‌ها به منزله مبنای تدوین یک الگوی اخلاقی در حرفه حسابداری بهره گرفت. حسابداران به عنوان کسانی که وظیفه نظارت و گزارش‌دهی صحیح در زمینه امور مالی و اقتصادی را بر عهده دارند، باید از استانداردهای اخلاقی کاملاً مشخصی پیروی کنند. با توجه به این نیاز، طرح یک الگوی اخلاقی مبتنی بر اصول خواجه نصیرالدین طوسی می‌تواند نقش مهمی در بهبود عملکرد افراد در حرفه حسابداری داشته باشد. مطالعات پیشین نشان می‌دهند اخلاق حرفه‌ای در حسابداری، تأثیر بسزایی در بهبود شفافیت مالی و کاهش فساد مالی در سازمان‌ها دارد (Gray & Manson, 2011, p. 150).

با وجود اهمیت اخلاق حرفه‌ای در حسابداری، بسیاری از پژوهش‌ها همچنان بر وجود معضلات و موانع بر سر راه کاربست اصول اخلاقی در حسابداری تأکید دارند (Kassem & Higson, 2012, p. 191).

این موانع، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه یا جوامع اسلامی، ممکن است ناشی از مشکلات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی باشد و تدوین یک چارچوب اخلاقی مناسب برای



مقابله با آن‌ها ضرورت دارد. این پژوهش قصد دارد با تحلیل آموزه‌های اخلاقی خواجه نصیرالدین طوسی و ارتباط آن‌ها با اصول اخلاقی حسابداری، به یک الگوی اخلاقی جامع دست یابد.

پرسش‌های اصلی این تحقیق عبارت‌اند از:

- کدام اصول اخلاقی خواجه نصیرالدین طوسی در تدوین الگوی اخلاقی حسابداری قابل استفاده است؟
- چگونه می‌توان این اصول اخلاقی را در قالب یک الگوی کاربردی برای حسابداران سامان داد؟
- نتایج اجرای الگوی اخلاق حرفه‌ای حسابداری بر مبنای نظریات خواجه نصیرالدین طوسی چیست؟
- هدف این تحقیق ارائه الگوی اخلاقی حرفه‌ای برای حسابداران با استفاده از آموزه‌های اخلاقی خواجه نصیرالدین طوسی است؛ الگویی که می‌تواند به‌طور مؤثری مشکلات اخلاقی را در حرفه حسابداری کاهش دهد. افزون‌بر این، شناسایی موانع و معضلات کاربست این الگو در محیط‌های مختلف فرهنگی و اقتصادی نیز از اهداف مهم این تحقیق است.

پیشینه پژوهش

- مهم‌ترین پژوهش‌ها در حوزه اخلاق حرفه‌ای حسابداری عبارت‌اند از:
- خوشبخت و تائبی نقندری (۱۴۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر باورهای ایمانی و نقش میانجی اخلاق حرفه‌ای بر عدم‌درست‌کاری حسابداران در تهیه صورت‌های مالی» دریافتند باورهای ایمانی بر درست‌کارنبودن حسابداران تأثیر منفی و معنادار، و بر اخلاق حرفه‌ای حسابداران تأثیر مثبت و معناداری دارد؛



- همچنین، اخلاق حرفه‌ای حسابداران نیز همانند باورهای ایمانی، عاملی کاهنده برای درست کارنبودن حسابداران در تهیه صورت‌های مالی است و بر آن تأثیر منفی و معناداری دارد؛
- آلبرتو و همکاران (Alberto et al., 2022) در پژوهشی با عنوان «تأثیر انقلاب صنعتی چهارم بر اخلاق حرفه‌ای حسابداری کلمبیایی» دریافتند ابزارهای فناورانه و کنترل‌های تولیدشده از طریق فناوری، مانند صورت حساب الکترونیکی و اتوماسیون فرایندهای سازمانی، بر عملکرد اخلاقی آن‌ها تأثیر می‌گذارد؛
- اسوانبرگ و اوهمان (Svanberg & Öhman, 2016) در مقاله‌ای با عنوان «آیا فرهنگ اخلاقی در مؤسسات حسابرسی از عینیت حسابرسی حمایت می‌کند؟» با بررسی حسابرسی در اروپا دریافتند حسابرسان در مؤسسات با فرهنگ اخلاقی قوی‌تر نسبت به حسابرسان در مؤسسات حسابرسی با فرهنگ اخلاقی ضعیف‌تر، از نظر نپذیرفتن موقعیت‌های حسابداری و موقعیت‌های ترجیحی در میان مشتریان، تصمیم‌های واقعی‌تری می‌گیرند.

۱. مبانی نظری

۱.۱. اخلاق در حسابداری

اخلاق حرفه‌ای، مسئولیت اخلاقی فرد از حیث شغل است (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۶، ص ۵۴). اخلاق حرفه‌ای را می‌توان کاربرد اصول اخلاقی در زندگی و مناسبات حرفه‌ای دانست (مهدی‌زاده، ۱۳۹۷، ص ۳۵).

اخلاق را مجموعه‌ای از صفات روحی و درونی انسان تعریف می‌کنند که در ظاهر، اعمال و رفتاری برخاسته از ذات انسان است. عموماً دایره اخلاق را به رفتارهای فردی محدود می‌دانند؛ اما وقتی رفتارهای فردی در سطح جامعه یا نهادهای اجتماعی بروز می‌یابد، به نوعی اخلاق جمعی یا اجتماعی تبدیل می‌شود که در فرهنگ آن جامعه ریشه دارد. منظور از رعایت اخلاق حرفه‌ای، یافتن سازوکار اجرایی برای تعمیم اصول و



نظریه‌های کلی اخلاق به فضای اداری و سازمانی است؛ به نحوی که توجه بیشتری به نیازها و آسیب‌های محیط کار و جامعه داشته باشد (سلامتی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۳).

اخلاق حرفه‌ای در تفکر سنتی کم‌وبیش مبتنی بر نظام ارسطویی بوده است. اخلاق ارسطویی عموماً به فضیلت داشتن یا برخورداری از رفتار یا عادات خوب و مناسب توجه دارد و هدفش از دستیابی به فضیلت، شاد زیستن است (ارسطو، ۱۳۸۶، ص ۱۱۵).

در واقع، اخلاق، مطالعه نظام‌مند بهترین شیوه زندگی است. امروزه الگوهای دیگری نیز در کانون توجه قرار گرفته‌اند؛ در حال حاضر، از بیش از پنج نظام اخلاقی عمده در بیان اخلاق حرفه‌ای استفاده می‌شود که ملاک مقبولیت این پنج نظام در میان ده‌ها نظریه و نظام اخلاقی، توانایی آن‌ها در بیان نظام‌مند فضایل و رذایل اخلاقی و ارائه یک نظام منسجم، جامع و کارآمد است. این پنج نظام اخلاقی عبارت‌اند از: فایده‌گرایی^۱، وظیفه‌گرایی^۲، عدالت‌فراگیر^۳، آزادی‌گرایی^۴ و خیرگرایی^۵ (ریچاردز و رایت، ۱۳۹۸، ص ۴۵).

پژوهش‌های پیشین نشان داده‌اند که با وجود اهمیت اخلاق در حوزه حسابداری، انتشارات علمی و ترویج موضوع اخلاق در سایر حوزه‌های پژوهشی این حرفه بسیار ناچیز است^۶ (نمازی و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۱۹۲).

اطلاعاتی که حسابداران ارائه می‌دهند باید به‌طور قابل توجهی کارآمد، قابل اعتماد، واقعی و بی‌طرفانه باشند. برای دستیابی به این هدف، حسابداران علاوه بر داشتن مهارت، تجربه و آموزش مستمر، باید دارای فضایل اخلاقی مانند صداقت، واقع‌بینی و صراحت باشند و خدمات حرفه‌ای خود را با رعایت اصول اخلاقی و اخلاق حرفه‌ای ارائه دهند (سرلک، ۱۳۸۷، ص ۷۱).

1. Utilitarianism.
2. Deontology.
3. Justice Oriented.
4. Libertarianism.
5. Teleological.

۶. تعداد مقاله‌های اخلاق حرفه‌ای حسابداری منتشر شده در نشریه‌ها از ابتدا تا پایان شهریور ۱۳۹۴ برابر با ۱۱۰ مقاله است که با توجه به اهمیت موضوع و مقایسه با کل مقاله‌های منتشر شده، رقم بسیار کوچکی است (در نشریه‌های حسابداری و مالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، تنها ۰/۰۵۲۷ و در سایر نشریه‌های حسابداری ۰/۰۱۶۳).



بسیاری از محققان حوزه اخلاق حرفه‌ای حسابداری، بر مفاهیم جانبی مانند رعایت آیین‌نامه رفتار حرفه‌ای تمرکز دارند، درحالی‌که جایگاه اخلاق در حسابداری فراتر از این‌گونه مفاهیم است؛ زیرا اصول و مبانی حسابداری ریشه اخلاقی دارند و اخلاق با جوهره دانش حسابداری مرتبط است (آقایی و حصارزاده، ۱۳۹۱، ص ۵۳).

۲.۱. نظریه‌های اخلاقی حسابداری و فلسفه آن‌ها

در حوزه حسابداری از نظریه‌های اخلاقی به‌عنوان چارچوب‌هایی برای تصمیم‌گیری اخلاقی استفاده می‌شود. این نظریه‌ها به حسابداران کمک می‌کند تا در شرایط پیچیده، تصمیماتی مطابق با اصول اخلاقی و حرفه‌ای اتخاذ کنند. در ادامه، مهم‌ترین نظریه‌های اخلاقی در حسابداری بررسی می‌شوند (ریچاردز و رایت، ۱۳۹۸، ص ۴۵):

- نظریه پیامدگرایی؛ نظریه پیامدگرایی که با عنوان فایده‌گرایی نیز شناخته می‌شود، بر نتایج و پیامدهای یک عمل تأکید دارد (بنتام، ۱۳۸۹، ص ۴۵)؛
- نظریه وظیفه‌گرایی؛ نظریه وظیفه‌گرایی که از دیدگاه امانوئل کانت (۱۷۸۵) سرچشمه می‌گیرد، تأکید دارد که افراد باید براساس اصول و قواعد اخلاقی عمل کنند، بدون توجه به نتایج آن (کانت، ۱۳۸۳، ص ۴۵)؛
- نظریه عدالت؛ براساس نظریه عدالت که جان راولز (Rawls, 1971) مطرح کرده است، اصول اخلاقی باید به گونه‌ای باشند که عدالت و انصاف را برای همه افراد تضمین کنند؛ به گونه‌ای که بیشترین منفعت را برای کم‌برخوردارترین اعضای جامعه به همراه داشته باشد (راولز، ۱۳۷۳، ص ۸۹)؛
- نظریه فضیلت‌گرایی^۱؛ این نظریه را ارسطو مطرح کرد؛ با این تأکید که اخلاق بر پایه شخصیت و فضایل فردی بنا می‌شود (ارسطو، ۱۳۸۶، ص ۱۱۵). در این دیدگاه، یک حسابدار باید صفات اخلاقی مانند صداقت، راستی و مسئولیت‌پذیری را در خود پرورش دهد؛

1. Virtue Ethics.



• نظریه قرارداد اجتماعی^۱؛ براساس این نظریه که توماس هابز، جان لاک و ژان ژاک روسو آن را مطرح کردند (هابز، ۱۳۸۰، ص ۵۶؛ روسو، ۱۳۷۸، ص ۸۹)، افراد و سازمان‌ها قرارداد اجتماعی نانوشته‌ای دارند که براساس آن باید به اصول و قوانین اخلاقی پایبند باشند؛

• نظریه افشاگری اخلاقی^۲؛ این نظریه را میکِل و نیر^۳ (۱۹۸۵) مطرح کردند. طبق این نظریه، افشاگری اخلاقی، نوعی مسئولیت اجتماعی است که براساس آن، افشاگر، با وجود خطرات شخصی، اقدام به افشای تخلفات می‌کند (تفکری، ۱۳۹۶، ص ۸۹). این نظریه بیان می‌کند که در شرایطی که یک سازمان یا فرد، رفتارهای غیراخلاقی انجام دهد، کارکنان اخلاقی باید افشاگر باشند و اطلاعات را فاش کنند.

۳.۱. دیدگاه اخلاقی فلاسفه اسلامی

آرای حکیمان مسلمان درباره مسائل اخلاقی در دایره حُسن و قبح ذاتی و عقلی است. قرارداد حُسن و قبح در مقوله هویت‌های اجتماعی و قراردادی، ناسازگار و آشکارا در حوزه واقع‌گرایی اخلاقی است؛ زیرا واقع‌گرایان اخلاقی به‌وضوح معتقدند ارزش‌های اخلاقی مستقل از اراده یا قضاوت افراد و توافق یا قرارداد آن‌ها درباره خوب یا بد دانستن چیزهاست؛ یعنی اگر انسان در دنیا نباشد، ارزش‌های اخلاقی سر جای خود باقی می‌ماند و ظلم بد است و عدالت‌ورزی خیر است و منوط به توافقی نیست (جفری و کورد، ۱۳۸۱، ص ۵۷). فضیلت در اخلاق اسلامی، راهی برای نزدیکی به خدا و کمال انسانی است که عقل و وحی هر دو در آن نقش دارند (داروال و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۵۲).

جست‌وجوی دیدگاه فیلسوفان اسلامی درباره اخلاق، بدون توجه به نقش دین در رشد اخلاق، بیهوده به نظر می‌رسد و علت این امر، خاستگاه و ریشه‌یابی آراء فلاسفه اسلامی است؛ زیرا آنان اخلاق را با الهام از منابع اصلی معرفت‌شناسی می‌فهمیدند و بیان

1. Social Contract Theory.
2. Ethical Whistleblowing Theory.
3. Miceli & Near.



می کردند؛ منابعی مانند دین، قرآن، سنت و احادیث از مهم ترین این منابع هستند. پیامبر اسلام ﷺ می فرماید: «من اساساً برای تمام مکارم اخلاقی مبعوث شده‌ام (بلکه رسالت من تکمیل مکارم اخلاق است)» و قرآن نیز به این امر اشاره کرده است. تزکیه نفس یکی از اهداف بعثت پیامبر است (آل عمران، ۳)؛ یعنی رسالت که یکی از ارکان اعتقادات دینی است، خود وسیله‌ای برای تحقق اهداف اخلاقی است. پیامبر اسلام ﷺ می فرماید: «بالاترین مرتبه اسلام مربوط به کسی است که پسندیده ترین اخلاق را داشته باشد؛ خیرکم اسلاماً أحسنکم أخلاقاً» (دادگر، ۱۳۸۵، ص ۷۸).

۴.۱. دیدگاه اخلاقی خواجه نصیرالدین طوسی

خواجه نصیرالدین طوسی، یکی از بزرگ ترین فلاسفه و دانشمندان دوران اسلامی است که در زمینه های فلسفه، منطق و اخلاق، آثار مهمی از خود به جای گذاشته است (اعظمی، ۱۳۸۳، ص ۴۵).

وی کتاب های اخلاقی متعددی دارد و *اخلاق ناصری* یکی از کتاب های مهم اوست که در آن، نظریه اعتدال را محور اصلی قرار داده است. نظریه اعتدال یکی از تقریرهای اصلی اخلاق فضیلت است که به دلیل تناسب با متون دینی و شرع، مورد اهتمام و توجه فیلسوفان اسلامی بوده است.

فیلسوفان اسلامی اغلب به تبع ارسطو، بحث از اخلاق و فضیلت را با مبحث سعادت آغاز کرده و راه رسیدن به سعادت را کسب فضایل اخلاقی دانسته اند و معتقدند آن سعادت، کمال عقلی و اخلاقی انسان را در بر دارد.

اما از نظر خواجه نصیرالدین طوسی، راه کسب فضایل اخلاقی و کمال عملی، رعایت اعتدال در همه امور است. از نظر خواجه، انسان با رعایت اعتدال در عملکرد و مقتضای قوای چهارگانه نفس (عقل نظری، عقل عملی، شهوت و غضب) به فضایل چهارگانه اصلی (حکمت، عدالت، عفت و شجاعت) و سپس، فضایل فرعی مندرج در هریک از آنها نایل می شود. خواجه گرچه در طرح نظریه اخلاقی خود تابع افلاطون، ارسطو، مسکویه، ابن سینا،



غزالی و برخی دیگر از فلاسفه است، ولی نکات ابتکاری متعددی نیز در نظریه اعتدال وارد کرده که بر فیلسوفان مسلمان پس از خود اثرگذار بوده است. برخی از این نوآوری‌ها عبارت‌اند از: وارد کردن مفهوم کیفی ردائت در قاعده اعتدال، تقسیم‌بندی جدید از قوای نفس و برشمردن عدالت به مثابه فضیلت قوه عقل عملی. نظام اخلاقی خواجه نصیرالدین طوسی، یک نظام عقل‌گرایانه و فضیلت‌محور است که تلاش می‌کند میان آموزه‌های فلسفی یونان و تعلیمات اسلامی پیوند برقرار کند (سهرابی و اترک، ۱۳۹۱، ص ۱۰۴).

خواجه نصیر، بنیان نظام اخلاقی خویش را بر پایه اثبات وجود جوهری به نام «نفس» استوار می‌کند. وی در کتاب *اخلاق ناصری*، نفس انسانی را از مبادی اخلاق به شمار می‌آورد (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۴۸).

وی معتقد است رذایل اخلاقی همان بیماری‌های نفسانی است و همان‌طور که برای درمان بیماری‌های جسمی از اموری مدد می‌جوییم که متضاد با این بیماری‌ها باشند، برای درمان رذایل اخلاقی نیز باید از اضداد این رذایل کمک بگیریم؛ بنابراین، یگانه راه درمان رذایل اخلاقی که همان بیماری‌های نفسانی هستند، آراسته‌شدن به فضایل اخلاقی است (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۱۶۸).

حسابداران، به‌عنوان کسانی که وظیفه نظارت و گزارش‌دهی صحیح در زمینه امور مالی و اقتصادی را بر عهده دارند، باید از استانداردهای اخلاقی کاملاً مشخص پیروی کنند. با توجه به این نیاز، طرح یک الگوی اخلاقی مبتنی بر اصول خواجه نصیرالدین طوسی می‌تواند نقش مهمی در بهبود عملکرد حرفه حسابداری داشته باشد.

مطالعات نشان داده اخلاق حرفه‌ای در حسابداری می‌تواند تأثیر بسزایی در بهبود شفافیت مالی و کاهش فساد مالی در سازمان‌ها داشته باشد. از دیدگاه گرای و منسون، اخلاق حرفه‌ای، بنیان اعتماد به حرفه حسابداری است و بدون آن، کارکردهای حسابداری و حسابرسی بسیار تضعیف می‌شود (Gray & Manson, 2016, p. 78).



۲. روش تحقیق

این پژوهش، بر مبنای هدف، در دسته پژوهش‌های توصیفی قرار دارد. داده‌های تحقیق از نوع داده‌های کیفی است و به کشف و ارائه الگوی جدید اخلاق حرفه‌ای در حسابداری بر مبنای نظریات فیلسوف اخلاق اسلامی خواجه نصیرالدین طوسی (تحلیل محتوا) پرداخته است. برای ارزیابی کیفیت یافته‌ها از روش بررسی همتایی و ظرفیت‌های علمی خبرگان دانشگاهی و حوزوی بهره‌گیری شده است.

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و معیارهای انتخاب خبرگان بررسی همتایی، به صورت مجزا در جدول ارائه شده است. کفایت بررسی همتایی با راهنمایی و هدایت استادان پژوهش مشخص شد.

۲.۱. روش اجرای پژوهش (تحلیل محتوا)

همان‌طور که پیش‌تر مطرح شد، این پژوهش به ارائه الگوی اخلاق حرفه‌ای حسابداری از دیدگاه فیلسوف ممتاز و منتخب اخلاق اسلامی اختصاص دارد؛ لذا این مرحله از پژوهش با استفاده از تحلیل محتوا انجام شد. تحلیل محتوا، روشی برای تحلیل پیام‌های ارتباطی متنی، شفاهی، صوتی و تصویری است (Cole, 1988).

در این پژوهش از مراحل تحلیل محتوا که نئوندورف (Neuendorf, 2002) مشخص کرده، برای تحلیل و نیل به اهداف پژوهش بهره گرفته شده است. این مراحل در ادامه تبیین می‌شوند:

۱) تعیین محتوا و علت انتخاب آن: در ابتدا با عنایت به اهمیت کشف، بررسی، تحلیل و ارائه اندیشه‌های اخلاقی دانشمندان مسلمان که با الهام از منابع اصیل اسلامی (کتاب و سنت) و در فضای فرهنگ اسلامی پدید آمده و شکل گرفته‌اند، محتوای مضامین مکنون و مشهود آثار فیلسوف ممتاز اسلامی (خواجه نصیرالدین طوسی) بررسی و دیدگاه‌های اخلاقی وی که در کتب و مقاله‌های علمی انتشار یافته و نیز هم‌سو با اهداف پژوهش است، تحلیل شد. فهرست نشریات بررسی شده در این بخش که شامل نشریات معتبر



علمی پژوهشی در سه گروه «فلسفه و کلام»، «علوم تربیتی» و «اخلاق» است، در جداولی ارائه شده است؛

۲) تصمیم‌گیری درباره مفهوم‌سازی: این پژوهش با هدف کشف الگوی اخلاق حرفه‌ای حسابداری صورت پذیرفته و احصای الگوی اخلاقی حسابداری از دیدگاه فیلسوف ممتاز اخلاق اسلامی، مد نظر است؛

۳) تعیین واحد گردآوری داده‌ها، سطح اندازه‌گیری و نمونه‌گیری: گردآوری داده‌های این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای و با بهره‌گیری از منابع علمی هم‌سو با اهداف پژوهش، صورت گرفت. همچنین، برای افزایش دقت، قابلیت اتکا و اعتماد بیشتر یافته‌های پژوهش و کاهش خطر نمونه‌گیری، تمامی منابع در دسترس از ابتدای انتشار هر نشریه بررسی شد و بنابراین، هیچ‌گونه نمونه‌گیری‌ای انجام نشد. برای انجام این مرحله به فهرست سه گروه از نشریات معتبر علمی پژوهشی مراجعه شد. نشریات منتخب عبارت‌اند از: نشریات گروه فلسفه و کلام، نشریات گروه علوم تربیتی و نشریات گروه اخلاق. بدین منظور، به وبگاه تمامی نشریات یادشده مراجعه و با استفاده از کلیدواژه «طوسی»، مقاله‌های مرتبط بررسی شد. اطلاعات کمی به‌دست آمده در این مرحله در جداول ۱ تا ۳ ارائه شده است؛

۴) کُده گذاری با کمک دو کُده‌گذار: در این مرحله، دو کُده‌گذار مستقل از هم، مقاله‌های علمی منتخب که فهرست آن‌ها در جداول آتی آمده است، با هدف ارائه در قالب الگوی اخلاق حرفه‌ای حسابداری از دیدگاه فیلسوف اخلاق اسلامی، بررسی کردند تا ضمن افزایش دقت کُده‌گذاری، روایی پژوهش نیز افزایش یابد و تحلیل محتوا صرفاً مبتنی بر قضاوت یک نفر نباشد. کُده‌گذاران از بین دانشجویان دوره دکتری تخصصی حسابداری انتخاب شدند. پس از انجام محاسبات لازم، میزان توافقات مشاهده‌شده برابر با ۰/۸۱۱ برآورد شد و میزان توافقات شانسی برابر با ۰/۱۸۹ تعیین گردید. با جای‌گذاری این نتایج، مقدار نهایی کاپا به ۰/۷۶۶ رسید که بیش از سطح قابل قبول ۰/۶ است. این موضوع بر



صحت و قابلیت اعتماد نتایج تحقیق تأکید دارد و سبب اطمینان خاطر می‌شود؛ به عبارتی، ضریب کاپا در سطح توافق خوب قرار دارد؛

۵) تهیه جداول و الگوی نهایی طرح: در نهایت طبق تجزیه و تحلیل‌های صورت گرفته و واکاوی آن‌ها توسط کدگذارها، محتواهای استخراج شده برای تبیین الگوی اخلاقی حسابداری بر مبنای آرا و نظریات فیلسوف ممتاز اخلاق اسلامی، دسته‌بندی و برای استفاده بهینه از نتایج، یافته‌های آن به صورت جداول یا نگاره‌هایی سامان یافت؛

۶) پس از انجام تحلیل محتوا و شناسایی و استخراج الگوی اخلاق حرفه‌ای حسابداری از نظر فیلسوف ممتاز ایرانی اسلامی، الگوی استخراج شده در اختیار خبرگان دانشگاهی و حوزوی قرار گرفت تا نظرات آنان از طریق بررسی‌های هم‌تایی در خصوص اعتبار روایی و پایایی پژوهش جلب گردد. تعیین تعداد مورد نیاز و ویژگی‌های عمومی آنان با هدایت راهنمایی استادان پژوهش مشخص گردید.

جدول ۱. فهرست نشریات گروه علوم تربیتی و گزارش کمی مقاله‌های بررسی شده

ردیف	عنوان نشریه	تعداد مقاله
۱	الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی	۲
۲	پژوهش در برنامه‌ریزی درسی	۱
۳	پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی	۲
۴	تربیت اسلامی	۱
۵	علوم تربیتی	۱

جمع

۷

نشریات زبان فارسی در گروه علوم تربیتی مشتمل بر ۶۷ نشریه می‌باشد که تنها پنج نشریه به تبیین آراء فیلسوف مدنظر پژوهش پرداخته‌اند. جست‌وجوی مقاله‌ها با کلیدواژه «طوسی» در تمامی آن نشریات و از اولین سال نشر تا پایان سال ۱۴۰۲ انجام شد و در

نهایت، هفت مقاله گزینش و تحلیل شدند. بررسی کمی مقاله‌ها نشان می‌دهد نشریه‌های *الگوی پیشرفت اسلامی/ایرانی* و *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، هر کدام با دو مقاله در بین نشریات گروه علوم تربیتی دارای رتبه نخست بوده‌اند و این بیانگر اهتمام ویژه آن نشریات به گسترش دیدگاه‌های فیلسوف ممتاز اخلاق اسلامی است.

جدول ۲. فهرست نشریات گروه اخلاق و گزارش کمی مقاله‌های بررسی شده		
ردیف	عنوان نشریه	تعداد مقاله
۱	اخلاق و حیانی	۵
۲	پژوهش‌های اخلاقی	۵
۳	تأملات اخلاقی	۲
جمع		۱۲

نشریات زبان فارسی در گروه اخلاق مشتمل بر پنج نشریه می‌باشد که تنها سه نشریه به بیان آراء فیلسوف مدنظر پژوهش حاضر پرداخته‌اند. جست‌وجوی مقاله‌ها با کلیدواژه «طوسی» در تمامی آن نشریات و از اولین سال نشر تا پایان سال ۱۴۰۲ انجام شد و در نهایت، دوازده مقاله گزینش و تحلیل شدند. بررسی کمی مقاله‌ها نشان می‌دهد نشریه‌های *اخلاق و حیانی* و *پژوهش‌های اخلاقی*، هر کدام با پنج مقاله در بین نشریات گروه اخلاق دارای رتبه نخست بوده‌اند و این بیانگر اهتمام ویژه آن نشریات به گسترش دیدگاه‌های فیلسوف ممتاز اخلاق اسلامی است.



جدول ۳. فهرست نشریات گروه فلسفه و کلام و گزارش کمی مقاله‌های بررسی‌شده

ردیف	عنوان نشریه	تعداد مقاله
۱	آموزه‌های فلسفه اسلامی	۱۷
۲	آینه معرفت	۱۷
۳	الهیات تطبیقی	۳
۴	اندیشه دینی	۴
۵	اندیشه فلسفی	۱
۶	انسان‌پژوهی دینی	۱
۷	پژوهش‌های اعتقادی کلامی	۱
۸	پژوهش‌های فلسفی کلامی	۱
۹	پژوهش‌های مابعدالطبیعی	۱
۱۰	پژوهش‌های هستی‌شناختی	۱
۱۱	پژوهش‌نامه فلسفه دین	۴۷
۱۲	پژوهش‌نامه کلام	۶
۱۳	پژوهش‌نامه کلام تطبیقی شیعه	۶
۱۴	تأملات فلسفی	۸
۱۵	جاویدان خرد	۲۵
۱۶	جستارهای فلسفه دین	۴
۱۷	جستارهایی در فلسفه و کلام	۹
۱۸	حکمت سینوی	۱۲
۱۹	حکمت صدرایی	۸
۲۰	حکمت معاصر	۴
۲۱	حکمت و فلسفه	۷
۲۲	شناخت	۵

ردیف	عنوان نشریه	تعداد مقاله
۲۳	فلسفه	۸
۲۴	فلسفه دین	۴
۲۵	فلسفه و کلام اسلامی	۵
۲۶	قبسات	۲
۲۷	متافیزیک	۲۴
۲۸	منطق پژوهی	۷
۲۹	هستی و شناخت	۲
۳۰	کلام پژوهی	۴

۲۴۴

جمع

نشریات زبان فارسی در گروه فلسفه و کلام مشتمل بر ۴۴ نشریه می‌باشد که از بین آن‌ها، سی نشریه به بیان آراء فیلسوف مدنظر پژوهش حاضر پرداخته‌اند. جست‌وجوی مقاله‌ها با کلیدواژه «طوسی» در تمامی آن نشریات و از اولین سال نشر تا پایان سال ۱۴۰۲ انجام شد و در نهایت، ۲۴۴ مقاله گزینش و تحلیل شدند. بررسی کمی مقاله‌ها نشان می‌دهد نشریه پژوهش‌نامه فلسفه دین با ۴۷ مقاله در بین نشریات گروه فلسفه و کلام دارای رتبه نخست بوده است و این بیانگر اهتمام ویژه آن نشریه به گسترش دیدگاه‌های فیلسوف ممتاز اخلاق اسلامی است.

در ادامه، فهرست مقاله‌های منتخب برای تحلیل محتوای آراء اخلاقی فیلسوف منتخب برای احصای الگوی اخلاق حرفه‌ای حسابداری در جدول ۴ ارائه شده است.



جدول ۴. فهرست مقاله‌های منتخب برای تحلیل محتوای آراء اخلاقی خواجه نصیرالدین طوسی

ردیف	نام نشریه	گروه نشریه	نام مقاله	نویسنده / نویسندگان (سال انتشار)	کد مقاله
۱	اخلاق و حیانی	اخلاق	الگوی رشد اخلاقی از دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی	ابوالحسنی نیارکی و قربانی (۱۳۹۷)	E600
۲	اخلاق و حیانی	اخلاق	بررسی دیدگاه‌های رایج متکلمان معتزله و امامیه درباره تعریف حسن و قبح اخلاقی و نقش خواجه نصیرالدین طوسی	طالقانی و رفیعی (۱۳۹۹)	E601
۳	اخلاق و حیانی	اخلاق	نسبت نظریه اخلاقی خواجه نصیر و نظریات هنجاری فلسفه اخلاق معاصر با تأکید بر اخلاق فضیلت محور	سلیمان میگونی و سعیدی مهر (۱۳۹۶)	E602
۴	تأملات اخلاقی	اخلاق	نوآوری‌های فیلسوفان مسلمان در نظریه اعتدال در اخلاق	اترک و خسروی (۱۳۹۹)	E603
۵	پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی	علوم تربیتی	اهداف، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی	کیانی و بختیار نصرآبادی (۱۳۹۰)	E604
۶	تربیت اسلامی	علوم تربیتی	مقایسه دیدگاه کانت و خواجه نصیرالدین طوسی در زمینه تربیت اخلاقی	رهنما (۱۳۸۵)	E605





ردیف	نام نشریه	گروه نشریه	نام مقاله	نویسنده/ نویسندگان (سال انتشار)	کد مقاله
۷	الهیات تطبیقی	فلسفه و کلام	بررسی معناشناسی مفاهیم اخلاقی از دیدگاه محقق طوسی	احمدی (۱۴۰۰)	E606
۸	اندیشه دینی	فلسفه و کلام	بررسی تأملات خواجه نصیرالدین طوسی در دانش اخلاق	پورحسن (۱۳۸۵)	E607
۹	اندیشه دینی	فلسفه و کلام	بررسی تطبیقی فضیلت گرایی اخلاقی از دید مولانا و خواجه نصیر الدین طوسی	عندلیب و دیگران (۱۴۰۲)	E608

۲.۲. روش‌ها و ابزار تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل یافته‌های اولیه، پس از بررسی مقاله‌های هدف، از کُدگذاری دوفره استفاده شد. با استفاده از روش تحلیل محتوا و بر پایه عملیات برش متن در واحدهای مشخص، به الگوی جدیدی دست یافتیم که منطبق بر نظریات فیلسوف اخلاق اسلامی است.

فیلسوف منتخب این پژوهش (خواجه نصیرالدین طوسی) از بزرگ‌ترین و مشهورترین فیلسوفان اخلاق اسلامی است.

در ابتدا، الگوی مرسوم ارائه می‌گردد و سپس، با تبیین الگوی مبتنی بر نظر خواجه نصیرالدین طوسی، زمینه مناسب برای تحلیل، تطبیق و ادغام این دو الگو فراهم می‌شود.



۳. یافته‌ها

این بخش، برای به‌دست آوردن الگوی اخلاقی حرفه‌ای حسابداری (برگرفته از آراء خواجه نصیرالدین طوسی) تدوین شده است. با توجه به اهداف ازپیش‌تعیین‌شده و با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی (مقوله‌ای)، در این بخش به مرور یکپارچه ادبیات نظری پژوهش و تحلیل یافته‌های آن پرداخته می‌شود تا الگوی جدید که برگرفته از آراء فیلسوف اخلاق است، شکل بگیرد؛ لذا در ادامه، ابتدا به تحلیل محتوا می‌پردازیم تا در نهایت، الگوی به‌دست‌آمده دربردارنده نظریات فیلسوف منتخب باشد.

۳.۱. اصول و مبانی فلسفی آرا و نظریات خواجه نصیرالدین طوسی

مبانی اخلاقی، بنیان‌های نظری، فلسفی و معرفت‌شناختی هستند که نظام اخلاقی براساس آن‌ها شکل می‌گیرد و به‌نوعی در پی پاسخ به این پرسش هستند که «چرا باید اخلاقی بود؟»، درحالی‌که اصول اخلاقی، قواعد و دستورالعمل‌های کلی رفتاری هستند که از مبانی اخلاقی استخراج می‌شوند و در پی پاسخی برای این پرسش هستند که «چگونه باید اخلاقی رفتار کرد؟».

مهم‌ترین مبانی فلسفی اخلاق از نظر خواجه نصیرالدین طوسی عبارت‌اند از: اخلاق به‌مثابه شاخه‌ای از حکمت عملی، اعتدال قوا و نظریه فضیلت، سعادت به‌عنوان غایت اخلاق، تقدم عقل بر شریعت در فهم اخلاق و امکان تربیت اخلاقی (طوسی، ۱۳۶۰، صص ۴۳، ۶۵ و ۷۹).

اخلاق حرفه‌ای در حسابداری، مانند هر نظام اخلاقی دیگر، بر پایه اصول فلسفی شکل گرفته است. خواجه نصیرالدین طوسی که از برجسته‌ترین فیلسوفان و اندیشمندان اسلامی است، در کتاب *اخلاق ناصری*، دیدگاهی فضیلت‌محور و عقل‌گرایانه درباره اخلاق ارائه می‌دهد که می‌توان آن را در طراحی الگوی اخلاق حرفه‌ای حسابداری به کار گرفت. وی تحت تأثیر فلسفه فارابی و ابن‌سینا و با بهره‌گیری از آموزه‌های اخلاق ارسطویی و



نوافلاطونی، اخلاق را شاخه‌ای از حکمت عملی می‌داند که هدف آن، تربیت نفس و برقراری نظم در اجتماع است (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۲۳). از دیدگاه خواجه نصیر، اخلاق مبتنی بر سه اصل کلیدی است:

(۱) عقل‌گرایی و تدبیر عقلانی: طوسی معتقد است عقل، به‌عنوان برترین قوه انسانی، راهنمای اخلاقی برای تشخیص خیر و شر است (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۴۶). در حسابداری حرفه‌ای، این اصل به اتخاذ تصمیمات آگاهانه و مبتنی بر دانش و تحلیل درست داده‌های مالی مربوط می‌شود (Cardinaels, 2008)؛

(۲) اخلاق فضیلت‌محور و تربیت نفس: طوسی بر ایجاد و پرورش فضایل اخلاقی همچون عدالت، صداقت و امانت‌داری تأکید دارد (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۷۹). کاربست این دیدگاه در حسابداری موجب تقویت فرهنگ مسئولیت‌پذیری، شفافیت و مقابله با فساد مالی می‌شود (Duska et al., 2011)؛

(۳) سازمان‌دهی اجتماعی و عدالت مدنی: طوسی، جامعه را مانند یک ساختار زنده می‌بیند که بقای آن به تعادل و رعایت عدالت در روابط اجتماعی و اقتصادی وابسته است (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۱۱۲). در حسابداری، این مفهوم با رعایت انصاف در گزارشگری مالی، رعایت حقوق ذی‌نفعان و مقابله با تقلب مرتبط است (IFAC, 2021).

با توجه به تحلیل مبانی فلسفی خواجه نصیرالدین طوسی، می‌توان نتیجه گرفت اخلاق حرفه‌ای در حسابداری باید بر پایه عقل‌گرایی، فضیلت‌محوری و عدالت اجتماعی بنا شود.

در دنیای امروز که شرکت‌ها با مشکلاتی مانند فساد مالی، نبود شفافیت و بی‌اعتمادی عمومی مواجه‌اند، به کارگیری این اصول می‌تواند نقش مهمی در بازگرداندن اعتماد عمومی به ساختارهای مالی ایفا کند.



۲.۳. اصول و فرایندهای اخلاقی حسابداری برگرفته از آرا و نظریات خواجه

نصیرالدین طوسی

الف) اصول اخلاقی: این بُعد شامل اصول مهم اخلاقی است که از آثار خواجه نصیرالدین طوسی، استخراج و برای کاربری در حرفه حسابداری مناسب‌سازی شده‌اند. مهم‌ترین اصول اخلاقی در این بخش عبارت‌اند از:

- عدالت و انصاف: در تمامی مراحل گزارش‌دهی مالی، ترازنامه‌ها و صورت‌های سود و زیان، باید عدالت رعایت شود؛
 - صداقت و امانت‌داری: اطلاعات مالی باید به‌طور صحیح، دقیق و بدون تحریف ارائه شوند؛
 - مسئولیت‌پذیری: حسابداران باید در قبال تصمیمات مالی و تأثیرات آن‌ها بر ذی‌نفعان اجتماعی، اقتصادی و محیطی مسئول باشند؛
 - شفافیت: ارائه اطلاعات مالی باید شفاف و قابل درک برای تمامی ذی‌نفعان باشد.
- این اصول برگرفته از خواجه نصیرالدین طوسی، به‌عنوان راهنمایی برای رفتارهای اخلاقی در حرفه حسابداری شناخته می‌شوند و باید به‌طور مستمر در روند حسابداری و تصمیم‌گیری‌های مالی لحاظ شوند.

ب) فرایندهای اخلاقی: فرایندهای اخلاقی، به‌عنوان گام‌های اجرایی برای کاربری اصول اخلاقی در عمل، شامل موارد زیر هستند:

- آموزش و آگاهی‌بخشی: برای تأکید بر اصول اخلاقی، باید برنامه‌های آموزشی ویژه برای حسابداران طراحی و اجرا شود تا آنان با مبانی اخلاق حرفه‌ای آشنا شوند (Gray & Manson, 2011, p. 92)؛

- تدوین و شفاف‌سازی اصول اخلاقی: در سازمان‌ها و مؤسسات حسابداری باید کدهای اخلاقی مشخصی براساس اصول خواجه نصیر، طراحی شود و بر آن‌ها نظارت دقیق صورت گیرد (IFAC, 2022)؛



• ارزیابی و نظارت مستمر: ارزیابی‌های دوره‌ای برای نظارت بر اجرای صحیح اصول اخلاقی در گزارش‌دهی مالی و سایر فرایندهای حسابداری ضروری است. این ارزیابی‌ها می‌تواند از طریق ممیزی‌های داخلی یا نظارت نهادهای نظارتی انجام شود (Beneish, 2001, p. 3)؛

• پاسخ‌گویی و شفاف‌سازی: مسئولیت‌های حسابداران در برابر ذی‌نفعان مالی باید به‌طور شفاف و روشن، تعریف شود. حسابداران باید قادر باشند به سؤالات و نگرانی‌های ذی‌نفعان در خصوص اطلاعات مالی پاسخ دهند (Kassem & Higson, 2016, p. 8). این فرایندها نه تنها در اجرای اصول اخلاقی، بلکه در ساختارهای نظارتی و ارزیابی عملکرد حسابداران نیز اهمیت زیادی دارند.

ج) نتایج اخلاقی: نتایج اخلاقی به منزله پیامدهای کاربرست اصول اخلاقی در حرفه حسابداری شناسایی می‌شوند. مهم‌ترین این نتایج عبارت‌اند از:

• افزایش اعتماد عمومی: کاربرست اصول اخلاقی می‌تواند به افزایش اعتماد عمومی به حرفه حسابداری و گزارش‌های مالی منجر شود. این امر، به‌ویژه برای سرمایه‌گذاران، سهام‌داران و سایر ذی‌نفعان، مهم است؛

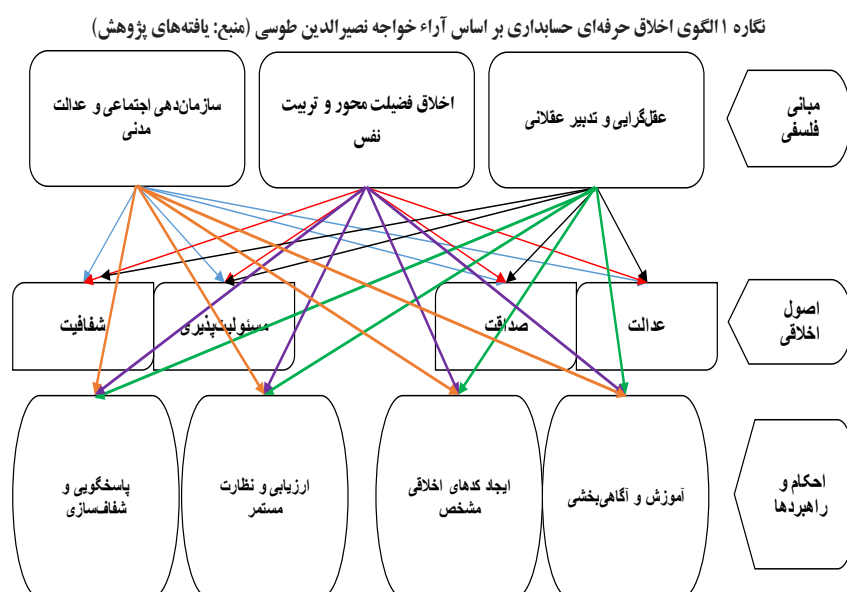
• کاهش تخلفات مالی: رعایت اصول اخلاقی مانند صداقت، امانت‌داری و عدالت باعث کاهش تخلفات مالی، تقلب‌ها و کلاهبرداری‌ها در سازمان‌ها و نهادهای مالی می‌شود؛

• توسعه مسئولیت اجتماعی: کاربرست این اصول، به‌ویژه در ابعاد مسئولیت اجتماعی حسابداری، باعث ارتقای کیفیت زندگی اجتماعی و اقتصادی و توجه به مسائل محیط‌زیستی و اجتماعی در تصمیم‌گیری‌های مالی می‌شود؛

• پیشگیری از بحران‌های مالی: رعایت شفافیت و صداقت در گزارش‌دهی مالی می‌تواند از وقوع بحران‌های مالی ناشی از اطلاعات غلط جلوگیری کند.



- ۳.۳. الگوی بومی اخلاق حرفه‌ای حسابداری براساس آراء خواجه نصیرالدین طوسی
- در نهایت، الگوی پژوهش به صورت یک الگوی چرخه‌ای در نظر گرفته می‌شود که در آن:
۱. اصول اخلاقی (عدالت، صداقت، مسئولیت‌پذیری و شفافیت) به عنوان مبانی اصلی در نظر گرفته می‌شوند؛
 ۲. فرایندهای اخلاقی شامل آموزش، طراحی کدهای اخلاقی، نظارت و ارزیابی مستمر، و پاسخ‌گویی به ذی‌نفعان برای تضمین رعایت اصول اخلاقی، اجرایی می‌شوند؛
 ۳. نتایج اخلاقی در قالب اعتماد عمومی، کاهش تخلفات مالی، مسئولیت اجتماعی و پیشگیری از بحران‌های مالی به دست می‌آیند.



این الگو نیازمند بازبینی و به‌روزرسانی مستمر است تا به‌طور مؤثر در جهت تقویت و اصلاح رفتارهای اخلاقی در حسابداری و کاهش مشکلات اخلاقی در این حرفه عمل کند.

۳.۴. ارزیابی کیفیت الگوی پیشنهادی

ارزیابی کیفیت یافته‌های به‌دست‌آمده از آراء فیلسوف ممتاز (منتخب) شامل الگوی اخلاق حرفه‌ای مبتنی بر دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی به انضمام الگوی مشترک آن‌ها، برعهده خبرگان بود و این خبرگان به بررسی همتایی یافته‌ها پرداختند. اطلاعات جمعیت‌شناختی خبرگان بررسی همتایی (هفت نفر) در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵. خبرگان بررسی همتایی کیفیت یافته‌های پژوهش (بخش: تحلیل محتوا)

ردیف	شرح	مرتبه دانشگاهی	کد	مدرک تحصیلی	جنسیت	سابقه تدریس / تحقیق	تعداد مقاله‌های منتشر شده
۱	عضو هیئت علمی	استادیار	E100	دکتری تخصصی	مرد	۱۳	۲
۲	"	"	E101	"	"	۱۷	۵
۳	"	دانشیار	E102	"	زن	۱۵	۲
۴	پژوهشگر حوزه فلسفه و اخلاق	-	E103	دکتری تخصصی	مرد	۸	۱
۵	"	-	E104	"	زن	۷	۳
۶	استاد حوزوی و محقق مسائل دینی و اخلاقی	-	E105	سطح چهار حوزه	مرد	۱۸	۵
۷	"	-	E106	"	"	۱۰	۲

۳.۵. مزایای الگو

- بومی‌سازی شده و اسلامی: برخلاف الگوهای غربی که عمدتاً مبتنی بر سودگرایی هستند، این الگو بر پایه اصول دینی و اخلاقی استوار است؛
- عملیاتی و کاربردی: با طراحی سازوکارهای اجرایی، این الگو قابلیت اجرا در نهادهای حسابداری را دارد؛





- پویا و قابل اصلاح: این الگو، به عنوان یک سیستم باز، امکان اصلاح و بهینه سازی مداوم را دارد.

الگوی اخلاق حرفه ای حسابداری بر مبنای دیدگاه های فلاسفه ممتاز، با ترکیب اصول فلسفی، اخلاقی و کاربردی، چارچوبی جامع برای ارتقای شفافیت، اعتماد و مسئولیت پذیری، در حرفه حسابداری فراهم می کند. از این الگو می توان به عنوان یک الگوی استاندارد برای تدوین سیاست های اخلاقی در حوزه حسابداری بهره گرفت.

۳.۶. پیامدهای مثبت اجرای الگو

اجرای الگوی پیشنهادی (الگوی اخلاق حرفه ای حسابداری بر مبنای نظریات فیلسوف ممتاز) تأثیرات عمیقی بر عملکرد فردی، سازمانی و اجتماعی می گذارد. در ادامه، پیامدهای مثبت این الگو در پنج حوزه مهم بررسی می شود.

۱) پیامدهای فردی (حسابداران و متخصصان مالی):

- افزایش خودکنترلی و وجدان کاری؛ احساس مسئولیت اخلاقی در حسابداران نهادینه می شود و تمایل به تخلفات مالی از طریق تقویت خودکنترلی افزایش می یابد؛
- تقویت وجهه حرفه ای و اعتبار حسابداران؛ حسابداران اخلاق مدار به عنوان افراد مورد اعتماد جامعه شناخته خواهند شد و امکان ارتقا و پیشرفت حرفه ای سریع تر برای حسابداران متعهد به اصول اخلاقی فراهم می شود.

۲) پیامدهای سازمانی (شرکت ها و مؤسسات مالی):

- افزایش شفافیت و اعتبار مالی شرکت ها؛ دستکاری در گزارش های مالی کاهش می یابد و دقت اطلاعات مالی و همچنین، اعتماد سهام داران و سرمایه گذاران به اطلاعات حسابداری بیشتر می شود؛



- کاهش فساد مالی و تخلفات حسابداری؛ اجرای نظارت‌های اخلاقی مانع سوءاستفاده‌های مالی خواهد شد و شرکت‌ها از خطر دعاوی حقوقی و جریمه‌های سنگین در امان خواهند ماند؛
- بهبود فرهنگ سازمانی و افزایش همکاری تیمی؛ فرهنگ صداقت و شفافیت در بین کارکنان گسترش می‌یابد و تعامل مثبت و اعتماد بین حسابداران، مدیران و ذی‌نفعان بیشتر می‌شود.

۳) پیامدهای اقتصادی (در سطح کلان و ملی):

- افزایش اعتماد عمومی به بازارهای مالی و سرمایه‌گذاری؛ شفافیت در گزارش‌های مالی موجب افزایش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی خواهد شد و ریسک‌های مالی و بحران‌های اقتصادی ناشی از فساد مالی کمتر می‌شود؛
- تقویت نظام مالی و جلوگیری از بحران‌های اقتصادی؛ حسابداری اخلاق‌مدار در جلوگیری از ورشکستگی شرکت‌ها و نابسامانی‌های مالی، نقش کلیدی دارد و بحران‌های مالی ناشی از دستکاری صورت‌های مالی (مانند مواردی که در رسوایی‌های شرکت‌های بزرگ جهانی رخ داده است) را کاهش می‌دهد.

۴) پیامدهای اجتماعی (اثرگذاری بر جامعه و نهادهای دولتی):

- تقویت حس اعتماد عمومی به نهادهای مالی و شرکت‌ها؛ حسابداری اخلاق‌مدار موجب افزایش اعتماد مردم به بانک‌ها، شرکت‌ها و نهادهای مالی می‌شود و همچنین یک نظام مالی پایدار شکل می‌دهد که به نفع کل جامعه است؛
- تقویت مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها؛ شرکت‌هایی که براساس اصول اخلاقی عمل می‌کنند، مسئولیت بیشتری در قبال جامعه احساس می‌کنند و فعالیت‌های خیرخواهانه و عام‌المنفعه از سوی سازمان‌ها بیشتر می‌شود.



۵) پیامدهای بین‌المللی (اثرگذاری در سطح جهانی و اقتصاد بین‌الملل):

• افزایش تعاملات تجاری سالم با شرکت‌های خارجی؛ شرکت‌های بین‌المللی تمایل بیشتری به همکاری با شرکت‌های متعهد به اخلاق حرفه‌ای دارند. با کاربست الگوی اخلاق مدار، امکان ورود به بازارهای بین‌المللی و رقابت سالم برای شرکت‌های داخلی فراهم می‌شود؛

• ارتقای جایگاه علمی و پژوهشی در حوزه اخلاق حسابداری اسلامی؛ الگوی پیشنهادی می‌تواند به عنوان یک نمونه موفق بومی و اسلامی در سطح جهانی معرفی شود و دانشگاه‌ها و مؤسسات مالی می‌توانند از این الگو برای تدوین استانداردهای اخلاقی بین‌المللی استفاده کنند.

در نهایت، با اجرای این الگو، حسابداری از یک حرفه صرفاً فنی به یک مسئولیت اجتماعی و اخلاقی تبدیل می‌شود. این تغییر نه تنها به شفافیت و اعتماد در اقتصاد کشور کمک می‌کند، بلکه باعث بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و بین‌المللی خواهد شد؛ در نتیجه، از این الگو می‌توان به عنوان یک الگوی استاندارد برای اجرای اخلاق حرفه‌ای در حسابداری، هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی، بهره گرفت. اجرای الگوی اخلاق حرفه‌ای حسابداری براساس اندیشه‌های خواجه نصیرالدین طوسی، یک تحول بنیادین در رویکرد حرفه‌ای حسابداران ایجاد می‌کند.

این الگو با ترکیب اصول فلسفی، اخلاقی و کاربردی، چارچوبی جامع برای تقویت شفافیت، مسئولیت‌پذیری و عدالت در نظام مالی و اقتصادی ارائه می‌دهد.

جدول ۶ به مقایسه اصول اخلاقی الگوهای رایج اخلاق حرفه‌ای حسابداری با الگوی پیشنهادی (طبق نظریات خواجه نصیرالدین طوسی) پرداخته است.

جدول ۶. مقایسه اصول اخلاقی

ردیف	اصول اخلاقی	الگوهای رایج اخلاق حسابداری	الگوی پیشنهادی (آراء فیلسوف اخلاق اسلامی)
۱	صداقت و درستکاری	مبتنی بر شفافیت اطلاعات مالی	علاوه بر شفافیت، بر نیت اخلاقی و وجدان فردی تأکید دارد.
۲	بی طرفی و عدالت	رعایت اصول بی طرفی در گزارشگری مالی	نه تنها در گزارشگری مالی، بلکه در تصمیم گیری های اقتصادی و توزیع ثروت نیز عدالت رعایت می شود.
۳	مسئولیت اجتماعی	تأکید بر رعایت حقوق سهام داران و سرمایه گذاران	حسابداری به عنوان یک مسئولیت اجتماعی و اخلاقی در برابر جامعه در نظر گرفته می شود.
۴	حرفه ای گری و شایستگی	تأکید بر دانش و مهارت های حرفه ای	علاوه بر مهارت های فنی، به تزکیه نفس و تهذیب اخلاقی حسابداران نیز توجه می شود.
۵	رازداری	حفظ محرمانگی اطلاعات مالی شرکت ها	فرا تر از رازداری، بر امانت داری در همه ابعاد شغلی و اجتماعی تأکید می شود.
۶	پایبندی به قوانین و مقررات	رعایت مقررات و استانداردهای حسابداری برای جلوگیری از تخلفات مالی	در کنار رعایت قوانین، به درونی سازی اصول اخلاقی و دینی اهمیت داده می شود.





نتیجه گیری

پژوهش حاضر، با بررسی پژوهش‌های مرتبط با آراء فیلسوف ممتاز اخلاق اسلامی (خواجه نصیرالدین طوسی) در نشریات گروه فلسفه و کلام، علوم تربیتی و اخلاق (از ابتدای انتشار تا سال ۱۴۰۲) و گزینش آراء اخلاقی آنان، به الگوی جدیدی برای اخلاق حرفه‌ای حسابداری دست یافت. الگوی اخلاق حرفه‌ای حسابداری با تبعیت بر آراء خواجه نصیرالدین طوسی، یک رویکرد جامع و همه‌جانبه است که به‌طور هم‌زمان به اصول اخلاقی، دینی و فلسفی پرداخته و در پی ارتقای کیفیت و اعتبار حرفه حسابداری در سطح جهانی است. تحلیل آثار خواجه نصیرالدین طوسی نشان داد اصول اخلاقی اسلامی می‌توانند مبنای یک چارچوب بومی برای حرفه حسابداری باشند. در مقایسه با استانداردهای بین‌المللی، دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی، تأکید بیشتری بر عدالت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری اخلاقی و پرهیز از فساد مالی دارد.

براین اساس، الگوی پیشنهادی این پژوهش می‌تواند به کاهش تخلفات مالی، افزایش شفافیت و تقویت اعتماد عمومی به نظام اقتصادی کمک کند. این یافته‌ها براساس تحلیل و استنباط دقیق از آراء خواجه نصیرالدین طوسی و ارتباط آن با مسائل اخلاقی حرفه حسابداری، نشان‌دهنده قابلیت داشتن اصول اخلاقی طوسی برای طراحی یک الگوی اخلاقی مؤثر و جامع برای این حرفه است. با این حال، مسائلی از قبیل مقاومت فرهنگی، فشارهای اقتصادی و نیاز به اصلاحات قانونی برای اجرایی شدن در دنیای معاصر وجود دارد.

در پایان، دو پیشنهاد ارائه می‌شود که اولی کاربردی است و دومی جنبه تحقیقاتی دارد:

- طراحی و اجرای دوره‌های آموزشی برای حسابداران؛ یکی از گام‌های اساسی در اجرای این الگو، آموزش مستمر و آگاهی‌بخشی به حسابداران در خصوص اصول اخلاقی است. باید دوره‌های آموزشی خاصی با تمرکز بر اصول اخلاقی خواجه نصیرالدین طوسی مانند صداقت، عدالت، مسئولیت‌پذیری و شفافیت طراحی و در دانشگاه‌ها، مؤسسات

حسابداری و سازمان‌ها برگزار شود. این دوره‌ها باید جنبه‌های عملی اصول اخلاقی را در حرفه حسابداری شرح دهند و حسابداران را برای مواجهه با مسائل اخلاقی در دنیای واقعی آماده کنند؛

- انجام پژوهشی با عنوان تأثیر پابندی به اخلاق حرفه‌ای در کاهش فساد مالی و حسابداری؛ مبحث پیشنهادی با پرسش اصلی «چگونه پابندی به الگوی اخلاق حرفه‌ای اسلامی می‌تواند فساد مالی را کاهش دهد؟» طرح ریزی می‌شود و راهبرد انجام آن بررسی تجربیات شرکت‌ها و سازمان‌هایی است که اصول اخلاقی اسلامی را در مدیریت مالی خود رعایت کرده‌اند.





کتابنامه

قرآن کریم.

آقایی، محمدعلی و رضا حصارزاده (۱۳۹۱)، «الگوسازی مفهومی اخلاق در حسابداری و پیمایش دیدگاه حسابداران»، *اخلاق در علوم و فناوری*، سال ۷، ش ۳، ص ۵۲-۶۱.

ابدالی لرکی، حدیث (۱۳۹۵)، «جایگاه اخلاق در حسابداری و حسابرسی»، کنفرانس بین‌المللی ایده‌های نوین در مدیریت، *اقتصاد و حسابداری*، دوره ۱، ص ۱-۲۵.
ارسطو (۱۳۸۶)، *اخلاق نیکوماخوس*، ترجمه و شرح مجتبی مینوی، تهران: خوارزمی.

اعظمی، حسین (۱۳۸۳)، *خواجہ نصیرالدین طوسی، زندگی و اندیشه*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

بنتام، جرمی (۱۳۸۹)، *مقدمه‌ای بر اصول اخلاق و قانون‌گذاری*، ترجمه علی اکبر صالحی، تهران: نشر دانشگاهی.

تفکری، محمدرضا (۱۳۹۶)، *اخلاق حرفه‌ای و افشاگری*، تهران: نگاه دانش.
جفری، سر و مک کورد (۱۳۸۱)، «تنوع و کثرت واقع‌گرایی اخلاقی»، ترجمه سیدعلی اکبر حسینی، معرفت، سال ۱۱، ش ۶۱، ص ۵۷-۷۰.

دادگر، یدالله (۱۳۸۵)، «اخلاق بازرگانی (و کسب و کار) از منظر اقتصاد و اقتصاد اسلامی»، *پژوهش‌نامه بازرگانی*، ش ۳۸، ص ۷۸-۱۲۰.

داروال، استیون، آلن گیبارد و پیتیر ریلتن (۱۳۸۱)، *نگاهی به فلسفه اخلاق در سده بیستم*، ترجمه مصطفی ملکیان، تبریز: نشر سهروردی.

راولز، جان (۱۳۷۳)، *نظریه عدالت*، ترجمه علی اکبر فرهنگی، تهران: نشر نی.

روسو، ژان ژاک (۱۳۷۸)، *قرارداد اجتماعی*، ترجمه حسن فتحی، تهران: نیلوفر.

ریچاردز، جیمز و استوارت رایت (۱۳۹۸)، *عناصر فلسفه اخلاق*، ترجمه عبدالرضا قلی‌پور، تهران: نشر نی.



سرلک، نرگس (۱۳۸۷)، «اخلاق حسابداری»، *اخلاق در علوم و فناوری*، سال ۳، ش ۱ و ۲، ص ۷۱-۸۲.

سلامتی، مصطفی (۱۳۹۰)، *اخلاق حرفه‌ای و نقش آن در ارتقای کیفیت خدمات*، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.

سهرابی، رضا و حسین اترک (۱۳۹۱)، «تیین مبانی و ساختار نظام اخلاقی خواجه نصیرالدین طوسی»، *پژوهش‌های فلسفی کلامی*، سال ۴۵، ش ۲، ص ۹۱-۱۱۸.

شجاعی، سیدحمید (۱۳۹۹)، «بازخوانی اندیشه‌های خواجه نصیرالدین طوسی و کاربرد آن در اخلاق حرفه‌ای»، *معرفت/اخلاقی*، سال ۱۴، ش ۵۶، ص ۶۹-۸۲.

طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۶۰)، *اخلاق ناصری*، تصحیح و مقدمه مجتبی مینوی، تهران: خوارزمی.

طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۷۳)، *اخلاق ناصری*، ترجمه و تصحیح مجتبی مینوی و علینقی منزوی، تهران: خوارزمی.

طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۸۶)، *اخلاق ناصری*، تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران: خوارزمی.

فرامرز قراملکی، احد (۱۳۸۶)، *اخلاق حرفه‌ای*، تهران: الهدی.

کانت، امانوئل (۱۳۸۳)، *بنیاد متافیزیک اخلاق*، ترجمه محمدرضا کاتبی، تهران: نشر نی.

مهدی‌زاده، محمدصادق (۱۳۹۷)، *اخلاق حرفه‌ای در اسلام؛ مبانی، ساختار و الزامات*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

نمازی، محمد، حسین رجب‌دری و اعظم روستا میمن‌دی (۱۳۹۶)، «بررسی تعداد و تحلیل محتوای مقاله‌های مرتبط با اخلاق حرفه‌ای حسابداری در ایران».

پیشرفت‌های حسابداری، دوره ۹، ش ۱، ص ۱۹۲-۲۲۶.

doi:10.22099/jaa.2017.4214

هابز، توماس، (۱۳۸۰)، *لویاتان یا ماده، صورت و قدرت دولت کلیسایی و مدنی*، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی.

Beneish, M. D. (2001). "Earnings management: A perspective". *Managerial Finance*, 27(12): 3-17.

Cardinaels, E. (2008). "The interplay between cost accounting knowledge and presentation formats in cost-based decision-making". *Accounting, Organizations and Society*, 33(6): 582-602. <https://doi.org/10.1016/j.aos.2007.07.003>

Cole, F. L. (1988). "Content analysis: Process and application". *Clinical Nurse Specialist*, 2(1), 53-57. <https://doi.org/10.1097/00002800-198800210-00025>

Duska, R., Duska, B. S. & Ragatz, J. (2011). *Accounting Ethics*. Wiley-Blackwell.

Gray, I. & Manson, S. (2011). *The Audit Process: Principles, Practice and Cases*. 5th Edition. Cengage Learning EMEA.

Gray, I. & Manson, S. (2016). *The Audit Process: Principles, Practice and Cases*. 6th Edition. Cengage Learning.

International Federation of Accountants (IFAC) (2021). *Handbook of the Code of Ethics for Professional Accountants*. IFAC.

International Federation of Accountants (IFAC). (2023). *Code of Ethics for Professional Accountants*.

International Federation of Accountants (IFAC). (2022). *Handbook of the International Code of Ethics for Professional Accountants*. IFAC.





- Kassem, R. & Higson, A. (2012). "The New Fraud Triangle Model. *Journal of Emerging Trends in Economics and Management Sciences*", 3(3): 191-195.
- Kassem, R. & Higson, A. (2016). "External auditors and corporate corruption: Implications for external audit regulators". *Accounting Research Journal*, 29(1): 8-34.
- Neuendorf, K. A. (2002). *The content analysis guidebook*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
- Rawls, John (1971). *A Theory of Justice*. Harvard University Press.
- Sikka, P. (2009). "Financial scandals, accounting regulation and the audit profession". *Accounting Forum*, 33(3): 268–288.

Editorial Board (in alphabetical order):

Alizadeh, Mahdi

Assistant Professor of the Islamic Science and Culture Academy

Azarbayjani, Masoud

Associate Professor of the Institute of Hawzah and University

Diba, Hossein

Assistant Professor of the Islamic Science and Culture Academy

Safouraie Parizi, Mohammad Mahdi

Associate Professor at the Higher Education Complex of Islamic
Humanities, Al-Mustafa International University

Habibollahi, Mahdi

Assistant Professor of Bagher-'Oloom University

Hadi, Asghar

Assistant Professor of the Islamic Science and Culture Academy

Salarifar, Mohammadreza

Assistant Professor of the Institute of Hawzah and University

The Reviewers of this Issue:

Sayyed Hasan Eslami Ardakani, Sayed Mohammad Kazem Qahfaroukhi,
Mohammad Fouladi Venda, Saeed Khani, Hassan Serajzadeh, Ali
Shirvani Shiri, Mohsen Rezaei Aderyani, Hossein Diba, Faezeh
Taghipour, Zeinab Rostami, Asghar Hadi



Islamic Sciences and Culture Academy
Institute of Family and Theology

Journal in Applied Ethics Studies
Vol. 15, No. 3, Fall 2025
(81)

Publisher: Islamic Preaching Office of the Qom Islamic Seminary

Editor-in-Chief:
Ahmadian, Abdorrasool

Managing Editor
Hadi, Asghar

Executive Director
Khani, Saeed

Tel: 031-32344410 (EX7321) PO Box: 81465-697 Fax: 031-32208005

Jf.isca.ac.ir • akhlagh@dte.ir



